

از آن میان این را

(جیل)

آن بود که از آن کسی

آن میان این را

(جیل)

مایل
دکتر محمد علی شریعتی







از آستارا تم اسکار با د

(جلد اول)

آثار و بنای ملکی کیلان بیهقی

ناشر

دکتر منوچهر سوده



این کتاب با همکاری
معاونت فرهنگ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

به جای رسمیده است.

(گنجینه ایران ۱۱۱۵ شماره ۲۰)

مدیر فنی: حسین آبویزاده

ستوده، منوچهر، ۱۳۹۲ -

از آستانرا تا استاریاد / تألیف منوچهر ستوده - تهران: آگاه: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی؛ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴ -

چ: مصوب، نقشه

ISBN 964-416-021-5 (vol.1)

چاپ اول: جلد اول، انجمن آثار ملی، ۱۳۶۹، تحت عنوان «از آستانرا تا استاریاد»
متروجانات: چ. ۱. آثار و بنایهای تاریخی گیلان بیهقی،
۱. گیلان - آثار تاریخی، ۲. مازندران - آثار تاریخی، ۲. گرگان - آثار تاریخی، الف. ایران -
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی. به: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،
چ: عنوان. د.

۲ سو ۲۴ الی ۲۰۸۳ / DSR ۹۵۵/۲۰۹۲

۱۳۷۴

کتابخانه ملی ایران

۵۶۰.۸ - ۵۷۴



دکتر منوچهر ستوده

از آستانرا تا استاریاد

(جلد اول)

آثار و بنایهای تاریخی گیلان بیهقی

(چاپ اول تابستان ۱۳۶۹)

چاپ دوم زمستان ۱۳۷۴، بیوگرافی کوهزنک

چاپ ثالث، محقق ایران کتاب

تعداد: ۲۲۰۰ نسخه

حصه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۰-۲۱-۰۴۱۶-۳ (جلد ۱) ISBN 964-416-021-5 (vol.1)

دیباچه

بِنَامِ پُرورِ دگار بخششایندۀ میربان

پس از حمد و شناسی خدای تعالی و دودخدا و فراوان بسیار بسلامان حضرت محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسالم (ص) کتاب حاضر که حاوی اطلاعات
برو طبی آثار باستانی و ادبی های فارسی واقع قدرت سالی از نواحی جنوبی های خوزاست بعرض اثر رواستخا و ملاق مندان گذارده می شود.
سراسر خلک کیلان و مازندران و گرگان که از رو زگاران قدیم نام دارالمژبدان داده اند از چند جست ایست ایین

فراوان دارد.

خت تا گماز بزرگ ایران سال پیش اتوام تمن آریانی در دشت اوزدها و کوهپایه های آن سکونت گزیده
آثار هنری و فرهنگی از زمانه از خود بجانساده اند گرد و سای متعدد باستان شناسی ایرانی و غیر ایرانی شخص کاوش های شروع شد
خود نخست های بسیار چشم گیر و ممی از آنها را پیدا کرده و مورد بررسی ای طلی قرار داده اند و نویزه های کوکون زیاد و جا سب بقیه از
آنها بم آنون زینت بخش بوزنه ایران باستان بوده و گواهی براین حقیقت است.

کشور ادب زنگ کافون ریشه های گرف از تمن و خشان چنانچه که تمام سرزمین های شمال غربی قسمت هم شمال ایران
باستان را در داشت بلطفا شال اسنانهای کتوئی کیلان و مازندران و گرگان بزم بود و بعیض از اسی سرک از تمن و سیح و گومند
چنانچه دهیم نواحی شالوده گذاری شده است.

دومین عامل برگزینیده بمنزله دارالمرز و شیوه مهاری خاص آنسا جلوه کری می‌کند آشنا یان به بزرگای مهاری ایسل ایران بخوبی دوچور دارند که طورگلی می‌توان مهاری ایران زمین را پرداز و گونه‌گذاشتگان شخص دانست:

گوزایی از آن مهاری محلمای است که محمد م از داشتن آب کافی و دفع اقیمی سا عدیده آفتاب در خشان و آب
هوای خشک و گرمای شدیده است و سرماهی شدید زستان و ثرات دیگر حائل از پیشین و پیش غممه موابع طبیعی چنان ناخالی بشار
می دهد و در تیرچه چوکنی ساختمانها و اصول مهاری این گونه محلمای دخور به مکونه آب و هوا ترتیب یافته است که اینکه کرانه های کویر دیگر
نهاده اکثری و خاور ایران نموده باشند تا شخص ترخیص مهاری را می نامد.

گونه‌ی کرمانی نعلی که بر اثر آب و باری مسحود رطوبت فراوان دارد کی شترارت با انسانها و حکایتی بیشتر دارد پیره‌ی
از وضع خوب نخواهد شد متفق بندیمای زیبای سلیمانی و استاده از مشتیون و تیره الوارده و پنجه و صندوق نفت دیگر آثار پویم در
آنها فروخته اند که قدر است و طایفه مختلف خوب مهاری را طبعاً توان در این دامنه ایران دریافت.

پیشگیری نشست ها و آداب پیش از اسلام ایران با آنچه در حدود اسلامی و روزگار گذشته دو بسیاری باز زیارتگاه‌ها و اماکن تبرک کیلان می‌گذرد (وازانین بایتی تو اون گفت و چه شرک گفتگفت گلگزی بایسیاری از گذشته باز زیارتگاه‌های بعضی نواسی دیگر ایران خصوصاً سرزمین زید و دارود) امام برخی از جماعت آن سالان که یادآور دوران انسانی پیش از اسلام است فتح مخصوصی زیارتگاه که به نام زیارت دستخط شناخته شده است و بسیاری نگاتس جانب توجه یکدیگر درباره امامزاده‌ها می‌کیلان و مستحبات مردم آن مرزو و بوم در این زمینه عوامل اختصاصی دیگری است که پیش از پیش ابیت استان کیلان را از جمله بازی مخلص آیینی نهاده و خواندنگاه کرایی در مقدمه و متن کتاب توحیح کافی و مشایرت درباره هر گفت از این نگاتس را مدحی یافته.

با این نظر کریم، پسندید و سعی داشت آبادان نواحی جنوبی مدیایی خزر و لزووم بررسی و معرفی آثار باستانی و اسنکنده‌های باستانی خراودان آن منطقه

پس از درطبعاً انجام پذیری خدمت اساسی با تدوین یکت جلد کتاب صورت پذیرفته شد و اشنایندگان آقای دکتر نژاد چهارخونه
اساتید محترم آمیخت و در اتکاوه تهران و از فروردان فرزانه شال ایران که خود مدرسی پژوهش و آشنایاد علاوه بر منابع بزرگ مطابر آمیخت و
فرنگی می‌باشد چهار زمانه نگرد آوری مطابق مسوده دایین زمزمه تایف چند کتاب دایین باره را به من دشوار بسای آن پذیراً شدند و
بنویسیل با همکاری پژوهش خوش دام اجرایی تحقیق از مدف دیرین آنچن آثار و مخادر فرنگی به جای است پاکسازی کامل این آنچن
را فراهم ساختند و بنابراین خطا مدد کردن کم کی از آنست اما آثار باور ابراهی تایف پژوهش خود بگزینید که لایکت
نمی‌شوند می‌دان حادی بررسی‌ها و انتسابی مربوط به سه پیکسلان (نمای قصت غربی) بیان از آنست اما که این نماید رو دکه بیین نام از
دوران انسانی بسیار قدیم دست کتب و توانی معرفی شده است از نظر دوستداران شیخگان پذیرفته شده است.

با شکر موافق داشتند پژوهشک و کاوه گراز جلد کتاب تایف سایر مجلدات صور و نظر و انجام و بنای خدمت پژوهش
نیز زد و ترویج شایسته باقتضا طلاق مندان پذیرفته شد ایشان خوشود و به جای است اسناد افزوده اند آنچن آثار و مخادر
فرنگی را فراهم فرمایند.

بند کرد
آنچن آثار و مخادر فرنگی



فهرست بخش‌های کتاب

- ۱- مقدمه
یاکت - نوزده
- ۲- کتابشناسی گیلان و مازندران و گرگان
بیست - شصت و دو
- ۳- فهرست نامهای کتبی که جزء منابع و مأخذ این کتاب است شصت و سه - شصت و پنج
- ۴- مختصری از جغرافیای تاریخی و انسانی گیلان
۷ - ۱
- ۵- بخش پنجم، جغرافیای تاریخی آستانه
۱۰ - ۸
- ۶- آثار و بناهای تاریخی آستانه
۲۳ - ۱۰
- ۷- عکس‌های مربوط به بخش آستانه از شماره یاک نا دوازده
۳۵ - ۲۴
- ۸- بخش دوم، جغرافیای تاریخی کرگان رود
۳۸ - ۳۵
- ۹- آثار و بناهای تاریخی کرگان رود
۵۰ - ۳۸
- ۱۰- عکس‌های مربوط به بخش کرگان رود از شماره ۱۳-۳۰
۶۸ - ۵۱
- ۱۱- بخش سوم، جغرافیای تاریخی اسلام
۷۰ - ۶۹
- ۱۲- آثار و بناهای تاریخی بخش اسلام
۷۴ - ۷۰
- ۱۳- عکس‌های مربوط به بخش اسلام از شماره ۳۱-۳۷
۸۳ - ۷۵
- ۱۴- بخش چهارم، جغرافیای تاریخی تالش دولاب
۸۵ - ۸۳
- ۱۵- آثار و بناهای تاریخی بخش تالش دولاب
۹۲ - ۸۵

- الف -

- ۱۶- عکس‌های مربوط به بخش نالش دولاب از شماره ۳۸-۵۰
- ۱۷- بخش پنجم، جغرافیای تاریخی شاندرمن
- ۱۸- آثار و بناهای تاریخی شاندرمن
- ۱۹- عکس‌های مربوط به بخش شاندرمن از شماره ۵۱-۵۴
- ۲۰- بخش ششم، جغرافیای تاریخی ماسال
- ۲۱- بناهای و آثار تاریخی ماسال
- ۲۲- عکس‌های مربوط به بخش ماسال از شماره ۵۵-۵۹
- ۲۳- بخش هفتم جغرافیای تاریخی ماسوله
- ۲۴- آثار و بناهای تاریخی ماسوله
- ۲۵- عکس‌های مربوط به بخش ماسوله از شماره ۶۰-۷۲
- ۲۶- بخش هشتم، جغرافیای تاریخی فومن
- ۲۷- آثار و بناهای تاریخی بخش فومن
- ۲۸- عکس‌های مربوط به بخش فومن از شماره ۷۳-۹۱
- ۲۹- بخش نهم جغرافیای تاریخی گسکر
- ۳۰- بناهای و آثار تاریخی گسکر
- ۳۱- عکس‌های مربوط به بخش گسکر از شماره ۹۲-۱۰۹
- ۳۲- بخش دهم، جغرافیای تاریخی شفت
- ۳۳- آثار و بناهای تاریخی شفت
- ۳۴- عکس‌های مربوط به بخش شفت شماره ۱۱۰
- ۳۵- بخش یازدهم جغرافیای تاریخی تولم
- ۳۶- آثار و بناهای تاریخی بخش تولم
- ۳۷- عکس‌های مربوط به بخش تولم شماره ۱۱۱
- ۳۸- بخشدوازدهم جغرافیای تاریخی چهارفریضه
- ۳۹- بناهای و آثار تاریخی بخش چهارفریضه

- ۴۰- عکس‌های مربوط به بخش چهار فریضه از شماره ۱۱۲-۱۱۴ ۲۴۲-۲۴۰
- ۴۱- بخش سیزدهم، جغرافیای تاریخی موازی ۲۴۹-۲۴۳
- ۴۲- بناها و آثار تاریخی بخش موازی ۳۲۴-۲۴۹
- ۴۳- عکس‌های مربوط به بخش موازی از شماره ۱۱۵-۱۱۶ ۴۲۲-۳۲۵
- ۴۴- بخش چهاردهم جغرافیای تاریخی لشتنشاه ۴۲۵-۴۲۳
- ۴۵- بناها و آثار تاریخی بخش لشتنشاه ۴۴۰-۴۲۵
- ۴۶- عکس‌های مربوط به بخش لشتنشاه از شماره ۲۱۶-۲۳۵ ۴۶۰-۴۴۱
- ۴۷- بخش پانزدهم، جغرافیای تاریخی رودبار و رحمت‌آباد ۴۶۳-۴۶۱
- ۴۸- آثار و بناهای تاریخی شهرستان رودبار و رحمت‌آباد ۴۸۰-۴۶۳
- ۴۹- عکس‌های مربوط به رودبار و رحمت‌آباد از شماره ۲۳۶-۲۴۷ ۴۹۲-۴۸۱
- ۵۰- بخش شانزدهم، جغرافیای تاریخی عمارلو ۴۹۵-۴۹۳
- ۵۱- آثار و بناهای تاریخی عمارلو ۵۰۱-۴۹۵
- ۵۲- عکس‌های مربوط به بخش عمارلو از شماره ۲۴۸-۲۵۴ ۵۰۸-۵۰۲
- ۵۳- تصحیحات - اضافات - تعلیمات ۵۱۲-۵۰۹
- ۵۴- اصطلاحات فنی و لغات محلی که در این کتاب به کار رفته است ۵۱۹-۵۱۳
- ۵۵- فهرست نامهای کسان - جایهای - خاندانها - نیروهای - کتابهای ۵۸۹-۵۲۰



مقدمه

خداو ندا در توفیق بگشای

سه سال پیش که انجمن آثار ملی به فکر افتاد ، اطلاعاتی درباره آثار باستانی و بنای‌های تاریخی حاشیه در بای خزر گردآوری و چاپ کند «قرعه قال به نام من دیوانه زدند» و مرآموم را اجام این کار کردند.

نگارنده در تابستان همان سال به نواحی کوهستانی روی آورد و یکی دو ماه در دیلمان و کلارستاق و نور و کجور و لاریجان به گردآوری مطالب و عکس بردازی و نقشه کشی و خواندن کتیبه‌ها و سنگهای قبور قدیمی پرداخت . معلوم شد اگر روزی این کار سامانی پذیرد و آنچه از نوشته‌اند ، نوشته شود ، متنوی هفتاد من کاغذ شود .

نامه‌ای به انجمن نوشت و بادآورشد که این کارد رزمانی محدود به انجام ت Xiao هد رسید و در صفحاتی محدود ت Xiao هد گنجید . ریاست هیأت مدیره انجمن - جناب سپهبد فرج الله آقاولی - با گشاده روئی و گشاده دستی ، دست هرا باز گذاشتند و از قید تکنای صفحات مقرر و محدود آزادم کردند . از اینرو بهمبدأ و آغاز کار که رودخانه آستارا بود روی آوردم و دره‌های فرعی سمت راست آب را که در خاک ایران است ، یکی پس از ذیگری با پای بیاده پیمودم و به نسبت وضبط آثار و بنای‌های تاریخی مشغول شدم . بررسی بخش آستارا پس از یک ماه و نیم به پایان رسید . پس به نواحی پنجگانه نالش نشین که سابقاً « خمسه طوالش » می‌خواندند ، با گذاشتم و کرگان رود و اسلام و نالش دولاب و شاندرمن و ماسان

راده بهده و کوی به کوی رفتم و آنچه بنا و آثار تاریخی بود، از نزدیک دیدم. کنار یکابیک رودخانه‌هایی که اثری تاریخی یا گورستانی قدیمی داشت، تا آخرین سرچشم آب که بر قله‌های رشته اصلی البرز بود، پیاده یا بر پشت اسبهای راهوار محلی بالا رفتم و آنچه بود، از نزدیک مطالعه و بررسی کردم.

پس از بخش‌های پنجگانه تالش‌نشین، نوبت به مناطقی که در زمینه‌ای هموار گیلان است، رسید و بخش‌های فومن و شفت و تولم و چهار فربند و خمام و موازی و کوچصفهان و سنگر، از زیر چشم گذشت و هر جا آجری برآجری یا سنگی بر سنگی گذاشته بودند یادداشت کردم.

از رشت «به مرغزار دریم و طرف سفیدرود» آمد و کهدم و روبدبار و رحمت- آباد و عمارلو را روستا به روستا گشتم و آنچه دیدم و شنیدم، نوشتم، تا این مجموعه فراهم آمد که اکنون به پیشگاه اهل علم و تحقیق عرضه می‌گردد.

در این سفرها، همواره توفیق رفیق راه نبود. شرح رویدادها و گرفتاریها نیز در این مختصر جای مناسبی ندارد. همین قدر بگویم که برخوردها و سوء ظنها و محبت‌های افراد، در ذهن نگارنده، اثری محو شدنی بر جای گذاشته است. یکی پیش‌می‌افتد و به دورترین نقطه راهنماییم می‌کرد. یکی مرا تعزیه خوان می‌داشت. دیگری گنج کیمی خواند. چهارمی می‌کفت که برای خریداری- خاکی آمده است. پنجمی مرا مأمور اداره اوقاف می‌دید و از کمی زائر و نذر و نیاز می‌نالید، «هر کسی از ظن خود شد یارمن». دو سه‌بار، کار از گفتگو به- مجادله و مخاصمه کشید، بدرازداری مهی محل پناه برم و از هعرفی نامه و سفارش- نامه‌هایی که انجمن داده بود، استفاده کردم.

گاهی در جوش کار گرفتار بارندگی می‌شدم و از کار باز می‌ماندم. یکبار پس از باران خوردن فراوان، خود را به ماشین رساندم سیلاپ داخل اطاق و موافر آن شده بود و همین امر مرا دوسروز معطل و سر گردان کرد.

در سفری که به اتفاق مهندس پرویز فروزی برای نفعه برداری به قلعه رو دخان می رفته از بالای پلی چوبین که به عرض چهل سانتیمتر و به طول سی متر بود . باسر به داخل آب افتادم و غولهای چند خوردم . آب در دوربین عکاسی اثر کرد و آن را از کار آنداخت . دفتر بزرگ یادداشت هم روی آب می رفت که همراهان و راهنمایان ، آن را گرفتند .
گرماهی روزهای تابستان و بودن آب گوارا و حمله حشرات گوناگون در شب ، از گرفتاریهای جانفرسای گیلان است .

شرح این هجران و این خون‌جکر این زمان بگذار تا وقت دکتر با اینهمه نگارنده‌هایی نیست کار مطالعه و بررسی خاک گیلان را از نظر تحقیق آثار و بنای‌های تاریخی تمام کرده است . خودمی‌داند که این بررسی ، کاری بسیار خام و ابتدائی است . شاید بتوان آن را فهرستی از محلهای تاریخی و آثار بازمانده قدیمی دانست . اگر روزی این کتاب راهنمایی برای هیئت‌های علمی مجهز و باستان‌شناسان با تصریح به شد ، آن وقت است که نگارنده اجر و یاداش خود را یافته است .

بنای‌های تاریخی گیلان زیاد قدیمی نیست

بارندگی‌های فراوان ، هوای بسیار منطب و درختان چنگلی متنوع ، آفتهای بزرگ بنای‌های تاریخی ناحیه گیلان بوده و هست . خشت در صفحات خشک ایران یعنی حاشیه کویر صدها سال دوام می‌آورد . اما آجر و سنگ در صفحات گیلان عمر زیاد ندارد . در اینجا نباید در پی بنای‌های پانصد شصصد ساله بود ، زیرا کمتر بنایی هر قدر هم محکم ساخته شده باشد ، می‌تواند در مقابل عوارض جوی و وضع اقلیمی گیلان پایدار و استوار باشد . در این سرزمین بنای‌های صد و دویست ساله را باید قدیمی دانست و به ثبت و ضبط آن پرداخت . زیرا زمانی نخواهد گذشت که از این‌ها نیز اثری بر جای نخواهد ماند .

باران و رطوبت دائمی ، مصالح بنا را نرم می‌کند و می‌پوساند و آنچه

چهار

نرم و دو سیده شد، فرومی ریزد و بنا به تلی قبدهای می شود و چیزی امی گذرد که درختان جنگلی و بوتهای پر خار، روی این تل رامی کیرد و اثری جز بی آمدگی مختصری بر جای نمی ماند.

عجیب تر اینکه بر بام بناهایی که بریا هستند، درختان مختلف جنگلی، خصوصاً درخت انجیل می روید و رسیدهای قطاور و توانای آنها، در میان ملاط فرسوده فرومی رود و آجر و سنگ را از ملاط جدا می کنند و بکی پس از ذیگری فرو می افتد و بنا بدین ترتیب در مدت کمی از میان می رود.

دسته بندی بناهای تاریخی

آب و هوای وضع اقلیم در طرح و مصالح بناهای تاریخی بسیار مؤثر بوده و شکل بناهای را دگر کون کرده است، تا جایی که هیچ گونه شباهتی میان بناهای تاریخی منطقه کیلان و بناهای تاریخی سایر نقاط ایران نیست. گاهی، تنها چوب، مصالح اصلی بنای مدارس و مساجد است و دوام چوب هم در نقاط مناطق زیاد نیست. از گنبدهای کاشی کاری زیبا و گلدسته های بلند هر چیز در اینجا نشانی نمی را بید. شاید بتوان طرح بناهای تاریخی مناطق خشک تر، نظیر رودبار و رحمت آباد و عمارلو را همانند سایر مناطق ایران دانست زیرا در این صفحات گنبدهای کاشی کاری و تزئینات بیشتری در بناهای دیده می شود. اما رویهم رفته طرح بناهای تاریخی کیلان بسیار ساده است و خارج از شکل مربع یا مستطیل نیست. بناهای تاریخی سرزمین کیلان را می توان به ترتیب زیر دسته بندی کرد:

- ۱- مدرسه ها - مسجد ها - امامزاده ها و بقعه ها و آستانه ها و تربت ها، شامل قبور امامزادگان، شیوخ، پیران، درویشان، میران، بابایان، (۱) شاهان (۲)، سلطانان (۳)، مقابر بزرگان و سران قوم - چله خانه ها - خانقاوهای - نگره ها - کاروانسراها - حمامها - بازارها - شهرهای قدیمی مثل گوراب گسکر - خانه های قدیمی بزرگان - بناهای دولتی نظیر: دارالحکومه، باستیان، توپخانه -

پنجم

قلعه‌ها_قلعه کل‌ها^(۱)_پلهای_مناره‌ها_راه‌های ناظیر راه شاه عباسی_کورستانهای قدیمی که به قبور گبری معروفند.

در بیهقی و بیهقی پیش گیلان به شش «زیارت دستخط» برخوردم که شاید ناظیر آنها را در سایر نقاط ایران نتوان یافت. در این گونه زیارت‌ها، قرآنی عظیم، مجدول و مطلا با خطی خوش، در جعبه‌ای نگاهداری می‌شده است. برای این جعبه صندوقی ساخته‌اند و آن را مانند مرقد راه بافتگان به حق، زیارت می‌کنند در دوزیبار نگاه، قرآن در جعبه‌ای بود و جعبه در بنائی چوبین و بلند که زائران بدان دسترسی نداشتندواز پائین، دبوار و پایه‌های بنا را زیارت می‌کردند. می‌کویند این قرآن‌ها به خط علی بن ابی طالب علیه السلام ویکی دو تن از ائمه اطهار سلام الله علیهم‌عاست. در صیقلان تولم برای این گونه قرآن مسجدی ساخته‌اند و به نام «مسجد آقا پیله قرآن» یعنی «مسجد آقا قرآن بزرگ» می‌خوانند. قرآن نه منی چماچای شفت که به اعتقاد مردم آن سامان بات برگ آن نه من و قمام اوراق و جلد آن نیز نه من است، امامزاده نعمان که امروز «شاهزاده احمد» می‌خوانند، به وجود آورده است. بدفتر آنی که در «زیارت دستخط» کشتفومن باشد، اما جز خیات به او نکرد.^(۲) قرآنی که در «زیارت دستخط» کشتفومن بوده، به بخارفته است و امروز قرآنی چابی به جای آن نهاده‌اند.

در خاک بیهقی گیلان، کمتر به بنای‌های هشت ضلعی یا شش ضلعی برخوردم. فقط بنای بقعة عون بن محمد بن علی علیه السلام و حرم بقعة خواهر امام در شهر رشت و حرم بقعة امامزاده فاسد در چولاب کوچصفهان و مقبره زرین تاج در گورستان منجیل به شکل هشت ضلعی بناشده است.

۱ - کل بضم کاف در زبان گیلکی به معنی «آید» است. بیشتر این تپه‌ها خاک برزهای دستی است که بعداً بر بالای آن قلعه ساخته‌اند.

(۲) تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی چاپ نگارنده ص ۷۰.

شش

فقطهای مختلف بنای مساجدی که در شهرها وجود دارد از این قرار است :

قسمت اصلی مسجد که ععمولاً مردان در آنجا اجتماع می کنند - غرفه زنانه - حوضخانه که هر کثر تطهیر و تجدید نموده است - ابیار - کفش کن - در بعضی مساجد اطافی برای خادم نیز بنا کرده اند.

نگارنده در هر یک از این بنایها ، آنچه قابل ذکر بود ، در کتاب حاضر یاد آورشد. چگونگی بنارا شرح داد و تزئینات خارجی و داخلی آن را نگاشت. اگر طرح بنایی نازه بود و اختلافی با سایر اینهای داشت ، نقشه آن رارسم کرد. صندوق و ضریح را اندازه گرفت و نوع جوب و کنده کاری و مشبك کاری و قاب و گره هر یک را نوشت . علمها و توغهای بقعه هارا عکس برداشت و یکایک آنها را شرح داد . آداب علم بندی و علم راجینی و روزهای آنها را در هر امامزاده یادداشت گرد . اگر به رسمی عجیب یا مستثنی غریب ، در این محلهای متبرک برخورد ، یاد آور شد . درختهای عظیم هر بقعه را اندازه گیری کرد . مطالب سنگ قبرها و شاندها و نقوش روی آنها را نقل نمود و تا آنجا که مقدور بود ، به گردآوری مطالب مختلف که در متن کار نبود ، دست زد ، زیرا دست یافتن به بیشتر این بنایها دور - افتاده ، برای همه کس میسر و مقدور نیست .

در امامزاده ها چه می گذرد؟

بیشتر مردم ده نشین کیلان تا امروز در مرحله پرستش «تو تم» هستند. در کیلان هنلی سایر است که «هرجا پیله پیله داره - او نجه گیلکان مزاره» یعنی هر جا درختان بزرگ و تنومند است ، آنجا پرستشگاه و زیارتگاه گیلکهاست. تا امروز درختان بزرگ جنگل ، مثل بلوط و آزاد دردشت و درختان زبان گنجشک و امواج سرو کوهی در کوهستان ، مورد تعظیم و تکریم اهالی است . اطراف آنها چرا غ روش می کنند و شمع می افروزند و به شاخه های نازک آنها دخیل

هفت

می بندند و آنها رابه نام «آقادار» و «آفاسور» و «آفاریس» و نظایر آنها می خوانند.

همین درختان با گذشت زمان به امامزاده تبدیل می شوند و در ظرف پنجاه سال اخیر، در حدود ده درخت که را بینودر کتاب گیلان خود به نام «مزار» خوانده و در زمان وی جز درختی تنوعمند چیزی دیگر نبوده است، امروز کنار آنها بنائی ساخته اند و به نام امامزاده حسن و امامزاده ابراهیم و نظائر آنها نام گذاری کرده اند^(۱).

در نقاط کوهستانی، کوهی عظیم با قله ای بلند و نوک نیز نظر ساکنان را به خود کشیده و محل مبارک برای ایشان شده است. بر بالای این قلل معمولاً بنائی می سازند و نام امامزاده بر آن می گذارند و لذر و نیاز خود را بدانجامی می نند. گالستان که از قشلاق به بیلاق می روند، شیریک روز گاو آن را گوسفندان خود را به این امامزاده هامی بخشند تا در طول تابستان گله های ایشان گرفتار ناخوشیهای گوناگون نشود. در سراسر تابستان نیز چند سر از این جانداران رابه امامزاده می آورند و قربانی می کنند و گوشت آنها را به زائران باعتولی می دهند.

در بعضی از این بقاع هنوز سنه و رسوم هزاران سال پیش گیلان بدون تغییر و تبدیل دیده می شود. معمولاً روز زوار کشی^(۲)، بازاری محلی در این بقاع بر پا می شود. فروشندهان متاع خود را از دور ترین لفظه بدینجامی آورند و خریداران، نوتن و بهترین لباسها را می پوشند و روی به این نقاط یاقله های دورافتاده می کنند. در آنجا نه تنها اجنس و کالاهای مورد نیاز زندگی روزمره خرید و فروش می شود، بلکه بالاترین سرمایه آدمیان که عشق و محبت است نیز بازاری گرم و رایج دارد. دختران دم بخت با چهره های گلگون و قائمهای رسا، لباسهای زیبا ورنگار نگه محلی را به آن گرد و از عصر روز پیش بهزیارت می آیند.

(۱) نگارنده در متن به باره ای از آنها اشاره کرد.

(۲) روزهای معینی از سال را مردم بهزیارت امامزاده معینی می دهند و آن روز را روز زوار کشی آن امامزاده می خوانند.

هشت

پس ان لیز سروصورت می آرایند و چموش باناآوه^(۱) می کنند و پیاده یا بر پشت اسب ، خود را به امامزاده می رسانند . گاهی از یک دهکده ، در حدود بیست نفر پسر و دختر باهم به راه می افتدند و اگر تاریکی فرار است و شب هنگام به زیارت امامزاده اورستند ، بر سر چشمها ی یاروی چمنزاری به زیارت یکدیگر می رستند . «چه خوش بود که برآید به یک کر شمه دو کار» مقدسی که در سال ۳۷۵ قمری^(۲) خود شاهد و ناظر رسمی ، همانند آداب کنونی بوده است می نویسد : «ولهم اسوق على أيام الجمعة في السهل ، لكل قريبة يوم ، فاقافر غوا انحاز الرجال والنساء الى معزل يتصارعون فيه ورجل جالس معه حبل ، كل من غالب عقدله عقده . فاذاهوى الرجل امرأة راح معها ، فيتقاها اهلها بالبشر والثرب ويتباهاون به اذا رغب في كرمهم ، فيضيقوه ثلاثة ايام ، تم ينادي المنادى بعدهما اجتمع معها اسبوعا في عمارة له بمعزل فيجتمعون ويختلطون .» یعنی (ساکنان دیلم) روزهای جمعه در اراضی هموار ساحلی بازارهایی دارند . در هر دهکده روزی معین ، این بازار بروپامی شود . چون خرید و فروش بیان رسد ، مردان وزنان برای کشتی گیری در گوشهای جمع می شوند . مردی در آنجا نشته وطنایی دردست دارد . برای کسی که در کشتی غالب شود ، گرفتار به این طناب می زند . اگر مردی زنی را بخواهد با او می رود . منسوبان زن این عمل را خوب می دانند و با گشاده روائی نلقی می کنندوا اگر به با غایشان بروند می باهات و مفاخر می کنند . سه روز ایشان را «همان می کنند . پس از آنکه پاک هفتنه مرد با زن در عمارتی که در خلوت - گاه است گذراند جارچی جار می زند ، مردم گرد می آیند و برای ایشان خانه می سازند .

(۱) چموش کفشهای چرمی گیلان و باناآوه مج بیج مانندی است که به ساق پامی بیچند .

(۲) شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابوبکر البنا الثاني المقدس البشّاری متولد سال ۳۳۵ قمری کتاب «احسن التفاسیم فی معرفة الانزالیم» خود را در سال ۳۷۵ قمری از مسوده پاکنوبیس گرد و در سال ۳۷۸ تجدید امثال کرد .

بکی از طوابیف زرمنی که در دامنه های آلپ در قسمت آلمان نشین سوئیس زندگی می کنند نظیر این سنت را دارند و معتقدند که هر کس بالانر از ارتفاع معینی از این کوه گناهی مرتكب شود، خدای بزرگ او را می بخشداید و در نامه اعمال از آن باد نمی کند. دختران و پسران، دست در دست خود را، کشان کشان به بالای این کوه میرسانند و کام دل از یکدیگر می گیرند. آیا منشا این رسم و سنت همانند که در دو گوشه مختلف جهان است می تواند بکی باشد؟

اما امزاده های دور افتاده، بیمارستان و داروخانه ساکنان دهکده های اطراف است. هر دم دور افتاده از پیشات و دارو، درمان هر گونه مرض خود را از این امزاده ها می خواهند. تور و کچی^(۱) وزکیل دار دسلول و کور و افلنج و کسانی که گرفتار انواع امراض جلدی هستند، همه به این امزاده ها پناه می آورند. هر یک نیازی می آورد و متوجه به یکی از این امزاده ها می شود و شفای خود را از او می جوید. معتقدند گل پاره ای از این امزاده، شفابخش همه گونه ناخوشیها است. گذشته از آدمیان، امراض گاو و گوسفند و چهار پایان بار کش را نیز معالجه می کند. زنان نازا، تخم مرغی را تزئین می کنند و دور آن را با ابریشم می بافند و به درو دیوار امزاده می آورند تا بجهدار شوند. در پاره ای از امزاده ها سنگهای بداعمال عجیب است که در آنها چاله های کوچکی است. آب در آنها می دیزند و با سنگ کوچک دیگری می سایند و مایعی به رنگ شیر به دست می آید، برای بیماران می بردند تا بخورند و شفا یابند و برای تندرستان می بردند تا بخورند و گرفتار امراض نشوند. روی صندوق اغلب امزاده ها، فسیلهای گوناگون متعلق به ادوار مختلف زمین شناسی دیده شد.

برای پاره ای از امزاده ها، زائران از پیر و جوان و بزرگ و کوچک،

۱- تور در گیلکی به معنی خل و دیوار است و کچی به کسی گویند که عذالت صورت او به علی منطبق شده و دهانش را کج کرده است.

شاخه گوچکی از کیش (= شمشاد جنگلی) از اطراف خانه خود را از سر راه به دست می گیرند و بعدها ان «بر گه سبزی» به امامزاده می آورند و به نزد آیوان آن می زنند یا روی صندوق می گذارند^(۱).

هذا یائی که بعدها نیاز به امامزاده ها داده می شود، عبارت از پول نقد، انواع پارچه های رنگین یا سیاه، نخی یا ابریشمی، نفت، شمع، ابریشم کلاف شده، شیر، فربانی و نظایر آنهاست.

دو بیشتر امامزاده ها شاخ گوزن (= گنج گاو) بر درختان حیاط، یا در آیوان یا داخل حرم بربوار است. بر پاره ای از صندوقها، شاخ گوزن یکی دو ساله نیز دیده شد. در کوهستانهای بی درخت و بی جنگل که مرگ زندگی این حیوان نیست، شاخ بز کوهی همین اهمیت و احترام را دارد. در حفاریها و گندوکاوهایی که در کوهستانهای مختلف این صفحات کردند، مجسمه سفالی و فلزی گوزن بدست آمده است. ظاهراً این حیوان، از قدیم الایام در این سرزمین مورد تکریم بوده است.

علم - عالم بندی - علم و اچینی

بیشتر امامزادگان علمی مخصوص دارند. از ستونهای جلاوا بیان امامزاده، دوستون را هر یعنی و منتش می کنند و دو چوب منقوش افقی بر بالای بدنه آنها می کوبند و چوب چهار پنج هتری کنده کاری شده علمرا روی آنها فراز می دهند. در بیشتر بقعه ها، روز اول محرم، مراسم علم بندی برپا می شود. غذای مفصلی تهیه می کنند و سینه زنان پس از سینه زدن، چوب علم را می آورند و عده ای به خانه متولی می روند و پنجه علم و پنجه هایی که در آنها انواع پارچه-

۱- یک هفته قبل از جشن برخاستن مسیح از مردگان که روز بکشنه برپا می شود، ارامنه در کلسا جمیع می شوند و گشیش شاخه های شمشاد را که بر آنها دعا خوانده است به دست حاضران می دهد. ایشان شاخه های شمشاد را به خانه می آورند و در اطاق خود می گذارند تا خشک شود.

یازده

های رنگین قیمتی است می آورند ، پسچه را بر سر چوب علم نصب می کنند و پارچه را یکی پس از ذیگری بر چوب علم گره می زنند . علم از لاغری بیرون می آید و هیکل قطعه و تنومندی پیدا می کند . بعد آن را در جلو در ورودی بقعه به یکی از سوها می بندند . در طول دهه محرم ، علم نیز در آداب و رسوم عزاداری شرکت داده می شود و هر کس پارچه ای نذر آن کرده است می آورد و روزی سایر پارچه ها می بندند .

سراجام روز علم و اجینی می رسد . معمولاً^۱ علم را روز سوم امام یعنی سیزدهم محرم ، یاروز قتل امام حسن که روز بیست و هشتم صفر است و امی چینند . و اجیدن نیز نظیر علم بستن آدابی دارد . غذائی آماده می کنند ، سینه ای می زنند و پارچه هارا یکی پس از ذیگری از چوبه علم باز می کنند و در بقجه ها می گذارند و به خانه متولی می برند .

در بعضی امامزاده ها ، واجیدن علم را به سرخر من و دوران چیدن برنج می گذارند . ظاهراً گرفتاری و اشتغال رعایا را سبب نگهداری علم تا این وقت می دانند . ولی احتمال می توان داد که در ایام گذشته در این موقع جشنی نظیر جشن محصول برداری فرنگیان^(۱) در این صفحات معمول بوده است ، به این سبب علم را تا آن وقت نگاه می دارند تا در مراسم محصول برداری نیز شرکت داده باشند .

این گونه علمه هارا نگارنده هر جا دیده ، توصیف کرد و اگر مشخصاتی داشت عکس برداری نمود و در کتاب نشان داد ، علم قدیمی بقعة آفاسید زکریا ، در سنته دیم خشک بخار خمام و علم مسجد جامع امشه ، در امشه سنگر و علم بقعة آفاسید مهدی ، در استلک لشتنشاه و علم بقعة سید علی کیا ، در ازدها بلوچ لشتنشاه که بیشتر شباهت به توغ دارد از علمه های ظریف و دیدنی است .

۱- این جشن را به انگلیسی ' Thanks giving day ' می خوانند .

دوازده

قدمت بناهای تاریخی بیه پس گیلان تا چه پایه است؟

مراکز اصلی تمدن گیلان را باید در دامنه ارتفاعات رشته البرز، یا بس بالای تپه‌های دستی یا طبیعی حوالی جلکه گیلان جستجو کرد. این تپه‌ها که نظیر آنها در مازندران و گرگان بیز فراوان است، به نام «قلعه کل» خوانده می‌شوند. امروز از قلعه‌های که براین بلندیها بوده است، نشانی نیست. درختان و علفهای بلند جنگلی بکسره روی این تپه‌هارا پوشانده و هیچ‌گونه نشانی از نهفته‌های درون آنها پدیدار نیست. نگارنده یکابک این تپه‌ها را که از ازدیک مشاهده کرد، شرح داد و نام عددی از آنها را با ذکر محل آنها، در فهرستهای آخر هر فصل آورد.

باک دسته از بناهای هیچ‌گونه تاریخی ندارد، ولی سبک بنا حکایت از گذشته‌ای بسیار دور می‌گند. از آنها می‌توان اسبیه مزگت کیش خاله دیناجان و قلعه لیسار را در نومندان لیسار نام برد. از این دو بنای بگذریم، سایر بناهای که تاریخی در آنها دیده شد از این قرار است:

- ۱- بقعة تاج الدین محمود خیوی در لیبر محله آستارا ۷۳۶ قمری
- ۲- بقعة سید امیر کیا = مدفن جانباز بن شرف الدوله ۸۲۷ *
- ۳- تاریخ وقفا نامه قرآنی که بری سلطان دختر سلطان محمد دخان وقف بقعة سیدعلی کیا کرده و فعلا در بقعة فیله است ۹۰۱ *
- ۴- تجدید بنای قلعه رو دخان به امر حسام الدین بن امیره دجاج بن امیره علاء الدین اسحقی ۹۱۸ *
- ۵- سنگ قبر میرزا محمد بن قبادجان در بقعة پیر قطب الدین تزدیک دهکده با غچه سرای آستارا ۹۴۲ *
- ۶- انعام بنای بقعة آکاشاه در رو دبرد سنگر ۹۲۰ *
- ۷- تاریخ اتمام صندوق سلیمان داراب در ذی الحجه ۹۵۳ *
- ۸- انعام بنای بقعة عون بن محمد بن علی علیه السلام در ماسوله

سیزده

- به سعی ملک خلیل بن خبر بیک ٩٦٩ فمری
- ۹- سنگ قبری در بقعة سلطان سید حاجی محمود مرندی ٩٨٤ *
- ۱۰- سنگ قبر بدیع الزمان میرزا در بقعة فیلهه بنجم شهر جمادی الاولی ٩٨٦ *
- ۱۱- سنگ قبر ملک ابوالقاسم در بقعة سلطان سید حاجی محمود منندی ٩٩٥ *
- ۱۲- سنگ قبر ترک خانم دختر برج علی تبریزی در بقعة عون بن محمد بن علی علیه السلام ٩٩٥ *
- ۱۳- سنگ قبر هاشم بیک بن میرم بیک در بقعة عون بن محمد بن علی علیه السلام در ذی القعده ٩٩٧ *
- ۱۴- بنای گنبد سلطان سید حاجی محمود مرندی به دستور امیره قی تی دختر سلطان محمدخان در هشتم ماه رجب ٩٩٨ *
- ۱۵- سنگ قبر میرم دختر میر خلیل متولی در بقعة عون بن محمد بن علی علیه السلام ١٠٠٤ *
- ۱۶- کتبه صندوق سید ابو жеفر در شهر رشت که امروز از میان رفته است ١٠٠٩ *
- ۱۷- تاریخ انعام ضریح مشیک عون بن محمد بن علی علیه السلام در ماسوله ١٠١٥ *
- ۱۸- سنگ قبر بی بی رحمت دختر حاجی هادی ملکی در دهکده خشت مسجد کوچسنهان در ماه ربیع الاول ١٠٢٣ *
- ۱۹- سنگ قبر شاه منصور بن شاه ملک آقا در بقعة فیلهه در بیست و یکم مهرم الحرام ١٠٢٩ *
- ۲۰- سنگ قبر محمد بدیع بن محمد اسماعیل در بقعة عون بن محمد بن علی علیه السلام در ماسوله ١٠٥٦ *

چهارده

- ۲۱- بنای سردر ساقی هزار در جو رش لشتنشاه ۱۰۵۵ فمری
- ۲۲- سنگ قبر محمد علی بن محمد امین زاویه در بقعة سلطان حاجی سید محمود مرندی در حرزوبل ۱۰۵۷
- ۲۳- سنگ قبری بر دیوار در درودی بقعة عون بن محمد بن علی علیه السلام در ماسوله ۱۰۶۰
- ۲۴- تاریخ محجر شبکه‌ای امامزاده شفیع بن موسی الكاظم علیه السلام در دهکده قشلاق نشین امامزاده شفیع شاندرون ۱۰۷۳
- ۲۵- سنگ قبر میرزا رحیم خان ولد میرزا کبیر خان در بقعة فیله‌ده در تاریخ شنبه بیستم شهر ربیع الاول ۱۰۸۰
- ۲۶- تاریخ بنای دروازه حرزوبل ۱۰۹۰
- ۲۷- تاریخ بنای مسجد صاحب الزمان در ماسوله ۱۱۱۷
- ۲۸- سنگ قبر آقا محمد زکی بن محمد فاسم در بقعة عون بن محمد بن علی علیه السلام در تاریخ بیستم شهر ربیع الاول ۱۱۶۷
- ۲۹- فرمان تولیت قربت فوشہ جدد رنگ کی تول کیلان هشتپر مورخ ۱۱۷۱
- ۳۰- تاریخ و فضای قرآنی که میر فاسم فیله‌دهی بر بقعة فیله‌ده وقف کرده است. ۱۱۹۴
- ۳۱- سنگ قبر محمد حسن خان ولد حاجی معصوم کسمائی در رجب ۱۱۹۵
- ۳۲- تاریخ بنای گلستانه مسجد ساغری سازان در شهر رشت ۱۲۰۴
- ۳۳- سنگ تاریخی بنای مسجد جامع جو رش لشتنشاه مورخ ۱۲۰۶
- ۳۴- تاریخ انسام صندوق میر شاه محمود در دهکده بیخان گفته لشتنشاه ۱۲۴۰
- ۳۵- تاریخ بنای محراب مسجد مستوفی در شهر رشت ۱۲۴۲

پائزده

- ۳۶- تاریخ اتمام در دولتی بقعه سید عباس و سید اسماعیل در محله ساغری سازان شهر رشت ۱۲۴۳ قمری
- ۳۷- سنگ قبر کلنوم دختر میر قاسم در بقعه فیلهه ۱۲۵۰ *
- ۳۸- تاریخ سنگ لعنت نامهای در بقعه سید احمد در گیلوای کوچفهان ۱۲۵۵ *
- ۳۹- تاریخ فرمان ناصر الدین شاه بر کتبهای سنگی در بقعه خواهر امام در شهر رشت ۱۲۷۲ *
- ۴۰- تاریخ بنای بقعه سید قاسم بن هوسی الکاظم علیه السلام در دهکده چولاب کوچفهان ۱۲۸۲ *
- تواریخ دیگری مؤخر بر سال ۱۲۸۲ که در بنایها دیده شد، در این کتاب آمده است، از آنجا که زمان زیادی بر آنها نگذشته است در این مقدمه یادآور نشده‌یم.
- نام تعدادی از بقاع بادآور دورانی است که هنوز دین میان اسلام در کوه و دشت کیلان رواجی نداشته است. نامهای بقاع زیر را می‌توان جزء این گروه دانست:

- ۱- هزار لاله‌شوی در شهر رشت که ظاهرآ بقعه خواهر امام بجای آن بنا شده است.
- ۲- ساقی مزار در جورش لشنه شاه که محل قدیمی بقعه آقا سید محمد رضاست.
- ۳- بقعه دوالکوه بر مرز آلبان و قیان
- ۴- سلطان برز کوه بر سامان اسلام و تالش دولاب
- ۵- گلی لرز در خشابر تالش دولاب ییلاقی
- ۶- بابا بلندی در دو فرسخی لعیر محله آستانه
- ۷- بابا مرزی در گنار رو دخانه و بزاه
- ۸- آکاشا^(۱) در رو دبرده سنگ و نظایر آنها

توضیحی درباره بقاع متبرک کیلان

پیش از اینکه شاه عباس اول به فکر برانداختن خان احمد خان بیفتند

۱- در متن کتاب احتمال دادم که این نام با «عکشه» از بساط دارد.

شانزده

و طرحی برای ازهیان برداشتن بازماندگان خاندان اسحقی و تجاسی و آوزو و ده
و حانعی و سایر امرای محلی گیلان بریزد، بیشتر اهالی گیلان زندی مذهب
بودند، بازماندگان اسحاقیان نیز تا این تاریخ در صفحات دیلمان و رو دبار
دیده می شدند ولی هیچگاه قدرت زیادی به دست نیاورده و مر کر فرمائروا لی
برای خود ناخته اند.

شرط امامت در مذهب زید بن علی عليه السلام خروج بالسیف و داشتن
خاصیات خمسه است. هر کس که شمشیر می کشید و سلط می بافت و خصایل خمسه
در او جمیع بود، مفترض الطاعه و نافذ الحکم بود. سکنان خاک یه پیش گیلان،
پیش از زمان سیدعلی کیا، مذهب زیدی داشتند. هنگامی که او از تنکابن به
لاهیجان آمد «فقها و صلحاء وداعیان شرع شریف و مقتیان دین حنیف، مجموع،
مقدم شریف آن حضرت را مقتنم شمردند و بیعت کردند و امام و مقتدای خود
دانستند و مجموع بر آن فائل شدند که آنچه شرط امامت است در مذهب زید بن
علی عليه السلام که خصایل خمسه است، در او موجود است.^(۱) عده ای از بقاع
هبتبرک امروز، مقابر اولاد و احفاد این گونه امامان است.

پس از سلط صفویان، بازار صوفیان صافی و شیعیان دوازده امامی رواج
پیدا کرد. ایشان نیز به بقاع امامزادگانی که مورد علاقه شان بود، توجه کردند
و برای آنها صندوق و ضریح ساختند و در موادری چند نیز قبور فرستادگان
یا امرای لشکر ایشان که در خاک گیلان چشم از جهان فرو بسته، یا به دست سران
محلي کشته شده اند، زیارتگاه عمومی شد.

در همین ایام، تعدادی از مزارهای قدیمی که مورد علاقه مردم گیلان بود،
با تغییر اسم و انتساب به یکی از سادات، زیارتگاه شیعیان گردید. از اینها
می توان مزار جاباز بن شرف الدوله را بادآور شد که به نام سید امیر کیا خوانده
شده است.

۱- تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۴۱.

هدفه

به احتمال قوی، زیارتگاههایی که به نام «زیارتگاه دستخط ائمه اطهار» شهرت دارد، نیز در همین تاریخ به وجود آمده است.

توضیح بیشتر درباره پیدایش امامزاده‌ها و زیارتگاهها، خصوصاً آنچه مربوط به پس از دوران صفویان است از حوصله و هدف این مقدمه بیرون است.

هنر اسلامی در بیهق پس گیلان پوشینه چندانی ندارد

سنگ ظریف تنها بنای قدیمی بخش آستارا یعنی بقعة شیخ ناج الدین محمود خیوی، به دست استاد شرف الدین عنمان بن جمال شیرازی حک شده است. سنگ هر هر قبر میرزا محمد بن فیادجان مورخ ۹۴۲ که در بقعة پیر قطب الدین در دهکده با غچه‌سرای آستارا است، نظیر سنگ مرمره‌ای است که در بقعة عون بن محمد بن علی علیه السلام در ماسوله و بقعة فیله رودبار و بقعة سلطان حاجی سید محمود مرندی در حرزویل نیز دیده شده است. این سنگها که تعداد آنها به تعداد انگشتان دو دست نمی‌رسد، متعلق به خارج خاک بیهق پس گیلان است. یعنی در آذربایجان و زنجان و فروزن حک کرده و بدین تقاطع آورده‌اند. زیرا در صفحات نامبرده این گونه سنگها فراوان است و معدن آن هم در آن سر زمینه است.

پای که از بخش آستارا بیرون گذاریم، به پنج ناحیه تالش نشین می‌رسیم. پایه زندگی و امرار معاش تالشان تا امروز هم گله‌داری است. ایشان برای گیاه‌خوار و علف‌جر، ششم‌ماه از سال را دردشت و ششم‌ماه دیگر را در کوه‌های گذراند و کمتر متوجه آثار هنری یا معماری بوده‌اند. اگر «اسپیه‌هزکت» را در کیش خاله دیناچال ندیده انگاریم، هیچ‌گونه اثر معماری قابل ذکر در این پنج بخش نیست. آگاهی‌ها از «اسپیه‌هزکت» نیز نارساست. زیرا از نام بانی و مباشر و معمار آن خبری نداریم و نمی‌دانیم که این اثر هنری زاده ذوق و استعداد چه کسانی است. چون تالشان را در سایر شاخه‌های هنری ضعیف می‌بینیم نمی‌توانیم یقین داشته باشیم که طرح و تزئین این مسجد را ذوق و استعداد تالشان به وجود

هیجده

آورده باشد.

از منبت کاری و مشبك سازی، آثار هنری زیبادی در گیلان بیهی پس دیده نشد. عجیب ترین کار چوب تراشی را در بقعة محمود شاه دینوری و ظریف ترین حکم را ابر صندوق سلیمان داراب و در درودی بقعة سید عباس و سید اسماعیل در شهر رشت می‌توان دید. مشبك کاری بقعة پیر شرفشاه و مادرش و بقعة جور شر اشتنشاه در بقعة سلطان غریب بعده نیز قابل ذکر است.

کچ بر بهای ظریف و پیر کار، در بیهی پس گیلان دیده نمی‌شود. کچ بر بهای خانه سردار و مسجد صفی و مسجد حاجی صمدخان ظاهرآ کار یک استاد یا به تقلید یکدیگر کار شده است. این کچ بر بهای در رشت، اما خالی از عظمت و ابهت نیست. کچ بری تالار دونخت خوابی منزل سردار و کچ بر بهای تالار منزل میرزا علی آقا مقیعی، ظریف و قابل ذکر است.

نقاشیهای رنگ و روغن سقف تالار دونخت خوابی منزل سردار و نقاشیهای سقف و رفهای منزل سید اسماعیل حسینی خیابوی در رشت، از نقاشیهای خوب دوران فاجاری است. این نکته نیز ناگفته نمایند که خانه‌های زیبای مسکونی شهر رشت به دست اهالی بنا نشده است و چنان‌که صاحبان آنها اظهار می‌کردند، بنایان و نجاران و نقاشان آنها اهل اصفهان و تهران بوده‌اند.

کاشی سازی در اوایل دوران فاجار، در شهر رشت رونقی داشت و حاجی یوسف و دوسرش به ساختن انواع کاشی دست زده‌اند. ادامه عجیب در این صنعت، هنری نشان نداده‌اند.

از ترس اطالة کلام، سخن را بدینجا ختم می‌کند و دنباله این بحث را در مقدمه مجلد دیگر که در باره آثار و بناهای تاریخی بیهی پیش گیلان است، ادامه خواهد داد. زیرا این از اتفاق قسمت دوم این کتاب، تمام آثار و بناهای تاریخی خاک گیلان مطالعه و بررسی شده است. آنوقت است که می‌توان به دقت قضاؤت و اظهار نظر، اطمینان بیشتری داشت. از خدای بزرگ برای آغاز و بیان مجلد دیگر باری می‌جوید.

نوزده

اکنون که کار مقدمه را به خاتمه رساند، ذکر نام کسانی که در تنظیم و چاپ این کتاب سهمی دارند و نگارنده مدیون ایشان است بسیار بجاست. از رفتنگان باید نام را بینو را بادکنم که کتاب گیلان او، راهنمای کار مطالعه این ناجیز بوده است. خدا بخش بیامر زد و قرین رحمت خوبیش گرداند. از کسانی که در قید حیات هستند و پن شاء الله سالیان سال زنده و کامیاب باشند، آقای عبدالرحمن عمامی است که آنچه باداشت درباره بناهای تاریخی گیلان داشتند، در عین صفا و گشاده روئی در اختیار من گذاشتند. آقای پرویز عمادوغلی فرمادران و معاون استانداری گیلان با سفار شهای متعدد، راه مطالعه ارا گشودند. آقای انعامقلی خان ماسالی اطلاعات پر ارجی از ماسال و مناطق دیگر تالش نشین دادند. آقای حسین معارف دوست همراه و همپای من در خاک تالش دولاب و چهار فریضه بودند. آقای امیر کائفی در کوه و دشت با این بنده همگام بودند و عکس‌های این کتاب را ایشان تهیه کردند. بسیاری کسان دیگر هستند که به طریقی اینجا چاپ را بیاری و دستگیری کردند نام ایشان را در این مقدمه نیاورده‌اند اما باز دین ایشان را همواره بر دوش خود احسان می‌کنم. از بکایات کسانی که نام ایشان ذکر شده است و دیگران را که نام نبردم برای همیشه ممنون و شکر گزار خواهم بود.

بسیار مفتخر و مباهی هستم که هیأت محترم مؤسسه‌ی انجمن آثار ملی میان کسان بسیار مرا برگزیدند و مرا مأمور انجام این کار کردند. لطف و مرحمت ایشان شامل حال این بنده بوده و احسانشان چون کمndی برگزیدن من است.

از کار کنان چایخانه تابان خصوصاً آقای ملکی بسیار متشکر و ممنونم که در کار چاپ این کتاب منتهای دقت را کرده‌اند. خداوند هر که را در راه اشاعه و گسترش علم و دانش کوشاست ارزندگانی کامیاب و برخوردار فرماید.

منوچهر ستوده



کتابشناسی حاشیه دریای خزر

شامل کتب و رسائل و مقالاتی که هر بوط به سیلان و مازندران و سرگان است

آذر هوشنگ، احمد: چند مثل گلکی، سخن، ۱۲، ۹۵: (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۵۳)

آزموده، ابوالفضل: ترانه‌های مازندرانی، پیام اولین، ج ۴ ش ۶: ۶۲-۶۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۸)

آقاخان نوری: مکنوب تاریخی از میرزا آقا خان اوری، با مقدمه ایرج افشار، یغما، ۱۲، ۵۶۴-۵۶۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۴۶۸)
آمار سالیانه رودخانه‌های ایران، نشریه‌شماره عبنگاه مستقل آبیاری تهران، ۱۳۳۴ شمسی.

آمار نقوص و فوائل و مشخصات دیگر استرآباد که در پیچی ۱۲۷۶ قمری در زمان فرمانروائی ملک آرا گرفته شده است. فیلم ۱۶۴۴، موزه آسیانی آکادمی علوم شوروی B2494 (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۳)

آملی، مولانا اولیاء الله: تاریخ رویان، مؤلف این کتاب را به فخر الدوله شاه غازی (۷۶۱-۷۸۰) تقدیم کرده است. نسخه کتابخانه مجلس خریداری از کتابخانه اقبال که قبل از تحریم به آفای کیانی بوده است (مقدمه شهریاران گمنام کسری) به تصحیح عباس خلبانی تهران ۱۳۱۳ شمسی. بنیاد فرهنگ ایران این کتاب را با تصحیح و تحریمه نگارنده در سال ۱۳۴۸ شمسی تجدید چاپ کرد.

بیست و دو

آهنگهای محلی ترا فهای ساحل دریای مازندران، نشریه اداره موسیقی،
تهران ۱۳۶۳ شمسی.

ابن ابو مسلم: تاریخ مازندران، کشف الظنون چاپ اروپا ج ۲ ص ۱۲۳.

Herbelot, Ind. Bibl., P. 74. No. 5.

ابن اسفندیار کاتب، بیهاء الدین محمد بن حسن: تاریخ طبرستان، در سال ۱۳۶۴ قمری تألیف شده است. به اهتمام عباس اقبال خردآماده ۱۳۶۰ شمسی، یادداشت‌های فزوینی ج ۲ ص ۱۸. نسخه کتابخانه ملی ملک شماره ۴۰۷۱. جلد دوم الحافی است و باید از مؤلف اصلی باشد. این مجلد با تصحیح عباس اقبال در تهران چاپ شده است. جلد اول به انگلیسی ترجمه شده و این ترجمه در سال ۱۹۰۵ م. در دوره او فاف کیب مجلد سوم در لیدن منتشر شده است.

ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن حوقل البغدادی النصیبی: صور الارض. تألیف حوالي سال ۳۶۷ قمری. صفحات ۲۶۷-۲۶۸، چاپ دخوبه ۱۸۷۳ م.

ابن خرداذ به فارسی، ابوالقاسم عبید الله بن عبد الله: الممالک والعمالک، تالیف ۲۵۰ قمری.

ابوالفدا، عماد الدین اسماعیل بن علی ابو بی متوفى ۷۲۷ قمری: نقویم البلدان. مسودة کتاب در سال ۷۲۱ قمری تمام شده است.

احتسابیان: احمد: چرافیای نظامی ایران. ۱۳۱۱ و ۱۳۱۸ شمسی.

ادریسی، محمد بن محمد بن عبد الله الشریف الا دریسی: نزهۃ المشتاق فی اختراق الافق. سال تالیف ۵۴۸ قمری.

ادریسی استر آبادی، ابوسعید عبد الرحمن بن محمد بن محمد بن عبد الله متوفى ۳۰۵ قمری: تاریخ استر اباد (کشف الظنون ص ۲۸۱). در ذیل کشف الظنون ج ۱ ص ۲۱۳ به جای سال ۳۰۵ که سال فوت اوست ۴۰۵ آمده است. مقدمه تاریخ طبرستان نیز چنین است.

استر آبادی، محمد صالح بن محمد تقی بن محمد اسماعیل: شرح حال علماء

بیست و سه

ادبای استرآباد در سال ۱۲۹۴ قمری . نسخهای از این کتاب در کتابخانه اعتمادالسلطنه وزیر علوم بود و در سال ۱۲۹۸ به کتابخانه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه منتقل شد و با رسایل دیگر در یک مجلد ، تجلید گردید و پس از سالها به ملکیت حاجی حسین آقا ملک درآمد . اکنون در کتابخانه ملی ملک به شماره ۴۳۳۰ محفوظ است . این رساله ۹۸ ورق رحلی ده سطری از این مجموعه است که در استرآباد نامه س ۱۰۵ - ۲۱۳ به چاپ رسیده است .

استودارت : سفر نامه ، ترجمة احمد توکلی ، فرهنگ این ان زمین ۱۶۱:۸ - ۲۲۰ .
اسفندیاری ، سرهنگ احمد : پاسخ به مقالات مرحوم علی دیوسالار ، راجع به اردوی برق در منطقه نور هازندران . تهران مرداد ماه ۱۳۳۷ شمسی .
اصطخری ، ابواسحق ابراهیم بن محمد فارسی متوفی ۴۴۰ قمری : مالک -
الممالک . این کتاب در سال ۳۱۸ - ۳۲۱ او شده است و در سال ۳۴۰ قمری
مختصر شده است . لیدن ۱۹۲۷ م . صفحات ۲۰۴ - ۲۰۶ . ترجمة این کتاب به فارسی به تصحیح ایرج افشار در مجموعه متون فارسی بنگاه ترجمه و اشر
کتاب شماره ۹ به چاپ رسیده است .

اصفهانی ، میرزا طاهر : کج شایگان ، تهران ۱۲۷۲ قمری .
اعتمادالسلطنه ، محمدحسن خان : کتاب التدوین فی احوال جبال شرذین ، تهران یونتیل ۱۳۱۱ قمری . به گفته مرحوم میرزا محمد خان قزوینی (در مجله
یادگار ش ۳ سال ۵ م ۵۷) جزو اعظم و بلکه تمام این کتاب به قلم میرزا محمد حسین فروغی و غیر اوست و اعتمادالسلطنه غصباً به خود نسبت داده است .

- : روزنامه سفر همایونی (ناصر الدین شاه) به هازندران ، تهران ۱۲۹۴ و ۱۳۱۴ قمری .

- : رساله راجع به قلعه نور ، از ورق ۵۰۰ - ۵۱۵ از جلد هشتم مجموعه بیویات

بیست و چهار

سلطنتی شماره ۷۳۱ که ذیل کرمان به شماره ۵ فرارداده شده است . این رساله را نگارنده با عکس‌هایی که خود نهیه کرده بود در مجله یقما ، دوره ۹ سال ۱۳۳۵ شمسی ، صفحات ۱۱۶-۱۳۲ و ۱۵۹-۱۶۷ به چاپ رسانید . (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۸۷)

- : مرآت البلدان . تهران ۱۲۹۷ قمری .

اعلام ، هوشمنک : شهر و شهرستان ساری ، ماهنامه فرهنگ ج ۱ ش ۱ ص ۷۹-۸۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۶۸)

افشار ، مصطفی خان پسر نصرالله خان ، منشی میرزا مسعود مستوفی در پطرزبورگ از طرف عباس میرزا در شعبان ۱۲۴۴: سفر نامه . فیلم ۱۶۹۱، کتابخانه ملی ش ۱۳۲۴ خریداری از دکتر وصال در سال ۱۳۲۴ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی س ۱۲۱)

اقبال ، عباس : امرای آخر آل زیار ، بادگار ج ۳ ش ۹ : ۷۸-۸۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۶۸۰)

- : امیرداد حبشهی بن آلتون ناق و امیر اسماعیل کیلکی ، بادگار ج ۳ ش ۹ : ۶۳-۴۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۶۸۱)

- : توادیخ طبرستان و آمل ، بادگار ج ۵ ش ۵/۴: ۱۳۶-۱۳۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۳۷)

- : خاندان روز افزونی در مازندران ، بادگار ج ۴ ش ۱۰/۹: ۱۶۳-۱۶۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۱۳۱)

- : خلخال - تزربق - ترکان - تراکمه - دیلم - دیالمه ، بادگار ج ۲ ش ۹ : ۵۸-۳۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۳۰۲)

- : شمس‌المعالی قابوس‌بی و شمس‌گیر زباری ، ایرانشهر ۲ : ۴۱-۳۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۶۸۵)

- : قابوس و شمس‌گیر زباری ، تهران ۱۳۰۲ شمسی .

بیست و پنجم

- : مرحوم [حسن] اسفندیاری (حاجی محتشم السلطنه) ، یادگار ج ۱ ش ۸ :
۷۶-۸۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۲۷۳)

- : وفات سلطان ملکشاه سلجوقی ، یادگار ج ۱ ش ۳ : ۶۶-۶۲ (فهرست مقالات
فارسی ج ۱ ش ۲۶۸۷)

- : هلالی جفتائی استرآبادی ، یادگار ، ج ۲ ، ش ۳ : ۶۵-۷۱ (فهرست مقالات
فارسی ج ۱ ش ۵۳۶۲)

اما هزارده صالحان و هزار خال ، جلد هشتم مجموعه بیوتات سلطنتی به شماره
۷۳۱ ، ورق ۵۱۵-۵۱۸ ، به شماره خذبل کرمان جای داده شده است.

امیری ، منوچهر : مازندران و استرآباد ، تالیف رایینو ، ترجمه و حیدر مازندرانی
[انتقاد] ، راهنمای کتاب ۲ : ۴۰۰-۴۰۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش
۶۴۸)

اندریس ، ژ. ب : زمین‌شناسی مازندران از نظر کشاورزی و آبیاری ، ترجمه
مهبدی زرین ، سخن علمی ، ۱ : ۲۶-۳۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ شماره
۱۷۴)

پارتلده و . : تذکرة جغرافیای تاریخی ایران ، ترجمه حمزه سرداد ور ، تهران ،
بهمن ، ۱۳۰۸ . قوم و جرجان ، ۱۶۸-۱۷۸ ، گیلان و مازندران ، ۲۸۲-
۲۸۹ .

بارفروشی ، مولانا محمد : تاریخ جدید ، روضة الصفا ج ۹ ، درخانمه کارهداشت
الشخان بن حاجی جمال فومنی .

باوندانمه ، در عهد ملک حسام الدوّله شهریار بن قارن (۵۰۰-۴۶۶) از تکاذیب
اهل فری و افواه عوام الناس به نظم گردآورده اند (تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ،
ص ۴)

پدخشان ، منصور : افسانه بنای شهر آمل ، یغما ۷: ۳۱۴-۳۱۶ (فهرست مقالات
فارسی ج ۱ ش ۱۷۶۷)

بیست و شش

- برج لاجیم ، راه نو ، ۳ : ۱۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۳۱)
- برزگر ، اردشیر بن آقاحسن بن آقاپز رحافصاد : تاریخ طبرستان پیش از اسلام
جلد اول ، تهران ۱۳۲۹ شمسی ، ۱۷۴ صفحه .
- : تاریخ طبرستان پس از اسلام ، بخش پنجم از جلد دوم ، تهران ۱۳۳۴ شمسی ،
در ۲۳۲ صفحه .
- : سخنی چند از تاریخ طبرستان ، هوت ج ۳ ش ۷ : ۲۰-۳۰ و ش ۸ : ۳۰-۳۲
و ش ۹ : ۱۶-۱۸ و ش ۱۱ : ۱۱-۱۳ و ج ۴ ش ۴ : ۱۲-۱۴ و ش ۵ : ۱۰-۱۲
(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۷۶۷)
- بروکت ، م. ای : مقابر بر حیی و کتبیه‌های آنها در ایران ، ترجمه مه‌وش
ابوالفضل ، راهنمای کتاب ، ۹۰ : ۱۴۸-۱۵۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش
(۲۲۱۴)
- بریمانی ، احمد : دریای خزر یا دریای مازندران ، تهران ۱۳۲۶ شمسی .
- : دریای مازندران ، سالنامه کشور ایران ، ۲۰ : ۳۲۸-۳۴۴ (فهرست مقالات
فارسی ج ۲ ش ۱۷۴۱)
- : رود مرده (آیا آمودریا در هیچ زمانی به دریای خزر می‌رسید؟) ، شکار و
طبیعت ج ۱ ش ۳ : ۱۷-۲۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۸۸۴)
- : ماهیان دریای خزر ، شکار و طبیعت ج ۱ ش ۴ : ۵۸-۶۱ (فهرست مقالات
فارسی ج ۱ ش ۱۸۶۸)
- بریمانی ، لطفعلی : یك نبرد تاریخی در عجیب زرین قلعه طبرستان (فلمه ماهانه .
سر) سالنامه کشور ایران ، ۱۳ : ۱۱۹-۱۲۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱
ش ۲۴۸۹)
- بصاری ، طلعت : ترانه‌های مازندرانی ، سخن ۱۱ : ۹۸۶ (فهرست مقالات فارسی
ج ۲ ش ۳۲۶۹)
- بالالی : کتیک گری گری (داستان مازندرانی) ، سخن ، ۳ : ۳۴۳-۳۴۶ (فهرست

بیست و هفت

مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۱۴

بلوکباشی، علی: بادداشتی درباره گاه شماری و چند جشن در مازندران، پیام اوین ج ۸ ش ۷: ۸۴ - ۸۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۸۹۹)

بوت، پ. Bout, P.: بررسی جغرافیای طبیعی شمال ایران، ترجمه سیروس سهامی، مجله دانشکده ادبیات مشهد ۲: ۲۲۶-۲۹۷ (فهرست مقالات فارسی فارسی ج ۲ ش ۱۷۴۳)

بیهاریست، احمد: جغرافیای نظامی ایران، تهران ۱۳۰۹ شمسی.

بیهارامی، مهدی: کنجدینه مازندران، آموزش و پژوهش ج ۲۳ ش ۱۰: ۲۲-۲۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۵۹۹)

بهلر، سرتیپ و مهندس دولت ایران که در سفر مأموریت خود از تهران تاریخت دانز لی و کنار دریای شرحی نوشته است: جغرافیای رشت و مازندران و استرآباد، فیلم ۱۶۹۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی ۳۰۲۲^{۹۳۷}/_{۸۸۹} (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۶۷)

بهنام، عیسی: ظروف گلی لاعبدار گران، مجله دانشکده ادبیات ج ۳ ش ۲: ۳۲-۴۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۶۲۹)

-: دعايشگاه لباس مردم قاسم آباد، نقش و نگار، ش ۴: ۲۷-۳۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۰۹۸)

پارسا، احمد: کیا هان شمال ایران، تهران، ۱۳۹۸.

پتروف، ب: مشخصات جغرافیای طبیعی ایران، ترجمه حسین گل گلاب، تهران، ۱۳۹۶.

پریان، حسین: مردم پندر پهلوی معتقدند که ... کتاب هفته ش ۸: ۱۸۶.

پورگریم، هوشنگ: پاکده، هنر و مردم، دوره جدید، ش ۲۷: ۹-۱۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۹۵۳)

-: ترکمنهای ایران، هنر و مردم، دوره جدید، ش ۴۱/۴۲: ۴۲-۲۹ و ش ۵۰:

بیست و هشت

۳۴-۲۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۹۳۲)

- : دهکده زیارت، هنر و مردم، دوره جدید، ش ۴۸-۱۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۹۵۶)

پیمان، ع : هو آلا (آداب پاسداری مزرعه)، کتاب هفتاد، ش ۱۲-۱۳۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۸۲۳)

تاریخ ایلچی نظام شاه دکنی (درذ کرنسب و قایع حکام طبرستان معاصر صفویه) ضمیمه مجموعه از تاریخ آل بر مک پاریس ۱۸۸۶م ۲۸۰، ۲۹۲+ من فارسی + من فرانسه.

تاریخ جیل و دیلم : جو بنی در مقدمه تاریخ خود گوید که در کتابخانه قلعه الموت این کتاب را یافت که برای فخر الدوله از سلاطین آل بویه متوفی ۳۸۷ قمری نوشته بوده‌اند.

تاریخ گیلان (موجود در پاریس) تاریخ مغول رشید الدین فضل الله طبع کارتر مر پاریس ۱۸۳۵م. صفحه ۲۷۶ در آخر کتاب Notices et Extr. T. B. L. P. 292.

تحقیقات سرحدید، کتابخانه مجلس، کتب خطی فهرست دستی ش ۲۵۱۹.
تدین، عطاءالله : قاسم انوار و غزالی که به زبان گیلکی سرود، ارمغان ۲۶ : ۱۷۹ - ۱۸۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۸۳).

ترانه‌های ساروی، صدف، ۱: ۴۵۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۱۵)
ترانه‌های مازندرانی، صدف ۱: ۱۱۷-۱۱۶ (فهرست مقالات فارسی، ج ۱، ش ۴۲۱۶)

ثابتی، حبیب‌الله : درختان جنگلی ایران، نشریه شماره ۲۰ دانشگاه تهران ۱۳۶۶ شمسی در ۲۷۵ صفحه.

- : صنوبر در ایران، بنگاه جنگلها، تهران، ۱۳۴۴ شمسی.
نقضی اعزاز، حسین : نکاتی چند درباره انقلاب رشت، اطلاعات ماهانه، ج ۳، ش ۷: ۳۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱، ش ۴۹۵۹)

بیست و نه

جرجانی معروف به ادریسی ، علی بن محمد متوفی ۴۶۸: جرجان(کشfalظنوں
ص ۲۹۰، در مقدمہ تاریخ طبرستان ظهیرالدین به جای محمد، احمد آمده
است) Herbelot, Ind. Bibl. p. 839.

جفر افیای سواد کوه در صد و پنجاه ورق، نسخه خطی ش ۳۷۴۰ کتابخانه ملی ملک.
این کتاب پس از دوران اعتمادالسلطنه با همزمان او نوشته شده است. گوید:
اعتمادالسلطنه گوید که ورامین متجاوز از ششصد فربه است سواد کوه ،
نور، نمارستانق ص ۱۷ - لاریجان ورسک و پلور و افجه ص ۵۵ - کلاردشت ص
۷۶ - دماوند ص ۸۳ - فیروزکوه ص ۱۱۱ - لارس ۱۲۷ - آزاد بروانورا و
جاجرود ص ۱۴۳ - شهرستانک ص ۱۵۷ - طالقان ص ۱۶۱ - مسیله و دیرکاخ
ص ۱۹۳ - دریاچه قم ص ۱۹۹ - خوار و ورامین ص ۲۰۹ - امامزاده جعفر و شهر
ورامین ص ۲۲۵ - کرمانشاهان بدطور مختصر ص ۲۴۱.

جمالزاده، سید محمد علی: کنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، برلین
۱۳۳۵ قمری.

جمع و خرج ممالک محروسه، کتابخانه مجلس، فهرست دستی کتب خطی ش
۲۲۴۴.

جنابیان، شاهرخ: تراشه های از مازندران، سخن، ۱۶:۸۲-۸۳ (فهرست
مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۷۰)
- : یک تراشه مازندرانی، سخن، ۱۵: ۴۳۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش
(۳۲۷۱)

جواب سید علی کیا به امیر تیمور گورکان، ش ۲۰ از منشآت فیلم ش ۲۲۲۹
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مجلس ش ۱۲۹۰۱ به نام مجموعه مکاتب
 مختلفه (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۳۳)

جواب مكتوب خان احمد گیلانی از شاه عباس مورخ ۱۰۰۰ قمری ،
ش ۱۱۳ از منشآت فیلم ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، مجلس ش

سی

۴۱۲۵ ، فهرست ۲ : ش ۳۵۱ . (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹) جواب مکتوب فتح علی خان بیکلر بیگی استر اباد که در شکوه و گله از میرزا محمد ابراهیم وزیر نوشته است . ش ۱۶۹ ، از منشآت فیلم ش ۲۲۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

مجلس ش ۲۳۲۲۵ (۲۵۰۶) (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۲۳)

جواب مکتوب مهردار ، فرمادرای گسکر ، ش ۱۶۶ ، از منشآت فیلم ۲۲۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۲۵۰۶) (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۲۳)

جواب مکتوب میرزا صادق . وزیر گسکر که کتاب کشف الایات فرستاده بود . ش ۱۴۹ ، از منشآت فیلم ۲۲۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

مجلس ش ۲۳۲۲۵ (۲۵۰۶) (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۳ و ۲۳۰)

جوادی ، محمد‌هدایی : بناهای کرانه جنوبی دریای خزر ، تهران چاپ رانگین چند دو بیتی گیلکی ، بیام اوین ، ج ۲ ش ۱ : ۴۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۱۱)

چیریکف : سفر نامه مسیو چیریکف ، سرهنگ روسی به ایران ، ترجمۀ آبگار مسیحی از روسی به فارسی در سال ۱۳۰۵ قمری ، از تاریخ ۱۸۷۱ م در آن یادشده است (نشر به ۲ : ۲۶۳) فیلم ۱۶۰۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ،

وزارت خارجه ش ۶۹۱ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۱۲۱)

حاجی میرزا محمد : رایورت میانکاله ، سال ۱۳۰۵ قمری ، شانزده ورق هشت سطری از مجموعه شماره ۴۳۳۰ کتابخانه ملی ملک .

حامی ، مهندس احمد : راههای قدیمی ایران ، تهران ، ۱۳۲۳ شمسی .

حجازی ، رضا : جنگل با طلای سبز ایران ، مسائل ایران ۱ : ۳۲_۴۵ و ۷۱_۸۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۴۵)

حجازی گناری ، سید حسن : دیو سفید ، سالنامه کشور ایران ، ۱۴ : ۹۷_۱۰۴

(فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۸۰۶ .

سی و یك

- : روایت مازندرانی یک اصنیف قدیمی ایرانی، سخن ۸۷۱:۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۱۷)

- : طالب آملی . سالنامه کشور ایران ، ۱۱۰: ۱۷۶-۱۸۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۴۰۴)

- : گنجینه‌های ادبی طبرستان ، سالنامه کشور ایران ، ۲۰: ۲۵۱ - ۲۶۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۷۲)

حدودالعالم من المشرق الى المغرب ، مجہول المؤلف، تاریخ تالیف ۳۷۲ قمری.
این کتاب متنگی به کتاب جیهانی و آثارعلویه ار-طاطالیس و جغرافیای
بلمیوس است . به تصحیح نگارنده جاپ دانشگاه تهران .

حام السلطنه، ابوالنصر میرزا : سفر نامه طوالش، مقدمه و حواشی از ابراهیم
صفائی ، بهمن ماه ۱۳۴۶.

حامی، احمد: راههای ایران، کتاب ایرانشهر ۲: ۱۴۵۳ - ۱۴۹۶ (فهرست مقالات
فارسی ج ۲ ش ۱۷۴۴)

حسینزاده، پوراندخت : تعابیل خلیفه به تصاحب املاک طبرستان ، ارمغان، ۳۵، ۸۱-۸۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۶۵۲)

- : سابقه تاریخی و اوضاع اقتصادی شهر بابل، کاوش ج ۲ ش ۳: ۷۱-۷۸ (فهرست
مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۷۷۳)

- : شهر بابل ، تهران ، اردیبهشت ۱۳۴۳.

- : نامه واردۀ [دربارۀ مامطیر و طمیشه] ، ارمغان ۳۳: ۱۶۵ - ۱۶۸ (فهرست
مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۶۵۳)

حسین فجی ، سید محمد بن احمد بن عمید الدین علی : کتاب بحر الانساب .
حکم وزارت مازندران ، پس از درگذشت میرزا محمد صالح برای میرزا آقا
ش ۱۷۹ ، از منشآت فیلم ش ۲۲۲۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مجلس
ش ۱۲۹۰۱ به نام مجموعه مکاتیب مختلفه (فهرست فیلم سخنه‌های خطی ش ۲۳۳)

حکمی یا حکمتی ، شاعر ترکستان ، در شعبان ۹۷۷ قمری ، شعری راجع به مشهد و جام و با خرز و سرخس و هرات و قندهار و سیستان و جرجان و عراق و مازندران و چین و آسیای مرکزی و کرستان و کردستان گفته است . (استوری ۲، بخش ۱، ص ۱۳۸)

خان احمد خان گیلانی مکاتیب تاریخی (در حاشیه حکم وزارت خواجه مسیح، نفل از سفينة مجمع البحرين) ، ارمغان ۱۲: ۵۳۲-۵۳۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۵۰۶)

- مکاتیب ، چند مکتوب خان احمدخان را راینو در آخر کتاب گیلان و دیلمستان سید ظہیر الدین مرعشی در سال ۱۳۳۰ قمری در مطبوعة عروة الونقی رشت چاپ کرده است .

خان ملک ساسانی، احمد : میرزا نصر الله خان معروف به میرزا آفاخان نوری اعتناد الدوله، سیاستگران دوره قاجار ، ص ۱-۸۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۲۹۵)

خانوار و انفاس مملکت استرآباد با جمیع متعلقات در سال ۱۲۷۶ قمری (استوری ج ۲، بخش ۱، ص ۱۶۱)

خاوری ثراود، علی: اکبر پهلوون (ترانه‌های دلاویز بومی ایران) [از بابل] ، موزیک ایران ، ج ۱۰، ش ۳: ۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۲، ش ۳۲۷۳)

- نعمه‌ای از سرزمین دیلمان ، موزیک ایران ، ج ۱۱ ش ۸/۸: ۷-۸ و ۲۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ، ش ۳۲۵۴)

خچکو Chodzeko: تاریخ گیلان ، ترجمه محمدعلی گیلک ، رشت ۱۳۰۷ شمسی . مجله فروغ رشت ۱۳۰۷ شمسی در ۸۴ صفحه . مترجم نام او را «شودز کو» خوانده است . کتابخانه ملی ملک ش ۸۴۱۷.

خزائلی ، محمد رضا : نگاهی به خصوصیات شعر و ادب مازندرانی ، نشریه فرهنگ ساری ، خرداد ۱۳۳۹ ، س ۳۳-۲۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۶۷۴)

سی و سه

خسرو مرادی، اسماعیل : خرافات مردم رشت ، کتاب هفتاد و شصت ۱۸۳ و ش ۱۶۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۸۴۷)

خلعت بربی، عبدالصمد . تاریخ مختصر زندگانی و خدمات محمدولی خان سپه سالار تنکابنی و بادداشتهای شخصی او ، تهران ۱۳۲۸ شمسی در ۱۹۴ صفحه .

خنجی ، عبدالواحد: فرهنگ کوههای ایران ، شکار و طبیعت ، ج ۱ ش ۴ : ۲۱-۲۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۸۷۴)

خوانساری ، مرتضی : بک روز در لakan [دستور چایکاری] تهران ۱۳۱۲ شمسی . خورموجی ، میرزا جعفر حقایق نگار : آثار جعفری (جغرافیای ایران و جهان به فارسی) تهران ۱۲۷۶ قمری (مشار ۱۳- ذریعه ۱: ۷) فیلم ۲۷۸۲ ، مجلس ش ۳۸۵ طباطبائی ۲۹۵۹۷ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۱) . این کتاب را پاره‌ای به میرزا سید جعفر خان مشیرالدوله متوفی ۱۲۷۹ قمری نسبت داده‌اند .

دارن، برنهارد : تاریخ طبرستان و سربدار (فستی از حبیب السیر غیاث الدین بن همام الدین مشهور به خوندمعیر) بطریزبورگ ۱۸۵۰ م.

- : الانتخابات البهیة من الكتب العربية والفارسية والترکیہ فيما يتعلق بتواریخ طبرستان و گیلان و جفاریا تلك النـواحی المـرعـیـة ، بطریزبورگ مطبیعه اکادمی امپراطوری ، ۱۲۷۴ قمری .

- : ومیرزا محمد شفیع : کنز الاسرار مازندرانی ، بطریزبورک ۱۲۷۷ ، ۱۳۳۶ شمسی با عقدمه‌ای از نگارنده چاپ افست شده است .

دانش پژوه ، محمد تقی : آستانه‌های مازندران ، معارف اسلامی ، ج ۱ ، ش ۲ : ۶۵-۶۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۷۴۷)

- : اسناد آستانه درویش تاج الدین حسن ولی دریاک لاریجان ، چاپخانه دانشگاه

سی و چهار

- ۱۳۴۴ شمسی ، مستخرج از مجلد چهارم نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه ،
نسخه های خطی ۴ : ۴۸۱-۶۴۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۷۴۹)
- مازندران و استرآباد ، تالیف رایتو ، ترجمه وحید مازندرانی [انقاد] ،
راهنمای کتاب ۲ : ۲۳۸-۲۴۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۶۸۳)
۵. ع. س: هر اسم عروسی در استرآباد ، او بهار ، دوره ۵: ۵۷۳-۴۷۵ (فهرست مقالات
فارسی ج ۱ ش ۱۹۷۰)

دمشقی، شمس الدین ابو عبدالله ابو طالب الانصاری الصوفی متولد ۱۴۵۵ متوفی ۷۲۷ : تخبیة الدهر فی عجایب البر والبحر ، جاپ پطرزبور که ۱۲۸۱ق.

دهران، ژاک: زمین شناسی ایران ، ترجمه کاظم ودبیعی ، نشریه دانشکده آدیبات
تبریز ، ۱۱: ۱۲-۶۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۴۸)

- سفرنامه مورخ سال ۱۳۲۶ق ، ترجمه جهانگیر فائم مقامی ، تهران ۱۳۳۵
شمسی .

دو تراهه سوادگوهی، صدف ، ۱: ۲۸۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۳۱۸)

دو تراهه عامیانه گیلان ، موسیقی ، دوره سوم ، ش ۳۴ (فهرست مقالات فارسی
ج ۱ ش ۴۱۸۵)

دو نعمه چوبانی [از دیلمان] ، موسیقی ، دوره سوم ، ش ۳۵ : ۲۵-۲۷ (فهرست
مقالات فارسی ، ج ۱ ش ۶۱۸۶)

دهاتی که حومه شهر رشت است و بلوکات متعلق به آن ، سه ورق و قیم از مجموعه
شماره ۴۳۳۰ کتابخانه ملی ملک .

دهقان رشتی ، اسماعیل بن حاج ابراهیم متوفی ۱۳۲۵ ش: دیوان رشت ۱۳۲۶
شمسی .

دیباچه رقصی ، به جهت جمشیدخان ، منشآت فیلم ۲۰۲۰ ، کتابخانه عمومی رشت
ش ۱۸۹ (ص ع) ، شکسته نتعلیق محمد مسیح بدقفرموده محمد رضا در ۱۵ دی
الثانی ۱۱۰۴ قصری در اصفهان در ۲۵۵ بو که شماره ۸۶ (فهرست فیلم

سی و پنجم

نسخه‌های خطی ص ۲۱۵

دیوسالار، علی سالارفاتح : بخشی از تاریخ مشروطیت (یادداشتهای تاریخی
راجع به فتح تهران وارد وی برق ، تهران آذر ۱۳۳۶

دیولافو، مادام ران: سفر نامه مادام ران دیولافوادرا ایران که در توردو منتدر ۲-
۱۸۸۱م. نوشته شده بود، با عکس ناصر الدین شاه که برای همین روزنامه فرستاده
بود، ترجمه محمد حسن ضیع الدوله ، فیلم ۱۸۵۶ ۲۷۰۶ کتابخانه ملی ش ۲۱۶
(فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۱۲۴)

ذبیحی، مسیح ، باهمکاری ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه : استرآباد نامه ،
انتشارات فرهنگ ایران زمین ش ۱۲ تهران ۱۳۴۸.

ذکاء، یحیی : یک تصنیف صد و بیست ساله گیلکی ، موسیقی دوره سوم ش ۲۲:۲۸
(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۸۷ ۷۱)

دایینو، هـ.ل : تاریخ مازندران و فرمایروابان آن سامان، ترجمه باقر امیر خانی
نشریه داشکده ادبیات تبریز ۱۳۴۵-۴۸۵:۱۳ و ۱۳۶-۳۶۱ و ۱۱۴:۱۴ و ۳۹۲-۳۶۱
و ۱۵:۱۵ و ۳۱۲-۲۹۵ و ۴۳۹-۴۵۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۳۰۲)

- : حکام خلافت عربی در طبرستان ، ترجمه باقر امیر خانی ، نشریه داشکده
ادبیات تبریز ۱۵:۴۱ و ۶۰ و ۱۲۹ - ۱۴۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۳۰۳)

- : دودمان علوی در مازندران ، ترجمه میر سید محمد بن اسماعیل طاهری شهاب ،
تهران ۱۳۱۹ ش.

- : سفر نامه مازندران و استرآباد ، باشرح بلاد و نقشه جغرافی آنها ، فاهره
۱۳۴۲ قمری ، شامل دو قسمت : ۱- کتبه‌های گیلان و مازندران و استر
آباد . ۲- متن سفر نامه به زبان انگلیسی . این کتاب را آفای غلامعلی
وحید مازندرانی ، در سال ۱۳۳۶ ش به فارسی ترجمه کرد و بنگاه ترجمه
و نشر کتاب چاپ کرده است .

سی و شش

- سلسله مرعشیه در مازندران، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، مردمشناسی^۳: ۳۵-۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ نش ۲۳۰۴)

- در ز شهرای باستانی در گیلان، ترجمه عبدالحسین ملکزاده، چاپ رشت رازی، امین احمد: هفت اقلیم، ج ۱ کلکته ۱۹۱۸م. ج ۲ کلکته ۱۹۳۹م.

- ترانه های کرانه های خزر، فرهنگ ج ۱ نش ۶: ۳۱-۲۶ و نش ۷: ۵۶-۵۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ نش ۴۲۱۹)

- چند ترانه مازندرانی، ایران آباد، ج ۱ نش ۱۱: ۴۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ نش ۳۲۷۵)

راهنمای ایران، اشریه اداره جغرافیایی ستاد ارتش، تهران ۱۳۳۰ شمسی.
رزم آرا، علی: جغرافیای نظامی ایران، کرگان و دریای خزر، نه ران ۱۳۲۰ شمسی.

- جغرافیای نظامی ایران، گیلان و مازندران، تهران ۱۳۲۰ شمسی.
رسا، هر تضیی: ماهی، کتاب ایرانشهر ۲: ۱۶۹۸-۱۷۲۷ (فهرست فارسی ج ۲ نش ۱۷۴۹)

روزنامه سفر استرآباد، شرح مسافت شخصی است که در سال ۱۲۶۳ قمری همراه حاکم وقت، میان طوایف بمعوت و گوکلان سفر کرده است. اصل این نسخه در کتابخانه ملی به شماره ۱۲۲۰/۷۷۹ محفوظ است و فیلم آن به شماره ۱۶۹۹ (ف) در کتابخانه مرکزی دانشگاه است. این رساله در استرآباد نامه ص ۹۱-۱۰۳ به چاپ رسیده است.

رهبر، ابراهیم: ترانه های ماسوله ای، سخن، ۱۰: ۴۷۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ نش ۴۱۸۸)

رئیس، فریدون: پرندگان آبی با پرندگان مهاجر ایران، شکار و طبیعت ج ۱ نش ۳: ۸-۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ نش ۱۷۵۰)

زهیری، محمد: اشعار گیلکی، جهان نو، ۲: ۲۲۳ (فهرست مقالات فارسی

سی و هفت

ج ۱ نش (۴۱۱۹)

سازوی ملا باشی ، ملامحمد (= مولانا محمد دعا زندگی) : تاریخ محمدی (روضه
السفا ج ۹ در ذکر شهادت حسینقلی خان)

سالنامه دبیرستان ایرانشهر لاهیجان ، رشت سال تحصیلی ۱۳۹۲/۹۳ شمسی .
سالنامه دبیرستان فردوسی بندر پهلوی سال تحصیلی ۱۳۹۷/۱۸ شمسی ، تراب
تراب نیا ، انجمن سالنامه فردوسی به تصحیح رضادادرس ، بندر ازولی ۱۳۹۸
شمسی .

سالنامه فرهنگ آمل ، تهران ۱۳۹۸ شمسی .

صحابی استرآبادی : دیوان و رباعیات ، لاهورچاپ سنگی .

ستوده ، منوچهر : بادهای گیلان ، ایران کوده جزو شماره ۳ مردادماه ۱۳۹۴
من ۲۲ و ۲۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ نش ۴۱۹۰)

- : ترانه‌های گیلان ، فرهنگ ایران زمین ج ۱ سال ۱۳۹۲ من ۴۱ - ۵۶ و
۲۷۱ - ۲۸۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ نش ۴۱۹۱)

- : ترانه‌های گیلان ، مجله سخن دوره دهم سال ۱۳۹۸ شمسی نش ۱۰ :

۱۰۳۴ - ۱۰۳۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ نش ۴۱۹۲)

- : ترجمه سفرنامه مازندران واسترآباد [انتقاد] ، مجله سخن دوره دهم نش
۷ سال ۱۳۹۸ من ۷۸۳ - ۷۸۵ .

- : چاه نخبیز ، مجله شکار و طبیعت نش ۶ ، اردیبهشت ۱۳۹۶ من ۶۹ و ۶۸ .

- : شکارسو (نوعی شکار مرغابی) شکار و طبیعت اسفند ۱۳۹۸ نش ۴ : ۲۲ - ۲۵ .

- : فرهنگ کیلکی ، نشریه انجمن ایرانشناسی ، تهران بهمن ماه ۱۳۹۶ شمسی .

- : کشتی گیری در گیلان ، مجله هاد نش ۱ شهریور ماه ۱۳۹۴ .

- : لهجه علی آباد فربم ، فرهنگ ایران زمین سال ۱۳۹۱ ، ج ۱۰ :

۴۳۷ - ۴۷۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ نش ۴۲۷۸)

- : ماهیهای دریای خزر که نام گیلکی دارند ، مجموعه ایرانشناسی سال

سی و هشت

- ۱۳۳۵ ش ۱ : ۱۱۶ - ۱۲۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۹۳)
- : مثلهای کیلکی ، فرهنگ ایران زمین سال ۱۳۳۲ ، ج ۱ : ۳۶۳ - ۳۷۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۹۴)
- : نهایش عروسی در چنگل ، بادگار ج ۱ سال ۱۳۲۴ ش ۸ : ۴۱ - ۴۳ .
- سراج، ابراهیم : ادبیات محلی (کیلکی) فروغ ۱ : ۶۳ - ۹۷ و ۶۸ - ۱۰۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۹۵)
- سفر نامه گیلان ناصرالدین شاه (مرات البستان ج ۱ ص ۱۶۸)
- سفر نامه مظفر الدین شاه به اروپا در سال ۱۳۱۷ قمری (نشریه ۲ : ۲۶۳) فیلم ۱۶۳۶ ، وزارت خارجه ش ۱۸۵ (فهرست فیلم نسخهای خطی ص ۱۲۱)
- سفر نامه مظفر الدین شاه به اروپا ، سفر دوم سال ۱۳۲۰ قمری .
- سفر نامه ناصرالدین شاه به اروپا == روزنامه سفر دوم فرنگستان ناصرالدین شاه قاجار ، بمبئی ۱۲۹۸ قمری .
- سفر نامه ناصرالدین شاه قاجار به اروپا در سال ۱۳۰۶ قمری .
- سکه های طبرستان ، فیلم ۲۸۹۶ ، مجموعه آفای دکتر شمس الدین جزایری (فهرست فیلم نسخهای خطی ص ۱۲۲)
- سلطان القرآنی ، جعفر : عجیب مازندرانی ، دانش ، ۱ : ۶۵۶ - ۶۵۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۵۱۷)
- سور تیچی ، فخر الدین : اطلاعاتی درباره شهر ساری ، نشریه فرهنگ ساری خرداد ۱۳۳۹ ، ص ۱۲ - ۲۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۷۷)
- سهراب : کتاب عجایب اقالیم الی نهایة العماره ، میان سالهای ۲۸۹ - ۲۳۴ قمری تألیف شده است چاپ مژبک ۱۹۲۹ م.
- سیمی ، حافظ ابوالقاسم حمزه بن یوسف متوفی ۶۷۰ : تاریخ جرجان، کشف الظنون ص ۲۹۰، مقدمه تاریخ طبرستان میر ظهیر الدین به نام تاریخ استرآباد

- Herbelot, Ind. Bibl P. 27. No 91 حاجی خلیفه ج ۱۱ ص ۱۰۷ نام او را «حمدۀ الهمی» خوانده است.
- سیاهکلی، شمسعلی: اشعار سیاهکلی، سخن ۶: ۶۱۴ (فهرست مقالات فارسی چ ۱ ش ۴۱۹۷)
- دو بیتی‌های سیاهکلی، سخن ۶: ۲۱ (فهرست مقالات فارسی چ ۱ ش ۴۱۹۶) سیف پور، فاطمی: بحر خزر، باختر، ۱: ۲۶۴-۱۴۹-۱۵۳ (فهرست مقالات فارسی چ ۱ ش ۱۸۸۵)
- شاهرخی، کاظم: آزاده گمنام، شامل تکانی درباره انقلاب رشت سال ۱۳۳۴ شمسی، رفعی ۲۱۸ صفحه.
- شایان، عباس: مازندران (جغرافیای تاریخی و اقتصادی) چ ۱ تهران بهمن ماه ۱۳۳۶ شمسی.
- شایان، سلیمان (رضا): دو بیتی‌های مازندرانی، جهان ۲: ۱۲۸ (فهرست مقالات فارسی چ ۱ ش ۴۲۲۰)
- شرح حال شیخ ولی الله مازندرانی: متوفی ۱۳۷۴ قمری، مؤلف نامعلوم، قم ۱۳۷۴ قمری.
- شرفشاه گیلانی: اشعار شرفشاه، موسیقی چ ۳ ش ۱۰: ۱۱/۱۰: ۴۰ - ۲۹ (فهرست مقالات فارسی چ ۱ ش ۴۱۹۸)
- شتری، قاضی نورالله: مجالس المؤمنین، چاپ سنگی، تهران ۱۲۶۵.
- در چاپ سربی صفحات زیر درباره گیلان و مازندران مطالعی دارد: سادات گیلان چ ۲، جند ششم، ص ۳۱۷ - ۳۲۲. جند سیزدهم، در متاخرین سلاطین علویه گیلان که ایشان را به ایان تعظیم «کارگیا» خوانند، ص ۳۷۱ - ۳۷۹.
- جند چهاردهم، در سلاطین علویه قوامیه هر عشیه مازندرانی ص ۳۸۳ - ۳۸۱. جند پانزدهم، در قدماهی علوک طبرستان و رستمدادار ص ۳۸۴.
- شفیع زاده، محسن: معنی شبلاط، یادگار، چ ۲، ش ۶: ۳۳ (فهرست مقالات

چهل

فارسی ج ۱۷ (۴۵۰۹)

شمس گیلانی، شیخ حسن بن اعتماد الواعظین : تاریخ علم و شعر ای گیلان،
تهران ۱۳۲۷ شمسی.

شمه‌ای در باره جنگل‌های ایران : اداره جنگل‌بانی، تهران، ۱۳۲۱ شمسی .
شوقي، عباس : دشت گرگان، تهران ۱۳۱۴ .

- : رسوم و عادات مردم گرگان (مراسم عروسی)، جهان نو، ۱: ۸۹ (فهرست
مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۹۷۶)
- : گرگان (استرآباد)، جهان نو، ۱: ۱۳۵ - ۱۳۶ و ۲۵۵ - ۲۵۶ و ۳۳۶ .
(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۹۷۶)

شیرازی، مولانا قطب الدین : درة الناج لغرة الدجاج . به کوشش سید محمد
مشکوک، تهران، ۱۳۲۰ - ۱۳۲۷ . مجلد اول، صفحات شانزده و هفده، اسب
امیره دجاج - حاکم گیلان - را آورده است .

شیرروانی، حاجی میرزا زین العابدین اسکندر : هلقب به مستعلی شاه و متخلص
به تیکین، بستان السیاحه، اتمام تأليف ۱۲۴۷ قمری .
- : حدائق السیاحه ، اتمام تأليف ۱۳۴۶ قمری
- : ریاض السیاحه، اتمام تأليف ۱۲۴۶ قمری .

ص . س : سید شرفشاه، فرهنگ، ۱۷۲:۳ - ۱۷۸ و ۲۰۶ - ۲۱۴ (فهرست مقالات
فارسی ج ۱ ش ۵۲۳۱)

صفاری، محمد رضا : مثلهای لاهیجان، سخن، ۲: ۳۸۲ (فهرست مقالات فارسی
ج ۱ ش ۴۲۰۰)

صفاری، محمد علی: خان گیلان (فهرست مراجع تاریخ گیلان عباس کدبور.
در آخر کتاب)

صفائی سواد کوهی، عبدالصاحب بن شیخ محمد علی : متوفی ۱۳۳۴ شمسی:
بیوگرافی و کلای دوره چهاردهم مازندران ، جزو اول ، تهران ، ۱۳۲۴

چهلو بیک

شمسی .

- صمدی، حبیب‌الله : حفربات‌گرما بک و نمایان، باستانشناسی ج ۱ ش ۱ : ۹۵-۸۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱ ش ۲۱۸۰)
- . حمله مغول و دفاین‌گرگان، آموزش و پژوهش ۲۶ : ۶۹۲-۶۹۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱ ش ۱۶۳۴)
- : کشف آثار انسانهای قدیم در ایران، کثار دریای خزرو، کزارش یوسکو ج ۴ ش ۲/۱ : ۲۱-۲۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۱۸۳)
- : گنجینه کلاردشت، کزارش‌های باستانشناسی ۳: ۱۱۵-۱۴۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱ ش ۱۶۱۳)
- : هشت ماه تلاش در پی آثار عهد حجر ایران (در مازندران)، آموزش و پژوهش ج ۲۵ ش ۱: ۵۹-۶۲ و ۷/۶: ۶۸-۷۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱ ش ۲۱۸۴) طاهری شهاب، سید محمد بن اسماعیل: آتش کمانگیر و جشن تیر گان، جلوه ۲: ۲۰۷-۱۹۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱ ش ۲۰۴۴)
- : آشوب هازندرانی، ارمغان ۳۳-۲۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱ ش ۳۹۱۳)
- : پریش ساروی، ارمغان ۴۵-۴۷ و ۷۳-۸۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱ ش ۵۵۲۹)
- : تاریخ کبد جامگان، سالنامه کشور ایران ۱۰: ۱-۶۰، ضمیمه سال ۱۳۳۴ شمسی (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۳۷۸)
- : دبیر حرم کاسی ساروی، ارمغان ۲۷: ۲۵۲-۲۵۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱ ش ۵۶۴۰)
- : سربری ساروی، یقما، ۲۸۲: ۷۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱ ش ۵۵۳۰)
- : سید ظهیر الدین مرعشی، مؤلف تاریخ هازندران و دیلمستان، سالنامه دنیا، ۸: ۱۰۲-۹۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱ ش ۵۳۷۲)

چهل و دو

- : صوفی مازندرانی ، ارمغان ، ۲۶ : ۳۰۸ - ۳۱۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۴۳۷)
- : طاهر مازندرانی ، ارمغان . ۳۵ : ۱۴۰ - ۱۴۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۱۳)
- : طوفان هزار جریبی مازندرانی ، ارمغان ، ارمغان ، ۳۵ : ۲۶۶ - ۲۷۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۵۸)
- : گنجینه‌های تاریخی مازندران ، سالنامه کشور ایران ، ۱۳۱۳ - ۱۳۴۰ (ضمیمه) (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۱۸۷)
- : هفتون ساوري - ارمغان ، ۱۶ : ۶۸۴ - ۶۹۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۵۳۱)
- : ملاشفع اثر مازندرانی ، ارمغان ، ۳۳ : ۱۹۹ - ۲۰۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۱۵)
- : میرصبیحی مازندرانی ، ارمغان ، ارمغان ، ۳۵ : ۴۱۸ - ۴۱۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۱۶)
- : نمونه‌های از مکوکات خرب شده در مازندران ، سالنامه کشور ایران ، ۱۲۰ : ۲۵۷ - ۲۶۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۵۳۳)
- طالقان تمیمی، محمد: دکتر حشمت که بوده ، جنگل ایران چه بوده ؟ شرکت شعله، تهران ۱۳۶۴ شمسی.
- طباطبائی ، ابو اسماعیل ابراهیم بن ناصر بن ابراهیم بن عبدالله حسن بن ابوالحسین علی شهاب بن ابوالحسن محمد طباطبائی : منتقاه الطالبیہ ، نسخه کتابخانه مجلس ش ۱۱۲۵ خطی .
- طبرستان بهترین نقطه دنیا ، جبل المتنین ، جمادی الاولی سنہ ۱۳۴۵ قمری.
- طبری، احسان : سروانی (شعر سواد کوهی) مردم ، ج ۲ ش ۱۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۲۱)

چهل و سه

طوسی السلمانی، محمد بن محمود بن احمد: متوفی ۵۸۹: عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات، به تصحیح و تحسین نگارنده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵ شمسی.

عباسی، محمد: مردم گر کان معتقدند که ... کتاب هفته ش ۹: ۱۵۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ن ۱۸۵۸)

عبدالله منصفی الدین بن عبدالحق با عبدالحكم متوفی ۷۳۹: مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنیه والبقاء، لندن ۱۸۵۴.

عمری دمشقی، شهاب الدین ابوالعباس: ممالک الایصار فی معالم الاعمار، بتحقيق احمد زکی باشا، قاهره ۱۳۴۲.

عیسیزاده، محمدحسن: مثلهای گیلکی . سخن، ۲: ۵.۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ن ۴۲۰۱)

غمگسار: سالنامه دیارستان ایرانشهر لاهیجان، تهران ۱۳۳۳.
فارغ گیلانی: دیوان، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۳۱ شمسی و چاپ های دیگر.

فاضل، جواد: گیلان، مطبوعاتی امیرکبیر تهران.

فتح نامه شاه طهماسب: به ملک کیومرث حاکم رستمدار مورخ ۹۵۶ شمسی، ن ۱۰۲، از منشآت فیلم ۲۳۲۴، مجلس ن ۴۱۲۵ (فهرست ۲: ۳۶۱ ن ۶۰۶) (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۴۹۲)

فتح نامه شاهrix بهادر: به ملک کیومرث رستمداری درباره گشودن تبریز و آذربایجان در سال ۸۲۴ قمری، شماره ۸، از منشآت فیلم ۲۳۲۴، مجلس ن ۴۱۲۵ (فهرست ۲: ۳۶۱ ن ۶۰۶) (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۴۹)

فتح نامه میرزا محمدسلطان به امیر محمد رشتی درباره فتح هرات مورخ ۲۰ ذی الحجه سال ۸۵۳ قمری، ن ۹۹، از منشآت فیلم ۲۳۲۴، مجلس ن ۴۱۲۵ (فهرست ۲: ۳۶۱ ن ۶۰۶) (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۴۹۲)

چهل و چهار

- فتح نامه میرزا محمد سلطان به کارگی اسلامان محمد، فرمانروای لاهیجان، مورخ ۲۰ ذی الحجه ۸۵۳ قمری، شماره ۶۹، از منشآت فیلم ۲۳۲۴، مجلس ش ۴۱۲۵ (فهرست ۲: ش ۳۶۱) (فهرست فیلم نسخه‌های خطی م ۲۴۹)
- خرائی، ابراهیم: ادبیات طبری، فروغ، ج ۱: ۲۵۵-۲۵۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ن ۴۲۲۲)
- : ادبیات محلی، فروغ، ج ۱ ش ۲: ۶۸-۶۳ و ۹۷-۱۰۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ن ۴۲۰۲)
- : بشو ترہ آدم بشناس (شعر گیلکی)، فرنگ، ۲: ۲۸۲ - ۲۹۱ (فهرست فارسی ج ۱ ن ۴۲۰۶)
- : زبان گیل، فروغ، ۱: ۱-۳۱ (محتوی بر اشعار میرزا حسین خان کمالی) (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ن ۴۲۰۴)
- : سرود وطن (در لهجه گیلکی) فروغ ج ۱ ش ۳: ۸۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ن ۴۲۰۳)
- : سرفشاری، فروغ، ۱: ۴۵-۴۶ و ۸۵-۸۷ و ۱۶۱-۱۶۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ن ۴۲۰۵)
- فرض پور ماجیانی، مصطفی: چند تراشه از ماجیان و اشکور، بیام نوین ج ۷ ش ۴: ۶۳-۶۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ن ۳۲۵۶)
- : زبان و فرنگ ماجیان، نشریه دانشکده ادبیات تبریز: ۱۶: ۲۷۷-۲۹۶ و ۱۷: ۴۵۱-۴۷۰ و ۱۰۸-۱۲۸ و ۲۶۱-۲۸۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ن ۳۲۵۷)
- فرمان دادن شان حمایل و منصب امیر تومنی به میرزا فتح‌الله خان بیگلر بیکی کیلان با تصویب امین‌السلطان صدر اعظم مورخ شوال ۱۳۱۰، شماره ۵ از، منشآت قائم مقام فیلم ۲۲۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی)
- فرهاد میرزا بن عباس میرزا بن فتحعلی شاه متوفی ۱۳۰۵ قمری: جام جم،

چهل و پنجم

تهران ۱۲۷۳ قمری . مطالب کتاب ترجمه ایست از کتاب William Pincock
با اضافاتی از هترجم.

فرهمند، محمد: عجیب‌الزمان مازندرانی ، داش ، ۱-۴۹۹: ۵۰۰ (فهرست
مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۶۴۵)

فرهنگ جغرافیای ایران ، استان اول ، نشریه دایره جغرافیائی ستاد آتش،
۱۳۲۸ شمسی.

فریدپاک، مهندس فرهاد: آب و هوای کرانه‌های شمال ایران ، بندر ازولی
۱۳۲۵ شمسی ، در ۵۰ صفحه.

فریدونی: مثل مازندرانی ، کتاب هفته ، ش ۱۵: ۱۸۲ (فهرست مقالات فارسی
ج ۱ ش ۳۲۷۹)

فروتنی استرآبادی ، ملامیر محمود: بعیره ، تهران ۱۳۲۸، قمری .
فلسفی، نصرالله: زندگانی شاه عباس اول ، در دو مجلد ، تهران ۱۳۳۴ شمسی.
فومنی، ملا عبد الفتاح: تاریخ گیلان (در واقع سالهای ۹۲۳-۱۰۳۸) ،
به اهتمام او نهاددارن، پطرزبورگ ۱۲۷۴ قمری، از روی همین چاپ، دیستان
شاهپور رشت در سال ۱۳۱۲ شمسی این کتاب را نجدید چاپ کرده است نگارند،
نیز در سال ۱۳۴۹ با مقابله نسخ متعدد این کتاب را تجدید چاپ کرد.

فهرست آثار و اینیتی تاریخی ایران : انجمن آثار ملی ، مطبوعه مجلس ، تهران،
۱۳۰۴ شمسی .

قائمه‌مقامی، جهانگیر: عزل و تبعید میرزا آفخان اعتماد‌الدوله نوری، یغما:
۵: ۳۳۲۴ و ۴۲۹-۴۶۸ و ۴۷۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۳۲۴)

قدامه بن جعفر: کتاب الخراج و صنعت الکتابه (تالیف ۲۶۶ قمری).
قراآوزلو، عبدالله بن مصطفی قلی خان اعتماد‌السلطنه: سفر نامه و تاریخ تراکمہ
مورخ ۱۲۹۳ قمری (فیلم ش ۱۶۸۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه
کتابخانه ملی به شماره ۷۴۴۴-۴۴۴۴) (۹۵۳)

چهل و شش

قزوینی، زکریا بن محمد (متولد ۶۰۰ قمری): آثار البلادو اخبار العباد (تالیف ۶۷۴ قمری)

قزوینی، میرزا محمد خان: شجرة نسب ملوك آل باوند در طبرستان (فرقدوم) (بیست مقاله ج ۱ و ج ۲، ص ۳۵۱، تهران دیسمبر ۱۳۲۲ شمسی).

قورخانچی، ملقب به صولت نظام، محمدعلی: نخبه سیفیه، در جغرافیای استرآباد و بیوت و گوکلان، مؤلف در سال ۱۳۲۱-۲۰ و سال ۱۳۲۵ قمری سخت مستخدمی کل فشون و مأموریت داروغگی بیوت و گوکلان را داشته است. این کتاب به نام حاجی سیف الدوّله حاکم وقت تنظیم شده است مؤلف همین کتاب را با نصر فاتی، در محرم الحرام سال ۱۳۲۷ قمری به نام «نخبه کامرانی» به کامران میرزا نایب السلطنه تقدیم کرد. نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه ملی ملک به شماره ۳۹۵۹، در رشت ویکورق تحریر شده است. این رساله در استرآباد نامه ص ۹۰-۱ به چاپ رسیده است. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۶۶۶۱ ۲۲۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه از نسخه مجلس در ۲۵۷ صفحه، ۱۳۷ برگ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۶۴)

قویم، علی: قابوس و شمشیر، ارمغان، ۴۶:۶۰-۴۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۷۱۴)

گاسمی، نصرالله: داوودی مازندرانی، ارمغان، ۸: ۲۲۱-۲۳۴ و ۲۹۶-۳۱۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۵۴۰)

-: غیبی مازندرانی، ارمغان، ۸: ۴۳۶-۴۵۲ و ۵۹۷-۶۰۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۵۴۱)

کاشانی دکتر مهدی: تاریخچه پروژه رشدگاه یتیمان رشت، به اهتمام معتمد همایون کاظم مژدهی، تهران ۱۳۲۷ شمسی.

چهل و هفت

کتابچه جمع و خرج ممالک محروم، کتابخانه مجلس، فهرست کتب خطی
ش ۷۷۶.

کتابچه خانوار و نفوس و اسامی اهالی و سکنه از لای وغازیان و میان پنهان،
کتابخانه بیو نات سلطنتی، مجدادش از مجموعه ها، ش ۷۳۰ از ورق ۳۹۰-۴۰۰
که ذیل فزوین جای داده است.

کتابچه راجع به کلارادشت، تحریر فی شهر المواد سنن ۱۲۹۹ قمری، نه ورق
مجدده سفاری از مجموعه شماره ۴۳۳۰ کتابخانه ملی ملک.

کتابچه رانکو ولنگرود (استوری ج ۲ بخش ۱، ص ۱۹۶)
کتابچه کلارادشت و کلارستاق، نه ورق بازده سطری از مجموعه ۴۳۳۰ کتابخانه
ملی ملک.

کتابچه نفوس اهالی مملکت استرآباد، در ابتدای جر کلباد که اول بلوک آزان
است، تا انتهای فرنگ و فارسیان، سوم شهر محروم الحرام سنن ۱۲۹۶ قمری.
سدو نود و هشت ورق با اعداد سیافی از مجموعه شماره ۴۳۳۰ کتابخانه ملی
ملک.

کتاب المبدء والمال، باقوت (۶۶۶ قمری) در معجم البلدان، ذیل طبرستان و کلار
می نویسد که مؤلف این کتاب، تاریخ زیدیه طبرستان، خصوصاً، حسن
بن زید العلوی و برادرش محمد بن زید، اشرح داده است.

کتاب مستطاب شرح جنگهای امامزاده حضرت سید جلال الدین اشرف
برادر حضرت رضا علیہ السلام و شهادت آن بزرگوار، چاپ اسلامی رشت.
کجور و نور، دوازده ورق از مجموعه شماره ۴۲۳۰ کتابخانه ملی ملک.

کدیور، عباس: تاریخ گیلان، تهران پنجم آبان ماه ۱۳۱۹ در ۱۲۷ صفحه، استوری
جغرافیای گیلان خوانده است (استوری ج ۲ بخش ۱، ص ۱۷۶)

-: فیاض لاهیجانی، فروغ، ۱: ۱۶۳-۱۶۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش
(۵۴۴)

چهل و هشت

- کسری، احمد: انتقاد درباره مقاله کنید شیخانه و لاهیجان، چهل مقاله ص ۱۱۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۳۲)
- : تواریخ طبرستان و باداشهای ما، نوبهار، دوره ۵: ۱۸۸-۱۸۳ و ۲۰۰-۲۰۴ و ۲۱۹ و ۲۲۰-۲۳۴ و ۲۳۶-۲۴۹ و ۲۵۲-۲۶۴ و ۲۶۸-۲۸۱ و ۲۸۴-۲۸۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۲۸)
- : تواریخ طبرستان و باداشهای ما، چهل مقاله ص ۱۲-۵۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۲۹)
- : جستاییان در دیلمستان، شهر باران گمنام چاپ دوم، کفتار اول ص ۲۱ به بعد.
- : خاندانهای پادشاهی (جستاییان)، تقدم، ۱: ۲۲۵-۲۳۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۷۷۰)
- : دیلمان و دیلمستان، شهر باران گمنام چاپ دوم، ص ۲ به بعد.
- : قزل اوزن یازرینه رود، بیهان، ج ۱ ش ۳۰-۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۳۴۲)
- : کادوسیان - کاروشان - تالشان، بیمان ج ۱ ش ۷: ۳۲-۳۱. چهل مقاله ص ۲۱۰-۲۱۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۳۴۳ و ۴۳۴۴)
- کشتی در گیلان، فروغ، ۷۶-۷۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۱۲۷).
- کناوری، سید نوری: نگاهی به لاهیجان، خمینه روزنامه پیام، اسفند ماه ۱۳۴۴.
- کوچک خان چنگلی [میرزا]: اسناد و نوشتگات تاریخی [مبادله شده میان میرزا کوچک خان و یک آژانس کوف، فروغ، ۱۰: ۱۲۲-۱۲۴] (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۶۰۶)
- کوشان، جعفر: شیلات (کوشای از تاریخ)، نامه فرهنگ، ۱: ۲۳۱-۲۳۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۸۷۷)

چهل و نه

- کیا، صادق : ترجمه‌ای از مقامات حربی به زبان طبری، آموزش و پژوهش، ۱۴: ۴۸۷ - ۴۷۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۲۳)
- شروین، سخن ۱: ۵۹۵ - ۵۹۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۳۵۵)
- : واژه‌نامه طبری، ایران کوده ش ۹: ص ۱ - ۲۸۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۲۵)
- : واژه‌نامه گرگانی، تهران: ۱۳۲۷ شمسی.
- کیهان، مسعود : جغرافیای مفصل ایران، سه مجلد، تهران ۱۳۱۰ شمسی.
- کدار، اندره : برج لاجیم ورسکت، آثار ایران، ترجمه رشید باسعی ۱: ۴۷ - ۵۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۴۳۳)
- گرگان و گنبد قابوس، تعلیم و تربیت ۴: ۴۸ - ۵۴ و ۱۰۴ - ۱۱۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۴۳۴)
- گرگان سرزمین طلای سفید (یاد بود جشن فرخنده، آبان ماه ۱۳۴۶) کرگان، ۱۳۴۶ شمسی.
- کل باباپور، محمد کاظم: چندتر اندماز تدرانی، سخن ۱۵: ۱۴ - ۱۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۳۸۰)
- کلچین معانی، احمد: اشرف مازندرانی، نامه آستان قدس ش ۱۹: ۶ - ۶۸ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۶۲)
- گنجی، محمد حسن: تغییرات ناکهانی هوای ساحل جنوبی بحر خزر، یادگار ۵ ش ۵/۴: ۱۴۸ - ۱۵۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۸۸۷)
- تغییر سطح دریای خزر، دانش، ۳: ۴۸۳ - ۴۹۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۱۸۸۶)
- گورگین، تیمور: ترانه چهارشنبه سوری در گیلان، بیام نوین ج ۴ ش ۵: ۶۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۵۸)
- : ترانه روستائی گیلان، بیام نوین، ج ۵ ش ۱: ۶۱ - ۶۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۰)

پنجه

- : ترانه‌های دختران روستائی لاهیجان، پیام نوین ج ۴ ش ۶۸:۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۵۹)

- : ترانه‌های گیلکی، پیام نوین، ج ۴ ش ۲:۵۳-۵۲ و ش ۶:۵۸-۵۷ و ش ۸:۶۳-۶۲ و ش ۱۰:۵۵-۵۶ و ج ۵ ش ۵:۸۵-۸۴ و ش ۱۰:۷۳ و ج ۶ ش ۲:۱۰۱-۱۰۰ و ش ۵:۹۵-۹۴:۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۱)

- : مروارید های گیلک (ترانه های قدیمی)، پیام نوین ج ۲ ش ۲۲:۷ - ۲۳ - (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۲)

گیلانی، خان احمدخان: آزادنامه، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری وحید ج ۲ ش ۱۴:۳-۱۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۸۰۴)

گیلانی، هلاشیغعلی: تاریخ طبرستان = تاریخ مازندران، به دستور خواجه محمدعلی اشرفی مازندرانی در سال ۱۰۴۴، کتابخانه ملی ملک ش ۴۲۸۱ تاریخ تحریر ۱۱۴۰ قمری، نسخه کتابخانه بیوتات سلطنتی، مجموعه شماره ۷۳۲ که مجلد هشتم از مجموعه هاست ص ۵۱۳ به بعد.

گیلک، محمدعلی: شیخ زاهد گیلانی در ۱۳۱ صفحه ازشت.
لاریجانی، حاجی میرولی: دیوان، سید غلامعلی مسمی به فاروق الاولیاء برhan الحق: رباعیات، در یک مجلد، تهران ۱۳۱۱ شمسی،

لامعی گرگانی دهستانی: ابوالحسن بن محمد بن اسماعیل: دیوان، تهران ۱۲۹۵ قمری، به اهتمام سعید فیضی تهران ۱۳۱۹ شمسی.

لالانی گرگانی، موسیقی، دوره دوم ش ۱: ۳۴-۳۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۸۱)

lahiyanian, Ali bin Shems al-Din bin Hajji Hussain: Tariikh-e-Khan (Muhammadi 921), به جهت سلطان احمد خان، به اهتمام برنهارد دارن، پطرزبورگ ۱۲۷۴ قمری.

پنجه‌وبک

لاهیجانی، م. م : جفرافیای گیلان ، نجف اشرف ، ۱۳۸۹ قمری .
لسترنج : تاریخ سرزمین‌های خلافت شرقی ، ترجمه محمود عرفان ، تهران ۱۳۳۷
شمی این کتاب را بشیر فرنیس و کور کیس عواد به عربی ترجمه کردند
و با مراجع به مراجع و مأخذ متن را تصحیح و تنقیح کرده‌اند ، بغداد ۱۳۷۳
قمری .

لشکر نویس ، سید محمد : سفر نامه ، مؤلف همراه قوام الدوله به سر کوبی
ترکمانان گوکلان و بیوت و سالور به سوی هرو رفت و رسوم مردم آنجارادر
این کتاب گرد آورده است . فیلم ش ۱۶۹۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ،
کتابخانه ملی ش ۱۲۶۵-۱۲۶۶ مورخ ۱۲۷۷ قمری (فهرست فیلم نسخه‌های خطی
م ۱۲۱)

لمعه ، منوچیر : ترانه‌هایی که مردم رشت برای نوازش کودک خویش می‌خوانند ،
کتاب هفته ش ۱۲؛ ۱۶۴-۱۶۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۲۶۴)
- : لیلا (ترانه‌ها) ، کتاب هفته ش ۴؛ ۱۶۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش
۳۲۶۵)

لوات ، بدسفورد (کلفل ...) (G. Bedesford Lovett) : سفر نامه ، که در سالهای
۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ قمری مطابق ۱۸۸۱ و ۱۸۸۲ میلادی ، در گرگان سفر گرد و
شرح مسافت خودرا به زبان انگلیسی نوشت و در همان ایام ، رحیم نامی ،
آن را به فارسی ترجمه کرد . نسخه‌ای از آن در اختیار آقای ابرج افشار
بود که به کتابخانه مرکزی دانشگاه داده‌اند . ترجمه این سفر نامه در استرآباد
نامه م ۲۱۵-۲۶۳ جاپ شده است . نسخه‌ای از آن در ۴۹ ورق از مجموعه
شماره ۴۰۸۶ کتابخانه ملی ملک است .

هارتن : بک بنای تاریخی (در شاه میدان ، کنار سفیدرود) ، ترجمه ا . ح . پ .
مردانه م ۷۳-۷۱؛ ۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۱۶۷)

پنجاه و دو

مازنی، ابو حامد ابو عبدالله محمد بن عبدالرحیم المازنی القیسی الغرفاطی الاندلسی: تحفة الالباب و نخبة الاعجاب، مؤلف سفرهای متعدد کرده است. ایران را سال ۵۲۵ و بحر خزر تاهرکری را در سال ۵۴۵ قمری دیده است. G. این کتاب را در زورفال آزبانیک سال ۱۹۲۵ نشر کرده است. ماهوند، زیبور: یلندگ دوله (از مازندران)، هردم، ج ۱ ش ۵: (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۶)

مثلهای مازندرانی، پیام نو، ج ۲ ش ۸/۷: ۶۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۲۲۷)

محمدبن زاهد گیلانی: یک صفحه از کتاب مناظر الانتهاء ناولیف محمود بن محمدبن زاهد گیلانی، فروغ، ۱: ۲۱۴-۲۱۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۸۸۹)

محمدالحسینی (و عباس اقبال): درباب مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری، یادگار ج ۴ ش ۷۱-۷۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۴۲۱)
محیط طباطبائی، محمد: سحابی استرآبادی، ارمغان ۱۳: ۶۱۷، ۶۲۰ و ۶۶۸ - ۶۷۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۴۱۹)

- شرفشاه گیلانی، موسیقی، ج ۳ ش ۱۰: ۲۵-۴۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۰۷)

خبر فروع فائی، محمد علی بن شیخ محمد کاظم: مرزهای ایران، تهران ۱۳۴۴.

مخفی رشتی: دیوان، لکنه و ۱۲۹۹ قمری = ۱۸۸۲ م.
مداینی، ابوالحسن بن محمد (متوفی ۲۲۵ قمری): کتاب فتوح جبال طبرستان.
مدرسی چهاردهی، مرتضی: شیخ زین العابدین مازندرانی، جلوه ۱: ۱۹۵ - ۲۰۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۲۴۱)

مرادیان، علی‌اکبر: تراشه‌های روستائی کیلک، رشت ۱۳۴۷ شمسی.

پنجم‌مورد

- : هنرها و ترانه‌های کیلک، وزارت فرهنگ و هنر، انتشارات فرهنگ و هنر کیلان، آبان ماه ۱۳۴۷ شمسی.

هر ز ایران و شور وی، بغماء، ۲۳۹:۳-۲۴۱ [مکتوب] (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۹۳۷)

مرعشی، سید ظهیر الدین بن سید نصیر الدین (متوفی ۸۹۶ قمری) : تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، چاپ دارن، پطرزبورگ ۱۲۶۶ قمری، به اهتمام عباس شایان، تهران ۱۳۳۳ شمسی، نسخه کتابخانه مای ملک شماره ۳۹۵۱، تاریخ تحریر ۱۰۹۷ قمری.

- : تاریخ کیلان و دیلمستان، به سعی و اهتمام ه. ل. رابینو، رشت مطبوعه عروة الونقی، ۱۳۳۰ قمری، آخر کتاب از ص ۲۱-۱ مکاتب خان احمد خان است. با تصحیح و تحقیق نگارنده، بنیاد فرهنگ ایران شماره ۴۶، در ۵۵ صفحه و ۵۵۹ صفحه متن.

هریم و زبده ولیلا (از ترانه‌های عامیانه کرگان)، موسیقی دوره سوم ش ۸: ۹۱-۹۳ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۱۸۲)

مسافت راههای کشور، وزارت راه ۱۳۲۷ شمسی.

مسافت راههای اتوبویل رو مملکتی، نشریه وزارت طرق، تهران ۱۳۱۳ شمسی، مستوفی قزوینی، حمدالله: از هدای القلوب (۷۴۰ قمری)، به تصحیح لسترنج، لین ۱۳۳۱ شمسی.

مشکوتی، نصرالله: جرجان- گنبد قابوس، ایران امروز ج ۳ ش ۷/۸: ۹-۱۴ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۳۵)

- : جرجان، گنبد قابوس، هنر و مردم، دوره جدید، ش ۱: ۳۹-۳۳:۵۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۲۱۶۷)

مشیری، لطف الله: آهنگ امیری مازندرانی، موسیقی دوره سوم ش ۱۷: ۷۱-۷۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۲۲۸)

پنجاه و چهار

مخاہری، علی : پاسخ [درباره طبیعت] ، ارمغان، ۱۶۸:۳۳ - ۱۷۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۶۶۴)

معتمدالسلطان ، محمد تقی خان متخالص به حکیم : گنج دانش ، تهران ۱۳۰۵ قمری ،

معین ، محمد : معنای استرآباد ، دروازه ، یغما ، ۱۱: ۵۶۹ - ۵۷۱ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۳۵۶)

معینی ، اسدالله : جغرافیا و جغرافیای تاریخی کرگان و دشت (طبیعی ، تاریخی ، سیاسی ، اقتصادی) تهران ۱۳۴۴ شمسی .

مقاسی ، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر البنا الشامی المقدسی البشاری : احسن التقاسیم فی معرفة الاقالم (درسالهای ۳۷۵ و ۳۷۸ تنقیح شده شده است) صفحات ۳۵۳ ، ۳۵۵ ، ۳۶۰ ، ۳۷۳ .

مقدم ، صادق : آبهای معدنی رامسر ، سازمانه کشور ایران ۹: ۱۶۰ - ۱۶۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۷۶۱)

مکتوب امیر تیمور کران به سیدعلی کیا حاکم گیلان ، شماره ۱۸ ، از منشآت فیلم شماره ۲۲۲۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه ، مجلس ش ۱۲۹۰۱ به نام مجموعه مکاتیب مختلفه (فهرست فیلم نسخه های خطی ش ۲۳۳) و همین مکتوب شماره ۵۱ ، از منشآت فیلم شماره ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مجلس ش ۴۱۲۵ (فهرست فیلم نسخه های خطی ش ۲۴۹) همین مکتوب در ارمغان ۱۴: ۵۱۰ - ۵۱۴ به چاپ رسیده است (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۴۷۹)

مکتوب امیر محمد رشتی به کارگیا ناصر ، درسال ۸۴۸ قمری ، شماره ۵۵ ، از منشآت فیلم ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، مجلس ش ۴۱۲۵ ، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه های خطی ش ۲۴۹)

مکتوب خان احمد گیلانی ، شماره ۸۷۸ ، از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانه

بنچامونیم

مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶، (فهرست
فیلم نسخه های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب خان احمد گیلانی به شاه عباس، شماره ۱۱۲، از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱، ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب خان احمد گیلانی به ملا عبدالله به مسوده ملا عبدالواسع منشی، شماره ۹۱،
از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵،
فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب خان احمد در جواب شاه عباس، شماره ۲۸، از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴
مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه های خطی
ص ۲۴۹)

مکتوب شاه اسماعیل ثانی به خان احمد گیلانی، شماره ۱۳۱، از منشآت فیلم
ش ۲۳۲۴، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه
های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب شاهرخ میرزا به ناصر کیا و سادات و داعیان کوه و گیلان در سال ۸۴۹
قمری، شماره ۱۰، از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه
تهران مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه های
خطی ص ۲۴۹)

مکتوب شاه عباس به خان احمد گیلانی در رجب ۱۰۰۰ قمری، شماره ۲۶، از
منشآت فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵،
فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب شاه عباس به خان احمد گیلانی در روز شنبه ۲۷ صفر ۹۷۵ در این
مکتوب از مردم خواری صوفیان باد شده است، شماره ۲۷، از منشآت فیلم
ش ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲:

پنجاه و شش

۳۶۱، ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب کارگیا رضی به ملک مظفر، شماره ۵۴، از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش

۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب کارگیا ناصر به امیر خلیل شیرازی، شماره ۵۲، از منشآت، فیلم شماره ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۲۱۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش

ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب کارگیا ناصر به امیرزاده سلطان محمد، شماره ۵۳، از منشآت فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش

۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب کارگیا ناصر به ملک کیومن، شماره ۵۶ از منشآت، فیلم شماره ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش

(فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب میرزا بابا به کارگیا سلطان محمد در فتح جرجان مورخ ششم ربیع‌الثانی سال ۸۵۴ قمری، شماره ۹۷، از منشآت، فیلم ش ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ و شماره ۱۲۲

شصین فیلم (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

مکتوب میرزا جهانشاه به کارگیا سلطان محمد، شماره ۱۲۱، از منشآت، فیلم شماره ۲۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۴۱۲۵، فهرست ۲: ۳۶۱ ش ۶۰۶ (فهرست فیلم نسخه‌های خطی ص ۲۴۹)

ملگونوف، کارمند دفتر خانه زنگرگرانی امپراتوری در شمال ایران و اطراف سواحل دریای خزر در سال ۱۸۶۰ م (= ۱۲۷۷ قمری)؛ سفرنامه؛ ترجمه بطرس مترجم دولتی از روسی به فارسی، به دستور میرزا سعید خان وزیر کل مهام خارجه ایران در زمان ناصر الدین شاه مؤلف در سپتامبر ۱۸۶۰ م.

پنجاه و هفت

به دعوت دفتر خانه جغرافیائی آکادمیک برادران به تفلیس رفته و از آنجا در شمال گردش کرده است . فیلم شماره ۱۶۸۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی ش ۵۷۹-۱۳۷۲ (۱۰۵۹) (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۱۲۰)

مولوی گیلانی ، میرزا هادی ، معروف به وفا علیشاه متوفی ۱۳۳۶ قمری :
دیوان ، تهران ۱۳۴۳ شمسی .

میջوری ، اسماعیل : تاریخ مازندران ، ج ۱ ساری دیماه ۱۳۴۲ ، ج ۲ ساری تیرماه ۱۳۴۵ .

مهدوی نادری ، فرامرز : آنچه در بابلسر گذشت ، تهران ۱۳۳۳ شمسی .
میرا غلو ، جمیل : در باب کلمات ترک و تراکمه و انزال ، یادگار ج س نش ۳ : ۷۴-۷۰ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ نش ۴۳۵۷)

میر پنجه ، مصطفی قلی خان : سفرنامه مسکو از روز شنبه ۱۱ ربیع ذی القعده ۱۳۰۰ قمری (۲۶ آوریل تا ۲ دسامبر ۱۸۸۳ م.) فیلم ش ۱۷۰۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، کتابخانه ملی ۹۰۸-۸۶۴ (۱۳۷۲) (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۱۲۱)

میرزا ابراهیم : جغرافیای مازندران و گیلان و دامغان و سمنان ، مؤلف از راه سمنان و دامغان و شاهرود و استراپادو ترکمن صحرا و مازندران و گیلان و آستانه رفته است . سفرنامه ایست که از روز شنبه ۲۵ رمضان ۱۲۷۶ پیشی - تیل (استوری : ۲ رمضان ۱۲۷۶) آغاز شد و در ۲۰ ذی الحجه ۱۲۷۷ ختم شده است ، فهرست آکادمی علوم شوروی ص ۴۲۰ - استوری ج ۲ ، بخش ۱ ، ص ۱۶۲ ، فیلم ش ۱۶۴۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، آکادمی علوم شوروی ۱۸۸۵ C. و رخدوم ذی القعده ۱۲۷۷ برای جنرال برنهارد دارن (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۶۸)

میرزا حسین خان نایب وزیر : کتابچه جمع و خرج سال ایت تیل محلکت ایران کبدور سال ۱۳۰۴ ، میرزا حسین نایب وزیر دفتر ، به دستور ناصر الدین شاه

ینجاوهشت

تدوین کرده است (فهرست مجلس ۲: ۷۷۶-۴۸۷، فیلم شماره ۲۲۳۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۸۴۷۵، نتعلیق و سیاق در ۱۰۰ ص. فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۱۵۷)

ناصر خسرو علوی قبادیانی: سفر نامه، شروع سفر در سال ۳۹۴ قمری.
ناظرزاده کرمانی: ابوالحجاج مرداویز بن زیار گیلی، مهر ۴: ۸۴۴ - ۸۳۷ و ۹۳۷-۹۲۹ (فهرست مقالات فارسی ج ۱۶: ۲۷۳۰)

ناصر الدین بن امیر معصوم: جغرافیای ایران و توران، فیلم شماره ۸۶۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، موزه بریتانیا ۵۷۱۱. ۰۳، نتعلیق در سال ۱۲۴۳ قمری، در ۲۴ برگ ۲۱ سطری (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۶۷)

ناصر الملک، مترجم سفر نامه فربزر J. Fraser، در کرمانشاه سال ۱۳۲۷ قمری.
ناظمی، فخری: دو بیتی های آملی و بابلی، جهان او ۲ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۲۹)

نامه ای به میرزا ابراهیم استرآباد، شماره ۱۹۳، از منشآت، فیلم شماره ۲۲۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۲۳۲۲۵ (۲۵۰۶)

فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۲۳)

نامه جعفرقلی خان بیگلر بیگی استرآباد، از اشرف مصحوب یوسف آقا (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۳۱)

نامه های سیاسی زمان قاجار، خطاب به الکساندر شودزکو، فیلم شماره ۲۱۸۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، پارس ش ۶۸۷ و ۱۱۳۵ و ۹۹۵ (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۶۳)

نجیبی رویانی، علی بن جمال الدین بن علی بن محمود: تاریخ طبرستان (۲) که برای کارکیا میرزا علی پسر سلطان محمد کیا قبل از سال ۸۸۱ نوشته است، زیرا سید ظهیر الدین از این شخص در سال ۸۸۱ بالفظ مر حوم باد می کند (کشف الظنون ص ۲۹۷)

نقیر، احمد: فروتنی استرآبادی، اورینتل، ج ۳۵: ۱-۴۴ [اردو] (فهرست

پنجاه و نه

مقالات فارسی ج ۱ ش ۵۴۵۵)

نظری، بزرگ: مازندرانیها معتقدند که...، کتاب هفته ش ۱۸: ۱۶۴ (فهرست مقالات
فارسی ج ۲ ش ۱۸۶۲)

تفیضی، سعید: آثار تاریخی چهار پادشاه در لاهیجان، تعلیم و تربیت ۳: ۲۶۶—۲۸۳
(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۴۳۶)

- : اسامی ماهیها [به کلکی]، فروغ ۱: ۱۳۲—۱۳۴ (فهرست مقالات فارسی ج
۱ ش ۴۲۰۸)

- : بقعة سلیمان داراب در مغرب رشت. فرهنگ ۳۵۹: ۳—۶۶ (فهرست مقالات
فارسی ج ۱ ش ۲۴۳۷)

- : صنعت تخم نوغان در ایران، تهران، سری .

- : لامعی گرگانی. آینده ۱: ۳۶۷—۳۷۳ و ۴۴۱—۴۴۳ (فهرست مقالات فارسی
ج ۱ ش ۴۹۰۵)

- : مخلدی گرگانی، مجله دانشکده ادبیات ج ۳ ش ۱: ۱۸—۲۲ (فهرست مقالات
فارسی ج ۱ ش ۴۹۰۶)

نوائی، عبدالحسین: انقلاب گیلان چگونه آغاز شد، باد کارج ۴ ش ۳: ۴۱—۴۱
(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۲۹۹۶)

نوشته خان احمد سیلانی در حاشیه حکم معافی طبیب باشی، شماره ۵۳ از منشآت،
فیلم ش ۲۲۲۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجلس ش ۱۲۹۰۱ به نام
مجموعه مکاتب مختلفه (فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۳۳)

نیایه الانساب که به نام سید میرزا مرشد الدین شاه عبدالله، شاهزاده مازندران
نوشته شده است. فیلم شماره ۹۲۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، آستان
قدس ش ۲ رجال و انساب، به نام الانساب در فهرست ۲: ۳۵۲ معرفی شده است
(فهرست فیلم نسخه های خطی ص ۲۷۰)

نهرهای اطراف رشت - دهات رشت - نهرهای گیلان، کتابخانه بیوتات
سلطنتی جلد ششم مجموعه ش ۷۳۰، از درق عرض ناورق ۷۴ ع ۷۴ که ذیل

شصت

فرزین جای داده شده است.

فیروزی، حمید: اعتماد الدوله و داوری تاریخ، مهر ۸: ۴۶۹-۴۷۳ (فهرست
مقالات فارسی ج ۱ ش ۳۳۸۹)

نیکپو، قاسم: ترانه‌شنواری، موسیقی ج ۳ ش ۶/۷: ۱۱-۱۲ (فهرست مقالات
فارسی ج ۱ ش ۴۶۰۹)

نیکسیر، منوچهر: در نگاه من (بازیهای محلی از گرگان)، کتاب هفته
شنبه ۳۱: ۲۰۴-۲۰۵ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۱۹۹۵)

وحیدقزوینی، محمد طاهر: عباستامه، شرح زندگانی بیست و دو ساله شاه
عباس دوم (۱۰۵۳-۱۰۷۳ قمری) به تصحیح ابراهیم دهگان، اراک.

وقف نامه سیف الدین مخلف بتكجی مورخ ربیع الاول سال ۹۱۹ و هفتم ربیع الاول
سال ۹۲۰ قمری، دو طغر است و مر بوط به روستاهای استرآباد است، نشریه
دانشگاه ۴: ۴۹۱، فیلم شماره ۲۴۱۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، اصل
به شکل طویل (فهرست فیلم اسنادهای خطی ش ۲۷۱)

وقف نامه قهارقلی خان دربار فروش (درخانمه کتاب حاشیه بر فوائد الاصول
از شیخ محمد حسن بن صفرعلی بارفروشی، تهران ۱۳۳۴ قمری)

وقف نامه‌های گرگان، شامل سا وقف نامه (استرآباد نامه ش ۲۶۵-۲۹۰)

هادیان، حسن: دو بیتی های دیلمان، پیام نوبن ج ۲ ش ۹: ۶۲-۶۱ (فهرست
مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۶۶)

- : چند دو بیتی از دیلمان با ترجمه فارسی، پیام نوبن ج ۲ ش ۴: ۴۵-۴۶
(فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش ۴۲۱)

- : سعیدای گیلانی، مجموعه مقالات ص ۲۴۲-۲۵۱ (فهرست مقالات فارسی ج
۱ ش ۵۴۵۹)

هجمیم آملی: قطعه مطابیه، ارمغان، ۱۳۴: ۱۶ (فهرست مقالات فارسی ج ۱ ش
۴۶۳۰)

هدایت نوری، رضاقلی خان بن محمد: سفارت‌نامه خوارزم، متن سفر نامه درج ۲

شصت و پنجم

هر آن البیان ناصری است این متن را مسترج . شفر با ترجمه فرانسه در سال ۱۸۵۵م طبع و نشر کرد .

هلاکی جفتائی استرآبادی، بدرالدین (مقتول ۹۳۶قمری) : دیوان، لاہور ۱۳۳۳
قمری ، تهران ۱۳۱۵قمری .

یاقوت ، شهاب الدین ابو عبدالله بن عبدالله حموی : معجم البیان ، تاریخ
تالیف ۶۲۳قمری ، ذیل نامهای جغرافیائی حاشیه دریای خزر مطالب
مفصلی دارد .

یزدان ، لطیف ، اکبر: پذیرائی از مادر شوهر (در فولکلر گیلان) ، پیام نوین
ج ۴ش ۱۰: ۵۶-۵۷ (فهرست مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۶۷)
- : ترانهای ماهیگیران دریای مازندران پیام نوین ، ج ۴ ش ۶۰ (فهرست
مقالات فارسی ج ۲ ش ۳۹۸۱)

یزدادی ، ابوالحسن علی بن محمد: عقد سحر و قلائد در (باتاریخ کاوباره از ملوك
طبرستان) ، ابن اسفندیار این کتاب را در دارالکتب مدرسه شهنشاه غازی
رسنم بن علی بن شهریار درری دیده است (تاریخ طبرستان ابن اسفندیار
۴وس ۵ ، استوری ج ۱ : ۳۶۰)

پایان

این فهرست فاصلی است از نامهای کتب فارسی و عربی و رسائل و مقالات
که درباره حاشیه دریای خزر نوشته شده است . در مقدمه مجلد دوم که شامل آثار
و بنایای تاریخی بیهیس گیلان است ، این فهرست را تمام خواهیم کرد و فهرستی
از نامهای کتب و رسائل و مقالاتی که به زبانهای خارجی نوشته شده است ، بدان
خواهیم افزود .

شصت و دو

برای گردآوری فهرست مقالات و مکتوبات و پاره‌ای از کتب، از کتابهای زیر استفاده شد:

افشار، ایرج: فهرست مقالات فارسی، ج ۱، تهران ۱۳۴۸، شمسی.

ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران ش ۶۹۷/۲، تهران ۱۳۴۰، شمسی.

دانش پژوه، محمد تقی: فهرست فیلم نسخه‌های خطی،

مشار، خانبابا: فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج ۱، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۳۷، شمسی.

مراجع و مأخذ کتاب

- ۱ - احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم تأليف شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد ابو بکر مقدسی معروف به بشاری ، لیدن ، ۱۹۰۶ م.
- ۲ - اسماعیل دهات کشور ، اداره آمار و نت احوال : چاپ اول .
- ۳ - استویک = Eastwick, E.B.: Journal of a Diplomatic Three Years Residene in Persia, London 1804 .
- ۴ - تاریخ علماء و شعرای گیلان تأليف ، شیخ حسن شمس گیلانی بن اعتماد الواعظین تهران ۱۳۲۷ شمسی .
- ۵ - تاریخ گیلان خچکو = تاریخ گیلان تأليف شودز گو ، ترجمه محمدعلی گیلک ، رشت ۱۳۰۷ شمسی .
- ۶ - تاریخ گیلان و دیلمستان تأليف سید ظہیر الدین بن سید انصیر الدین مرعشی رشت مطبعة عروة الونقی سال ۱۳۳۰ قمری . از صفحه دویست این کتاب تا آخر به همین کتاب تصحیح نگارنده ، انتشارات بنیاد فرهنگ شماره ۳۶ ، دی ماه ۱۳۴۷ ، نگاه کنید .
- ۷ - تاریخ گیلان تأليف عارف عبد الفتاح فومنی ، به اهتمام برنهارد دارن ، پطرزبورگ ۱۲۷۴ قمری .
- ۸ - تقویم البلدان تأليف عماد الدین اسماعیل بن محمد بن عمر معروف به ابو الفدا متوافق ۷۳۲ ، پاریس ۱۸۴۰ .
- ۹ - حاشیة دریای خزر ملک گونوف = Melgunof, G : Die Sudliche ufer des Kasprischen Meeres oder die Nordprovinzen Persien, Leipzig 1868.
- ۱۰ حدود العالم من المشرق الى المغرب (مؤلف در ۱۳۷۲ قمری) به تصحیح نگارنده

شصت و چهار

چاپ دانشگاه تهران .

- ۱۱- روضة الصفائی ناصری تأليف رضا قلی خان هدایت، تهران ۱۲۷۰ قمری.
- ۱۲- زندگانی شاه عباس اول تأليف نصرالله فلسفی ، تهران ۱۳۳۴، ۱۳۳۵ شمسی.
- ۱۳- سفر نامه از خراسان تا کشور بختیاری ، ترجمه علی محمد فرووشی (متراجم همایون) ابن سینا، تهران.
- ۱۴- سفر نامه بل = Bell, J. : Travels from St. Petersburg to diverse parts of Asia; Glasco, 1863, vol I .
- ۱۵- سفر نامه فریزر = Fraser , J. B. Travels and adventures into the Persian Provinces on The southern banks of the Caspian Sea, London 1820 .
- ۱۶- سفر نامه هزاران و استرآباد رابینو = Robino , H. L. : Mazandaran and Alarabad; London, 1928.
- ۱۷- شهریاران گمنام تأليف احمد کسری ، چاپ دوم.
- ۱۸- شیخ زاهد گیلانی تأليف محمد علی گیلاک ، چاپ رشت.
- ۱۹- طرائق الحقایق تأليف محمد معصوم شیرازی معروف به معصوم علیشاه (نایب الصدر) به تصحیح محمد جعفر محجوب ، تهران ، ۱۳۴۵ شمسی.
- ۲۰- عجایب الاقالیم = کتاب عجایب الاقالیم السبعه ای نهایه العماره تأليف سهراب چاپ مزیات، ۱۹۲۹ م.
- ۲۱- فرهنگ جغرافیائی ایران، استان بکم، از انتشارات دانشگرافیائی ستاد ارشاد .
- ۲۲- کتاب مستطاب شرح جنگهای امامزاده حضرت سید جلال الدین اشرف برادر حضرت رضا علیه السلام و شهادت آن بزرگوار ، چاپ اسلامی، رشت.
- ۲۳- گیلان رابینو = Robino H. L. Les Provinces Caspiennes de la Perse Paris. 1917.
- ۲۴- استرالیج = Le Strange : The Lands of the Eastern Caliphates - cambridge, 1905.

شصت و پنجم

- ۲۵- مجله فروغ، مؤسس ابراهيم فخراني سال اول، رشت .
- ۲۶- مجله فرهنگ، مؤسس جمعيت فرهنگ رشت، سال سوم، رشت .
- ۲۷- مجله موسيقى، از انتشارات اداره موسيقى کشور ، سال سوم، تهران .
- ۲۸ - مرآت البیان تأليف ميرزا حسن خان اعتماد السلطنه ، تهران ، ۱۲۹۷
قمری .
- ۲۹- مسالك الملک تأليف ابواسحاق ابراهيم بي، محمد خارسی اصطخری ، ليدن ،
۱۹۲۷ م.
- ۳۰- نخبة الدهر في عجائب البر والبحر تأليف شمس الدين ابو عبدالله محمد بن
ابوطالب انصاري دمشقي متوفي ۷۲۸، ليفربوك، ۱۹۲۳م.
- ۳۱- نزهة القلوب تأليف حمد الله مستوفي فرزديني، به سعى واهتمام استراني ،
لیدن، ۱۹۲۳م .
- ۳۲- بادداشت‌های تایپ شده دايت Abbott ، متعاق به آقای چنگیز شبخلی .
- ۳۳ - بادداشت‌های تایپ شده مکنزی Mackenzie ، متعاق به آقای چنگیز
شبخلی .



مختصری از جغرافیای تاریخی و انسانی گیلان

گیلان بخشی از سرزمین ایران است که میان سی و شش درجه و بیست و هشت دقیقه تا سی و هشت درجه و پانزده دقیقه عرض شمالی و چهل و هشت درجه و چهل و چهار دقیقه تا پنجاه درجه و سی و دو دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. خاک گیلان از طرف شمال به درهای خزر و بخش کوچک نمین، از مشرق به مازندران، از جنوب به قزوین و زنجان و آذربایجان و از مغرب بیز به آذربایجان محدود می‌شود. درازای این خاک از شمال غربی به جنوب شرقی دو بیست و بیست و پنج کیلومتر و بینای آن میان بیست و پنج تا صد و پنج کیلومتر است.

رودخانه سفید رود (۱) خاک گیلان را به دو بخش جدا کانه تقسیم کرده است: بخشی که امروز مرکز آن شهر رشت است به نام گیلان بیهی پس را گیلان روپس یا پسا گیلان یا به قول مؤلف حدود العالم «آن سوی رودیان» و بخشی که مرکز آن لاهیجان بوده است، به نام گیلان بیهی پیش یا گیلان روپیش، یا به قول مؤلف حدود العالم «این سوی رودیان» (۲) خوانده می‌شده است.

حنگامی که مقدسی در قرن چهارم کتاب خود را می‌نوشت، سلاطین آل بویه فرمانروالی داشتند. در این وقت تمام گیلان، حتی قسمتهای کوهستانی شرقی

(۱) اسمید رود = نهر الدبلم . از جیلان و دبلم می‌گذرد ، در بحر دبلم به دریا می‌ریزد (عجبات الالفالیم سهراپ س ۱۴۸) (۲) یا «از آن سوی رودی» و «از این سوی رودی» (حدود العالم ص ۳۶) در تاریخ گیلان و دیلمستان این نامها بدین شکل آمده است: پسا گیلان ص ۸۶ و ۱۰۱ و بیهی پس ص ۶۲ بیهی پیش ص ۵۷ روپیش ص ۳۴ رود پیش ص ۸۳ روپیش گیلان ص ۳۶ و ۳۹ .

آن دو لایات حاشیه دریای خزر، یعنی طبرستان و جرجان و خاک فومن نیز جزء دیلمان بهشمار می‌آمد. این تقسیمات، زیاد پایدار نماند. پس از چندی کلمه دیلمان به قسمت کوهستانی شرقی گیلان فعلی، اطلاق شد و قسمت هموار کنار دریا را « چیلان » خوانند. در ادور بعد، کاهی کلمه دیلمان شامل هر دو ناحیه و زمایی کلمه گیلان به منطقه کوهستان و دشت اطلاق می‌شد. (۱)

اصطخری در سال ۳۴۰ هجری در باره سرزمین دیلم چنین نگاشته است:

ناحیه دیلم و منضمات آن، از طرف جنوب به فزوین و طارم و قسمتی از آذربایجان و قسمتی از ری محدود می‌شود. در طرف شمال آن بحر خزر را فرازده است و از سمت غرب به قسمتی از آذربایجان و شهرهای ار آن می‌رسد. بدین ناحیه کوههای روپنج (= رویان) و پادوسپان و کوههای فارن و جرجان را نیز افزوده‌ایم. دیلم به دو قسمت سهل و جبل تقسیم می‌شود. طایفه گیل در قسمت سهل و زمین‌های هموار کنار دریا هستند و سرزمین ایشان دریای کوههای دیلم است. قسمت جبل در دست طایفه دیلم است و کوههای بلند دارد. محلی که پادشاهان ایشان در آنجاست « روبار » خوانند و فعلای در دست سلاطین آل جستان (۲) است. پاره‌ای از مردم، دیلم را طایفه‌ای از بنی خبیه دانسته‌اند. سرزمین ایشان جنگلی و پر از درخت است. در قسمتی که گیلها نشته‌اند و طرف دریای طبرستان است، درختان بیشتری دارد. درهای اینجا پراکنده است و ساکنان آنها مردمی کشاورزند و چهاربایند. زبانشان غیر از عربی و فارسی است و در بعضی قسمتهای کوهستان، چنان‌که من شنیدم گروهی هستند که زبانشان غیر از زبان گیل و دیلم است. طایفه دیلم مرد می‌عجول و بی‌مبالغ و کم موی و لاغر اند. تا زمان حسن بن زید، کافر بودند و پاره‌ای از آنان در آن وقت مسلمان شدند. تا امروز،

(۱) متن انگلیسی لسوانیج ص ۱۷۳. (۲) برای اطلاع بیشتر از آر جستان به

شهریاران گمنام کروی گفتار اول « جستانیان در دیلمستان » ص ۲۱ به بعد در چاپ دوم نگاه کنید.

در گوهستان متصل به این ناحیه، کافران زندگی می‌کنند. (۱) صاحب ممالک الابصار شرحی کافی درباره گیلان بیه پس اونته است که مختصر آن را در اینجا می‌آوریم:

گیلان [بیه پس] چهار شهر بزرگ دارد که در هر شهر وحومه آن سلطانی حکمران است. این چهار شهر، فومن و تولم و گسکر ورشت است. مردم اینجا حنبلی مذهب اند. باران در اینجا زیاد می‌بارد و رودهای متعدد در اینجا جاری است. درختان میوه زیاد دارد و محصول این درختان را بدمازندران می‌برند. شهرهای گیلان استحکاماتی ندارد، اما سلاطین آنها، هر یک قلعه‌ای دارند. بناهای آن بیشتر از آجر است. چاههای آب در اینجا فراوان است و در عمق کمی به آب می‌رسد. غذای اصلی مردم برنج است. جو نیز می‌کارند. گاو و گوسفند فراوان دارند و به قیمت مناسب می‌فروشند. مساجد و مدارس و خانه‌ها و زوارای او حمام‌های خوب دارند. بر سر حدود از ندران استحکاماتی ساخته اند. در دریای قلزم جزایری دارند که درختان میوه در آنها می‌روید. مردم در فکر به دست آوردن این جزایر هستند، زیرا ایشان را در مقابل دشمنان حفاظت می‌کند. سر زمین جیل سر زمین فراوانی و نعمت است. هر سلطانی سکه به نام خود می‌زند و تا کمون به نام پادشاهان مغول سکه نزده اند. سکه شهری، در شهر دیگر روای رواج ندارد. رعایا آزادند و بردگی رواجی ندارد.

با رویدادهای زیب، در دوران صفویه گیلان نابع حکومت مر کزی شد. روز پنجشنبه دوازدهم محرم سال ۹۷۴ قمری معصوم بیک و کیل شاه طهماسب به جانب گیلان آمد و خان احمد خان - سلطان بیه پیش را دستگیر کرد. (۲)

در سال هزار قمری، شاه عباس، فرهاد خان قرامانلو را برای گرفتن گیلان فرستاد (۳) و کم کم گیلان نیز نظیر مازندران تسلیم حکومت مر کزی شد.

(۱) ممالک الممالک س ۴ ۲۰۵ و ۲۰۶ (۲) تاریخ گیلان عبدالفتاح ص ۳۰.

(۳) همین کتاب ص ۹۸.

درجہادی الاولی سال ۱۰۲۲ قمری شاہ عباس بہ گیلان آمد و در رانکوہ
بہ شکار رفت . (۱)

لرد کرزن (Carzon) شرح مفصلی دربارہ گیلان نوشته است. مانکات اصلی
آن را در اینجا باد می کنیم :

گیلان و مازندران سرزمینی است که از حاشیه دریای خزر (۲۵ متر
بالائی تر از سطح اوقیانوس آزاد) تا قلل رشته البرز (۳۵۰۰-۴۰۰۰ متر) کشیده
شده است . این خاک وسیع آب و هوایش مختلف است و نمی توان آن را طبقه بندی
کرد . امامی توان به چهار قسم مشخص، به شرح زیر تقسیم نمود :

۱- حاشیه دریای خزر با نوده های شن بهارتفاع هشت تاده متر و پهنای
دویست تا چهارصد متر بایادهای شمالی و شمال غربی که رطوبت را به لبه جنوبی
دریا می رساند .

۲- اراضی پشت این تپه های شن که رو دخانه هائی که از کوهها سرچشمه
می کبرند بدین جا می رسند و چون راهی به دریا ندارند پس می زند و باطلاق
هائی به وجود می آورند . مرداب انزلی در غرب و خلیج استر ایاد
در شرق و میان اینها مردابهای لنگرود و مشهد سر (= بابلسر) رامی توان جزء
این باطلاقها داشت .

۳- حاشیه پشت این مردابها که منطقه جنگلی است و انواع درختانی
که به رطوبت زیاد احتیاج دارند در اینجا می رویند . آب و هوای این حاشیه
خوب نیست و مردم بومی گرفتار امراض کونا کون اند . شهرهای مهم و دهکده
های پر جمعیت در این قسمت است .

۴- دامنه های البرز که لطافت هوا و زیبائی آن نظریه ندارد .

کرزن پس از این شرحی درباره درختان حاشیه دریای خزر می دهد و پس
از آن جانداران وحشی را می شمارد . (۲)

(۱) تاریخ گیلان عبدالفتاح ص ۱۷۱ . (۲) گیلان راینو ص ۶۱ و ۶۲ .

جمعیت گیلان را می‌توان به دو قسمت مشخص تقسیم کرد: ۱- مردم ساکن زمینهای هموار که به برنج کاری و پرورش نوغان یا چهار پایان اهلی مشغول‌اند و در یک محل ساکن‌اند و بیلاق و فشلاق ندارند. ۲- کسانی که زمستان را در این زمینهای هموار هستند و تابستان را به کوهستان می‌روند. این گونه مردم در کوهستان نقاط مشخص و معینی برای بیلاق خود دارند.

گیلان یکی از سرزمینهای آباد و پرحاصل ایران است. انواع محصولات و درختان میوه در اینجا به بیشترین وضعی می‌روید و با مردم دارد. این سرزمین آباد از قدیم مسکون بوده و ساکنان قدیمی آن گیلهای هستند^(۱) که خوشنان با خون عرب و مغول و ترک و پارسی مخلوط شده است. طاعون سال ۱۲۴۶ هجری (= ۱۸۳۰ - ۱۸۳۱ میلادی) بسیاری از ساکنان اینجا را از میان برداشت و سپس از بخش‌های همجاور مانند آذربایجان و مازندران و عراق عجم و مواردی ففقار گردیده را بدین جا کوچانده‌اند، از این‌رو زبان و خون ایشان پس از این تاریخ بسیار آمیختگی پیدا کرده است.

گیلهای که در زمینهای هموار ساحلی زندگی می‌کنند، سفید پوست‌اند و قدرت جسمی زیادی ندارند. فریزر (Fraser) ظاهر ایشان را همچون ظاهر بیماران می‌داند. مورخین دوران صفویه متوجه استعداد کم و کند فهمی ایشان شده‌اند و می‌نویسند که سرکشی و بی‌انتظامی را دوست دارند. در سال ۱۰۳۸ هجری شاه صفی ایشان را خلع سلاح کرد و فقط اجازه داد که داسی با خود حمل کنند.^(۲)

گالشها، گله‌داران صفحات گیلان هستند. زمستان را در تپه‌های پای کوه می‌گذرانند و تابستان را به ارتفاعات می‌روند. محلهای بیلاقی ایشان معین و مشخص است. طوابیف و تیره‌های مختلف ایشان در نقاط مختلف گیلان زندگی می‌کنند.

(۱) در کتب جغرافیائی یونانی Gelae. (۲) گیلان راینسو ص ۲۷.

تالشها در شمال غربی گیلان در پنج بخش جداگانه زندگی می‌کنند. بخش‌های تالش نشین ایران از فواره زیراست: کرگان رود، اسلام، تالش دولاب شاندرمن و ماسال. اینان نیز مانند گالشها در حرکت هستند. زمستانها را در پای کوه، در گیلان و تابستانها را در ارتفاعات دامنه البرز می‌گذرانند.

گردی اصل ایشان را ترک داشته و می‌گویند یکی از پسران امیر چوبان- تالش نام- که سرکرده سر بازان چنگیزخان بود ایشان را بدین جا آورده است.

گردان رشوند در کناره‌های شاهروند و کناره راست سفیدرود زندگی می‌کنند. نخست هشت‌تصد احاق (= خانوار) بوده‌اند که شاه عباس اول ایشان را از ارزروم و شهر زور بدین جا آورده است.

طایفه‌ای چند از ترکان در عمارلو و رحمت آباد و روبار زندگی می‌کنند. (۱)

خلخالیها به دنبال کار، زمستان را به گیلان روی می‌آورند. کارهای سخت و مشکل گیلان را اینان انجام می‌دهند.

کولیها نیز در این سرزمین در زیر چادرهای محقر خود زندگی را می‌گذرانند. زنانشان فالگیرند و مردان آهنگری می‌کنند.

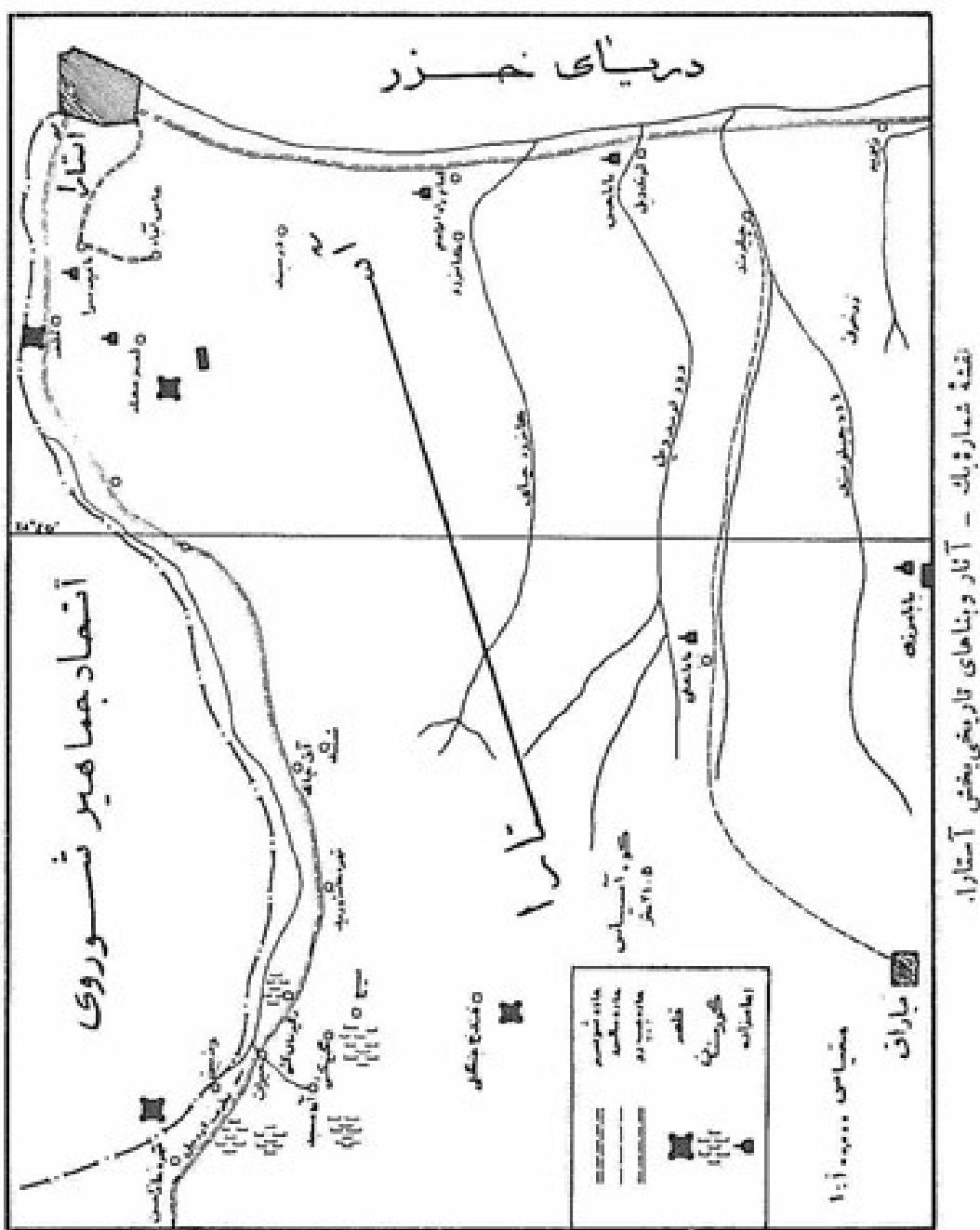
يهودیان از قدیم در گیلان راه یافته‌اند. میر ظهیر الدین از یهودیان دهکده چاکان اشکور در سال ۸۴۵ هجری یاد می‌کند. (۲) قرزل (Trézel) در سال ۱۲۲۴ هجری (= ۱۸۰۹ میلادی) جمعیت یهودیان رشت را پنجاه خانوار می‌نویسد.

در سیاهکل دیلمان در زمان رابینو (۱۳۳۱ هجری)، بازده تا بیست خانوار

(۱) گیلان را بینو ص ۳۰ و ۳۱. (۲) سه نفر یهودی از یهودیان فربه چاکان از ناحیه جیرگتابه اشکور یکرفت. گیلان و دیلمستان ص ۲۰۵.

بهودی بادا دوستد مختصری زندگی می کرده‌اند.

راپینومی تویس : ارامنه‌شت به چهل خانوار می‌رسند . چند خانواری نیز در پندران‌زی هستند . اینان باز هاندگان ارامنه‌ای هستند که شاه عباس به صفحات جنوبی دریای خزر آورده است .



بخش یکم

۱- جغرافیای تاریخی آستانه

در متنون جغرافیائی قدیم از شهر آستانه و دیوارهای مهم اطراف آن بادی به میان نیامده است . گویا این شهر که پاره‌ای از مردم کمان می‌کنند تازه آباد است ، در آن روزها اهمیتی نداشته است . تا آنجا که نگارنده خبردارد ، میرظه‌پرالدین مرعشی قدیمترین تاریخ تویسی است که از این شهر در کتاب خود یاد کرده است . او سه بار ، این معلم را به نام « آستانه » (۱) و یک بار به‌اسم « آستانه » (۲) خوانده است .

میرخواند نیز پس از میرظه‌پرالدین از آستانه یاد کرده است . او می‌اویسد که در جمادی‌الثانیه سال ۱۰۰۴ که شاه عباس از راه خرزه و منجیل به کهدم و پس از آن به لاهیجان رفت ، علی‌خان حاکم بیه پس و امیره مظفر برادر امیره سیاوش در گسکر ، اظهار بندگی واطاعت نکردند . شاه عباس ، فردادخان روملورا که سردار سواران والپیان بیک فاجار را که سرهنگ پیادگان آتشبار بود ، به دفع ایشان بفترستاد و به ذوالفقارخان فرامانلو امر کرد که از راه طالش و آستانه ، با سپاه آذربایجان برسر گسکر و امیره مظفر آید . (۳)

عبدالفتاح فومنی نیز از این شهر ذکری به میان آورده است و می‌اویسد که شاه عباس به بهزاد بیک دستور داد ، از ابتدای آستانه تا سرحد و سامان مازندران در ارتباط شوارع و تعمیر پلهای دقیقه‌ای فروگذار ننماید . بهزاد بیک

(۱) کیلان و دیلمستان صفحات ۲۸۳ و ۲۹۶ و ۲۹۷ . (۲) همین کتاب ص ۲۲۷ .

(۳) روضه الصفا ج ۸ ص ۶۷۱ .

راهها و پلهارا از آستارا تا اسپچین^(۱) مرتب و معمور کرد. ^(۲)
 یکی دو تن از جهانگردان، این محل را دیده و آنرا وصف کرده‌اند.
 شاید توصیفی که «ابت» (Abbott) از این شهر کرده است، رسالت از توصیف
 دیگران باشد. او نام قدیمی این شهر را «دهنه کنار» می‌داند و درباره آن
 می‌نویسد:

دهکده دهنہ کنار (= آستارا) در مصب رودخانه آستاراست. در سال
 ۱۲۵۹ قمری (= ۱۸۴۳ میلادی) که ابت از این محل عبور می‌کرد، پنجاه
 تا شصت خانوار جمعیت داشت و دکانهای داشت که اجناس آنها به خارج از
 ایران حمل می‌شد.

در طرف دیگر رودخانه آستارا، سیصد تا چهار صد خانوار پراکنده
 است که محل ایشان به نام «گیلر کران» مشهور است. اما از خاک این‌ان،
 چیزی از این خانه‌ها دیده نمی‌شود. در اینجا پنجاه تن فراقروسی بهمن‌زداری
 مشغولند. دیگر از رویان در اینجا نشانی نیست. رئیس گمرک آنجا به
 اجناسی که وارد خاک روسیه می‌شود، مهری می‌زند و آنها را به لنکران
 (= لنگر کنان) می‌فرستد تا به کار گمرک آنها رسیدگی شود. قرنطینه روسها
 نیز در لنکران است. دهانه رودخانه آستارا، پنجاه تا شصت یارد است که
 فعلاً آب در آن جاری است، اما بستر اصلی این رودخانه بیشتر از این مقدار
 است. آستارا بندرگاهی ندارد و کشتیها، بارهای خود را تحویل فایقها
 می‌دهند و به ساحل می‌آورند. حدود ناحیه آستارا، به ساحل شمالی رودخانه
 نیز کشیده می‌شده است. وحد جنوبی آن در خاک ایران به رودخانه چیلواند
 می‌رسد. ظاهرآ این ناحیه کم جمعیت است. در کوهستان جمعیت ثابتی نیست
 و در دشت و زمینهای هموار غیر از دهکده دهنہ کنار، چهار دهکده دیگر
 نیز وجود دارد^(۳).

(۱) در اصل: رسچین. (۲) تاریخ کیلان س ۱۵۹.

(۳) بادداشتی‌ای مابین شده ابت متعلق به آقای چنگیز شبخلی منحات ۱۲۹۱۰.

بخش طالش نشین، بخش وسیعی است که اکنون میان روس و ایران تقسیم شده است. حد شمالی آن رودخانه ارس و محل اتصال ارس و کر است که این بخش را از سالیان که متعلق به شیروان است، جدامی کند و از جنوب به دماغه شنی که بـنـدـرـانـزـلـسـ در آنست می‌رسد. حدشتر قی آن سواحل دریا و حد غربی آن قلل کوههاست و کاهی دهکده‌هایی در آن سوی کوه بیز طالش نشین است.

طالش آستانه‌دار زمان ایت به بخش‌های کوچکتر زیر تقسیم می‌شده است.

۱ - خومبلی . ۲ - زووند . ۳ - دریج . ۴ - الوف (= لنگران) این بخشها فعلاً در خاک روسیه است.

او جارود و معان و آستانه میان روس و ایران تقسیم شده است و بلکچ (= بلکچ) متعلق به ایران است. بخش طالش نشین کر گان رود در آن وقت در دست بالاخان و اسلام دو دست مصطفی خان، طالش دولاب در دست علی قلی خان، شاندرمن در دست نصرالله خان و ماسال در دست محمد خان بوده است.

اراضی معان ایران سکنه‌ای ندارد، طوایفی در زمستان فقط در آنجا ساکن هستند. طالش کر گان رود و اسلام شامل هجده بخش کوچکتر است. دیها و قبایات آن در حدود چهار هزار خانوار جمعیت دارد. اینان در تابستان به کوه‌های زیبا و خوش منظر بیلاقی خود می‌روند و چند نفری برای رسیدگی به شالیزارها، در محل می‌مانند. جمعیت طالش گستر معلوم نیست ولی دیهای آن آبدار است و اثر خوبی از بخش طالش در ذهن مسافر می‌گذارد.^(۱)

۲ - آثار و بنای‌های تاریخی آستانه

ترتیب و تنظیم منطقی ثبت آثار و بنای‌های تاریخی ناحیه آستانه آستانه که قسمت اعظم آن کوهستانی و کنار رودخانه است، ایجاد می‌کرد که ایندا از آبریز سمت راست این رودخانه که جزء خاک‌هاست شروع کنیم و از گردنه حیران در

(۱) یادداشت‌های ماشین شده ایت متعلق به آفای چنگکیز شیخلى صفحات ۱۳ و ۱۴.

امتداد آب پائین آئیم و یکابک دره های فرعی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم . کارنگار نده نیز چنین بود . امادر ضمن جستجوی این آثار ، به مزار پیری برخورد که پس از شصده و پنجاه سال قمری هنوز مورد احترام و تعظیم ساکنان دهکده های اطراف است و مسلمان سالهای چندی ، پندو موعظه او کج اندیشان را به راه راست آورده وزهد پاکی او سرمشق عده ای در این صفحات بوده است . از این رو یاد مزار اورا در این کتاب مقدم بر سایر آثار قدیمی کردیم و نام اورا سر لوحه این کتاب قرار دادیم تا شاید روح پر فتوح او ، این کمترین رایارویا و باور باشد و همتی بدرقه راه این بنده گند .

همتم بدرقه راه کنای طایبر قدس
که در از است ره مقصد و من نوسفرم

بقعه شیخ تاج الدین محمود خبیو (۱)

در لمیر محله (۲) آستانه

کناریکی از شعب طرف راست رودخانه آستانه ، پوزه کوهی است که مسلط بر اراضی شالیزار اطراف است . در میان جنگلی از درختان کیش قدیمی که دوازده اصله آنها بسیار کهن است وزیر سایه سه درخت آزاد فطور کهنسال ، بنائی مکعب شکل از سنگ و آجر است . قسمت پائین چهار دیوار بنا ، سنگ تراشیده و ارتفاع آن در دیوارهای جنوبی و غربی و شمالی ۲۵۰ سانتیمتر و طرف شرقی ۳۵۰ سانتیمتر است . ما بقی ارتفاع دیوارها نامه ۵۸۰ سانتیمتر که ارتفاع اصلی بنا غیر از گنبد است ، از آجر چیده نده است . ابعاد ضلع شرقی و غربی از خارج ۵۲۰ سانتیمتر و اضلاع شمالی و جنوبی ۵۱۰ سانتیمتر است . بام این بنا ، گنبدی مدور آجری است که آبروی آن به دوناودان سنگی که در دو گوش اضلاع جنوبی و شمالی تعبیه شده است ، منتهی می شود . (عکس شماره ۱) در ورودی شرقی و به عرض ۷۶ سانتیمتر و ارتفاع ۱۶۷ سانتیمتر است . از این در وارد اطاقی به ابعاد ۳۷۳ سانتیمتر می شود . درسه دیوار غربی و جنوبی و شمالی به ارتیب ،

(۱) خیاو ، نام سابق مسکن شهر امروزی است .

(۲) لمیر بایا ، مخفف تلفظ می شود .

پنجه‌هایی به ابعاد ۵۳ سانتیمتر × ۹۲ سانتیمتر و ۴۵ سانتیمتر ۹۲ سانتیمتر و ۷۴ سانتیمتر × ۹۳ سانتیمتر، با طاقی هلالی بنا شده است که هر سه پنجه‌آهنی مشبك است و از خارج تودی دارد.

در این اطاق مریع شکل سه قبر با سنگ قبر است. قبر وسط که مزار شیخ محمود است، سنگی به طول ۲۱۰ سانتیمتر و عرض ۶۹ سانتیمتر و ارتفاع آن از سطح بقعة ۳۵ سانتیمتر است. قبر شمالی سنگی به طول ۲۱۰ و عرض ۷۲ و ارتفاع ۲۸ سانتیمتر دارد. سنگی به شکل مکعب مستطیل، عموداً بر بالای سر مدفون و سنگ در گری به همان شکل پائین پایی او نصب شده است. قبر سوم که طرف جنوبی قبور شیخ است، سنگی به طول ۲۱۰ و عرض ۶۶ و ارتفاع ۳۰ سانتیمتر دارد. مسلمان‌دو قبر طرفین قبر شیخ، قبور از دیگان با جانشینان اوست.
(عکس شماره ۲)

بر بالای سر شیخ محمود سنگی سیاه رنگ به عرض ۴۵ و ارتفاع ۹۵ سانتیمتر است که با خط خوش نسخ بر آن عباراتی نوشته شده است. بر پائین پای شیخ نیز سنگی عموداً نصب شده است. ارتفاع این سنگ ۷۳ و عرض پایه آن ۴ و قطر دایره بالای آن ۳۸ سانتیمتر است.

بر بدله خارج سنگی که بر بالای سر شیخ محمود است، این عبارات خواهد می‌شد:

هذا مرقد الشیخ العالم العامل الفاضل الكامل الزاہد العابد تاج العلة
والدین محمود بن الشیخ هدبة الخیوی طاب ثراهما توفی خحوة الحادی و
والعشر من جمادی [الثانية] سنة اثنین و نیشن و سبعماهیه . (عکس
شماره ۳)

بر طرف دیگر سنگی که روی آن به طرف قبر شیخ است، افس و نگار زیبا و اطراف آن دو بیت شعر عربی از ابوالعتاھیه است. بدین قرار:
کفی خزانًا بدقائق ثماني نفخت تراب قبرك من يديها

وکانت فی حیوتك لی عظام
 وآلت الیوم او عظ منك حیا^(۱)
 (عکس شماره ۴)

بر قسمت پائین قطر سنگ که رو به شمال قرار می کيرد، اين عبارات
 حک شده است.

عمل يد الاستاد شرف الدين عثمان بن جمال الشيرازي.
 در حاشیه پشت سنگ اين عبارات است:

الساعي في عمارة هذه ابنته والوالى في عهده المجاهد [حق الجهاد]
 شکسته است [قال حکیم أبلغ العظام النظر الى محله الاموات .^(۲)]
 در حیاط بقعه، در زیر درختان کیش، سنگهای قدیمی به اشكال مختلف
 دیده می شود که بیشتر نقشها و نوشته های آنها فرسوده شده و از میان رفته است.
 یکی دو سنگ شکسته مرمر که یکی متعلق به هرabi قدیمی بوده است، جلو
 در ورودی بقعه است و بر دیگری نقوش تیر و کمان و نظایر آنها دیده می شود.
 سنگ آهکی دیگری که داخل آن خالی است به طول ۳۵ و عرض ۳۱ و ارتفاع
 آن با پایه ۵۵ سانتیمتر، در حیاط بود که بر چهار طرف آن نقش و نگار داشت
 و بر حاشیه قسمت بالای آن، با خط اسخ آية الكرسي تا آخر حک شده بود.
 سنگهای تراشیده متعدد که شاید روزی سنگ قبر مردی یا زنی می شده
 است در اطراف بقعه زیاد است. این بنا به نظر من، واسطة العقدون گین انگشتی
 بنای تاریخی گیلان است.

(۱) دوست ارجمند جناب آفای حکمت آل آقا، این دو بیت را که در پاره ای جاها
 ریختکن داشت و غلط نقل کرده بودم تصحیح کردند و متذکر شدند که این ایات از قصیده ای است
 که ابوالمعاہد در رناء دوستی علی نام گفته است. (۲) آفای آل آقا فرمودند اصل
 این گفته چنین است:
 «أبلغ العظام السير في الغلوات والنظر الى محله الاموات» و از فسین ساده
 الابادی است.

قلعه شیندان

این قلعه که امروز بیرون از خاک ما است، قرون متمادی، جزء خاک ما بود و آنچه بر او گذشته است، مستقیماً با تاریخ ما بستگی دارد. تاریخ بنای این قلعه که از قلاع قدیمی ایران بوده است، همچون دژ بد که در دست بابک خرمدین بود، به قبل از دوران اسلامی می‌رسد. این قلعه از قدیمی‌ترین بنای تاریخی آستانه است واز بالای گردنۀ حیران (= گردنۀ حاجی امیر)، در فاصله پانصد متری، با حصار هائی از سنگ تراشیده نمایان است.

ابت (Abbott) جهانگرد انگلیسی از قلعه‌ای به نام «شنفان» بر کوهی طرف غرب دهکده آستانه را یاد می‌کند. (۱) نامیرده، سمت وجهت قلعه را نسبت به آبادی آستانه درست تعیین کرده، اما در نفل نام دژ اشتباه کرده است. بی‌شك این قلعه، همان قلعه مورد بحث ماست.

از سوانحی که در این قلعه روی داده است، قیام امیر حمزه خان طالش، در زمان شاه عباس و مأمور شدن ذوالفقار خان قرا اعمالو به دفعه اول است. شرح این واقعه را عبدالفتاح فومنی چنین نوشته است:

چون مدتها بود که امیر حمزه خان طالش حاکم آستانه، دم از مخالفت و عصیان زده، در قلعه شیندان که در اهایت، هنات و حصانت داشت، متحصن گشته بود. حسب الحکم مقرر شد که ذوالفقار خان حاکم اردبیل، به اتفاق عساکر، قلعه مذکوره را قبل نمایند. ذوالفقار خان قرا اعمالو باشکر آذربایجان مدت نه ماه قلعه شیندان را قبل نموده، در تسخیر قلعه مذکوره و تصرف ولایت آستانه او لشکر کنان سعی موافر و جهد نامحسوس می‌نمود. و جمعی کثیر و جمی غیر از عازیان عظام و دلیران خون آشام بزم تیر سخت کمانان طالش از پای درآمدند. والآخر طرفین از این گبر و دار به ننگ آمده، امیر حمزه خان

(۱) یادداشت‌های داشنی خدا: «ابت» متعلق به آفای چنگیز شیخلى ص ۱۱.

عرضه داشت نوشته و مصحوب آدم اعتباری بند شاه عباس فرستاد ، شفعتاً
برانگیخته عرض می کند که بند سک و بند آن آستان اقبال آشیانم واژیم
عداوت فرhadخان و ترس ازاله ناموس و حفظ جان به این مکان نایند قیام
نموده ام . تواب شاهی حسین خان شاملورا که از مختصان درگاه است ، روانه
این صوب نمایند ، تا من بهامن و امان او اعتماد کرده و قلمه را به او سپرده ،
به معنی که خواهم بروم . بندگان شاهی متلمس او را به قبول میذول
گردانیده ، فرمان داد که حسین خان شاملواز ولايت بيه پيش روانه مملكت آستانرا
شده ، امير حمزه خان طالش را با اهل و عیال و متعلقات من خص سازد که بهر جا
که خواسته باشد بروند . حسین خان در روز پنجشنبه صفر سنّه ۱۰۰۱ علی آباد فومن
را وداع نموده ، از راه گسکر عازم آستان را گردید و بعد از وصول فلجه شیندان
و حصول استیحان ورفع استنجات امير حمزه خان را با اهالی جرم و فرزندان از
فلجه شیندان بیرون آورده ، و بفرضه خشکه دهنده ، کشته ها حاضر آورده ، روانه
شیر و آن گردانید . و فلجه شیندان با الکای آستان را لنگر کنان تسخیر شده ،
به خطی و وربط و دارائی ذوالقار خان مقرر گشت و حسین خان از آن راه معاودت
نموده ، سالم آغاز نماید درگاه رسید . (۱)

امير حمزه خان به دست محمد باقر و ملا فاضل که اصل ایشان
از ولایت خلخال بود در صحرای شماخی هنگام شکار باز و بحری
کشته شد . (۲)

قبرستان قدیمی و نه بین (۳)

برسر راه فرعی نمین که از ازدیکی دهکده حیران جدا می شود ،
تردیدک به ونه بین ، زیارتگاهی است که چند سنگ تراشیده نقش دار قدیمی
در آنجا است .

(۱) عبدالفتاح ص ۱۰۸ و ۱۰۹ . (۲) عبدالفتاح ص ۱۸۹ و ۱۹۰ .

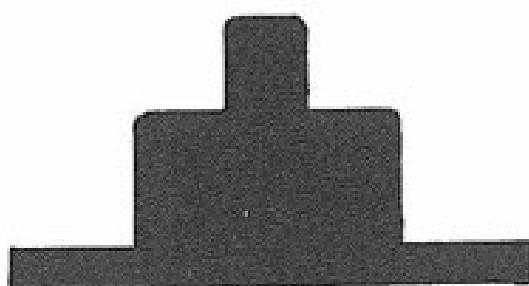
(۳) بفتح واو و لون .

قبرستان قدیمی بالای دهکده حیران

در این قبرستان پنج سنگ تراشیده با عالم تیر و کمان و شمشیر زیر درخت گرد و نی وجود دارد.

قبرستان قدیمی دهکده گنج کشی از آباد بهای نژدیک به حیران

در دامنه کوهی که مقابله دهکده گنج کشی است، قبرستانی قدیمی بوده است. سراسر این قبرستان فعلاً کشتزار است و سنگها از میان کشتها سر بیرون کرده‌اند. یازده سنگ در این قبرستان دیده شد. بر هیچیک نوشته و تاریخی نبود. این سنگ‌های تراشیده، پایه‌ای یهون و صاف دارند که تمام مساحت گور را می‌پوشاند. از چهار جهت قسمت بالای این پایه، در حدود سی سانتیمتر تراشیده و قسمت وسط را به وجود آورده‌اند. قسمت سوم، بالای قسمت وسط و آن نیز به همین ترتیب تراشیده شده است. شکل این سنگ‌ها، وقتی به طول آنها نگاه کنیم شبیه پلکانی است. یکی از سنگ‌های این قبرستان که تراش ظریف‌تری داشت، ابعاد آن بدین ترتیب بود:



شکل شماره یک - مقطع عمودی یکی از سنگ‌های
قبرستان دهکده گنج کشی

قسمت پهن پایه به طول ۱۷۷
و عرض ۵۶ و قطر ۱۸ سانتیمتر،
قسمت تراشیده روی پایه به ارتفاع
۴۳ و قسمت بالائین به ارتفاع
۱۸ سانتیمتر بود. (شکل

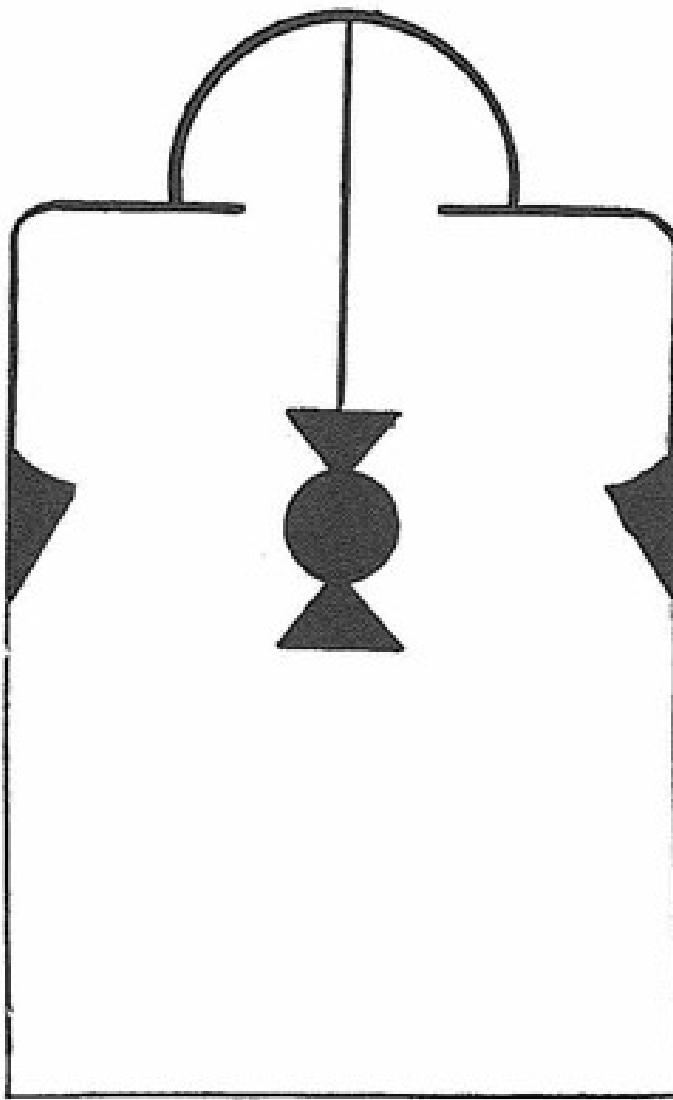
شماره یک)

قبرستان قدیمی آقا مسجد

برای رسیدن به قبرستان آقا مسجد، از گنج کشی به گول (۱) و او مید مرزی و خدر کشی (۲) می‌توان رفت و در اینجا پس از گذشتن از آب رودخانه و

(۱) بفتح کاف و کسر داد. (۲) بکسر خاء و دال و فتح کاف.

پیمودن سر بالائی سمت راست رودخانه، به آقامسجد می‌رسیم. راه دیگر از کول به بش اولری^(۱) و قبل از رسیدن به رودخانه به راه سابق بر می‌خورد. اراضی آقا مسجد جزء دهکده بش اولری و این دهکده جزء دیهای حیران است.



شکل شماره دو - فندیلی که بر بدنه سنگ شماره بیک حک شده است

در این قبرستان،
در محوطه ای که
دور آن سنگ چن
شده بود، هشت قطعه
سنگی تراشیده به
شرح زیر دیده می-
شود :

* سنگ شماره
بیک: به طول ۱۲۵ و
عرض ۴۰ و قطر ۲۶
سانتیمتر است. بر
بیک بدنه سنگ،
در طرف دست راست
با خط نسخ چنین
حک شده است:
الدین ساعدة واجملها
طاعنة. طرف دست
چپ همین بدنه :

قال رسول الله (به علت فرسودگی خوانده نشد).

بر بدنه دیگر سنگ، (شکل شماره دو) فندیلی در وسط و طرفین آن

(۱) به معنی پنج خانواری است. اما امروز بیش از سی خانوار جمعیت دارد.

دو حدیث است که درست خوانده نشد.

*سنگ شماره دو: به طول ۱۵۶ و عرض ۳۵ و قطر ۲۰ سانتیمتر است. قسمت بالای روی سنگ، نام صاحب قبر است که خوانده نشد. پائین تر از آن به خط کوفی مر بع، چهار نام محمد در چهار جهت مختلف و نام علی در وسط آنهاست. زیر این نامها نکل محرابی بوسنگ نقر است. بر یکی از بذلهای سنگ نقش رحل و تنگ و مهر و تسبیح است.

*سنگ شماره سه: به طول ۱۴۰ و عرض ۳۶ و قطر ۱۹ سانتیمتر است. قسمت بالای روی سنگ به خط کوفی مر بع، چهار نام محمد در چهار جهت مختلف و یک نام علی در وسط آنهاست و زیر نامها، محرابی در سنگ نقر شده است.

*سنگ شماره چهار: به طول ۱۸۰ و عرض ۳۸ و قطر آن با پایه ۴۳ و قطر ۱۰ سانتیمتر است. روی سنگ قسمت بالا، چهار نام محمد در چهار جهت مختلف و وسط آنها نام علی با خط کوفی مر بع حک شده است و پائین آنها محرابی در سنگ نقر است.

*سنگ شماره پنجم: به طول ۱۴۶ و عرض ۴۴ و قطر ۲۸ سانتیمتر است. بر روی یک بدنه آن نقوشی با کمر شمشیر و کمان و نظا بر آنهاست، که پاره ای از آنهاز باد روشن نیست.

*سنگ شماره شش: به طول ۱۴۷ و عرض ۳۵ و ارتفاع ۳۰ سانتیمتر است. قطر پایه این سنگ به هشت سانتیمتر می رسد. این سنگ از جنس سنگهای دیگر نیست و بقدرتی صاف است که به نظر ریخته و قالب زده می آید. قسمت بالای روی سنگ عبارت زیر، با خط نسخ حک شده است:

غلام شاه ولایت المرحوم المبرور (نام صاحب قبر خوانده نشد).

زیر این قسمت در مر بع با خط کوفی مر بع، چهار طرف چهار نام محمد در یک نام علی در وسط است و زیر این نامها، محرابی در سنگ نقر شده است.

*سنگ شماره هفت: به طول ۱۷۶ و عرض ۵۰ و قطر ۳۰ سانتیمتر است. بر روی آن نقوشی از شمشیر و آلات دیگر جنگی زمان که زیاد روشن نیست

دیده می شود. نقوشی از بزرگ کوهی نیز برای سنگ نفر شده است.

* سنگ شماره هشت : به طول ۱۳۰ و عرض ۲۹ و قطر ۷ سانتیمتر است. بر حاشیه بالای چهار بدن سنگ دو شته داشته است، از آنها هیچ خوانده نشد. سنگ دیگری در این محوطه است که روی آن فقط نقشی از محراب نفر شده است. شاید این سنگ قبر آماده، برای مدفن کسی مورد استفاده فرار نگرفته است. این سنگ به طول ۱۶۵ و عرض ۳۶ و ارتفاع ۵۱ سانتیمتر است. این سنگها بی شک مربوط به دوران صفویان است و احتمال دارد که این محل روزی صحنه جنگی بوده است و این سنگها قبور سران و سر کردگانی است که در جنگ کشته شده اند.

قبرستان قدیمی سر پیچ دگرمان کشی در راه آستارا به اردبیل

در این قبرستان قدیمی، تعداد نه سنگ تراشیده ظریف به سبک سنگها کنجد کشی که مانند پلاکانی تراشیده شده است وجود داشت. اندازه یکی از اینها که پایه ای پهن داشت، از فرار زیر بود: طول پایه ۱۴۵ و قطر آن ۸ و ارتفاع دو تراش سنگ از کف پایه ۶۰ سانتیمتر بود. لبه تراش اول ۱۰ و لبه تراش دوم ۱۱ سانتیمتر بود. در این قبرستان سنگی صاف دیده شد که ریشه ای ناصاف داشت. این قسمت ریشه در خاک جای داشته و سنگ عموداً بر بالای سر مدفن فرار می گرفته است. برای سنگ نقش کمانی بسیار ظریف بود. طول این سنگ ۱۰۶ و ارتفاع آن تا آخر ریشه ۱۱۴ سانتیمتر بود. بر بالای قطر سنگ سه تراش طبقه طبقه بود.

دیو اولری^(۱) دوستاق خانه^(۲)

نژدیک آب گرم علی داشی در فندخ جنگلی

راه آب گرم علی داشی از آق چای در راه آستارا به اردبیل جدا می شود و از محلهای زیر می گذرد:

(۱) به معنی: خانه‌های دیو.

(۲) به معنی: زندان.

گیلاده - قبله بولاغی - کربولاگی^(۱) - چم کشی - اُت کیلن داش^(۲) کشیدرما - ^(۳) علی داشی . از آب کرم علی داشی نام محل دوستاق خانه ، در حدود سه کیلومتر راه است . فاصله میان آق چای و دوستاق خانه تقریباً ده کیلومتر است . بر بالای کوهی که مسلط به رو دخانه است ، اطاقی در سنگ کنده اند . طول اطاق چهار متر و بیم و عرض آن سه متر است (عکس شماره ۵) . احالی آق چای اظهار می کردند که در این محل فبرستانی نیز هست ، ولی هر چه در اطراف و جواب جستجو کردیم ، نشانی از فبرستان نیافتیم .

قلعه

نرديك به دهکده لمیر محله آستارا

بر بالای کوهی که مسلط به لمیر محله است ، آثار قلعه خرا به است . مصالح اصلی بنای قلعه ، سنگهای طبیعی رو دخانه بوده است که به رنگهای مختلف در اطراف و جواب پرا کنده است . اطراف محوطه اصلی ، سه خندق دایره ای شکل است که عرض هر یک در حدود دو متر هنوز باقی است . عمق آنها به عملت شسته شدن خاک و سبز شدن گیاه و درخت فراوان معلوم نشد . از خود بنای آثار زیادی بر جای نیست .

بابا بلندی

در دو فرسنگی لمیر محله آستارا

بابا بلندی در اراضی سجید^(۴) است . قبور قدیمی بدون سنگ فبر و تاریخ اینجا زیاد است .

قربت یحیی

در شونده چاله^(۵) محلی به نام قربت یحیی است ، در اینجا نیز قبور قدیمی زیاد است .

(۱) بضم کاف . (۲) بضم الف و کاف وفتح لام . (۳) بضم کاف وفتح دال .

(۴) بفتح سین و یاه . (۵) بفتح دال و لام .

قبور شیخ محله

در شیخ محله نیز قبور قدیمی بدون سنگ قبر زیاد است.

بقعه پیر قطب الدین نژدیک دهکده باجچه سرا

در سه کیلومتری راه آستارا بهارد بیل، از دیگر دهکده باجچه سرا، بنائی آجری قدیمی است که مدافن و مزار پیر قطب الدین است. طول این بنا $11\frac{1}{3}$ متر و عرض آن شش متر است. در آخرین قسمت ضلع جنوبی، دری است که به کفشه کن باز می شود. طول کفشه کن با عرض بنا یکی است و در آخرین قسمت آن انباری کوچک است. دری میان کفشه کن و بنای اصلی بقعه، در ضلع جنوبی است. (عکس شماره ۶)

صندوقی تخته‌ای و ساده به طول ۱۹۰ و عرض ۱۰۰ و ارتفاع ۹۰ سانتی‌متر، در قسمت غربی اطاق، میان ضلع شمالی و جنوبی، قرارداده شده است. سقف اطاق و کفشه کن واشان کشی و روی واشانها پل کوبی است. بام هردو قسمت سفالسر است. غیر از در ورودی، پنجه‌های نیز از کفشه کن به اطاق باز می شود. طرف جنوبی اطاق چهار پنجه و طرف شرقی دو پنجه با اطافهای هلالی است. طرف شمال اطاق دو طافچه در دیوار بنایشده است.

سنگ مرمری داخل بقعه است که طول آن ۱۲۲ و عرض آن ۳۰ و قطر آن ۱۶ سانتی‌متر است و فعلاً بر روی آن شمع روشن می کنند. بر دو قطر آن این عبارات خوانده می شود:

ذو بنا و کفر عننا سینا ندا و توفنا مع الابرار^(۱) صدق الله العظيم. قسمت اول آیه‌مقدم بر آن بر طرف دیگر بود که به علت هم‌جواری با دیوار خوانده نشد. احتمال دارد آن قسمت، آیه ۱۹۳ همین سوره^(۲) باشد. (عکس شماره ۷ و ۸)

(۱) قسمتی از آیه ۱۹۳ سوره آل عمران. ابتدای آیه چنین است: وَهُنَا فَاغْفِرُنَا

(۲) این آیه چنین شروع می شود: رَبَّنَا إِنَا سَمِعْنَا الْأَخْ

روی سطح سنگ در حاشیه چهار طرف، آبیالکرسی نا عروة الونقی لانه
(شکستگی) خوانده می شود.

در قطر قسمت پالین سنگ، این عبارات روشن خوانده می شود:
تاریخ وفات میرزا محمد بن فادجان سنه انتی اربعین سعما به.
میان سطح سنگ، کلوبته و نفتر بسیار ظریف و پر کاردار.
کنار در ورودی بقعه، داخل گفشن کن، سنگی سیاه بزرگ تو خالی است
که روزی سنگ قبری بوده است. اما به علت فرسودگی، نوشه های آن
خوانده نشد.

چون نظیر آن را در نقاط دیگر کیلان دیده ام، تاریخ آن باید مقدم
بر سنه نهمد هجری باشد. نقوشی زیبا و پر کار بر چهار بدنه آن حک شده
است. (عکس های شماره ۹ و ۱۰ و ۱۱)

قلعه

بوسراه آستارا به اردبیل فردیل شهر آستارا

کنار راه آستارا به اردبیل، طرف راست جاده در دهکده ای به نام قلعه،
از دیلک به پاسگاه مرزبانی فعلی، در میان شالیزار، خاکریزی دستی است که به نام
قلعه معروف است و نام دهکده قلعه نیز از این دز قدیمی گرفته شده است. در این
تپه، آجر پاره و سفال زیاد دیده می شود.

بقعه سید ابراهیم و سید قاسم پران
امام موسی الكاظم عليه السلام
در دهکده کان رود آستارا

بر طرف راست راه آستارا به بندانزلی، در نه کیلومتری
آستارا، بنائی نوساز است که دارای چهار یا به اصلی و گنبدهای مدور بر سر آنهاست.
بنای قدیمی آن چوبی و سفال سربوده است. بنازگی آن را خراب کرده و بنائی
نماز به جای آن ساخته اند. صندوقی ساده در میان چهار طاقی اصلی است. طول آن
۱۹۰ و عرض ۱۳۰ و ارتفاع ۱۱۰ سانتیمتر است. در طرف شمال و جنوب، دو ایوان

است که از دو در آهنین، از ایوانها به صحن بقعه می‌آید. طرف شرقی بنای جدید، عباسیه قدیم و طرف غربی آن زیبیه^(۱) قدیمی بر جاست. (عکس شماره ۱۲)

**بقيعه با باحسن
در لؤندوييل^(۲) آستارا**

با باحسن از پیرانی است که شاگردی شیخ زاهد کیلانی را کرده است. صندوقی کوچک چوبین در میان بقعه ای سفال سر در میان درختان کشید است. اطراف بقعه این مرد قبرستان عمومی و قدیمی است.

**بقيعه با باعلی
در دهکده با باعلی**

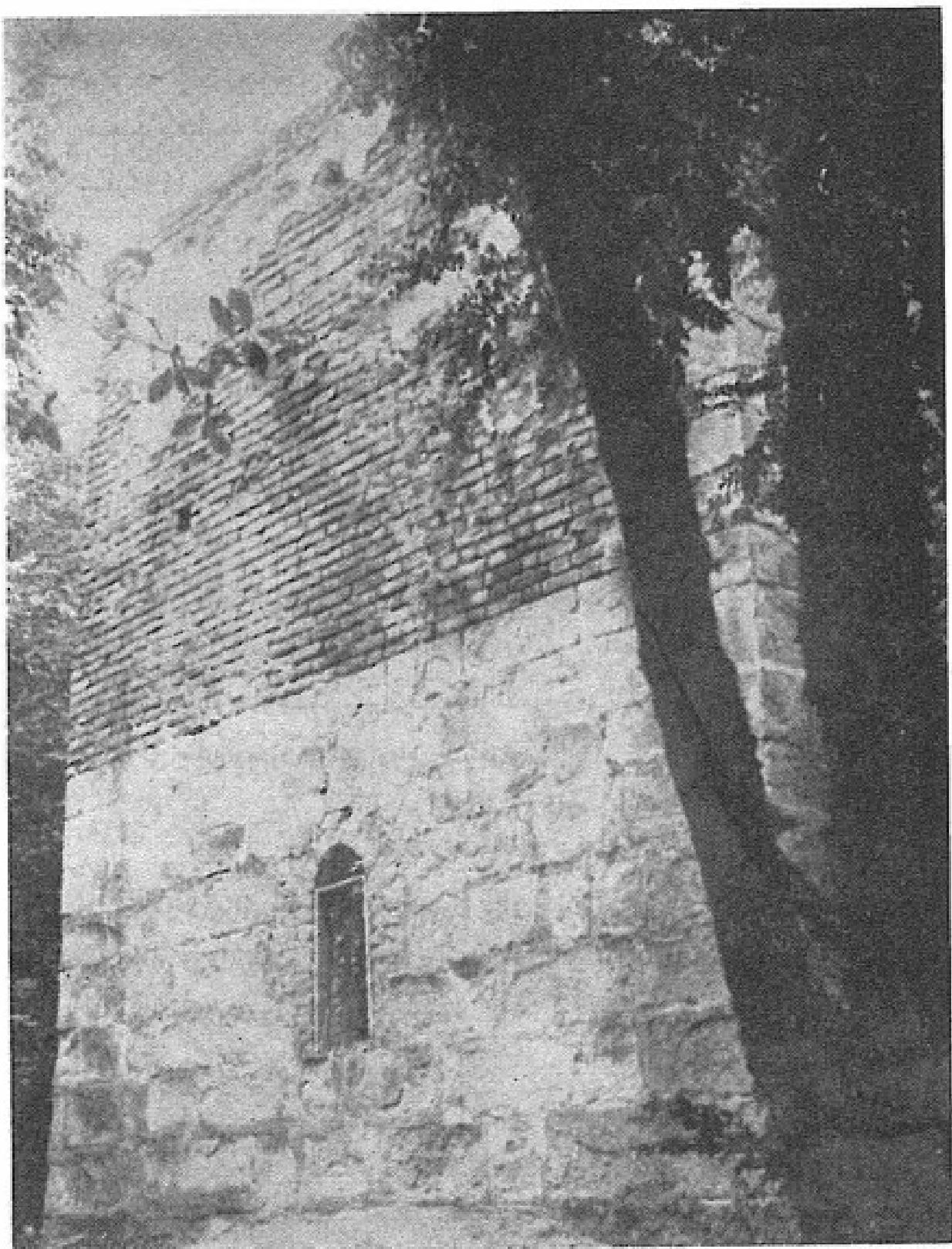
این مرد بزرگ از کسانی است که خدمت شیخ زاهد کیلانی را کرده است. مزار او در آبادی سیصد خانواری به نام بابا علی است که از کنار آب رو دخانه چیلو ندرحدود پنج فرسنگ بالامی رود. بنائی است چوبین و ساده با صندوقی ساده و بدون تزئین و بامیلت پوش.

**مزار بابا مرزی
کنار رو دخانه ويزنه .**

شامل بنائی چوبین و ساده و بدون تزئین است. مزار این مرد دور از آبادی واز کنار رو دخانه ويزنه، در حدود پنج فرسنگ بالا می‌رود. اطراف این بقعه قبرستان اربابان و اشراف محل است.

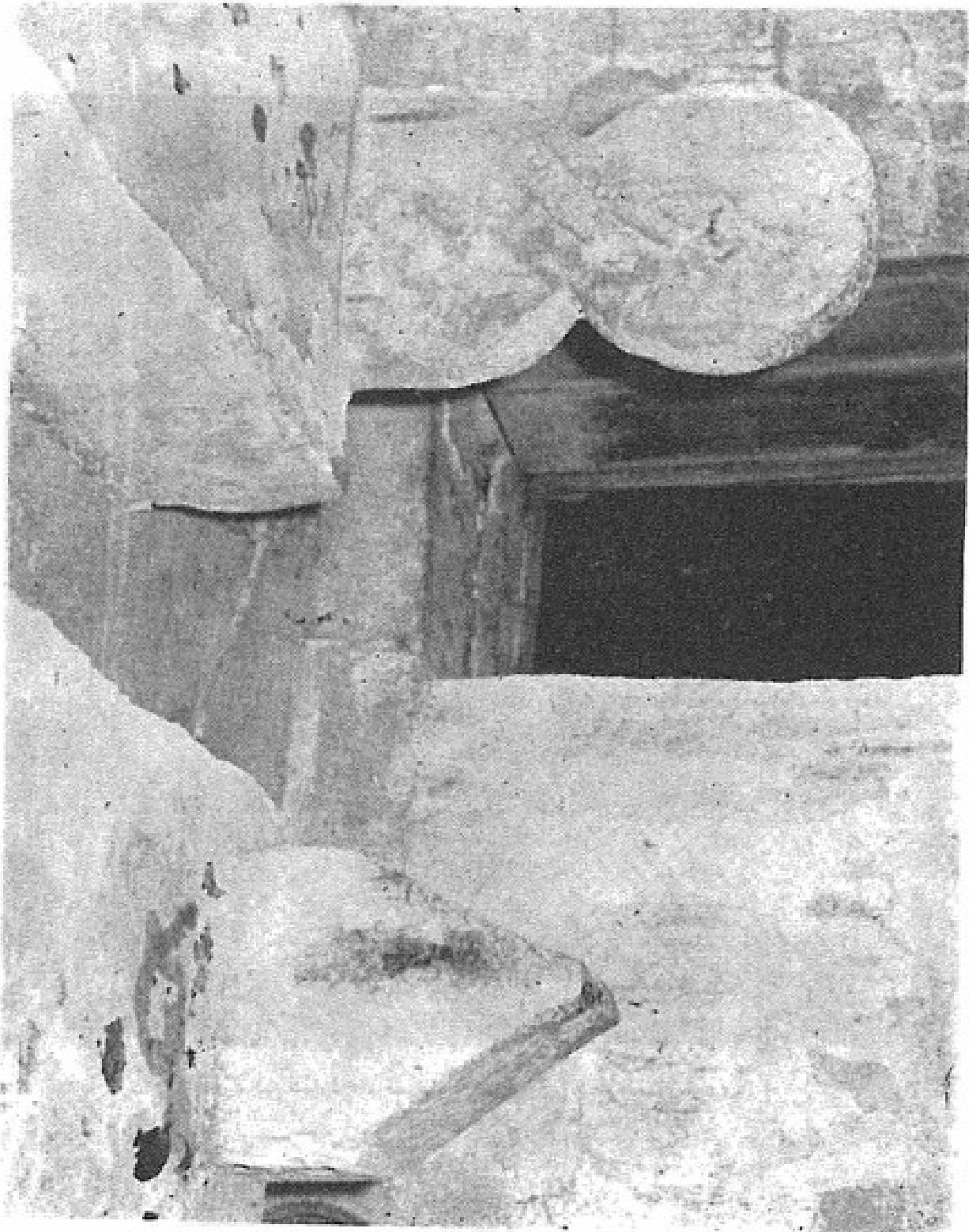
(۱) در این صفحات، مسجد مردانه را عباسیه و مسجد زنانه را زیبیه خوانند.

(۲) بفتح لام و واو و کردا.



عکس شماره ۱ - بنای شیخ محمود خبزی

عکس شماره ۲ - سرگل پائین باعی مزار شیخ محمود خیویزبر مجادر آن

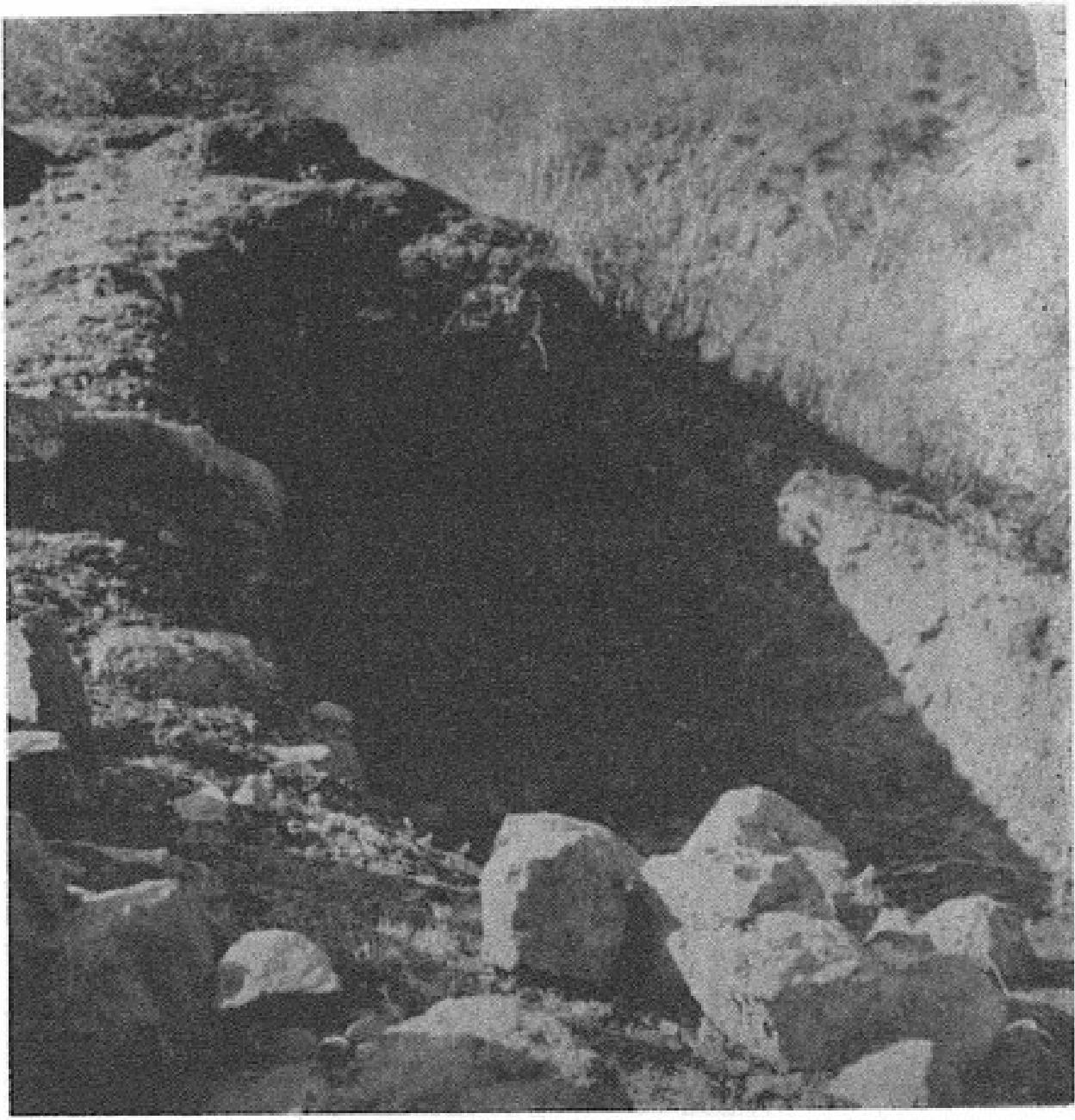




عنوان شماره ۲ - فصلنی از آشنایی فبر شیخ محمود خیوی

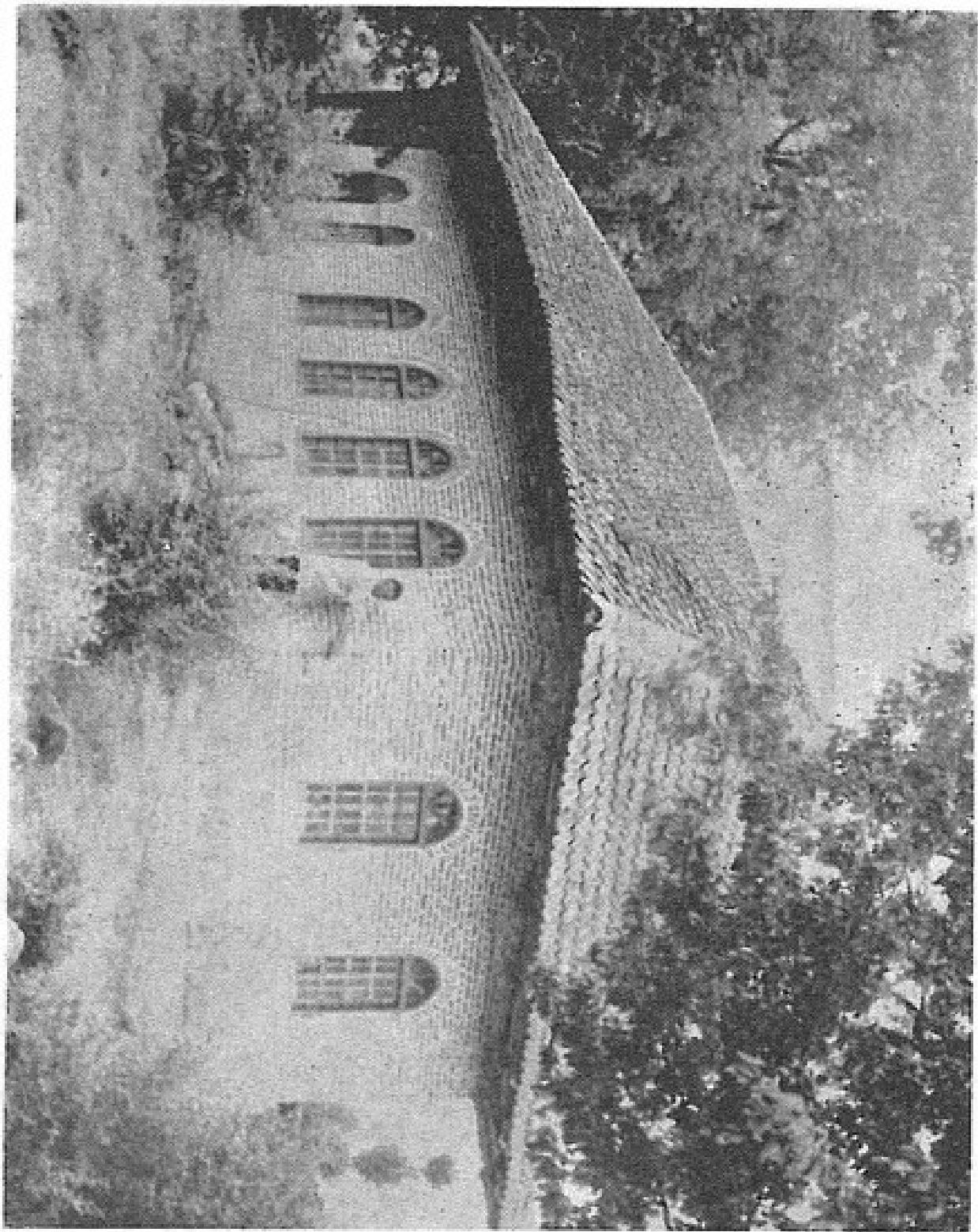


عکس شماره ۴ - نقش سنگ مزار شیخ محمود خبیری



عکس شماره ۵ - اطافی که در دل سنگه در فندخ جنگلی
گشته شده است

عکس شماره ۱ - پنجه پیر نطب الدین



مکی سازی ها - فومنی از اینسته و شفافیت که مردم در پنهان میگردند - همانند



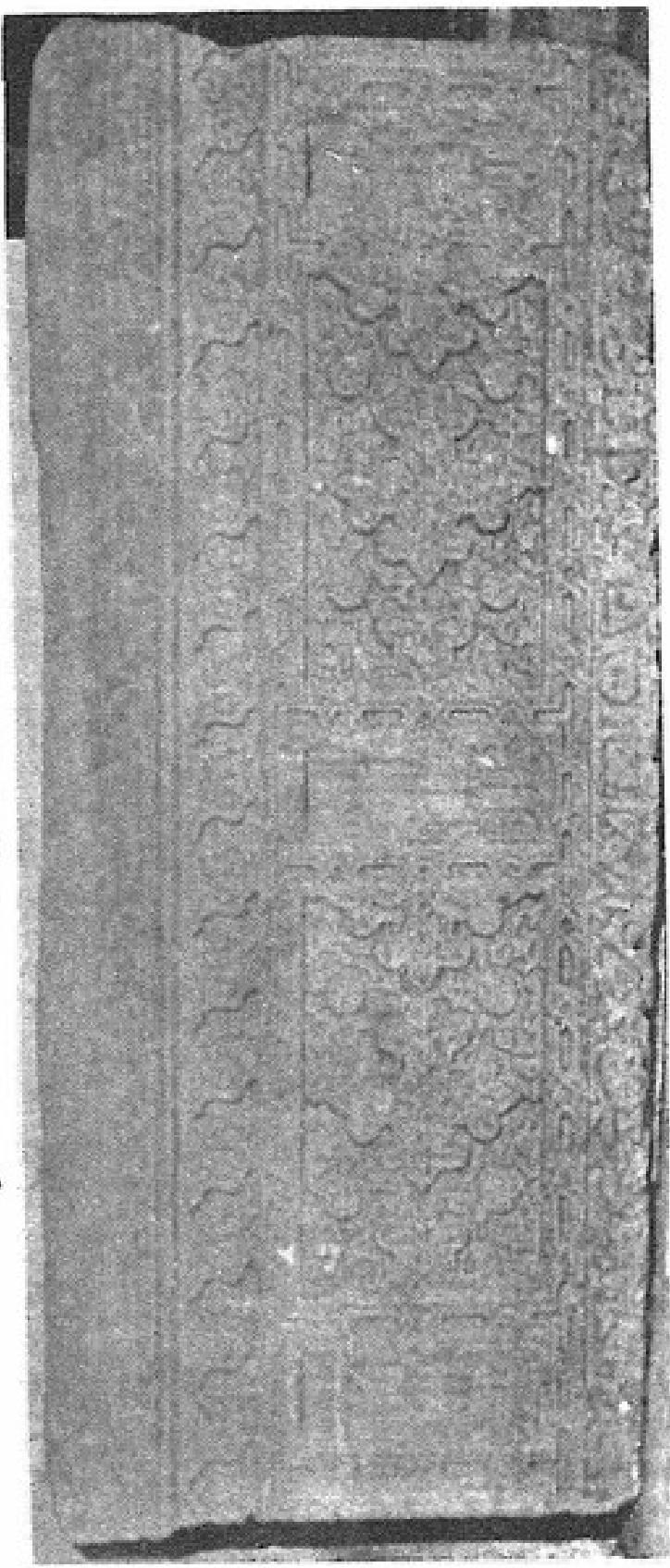
مکی سازی ها - فومنی از اینسته و شفافیت که مردم در پنهان میگردند - همانند





عکس شماره: ۹ - نقوش یاک سر سنگ فبری که در گذش‌گذان بیر
قطب الدین است

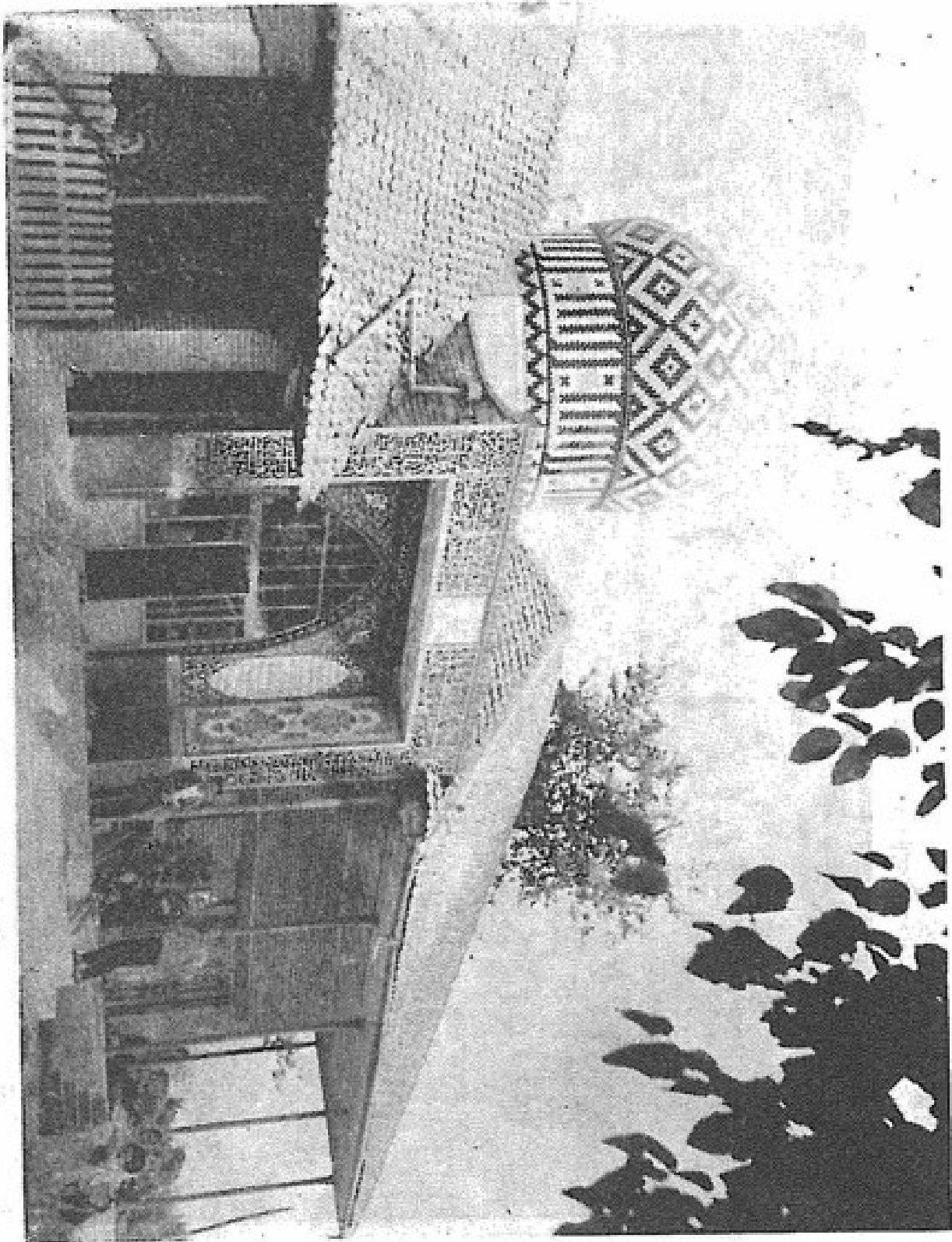
عکس شماره ۱۰ - قلوچی باده سنگ فیری که در گفشن کن پیر قطب الدین است.





مکی شماره ۱۱ - فسقی از قصری بده سک نبری که در گذش کن
بیر قطب الدین است

عکس شماره ۱۲ - پنجه سید ابراهیم سید قاسم در درگاه بستان رود آستان



بخش دوم

جغرافیای تاریخی کرگان رود

بخش کرگان رود در حاشیه جنوب غربی دریای خزر است: از شمال به نمین و استارا، از غرب به اردبیل و خلخال و از جنوب به اسلام محدود می‌شود. این بخش روی مرتفع منطقه‌ای کوهستانی است. خاک هموار آن در طول دوازده کیلومتر از پای کوه شروع می‌شود و به عرض دو تا سه کیلومتر و نیم به لب دریا ختم می‌گردد. ارتفاعات جنگلی میان این سرزمین هموار و مناطق بیلاقی، به نام «روهان کیلان» یا «میان روهان» معروف است. در قابستان به علت گرما، در سرزمینهای هموار نمی‌توان ماند و تمام سکنه‌این بخش هم به علت بیلاق می‌روند. درازای کرگان رود از شمال به جنوب چهل و هشت کیلومتر و پهنازی آن از شرق به غرب سی و سه کیلومتر است.

خواجه رشید الدین فضل الله می‌نویسد که هنگام حمله مغولان به کیلان در سال ۷۰۶ هجری، امیر چویان از راه آستارا و سپهبد و گسکر خود را به کیلان رسانید. این گفته‌می رساند که اراضی میان آستارا و گسکر را «سپهبد» می‌خوانده‌اند. حمدالله مستوفی گوید «اصفهبد از افليم چهارم است.

طواش از خالدات «فه» و عرض از خط استوا «لح». شهری وسط است. حاصلش غله و برنج و آند کی میوه باشد: ولایت بسیار است و قریب صدیاره دیه از توابع اوست. حقوق دیوانیش دو تuman و نهزار دینار است.^(۱) با این شرح معلوم می‌شود که سرزمین اصفهبد میان سی و هشت درجه عرض شمالی و هشتاد

۱ - نزعة القلوب ص ۶۲. عطالب بالترجمة از کیلان راینسوس ۱۸۹۳ است.

و پنج درجه طول شرقی جزایر خالدات است، درجات عرض شمالی چنانکه حمدالله ذکر کرده است^۱ با عرض خاک منطقه نالش نشین سازش دارد. اما هشتاد و پنج درجه طول شرقی آن صحیح به نظر نمی‌رسد. احتمال می‌توان داد که به جای عدد «فه» عدد «نه» از زیر فلم حمدالله درآمده است که پنجاه و هشت درجه می‌شود و با افزودن بیست درجه تقریبی اختلاف طول جزایر خالدات با گربنویج، تقریباً با طول امروزی سازش بیندا می‌کند.

میر ظهیر الدین مرعشی در ذکر وقایع سال ۸۷۹ هجری اشکریانی بوده است که از گیلان به خلخال می‌رفته‌اند. این نقاط را از اتری تا خلخال یاد می‌کند: تری دری سر - رو سر گکر - کتیک دارینه - خشمانادان - گیلان. ریک در خواجه گری - کوه ریک - تول - بزم خلخال.^(۱)

شهر مهم بخش کر گان رود، شهر قریک است که معمولاً به نام گران رود خوانده می‌شود. این شهر در عرض شمالی سی و هفت درجه و چهل و نه دقیقه و طول شرقی چهل و نه درجه و بیک دقیقه قرار گرفته است.

اصل تالشان از کجاست؟

خچکو می‌گوید که چنگیز خان با سلطان محمد خدابنده، با نظر و باری امیر چوبان، طوایفی از مغولان را در خاک میان آذربایجان و گکر جای داده است. طالش، نام سر کرده این طوایف بوده است. با اینکه خود مغولان در ساکنان این نواحی حل شده‌اند، اما نام نالش بر طوایف مغول این صفات باقی مانده است و طوایفی که از دیناچال تا لنکران رامحل سکونت خود قرار داده‌اند به این نام خوانده می‌شوند. نظر خچکو صحیح بیست زیرا نام نالش بیش از حمله مغول در آثار جغرافیائی و نوشته‌های تاریخی آمده است.^(۲) دلیل دیگری که می‌توان برای رد گفته خچکو آورد اینست که زبان نالشان بکی از لهجه‌های اصیل فارسی است و با هیچیک از لهجه‌های

۱ - تاریخ گیلان و دیلمستان م ۳۴۳ و ۳۴۴ . ۲ - گیلان راینو م ۹۶ و ۹۱ .

تر کی و مقولی ارتباط ندارد.

زبان و مذهب تالشان کرگان رود:

تالشان کرگان رود اهل سنت و جماعت‌آند مگر خان‌لی‌ساز و هر داشت و نوکران ایشان که شیعی مذهب‌آند. ساکنان بخش کرگان رود به زبان تالشی و ترکی سخن می‌گویند. راینو که نا‌سال ۱۳۳۱ هجری در گیلان بوده است جمعیت این بخش را پنج هزار خانوار نوشته است. (۱)

رودخانه قابل ذکر این بخش کرگان رود است که سرچشمه‌های آن در کوههای هیان آذربایجان و بخش کرگان رود است و از هغرب به مشرق جاری است و بعد در بای خزر می‌ریزد. در بهار سیلاجی است و در تابستان نیز خشک نمی‌شود.

آق اوّل منطقه بیلاقی:

بیلاق خان کرگان رود. آق اوّل است (۲). فریزر در ماه ژوئن سال ۱۸۲۱ میلادی، آق اوّل را دیده است. در همین محل فریزر، بالاخان را که در این وقت، خان کرگان رود بوده، علاقات کرده است. تربیت و احباب و اصالت بالاخان، نظر فریزر را جلب کرده است. (۳)

فریزر را که از کرگان رود به آق اوّل واز آنجا به اردبیل می‌رود، دنباله شاهراه شاهعباسی می‌داند و می‌نویسد که این راه عادی و معمولی مال رویست. زیرا نقاط خطرناک آن تراشیده و دستکاری شده است. (۴)

این نظر صحیح نیست، زیرا عبدالفتاح می‌نویسد که شاهعباس به بهزاد- بیک دستور داد، از ابتدای آستارا تا سرحد و سامان مازندران در ترتیب شوارع و تعمیر پلها دقیقه‌ای فروگذار ننماید. بهزاد بیک راهها و پلها را از آستارا تا اسپیچین مرتب و معمور کرد. (۵)

۱ - گیلان راینو ص ۹۲. ۲ - گیلان راینو ص ۹۳.

(۳) سفرنامه فریزر از استرآباد به گیلان ص ۲۹۰. (۴) همین کتاب ص ۲۸۰.

(۵) تاریخ گیلان ص ۱۵۹.

راه کر گان رود به آق او لر که به راه زنجان واردیل ملحق می شود ، راهی فرعی بده نظر می رسد . بخش کر گان رود به سه ناحیه کوچکتر به این شرح تقسیم می شود : اطاق سرا سمت جنوب ، لیسار و هرمه دشت در شمال اطاق سرا ، خوبیق و چوبن شمال لیسار و هرمه دشت ، که سامان آن تا سرحد آستارا کشیده می شود .

خلفا رود که در عرض شمالی سی و هفت درجه و چهل و هفت دقیقه و طول شرقی چهل و نه درجه و شش دقیقه قرار گرفته است و میان چشمه خاله و هنده کران بهدریای خزر می ریزد ، حدفاصل کر گان رود و اسلام است .

ابت (Abbott) در سال ۱۲۵۹ قمری (= ۱۸۴۳ میلادی) از بخش قالش

اشین کر گان رود دیدن کرده است و درباره آن چنین می نویسد :

کر گان رود ، رودخانه کوهستانی تنگی است که از دره زیبای آق او لر سرچشمه می گیرد . سفر قبل این دره را من سرازیر آعده ام . بستر آن ۱۵۰ بارد است . این رودخانه در فصل بهار در بستر خود ، از روی شاخه ها و تنہ های خوابیده درختان عبور می کند . در مصب این رود ، ماهی ازون بر و ن و قسمت های بالاتر ، آزاد ماهی صید می شود . عامور روسی ، صید ماهی ازون بر و ن در مصب این رودخانه ، هفتصد تومان اجاره داده بود و دولت ایران بدعا نظر امن کرده بود و بالاخان از گرفتن ماهی جلو گیری می کرد .

از دهانه آستارا تا دهانه کر گان رود ، بیش از پنجاه میل است . بیان خانه در ساحل دیده نمی شود . آبادیها در دل جنگل است و از راه ساحلی پیدا نیست . (۱)

آثار و بنایهای تاریخی کر گان رود قبورگیری و بقعه های چوبن

- ۱ - بقعة شیخ مراد . ۲ - ازون داشلر در مزرعه ای زیر مزرعه نوروز
- ۴ - مرغش داشلری در گربو لاغ ۴ - گور فبری در پالاسی . ۵ - گور فبری

(۱) بادداشت های مائین شده ابت (Abbott) متعلق به آفای چنگیز شیخلى س ۱۳ .

در رشی ۶ - تربه پیاجم در حاجی یدالله محله چوبیر ۷- بقعه خانم نر کیساوا .

قبورستانهای قدیمی و بقعه‌های حویق

۱- بقعة نوسالا (الکوی) ۲- سیداجافی در دهکده حویق، سر راه آستارا
به ندران زلی طرف دست راست چاده یعنی سمت غربی حویق .

قبورستانهای قدیمی و بقعه‌های شیرآباد

۱ - گور قبری (= قبور گبری) در بُزرگو ۲ - تربه‌ای در دهکده
شیرآباد شامل بنائی ساده با صندوقی چوبین و بام ایوانها و بنای اصلی سفال
سر است .

تربة امام سلطان محمودشاه دینوری بن فیدین
امام زین العابدین علیه السلام
در دهکده شاه میلارزن (= میل لرزان) خطبه سر (۱)

بنای اصلی از داخل هشت ضلعی است . طول اضلاع آن از ۱۴۵ تا ۱۵۰ متر است . مصالح بنا ، کج و آجری است که در محل پخته و نهیه شده است .
در چوبین ساده و روی طرف مشرق و ارتفاع آن ۱۵۰ و عرض آن ۷۱ سانتیمتر است .
در سمت جنوب ، قسمت پائین گنبد ، پنج گل نور گیری است که کتبه دور گنبد
را قطع می کند . طاق بنا گنبدی مدور است که از فاصله ۲۰ متر و بیمی از کف
بنا شروع می شود . در حاشیه با خط نزدیک به نخ با رنگ نوشته اند :
لا اکراه فی الدین قد تبین الرشمن الغی فمن يکفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد العلی
العظيم . این عبارت به همین شکل چندین بار در حاشیه تکرار شده است . به
فاصله ۲۰ متری از این کتبه چهار نقش با چهار نام علی گچ بری شده است .
در قسمت بالای گنبد که خود به شکل گنبد گوچکتری است ، نقش ترجیح هبده
قسمتی پیدا است .

(۱) در محله ایشیک آغاسی خطبه سرا ، بازمالدگان حسین قلی خان ایشیک آغاسی
نادرشاه اشار زندگی می کنند . حسین قلی خان را کشت و برادرش را گور کرده و خاندان هردو
را بدینجا گوچانده اند . راه دهکده شاه میلارزن از محله ایشیک آغاسی ، در کنار رودخانه
در حدود بیست کیلومتر بالا می رود .

در پنجه‌رۀ اور گیر سابق الذکر الواری چهارسو فرارداده شده است . در هر کز بنا ، این الوار برپایه‌ای چوبین صندل قرار دارد . این پایه متحرک و معروف به میل لرزان است . در قسمت جنوبی این میل ، صندوق مشبك هزار است . طول آن ۱۸۰ و عرض آن ۱۳۰ و ارتفاع آن ۱۲۵ سانتیمتر است . صندوق ، چوبین دارای دولتش است . قسمتی از بدنه آن شطرنجی حصیری است و قسمتی از آن نقش پرکار تری دارد . یعنی چهار چوب تراشیده ، افقی و چهار چوب با همان ابعاد عمودی فرار داده شده است . بالای سر در ورودی نیز پنجه‌رۀ اور گیر کوچکی تعیین شده است .

گنبد و پایه آن از خارج سفید کاری است و گنبد در چهار طرف محجری چوبین دارد این محجرهای چوبین بدنه ایوانی را تشکیل می‌دهند که از کف ایوانهای اطراف نو د سانتیمتر پالین تر افتاده است . ایوانها از طرف شمال به عباسیه و زینبیه راه دارد . ایوان جنوبی و غربی و شرقی رو به حیاط بقعه است . جلو این ایوانها نکالی چوبین است که هر طرف آن هفت ستون چهار سوی پیخزده با سرستون دارد . ایوانهای اطراف گنبد اصلی نیز هر یک شش ستون با همان مشخصات دارد . در ایوان شمالی گنبد ، محرابی از کچ است .

بالای سر در ورودی بقعه زنجیری چوبین که گویا چوب کیش است به - طول سه متر در دو طرف آویزان است که علامت بست بودن بقعه است . (عکس شماره ۱۳) میان زنجیر قندیلی مکعب چوبین که هر ضلع آن ۱۱ سانتیمتر است آویزان است . چهار طرف این قندیل سوراخ است و سوراخها به محفظه‌ای راهدارد که در وسط آن کوئی چوبین است که از هیچیک از سوراخها بیرون نمی‌آید . (عکس شماره ۱۴) با م گنبد و ایوانهای سر حلب پوش و لبه ایوانها یک پشت است .

مسجد بقعه در شمال بنای اصلی بقعه است . قسمت پائین ضلع جنوبی مسجد نخته کوئی و قسمت بالا ، مشبك شطرنجی است . در ورودی ایوان بقعه نیز در ایوان مسجد است .

در ضلع شرقی عباسیه (= مسجد مردانه) . دوستون لاج نگری است که تا کنون عجیب ترین ستونهایی است که من در گیلان دیده ام . در فست پایه بکی از آنها که مکعب شکل است چهار سوراخ مدور ، در چهار بدنه این مکعب است و داخل محفظه ای که سوراخها بدان راه دارد ، گوئی آزاد است که از هیچیک از سوراخها بیرون نمی آید . (عکس شماره ۱۵) قسمت میان این ستون ، یعنی قسمتی که میان پایه و سرستون است ، لاج نگری هاریج است . (عکس شماره ۱۶) طرح بدنه ستون دیگر لاج نگری حصیری است و بسیار ظرف کاز کرده اند . (عکس شماره ۱۷) در زیر سرستونها ، در طرفین ستون ، دو میله است که خود حلقه ای دارد و حلقه های آنها داخل حلقه هایی است که از ستون در آورده اند . (عکس شماره ۱۸) بر این دومیله که طرفین ستون آویزان است کنده کاری و نقشه های زیبا است . (عکس شماره ۱۹) این دوستون در مقابل ایوان شرقی است که عرض آن بداندازه یک مترا است . طرف غربی مسجد مردانه پنج ستون است که پائین آنها تکائل دارد . زینبیه (= مسجد زنانه) متصل به مسجد مردانه است و طرف شمالی آن هفت ستون چهارسوی پنج زده با سرستون است .

خلع غربی بنای اصلی بقیه ۷۴۵ سانتیمتر و ضلع شمالی ۷۵۰ سانتیمتر است . طول مسجدها ۷۳۰ و عرض مسجد زنانه با ایوان شرقی آن ۷۲۰ سانتیمتر است . بام مسجدها نیز حلب یوش و لبه آنها یک پشته است . سقف مسجد دعا سا (= لمبه کوبی) و دچین (= پل کوبی) است . اطراف حیاط بقیه خندق و حصاری دارد . درختان کیش در حیاط بقیه دیده می شود . محیط دایره یکی از آنها ۱۳۰ و دیگری ۱۵۰ سانتیمتر بود . کیشها بسیار کهن و قطور و عمر آنها بیش از هفتصد پا هشتصد سال است .

مراسم علم بندی در این بقیه اول محرم و مراسم علم و چینی سیزدهم محرم برپا می شود .

قبر سیدان سر راه تربت سلطان محمود شاه دینوری

بر سر راه تربت سلطان محمود شاه و تزدیک به آبادی شاه میلارزن و بر رشته کوهی که تربت سلطان محمود شاه بر آن بنا شده است درخت بلوط عظیمی است که محیط دایره نه آن ۴۲۰ سانتیمتر است. در زیر این درخت که نسال دو سنگ قبر قدیمی عجیب است. طول اولی ۱۳۰ و عرض آن ۴۰ و ارتفاع آن ۴۵ سانتیمتر است. بر سطح بالای سنگ، درست سر شخص مدفون، نیم کرمه ای از بدنه سنگ بیرون آمده است که قطر دایره آن ۲۵ سانتیمتر است: گوشة این سنگ و مقداری از این نیمکره به زیر ربشة بلوط رفته است. سنگ دیگر که پائین قر است، طولش ۱۵۰ و عرض ۴ و ارتفاع کلی، به انضمام پایه ۴۸ و پایه آن ۱۰ سانتیمتر است. بر بالای این سنگ نیز نیمکره ای به قطر ۳۰ سانتیمتر بیرون آمده است. در فاصله ۸ سانتیمتر از لبه بالای سنگ حاشیه کشی دارد و طرح محرابی نیم دایره ای نیز بر آن دیده می شود.

سنگ دیگری که خارج از حصار سنگین این کورستان است به طول ۱۳۰ و عرض و ارتفاع ۳۵ سانتیمتر و ساده و بدون نقش و نیمکره است.

قبرستانها و بقعه های اطراف خطبه سرا

۱- بقعة کشاور . ۲- بقعة بورسرا . ۳- بیرون با غر و در بیلاق میان خطبه سرا و هر دشت بر بالای قله کوه .

تریه سوست

از دیگر دهکده سوست، سمت راست راه خطبه سرا به لیسار، در پنجاه متری جاده در میان جنگل کیش، اطاقی چوبین قدیمی است. می گویند در این اطاق دو برادر از اولاد پیغمبر مدفونند. اطراف آن ایوانی با تکائل چوبین دارد. در ورودی بقوعه در ایوان شرقی است و جلو این ایوان، هفتستون چهارسوست. ایوان غربی پنجستون چهارسو دارد.

قلعه لیسار

در نومندان لیسار

این قلعه استوار باباروئی بسیار مستحکم بر بالای تپه‌ای بر چهار کیلو-
متری دریای خزر بنا شده است . رایینو در سال ۱۳۳۱ ه . ق از قول Monteith
که مقدم براین تاریخ این قلعه را دیده است چنین می‌نویسد :

قلعه لیسار، روی تپه کوتاهی در چهار کیلومتری دریای خزر است. بنای
قلعه سراسر اراضی مسلح بالای تپه را فراگرفته است. حصار آن بسیار مستحکم
بنا شده و احتمال دارد قبل از دوران اسلامی نیز وجود داشته است. آب انباء
آن بهترین وضعی باقی مانده و هنوز پر آب است و هرچه از آب آن بردارند
سطح آب پائین نمی‌رود . محتمل است که از زیر باگنگ به بکی، از سرچشمه
های کوهستانی که در سطح آب قرار دارد، راه داشته باشد . مسیر این گنگ‌ها
ابدا معلوم نیست و بسیار خوب پوشانده شده است . با اینکه بنای این قلعه به
بهترین وضعی برای مانده است ، چیز قابل توجهی در این قلعه نیست و کتیبه و
توشتاهای ندارد. (۱)

محمدعلی گیلان در آخر کتاب شیخ زاهد گیلانی فهرستی از نامهای جفرافیائی
گیلان را آورده است و در ذیل کرگان رود می‌نویسد « در قریه قلعه بین، قلعه
ایست به نام صفاری . » (۲) فرنگ جفرافیائی آرتش اطلاعات زیر را درباره این
قلعه به ما می‌دهد :

« قلعه خرابه ای به نام قلعه صلصال در قلعه بین دهکده‌ای جزء دهستان
لیسار هر دشت بخش مرکزی شهرستان طوالش هیجده کیلومتری شمال
هشت پر و دو کیلومتری غرب راه آستانه به پهلوی است . »

مردم اطراف نیز این قلعه را از صلصال می‌دانند . بسیاری از قلعه‌های
کوهستانی منسوب به این مردم ناشناخته و شخصیت غیر تاریخی است . تنها محمد-

(۱) گیلان رایینو س ۹۷ و ۹۸ . (۲) شیخ زاهد گیلانی س ۱۱۱ .

علی‌کیلک است که این قلعه را فلمه‌صفاری خوانده و اسناد و مدارکی هم برای این نام‌گذاری نشان نداده است. این قلعه سنگی پا بجا مسلماً روزی یا یگاه یا پناهگاه یکی از امرای محلی و سر بازان و اطرافیان او بوده است.

مساحت تقریبی سطح کوهی که این قلعه بر آن قرار گرفته است ۴۰۰ متر بـ ۵۰ متر است که به علت روییدن درختان زیاد و بسته‌های خار اندازه دقیق نتوان گرفت. در ورودی قلعه شرقی و بهارتفاع ۳۵۰ سانتی‌متر تاوسط هلال طاق شکسته و عرض آن ۲۲۰ سانتی‌متر است. در ورودی قلعه روزی جلوتر بوده است، به علت خرابی باروی خارج، سردر دومی، در ورودی قلعه شده است. (عکس شماره ۲۰) عرض باروی قلعه ۱۸۰ تا ۲۱۰ سانتی‌متر و ارتفاع موجود آن پنج تا شش متر و در پاره‌ای جها، ده تا دوازده متر است. قطر دیوار جنوب غربی ۱۹۰ سانتی‌متر است. مصالح ساختمانی دیوارها سنگ بادبر و ساروج است.

آب آبار قلعه خارج از ارگ و داخل باروی اصلی است و در شمال شمال غرب بنای قلعه، بناشده است. طول آن در حدود پنج متر و عرض سه متر و ارتفاع از کف موجود چهار متر است. مصالح ساختمانی آن آجرهایی به ابعاد ۲۲ سانتی‌متر و قطر ۴ سانتی‌متر و ملاطی نظیر ساروج سپید است. (عکس شماره ۲۱) منفصل به باروی شرقی، حصار ارگ قلعه است. مدخل ارگ نیز دارای طاقی با هلال شکسته است. ارگ بنای مریع شکل به ابعاد ده تا دوازده متر است که چهار کنج آن برجهای گاو پهلو (= توپر) دارد. (عکس شماره ۲۲) در باروی شرقی ارگ دو پنجره است. پنجره طرف راست آن کوچک‌تر است. هر دو پنجره دارای طاقی با هلال شکسته و از آجر بنا شده است. مصالح ساختمانی ارگ نیز سنگ و ساروج است. طاقی گنبدی شکل نیز داخل ارگ دیده شد.

تریه آجری لیسار

در محوطه‌ای از جنگل کیش که سه‌اصله کیش آن بسیار کهن است و دارای

دو درخت آزاد کهنسال است، گنبد آجری که کمر بند گنبد در خاک و فقط طاق
حالی آن بیرون است، دیده می شود. قطر دایره این گنبد ۴۴ سانتیمتر و قطر
دیوار آن چهل سانتیمتر است. ارتفاع میان طاق از کف زمین اصلی ۲۳۰ سانتیمتر
است. ابعاد آجر های که در این بنایه کار رفته است میان ۲۲ تا ۲۵ سانتیمتر است و
قطر آنها به پنج سانتیمتر می رسد، اطراف این گنبد قبرستانی قدیمی است.

**تربة سلطان سید محمد
در قبری محله جو کندان**

بنای اصلی به طول ۵/۵۰ و عرض ۵ متر است. چهار طرف آن ایوان
دارد. عرض ایوان قبلی، هشتاد سانتیمتر و ایوانهای شرقی و غربی، بیست و یک ایوان
شمالی دو متر است. در هر طرف ایوان شش ستون چهار سوت. لبه ایوانهای کائل
دارد. (عکس شماره ۲۵) در ورودی بقعه در ایوان جنوبی است. ضریحی مشبك،
سنديوقی چوبین ساده را که میان بنای اصلی است، احاطه کرده است. سقف بنا
و ایوانها، واشان کشی و از روپل کویی است. بام منشور مربع القاعده ولت پوش
است. اطراف بقعه قبرستانی قدیمی است و بقعه و قبرستان در زیر درختان
قدیمی کبیش و آزاد و کنوس است.

تربة سید صلاح الدین و سید فضل الله معروف به قوشه جد (۱)
در ترک محله جو کندان

بنای این بقعه نظری بقعه سلطان سید محمد و بزرگتر از آن است. قبرستانی
بزرگ و قدیمی بالای بلندی نزدیک آن است.

**تربة با با کمال
در چنگل کر الا در راه بیلاق اسبومار جو کندان**

بنای کرسی بلند، چهار طرف ستواهای چوبین چهار سو و لبه ایوانها
دارای تکائل است. بام بنا، منشور مربع القاعده ولت پوش است.

(۱) قوشه جد (فتح جم) در زبان تالشی به معنی بک چفت سید است.

ترهه نتین کشی در پرده سرد و راه بیلاق
اسبومار جو گندان

این بنا نظیر بنای با باکمال است.

ترهه سید محمود و سید زین العابدین فرزندان
امام جعفر الصادق علیه السلام
معروف به قوشه جد
در تنگ دی (= تنگده) تول گیلان هشتپر

این دو بنادر، در دو بنای جداگانه مدفونند. بنای اول کم‌مدفن سید محمود وزن و دختر پسر اوست، شامل بنائی آجری و سنگی است. دیوار شرقی این بنا، شامل چهارستون چهارسوت که سقف بر آنها تکیه دارد. جلو ایوان شرقی نیز چهارستون چهارسوت.

بنای دوم که کمی بالاتر است، مدفن سید زین العابدین و همسر پسر اوست. این بنا سه پنجه در شرق و جنوب و شمال دارد. سقف هر دو بنا واشان کشی و بام آنها لخت پوش است. در بقعه سید محمود، چهار قبر آجری و در بقعه سید زین العابدین سه قبر آجری دیده می‌شود.

شجره نامه‌ای به شرح زیر، با خط خوش نسخ، در دست آقای سید قادر اشرف تالش، متولی بقعه است و ایشان اظهار می‌کنند که این شجره من بوط به سید محمود و سید زین العابدین مدفون در این دو بقعه است.
شجره نامه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
و بك نتعمد و نتعين
يا قدريم يا قدري

صاحب هذا الكتاب الصحيح المستطاب سيد خوره كيابي بن امير محمد
كيابي بن سيد خوره كيابي بن مير عبدالجليل بن مهدي كيابي بن حسن كيابي بن
هادي كيابي امير كيابي بن حيدر كيابي بن قاسم كيابي بن يحيى كيابي بن ابورضي.

کیای بن ابی الحرب کیای بن محمد کیای بن شمشیرزن کیای بن مهدی کیای بن ابی رضی کیای بن کوچک کیای بن مهدی کیای بن امیر احمد کیای بن عیسی بن علی بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب صلوات اللہ علیہم اجمعین فی سنۃ سبعین وalf من الهجرة خیر البریه .

اسناد و مدارکی قدیمی در دست آفای سیدفادر اشرف است که حاکی است پدران او بخود گی از انواع مالیات را داشته‌اند. تاریخ این اسناد میان سالهای ۱۱۰۸ و ۱۲۶۷ قمری است.

* عرضه داشت اول ۴ سانتیمتر بـ ۲۰ سانتیمتر که شامل سیزده سطر اصلی با سطر کوتاه در حاشیه است و در حاشیه بالای آن حکم عالی شده مورخ ۱۱۶۸ .

* عرضه داشت کمترین سید بابا تنگه دیهی کر گاندوزی به طول ۱۱۵ سانتیمتر و عرض ۱۷ سانتیمتر. در حاشیه بالا نوشته شده است حکم عالی شد آنکه کلانتران و کداخدا بایان محل مزبور بدانند که چون عارض مرد سیدواهل دعا و واجب الرعایه می‌باشد و از قدیم الایام الا آن معاف و مسلم بوده مرفاع الفلم می‌باشد لهذا به هیچوجه من الوجوه مزاحم و متعرض حال عارض نشده دیناری وجه از عارض طمع و توقع ننموده گذراند که بدعا گوئی اشتغال نماید دانسته در عهد شناسند سننه ۱۱۷۱ .

* عرضه داشت سید بابا اردبیلی الاصل ساکن کر گان رود به طول ۴۰ سانتیمتر و عرض ۱۱ سانتیمتر یادآوری از ظلم وجور و چپاول دوران نادرشاه کرده و می‌نویسد الحال که عدل و داد حکم‌فرمات به کار اور سید گی کنند و او را کما فی السابق معاف دارند . در حاشیه بالا حکم عالی شد و سپس ناعبرده را از پرداخت مالیات معاف گرده‌اند مورخ ۱۱۸۴ .

* حکم دیگری به کدخدا بایان و رعایای محل کار و ناحیه جمکوه به طول ۱۲ سانتیمتر و عرض ۱۱/۵ سانتیمتر که سید حسن را از پرداخت انواع مالیات معاف می‌کنند سننه ۱۱۹۲ .

* حکم دیگری مورخ به سال ۱۲۶۱ به طول ۲۸ سانتیمتر و عرض ۱۴ سانتیمتر. عموم مباشرین و عمالان و خاطرخان و کدخدایان و ریش‌سفیدان محال بلوکات کر گارود اعلام میدارد که عالی‌جاه سلاله ایادات سید با بالارديبلی الاصل ساکن قریه تکه ده من بلوکات کر گارود از قرار تعليقه جات و نوشتجات حاکمان سابق و ماسلف که در دست دارد از جمله ایادات حسینی مراعات جانب او بر همه کس لازم و مفتح است. فلهذا محض مرحمت والطاف عالی شامل حال و کفیل احوال عالی‌جناب معزی‌الیه منظور نظر شده متوجه حال و مراقب احوال او باشند و قدغن اکیده نمایند احدي از مباشرین دیوان مزاحم و متعرض معزی‌الیه نباشند گذارند فارغ‌البال و مرفه‌الحال بدعماً گوئی و تناخوانی در زاویه معبعد بازدید از عمر و دولت عالی مشغول بوده و قدغن نمایند احدي باملاک موروثه آباء و اجدادی او مزاحم نشوند را بباب قدغن لازم داشته در عهد شناسند. بتاریخ شهر صفر المظفر ۱۲۶۱.

* حکم دیگری به طول ۲۰ سانتیمتر و عرض ۱۴ سانتیمتر برای بخشودگی سیدحسن از مالیات ورفع مزاحمت کارگزاران دولت مورخ ۱۲۶۷.

ناله تربه
در هشتمبر

بنایی است چوبین و مستطیل شکل . در قسمت آخر بنا . اطاقي کوچك است که در آن صندوقی چوبین است . اطراف این بقعه فیروستان بزرگی است .

تر بسید نیکی بن سید جمال الدین روحی
در دهکده سید نیکی هشتپر

بنای اصلی شامل اطاقي است به طول ۷/۱۰ متر و عرض ۳/۹ متر . این بنا به جای دیوار ، حجری مشبك دارد . (عکس شماره ۲۶) انگار محجرها یکسان است . ضلع شمالی و جنوبی بقعه از هفت قسمت مشبك و ضلع غربی و شرقی از چهار قسمت مجزاً تشکیل شده است . در وردی ظرف شرق است و قسمت سومین

شبکه شرقی را گرفته است. در ورودی دولنگه است و لگار مشبك آن با لگارهای محجر اختلاف دارد. (عکس شماره ۲۷).

در وسط اطاق صندوقی است که اطراف آن را ضربی مثبت چوبین فرا- گرفته است. طول این ضربی ۲۵۴ و عرض آن ۱۲۸ و ارتفاع آن ۱۱۵ سانتیمتر است. (عکس شماره ۲۸).

سفیر اسر بقעה واشان کشی واز روپل کوبی است. بام بقעה نوعی تخته کوبی است که در محل «معن لمه» می خوانند. پر بام یاک پیشه است. قبرستانی قدیمی اطراف بقעה است. دولنگ خوش تراش و نسبت قدیمی در در گوشه ضلع غربی بنا در حباط دیده شد. بر دو بدنہ سنگ سمت راست، این بست با خط خوش مستعلیق حاک شده است:

رفت از بر من آنکه مرا موس جان بود
دیگر بجهه امید در این دهر توان بود
روی سطح سنگ نام دوازده امام حک شده است. صاحب سنگ
شناخته نشد.

خانه نصرالله خان سردار امجد در اطاق سرای هشتبر

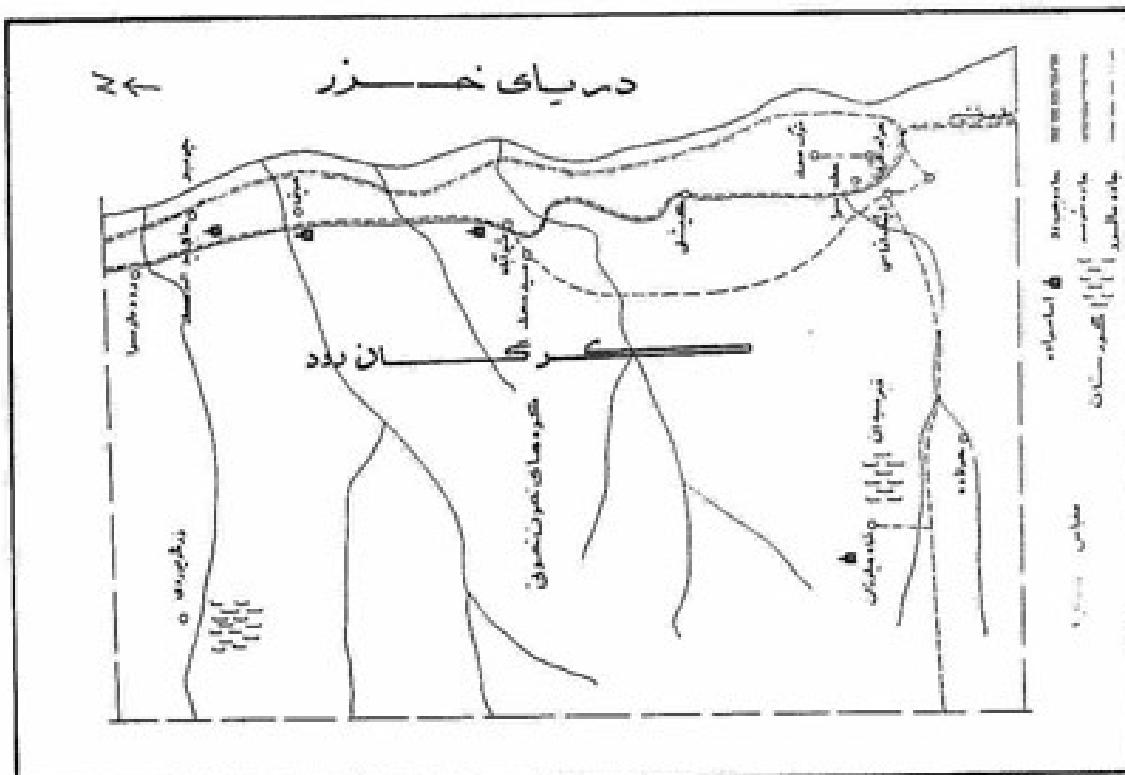
این خانه بنای آجری عظیمی است که نظری آن در صفحات گیلان دیده نشد. راهروئی در وسط. در طول و عرض ساختمان، در طبقه اول و دوم دیده می شود که از این راهرو بهده اطاق طبقه زیرین و ده اطاق طبقه بالائین می توان رفت. پس از ورود از سردر اصلی بنا، سمت راست پلکانی است که به طبقه بالائین می رود. سبک بنا و هلال طاقهای در گاهها و سردرها در گیلان بی سابقه است. (عکس‌های شماره ۲۹ و ۳۰)

از طراح و بنای آن اطلاعی به دست نیامد. معروف است که آب این خانه از بیلاق «سویلن» می آمده است. از نصرالله خان سردار امجد صاحب این خانه سه

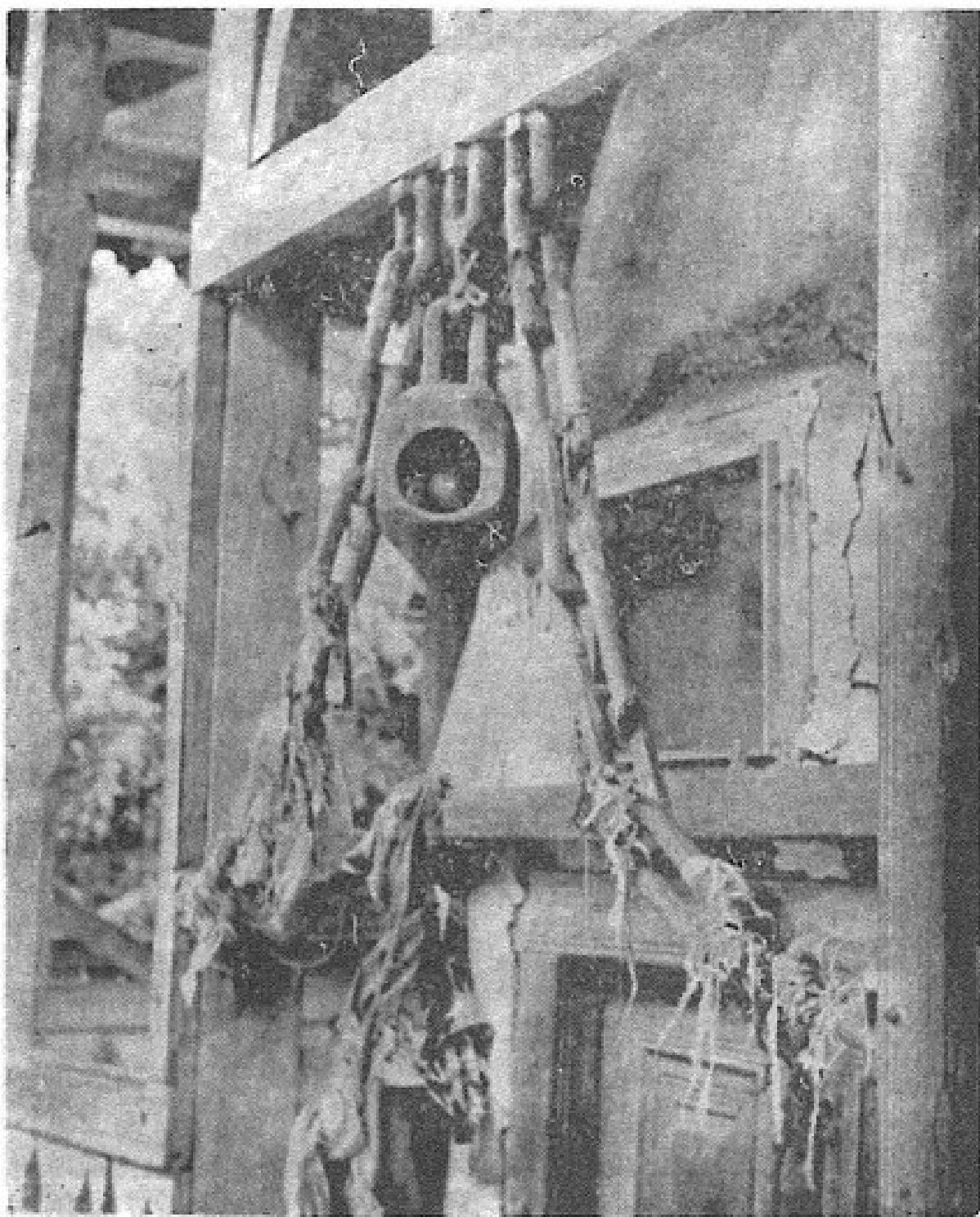
فرزند به نامهای فتح‌الله‌خان ارفع‌السلطنه و بحیی خان افخم‌الدوله و محمد‌حسین خان سالار اسعد باقی هائده است . خود او پسر فرج‌الله‌خان سرتیپ پسر حسن‌خان بیک پسر حاجی امیر کونه خان پسر امیر ابراهیم خان پسر امیر کونه خان پسر حسین‌خان است .

قبرستانهای قدیمی و بقیه‌های اطراف هشتپر

۱- بقعه محمد از کشند در تولارود هشتپر . ۲- اولبای کرامار در هکش بیلاق آق اولر . ۳- پیر علی در دهکده آق اولر . ۴- پیر اعرابی در دهکده سراگاه در کنار رودخانه هشتپر .



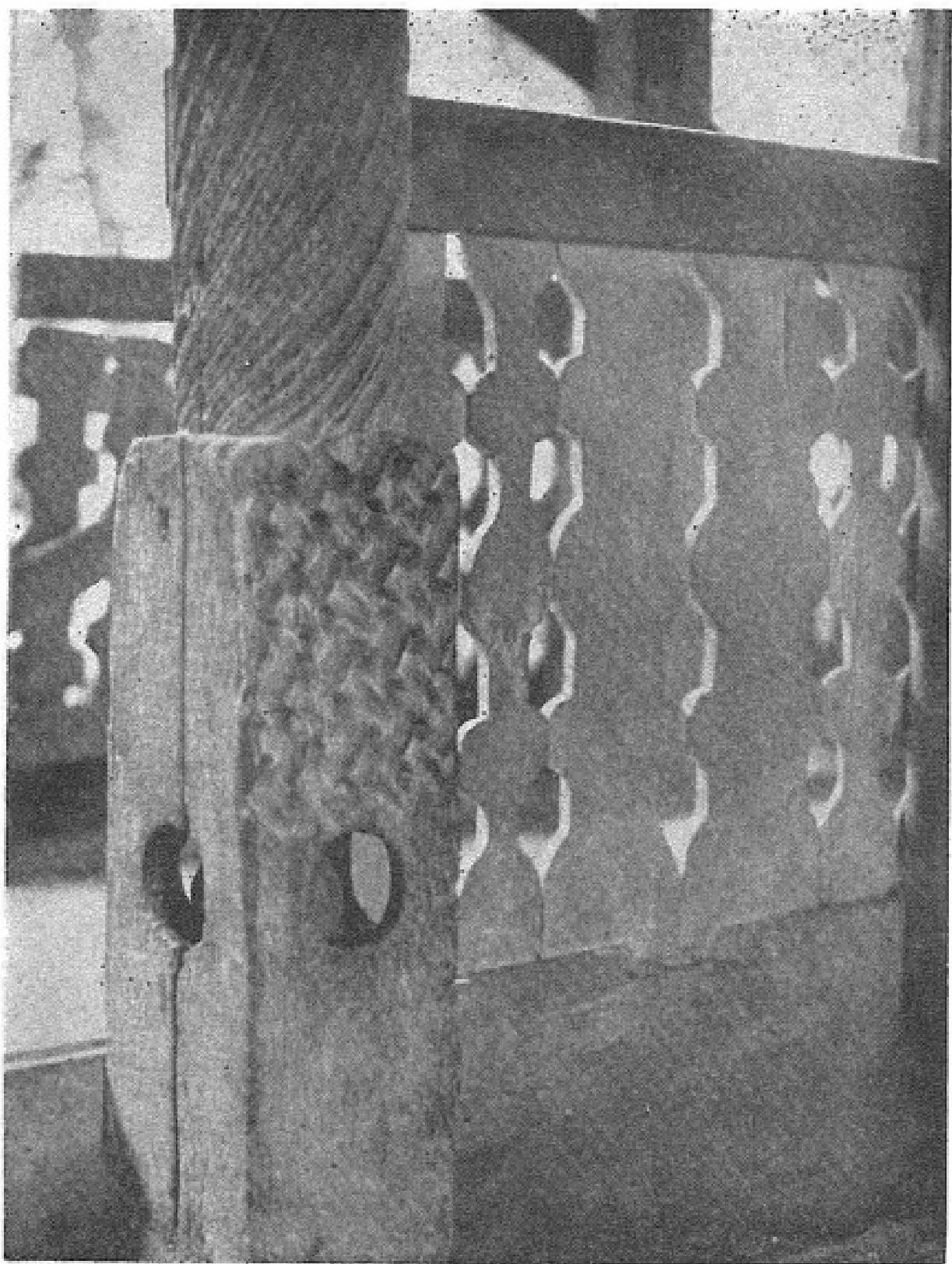
نخست شماره دو - آثار و بنای‌های تاریخی بخش شمال کرکان رود.



دکس شماره ۱۳ - زنجیر چوبین بر بالای در و درودی بقمه سلطان محمودشاه دبشوری



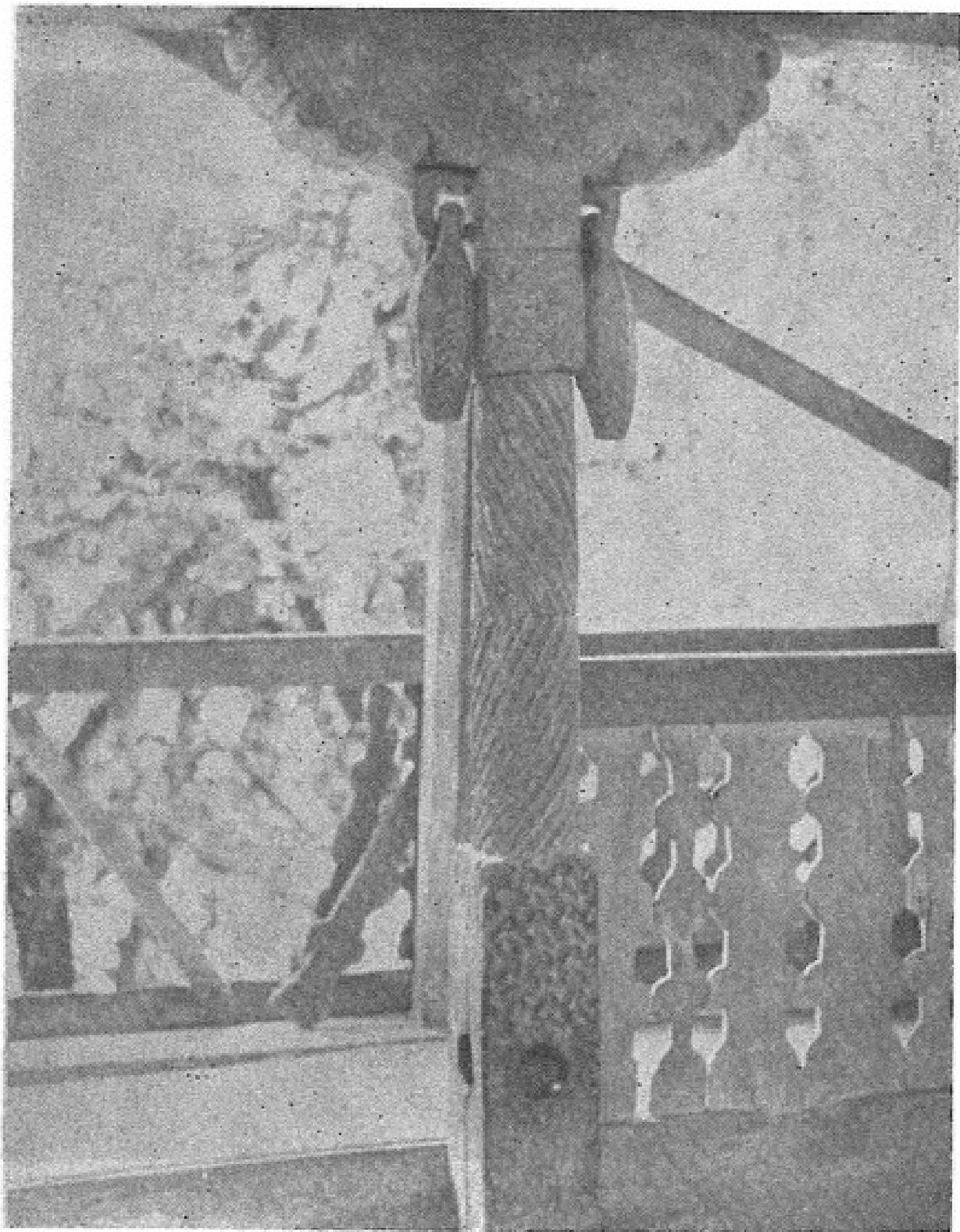
عکس شماره ۱۴ - قندیل چوبین زنجیری که بالای در ورودی بقعة سلطان محمودشاه
دستوری است



عکس شماره ۱۵ - قسمت پائین بکی از ستونهای مسجد متصل به بقیه سلطان محمد
شاهدینوری



نگارش شماره ۱۶ - لاجلنجکی مازریج یکی از ستونهای مسجد متصل به بقیه
سلطان محمود شاه دینوری



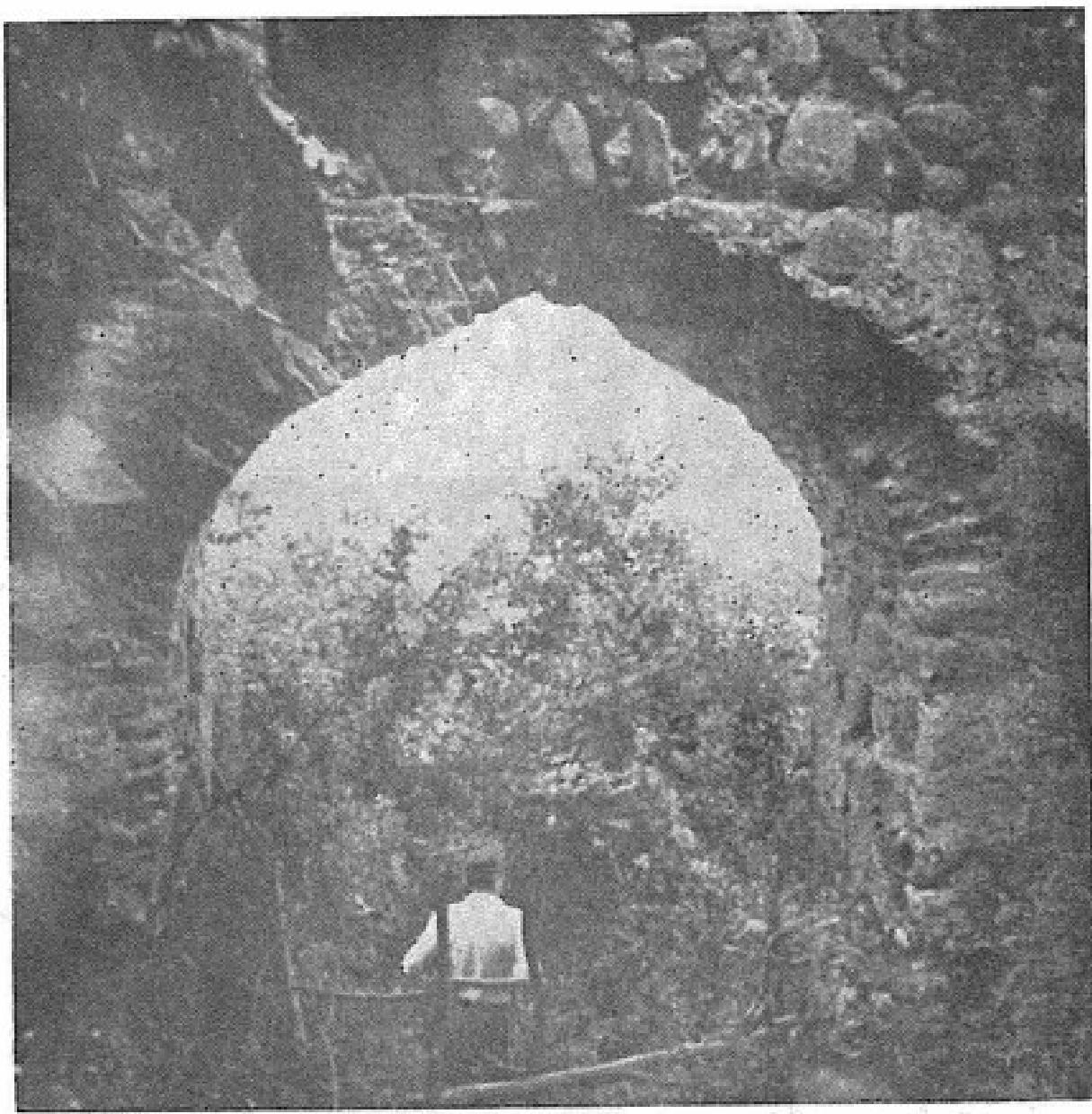
عکس شماره ۱۷ - لاجنگری حصاری یکی از ستونهای مسجد متعلق به بقیه
سلطان محمود شاه دینوری



عکس شماره ۱۸ - مبلها و جلدهای یکی از ستونهای مسجد منصل به مقبره
سلطان محمودشاه دینوری



عکس شماره ۱۹۸ - آنده کاریهای سرستون و میل های متصل به آن، در مسجد متصل
به بقعه سلطان محمود شاه دیشوری

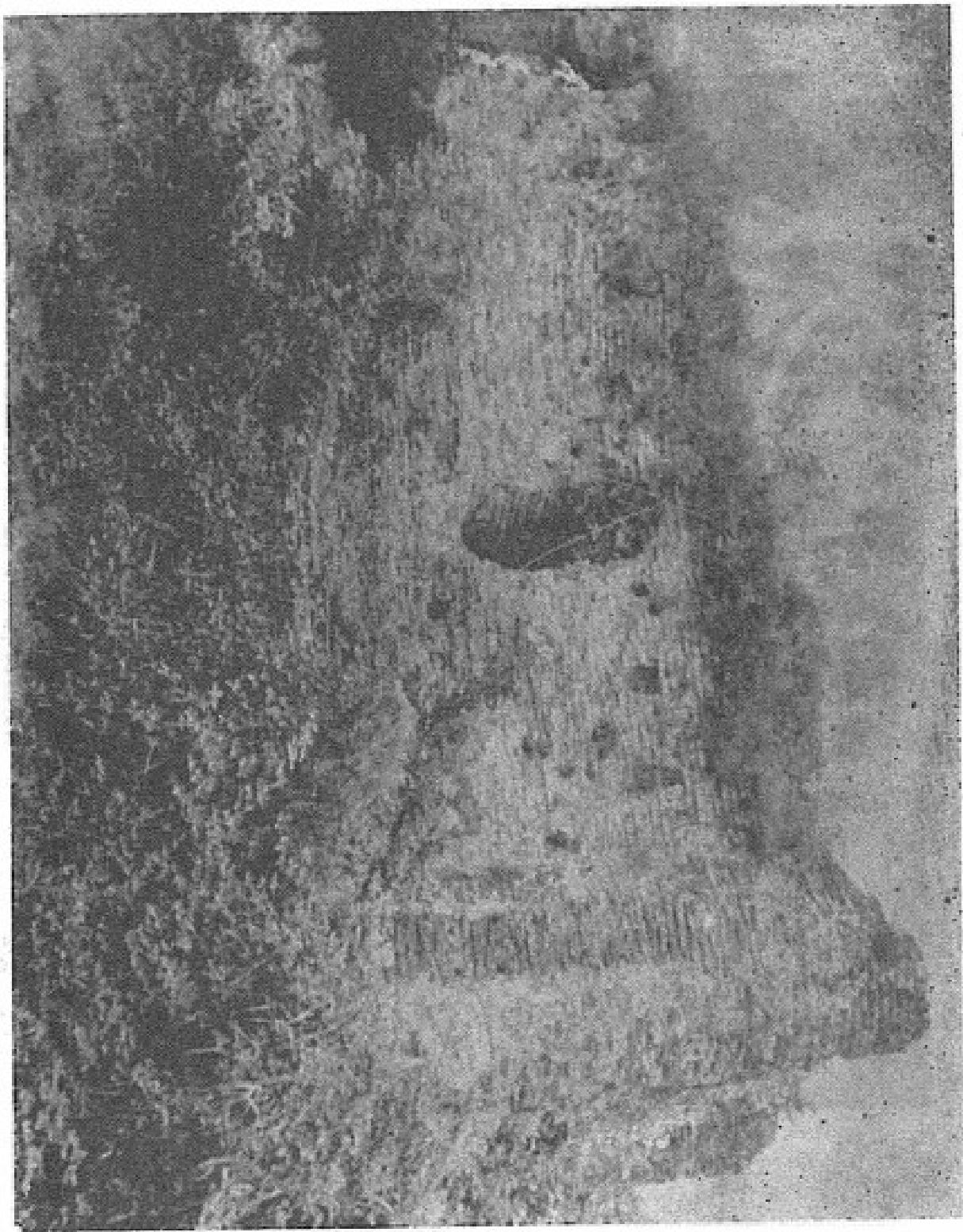


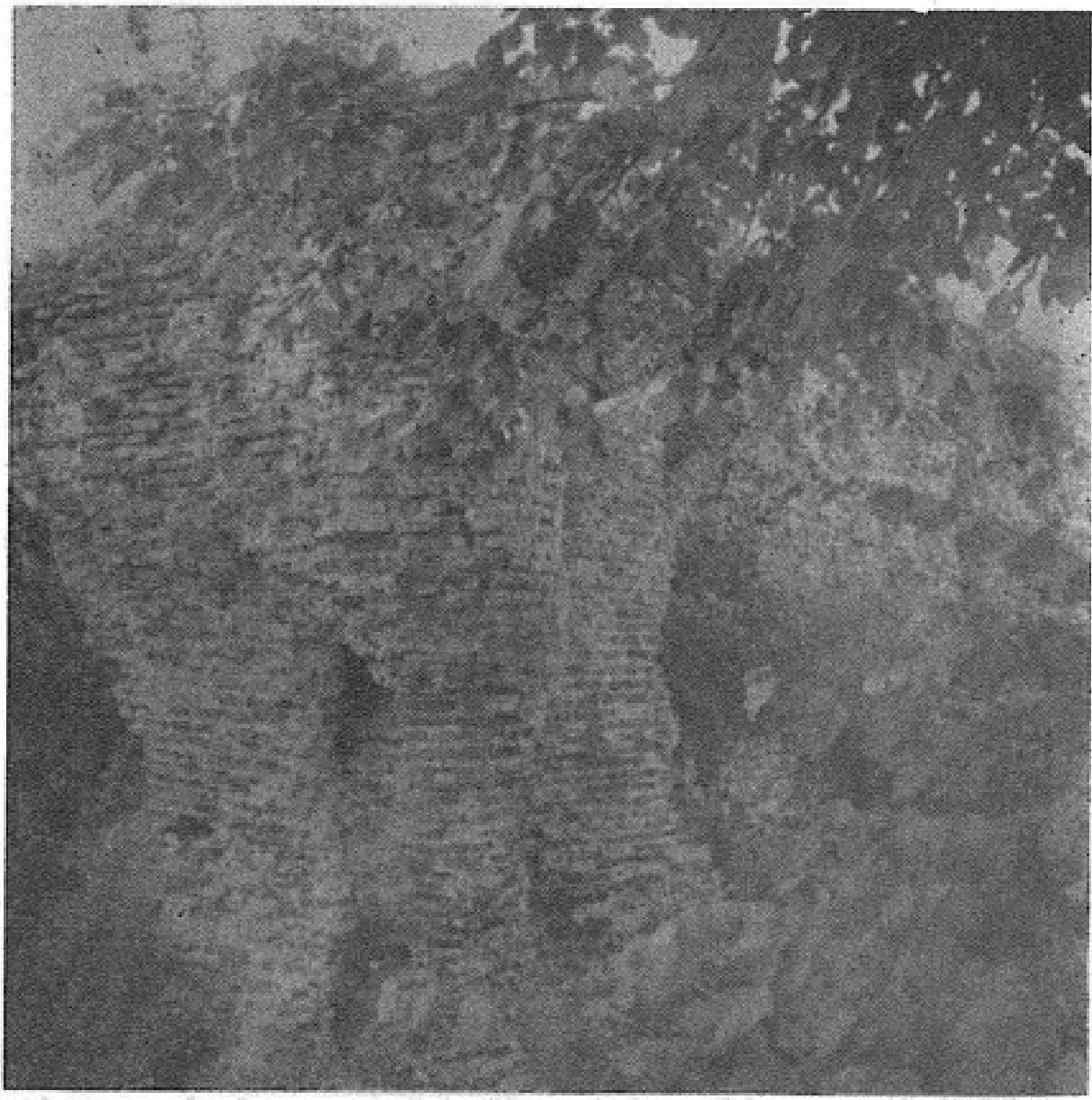
عکس شماره ۲۰ - در درودی قلعه لیار



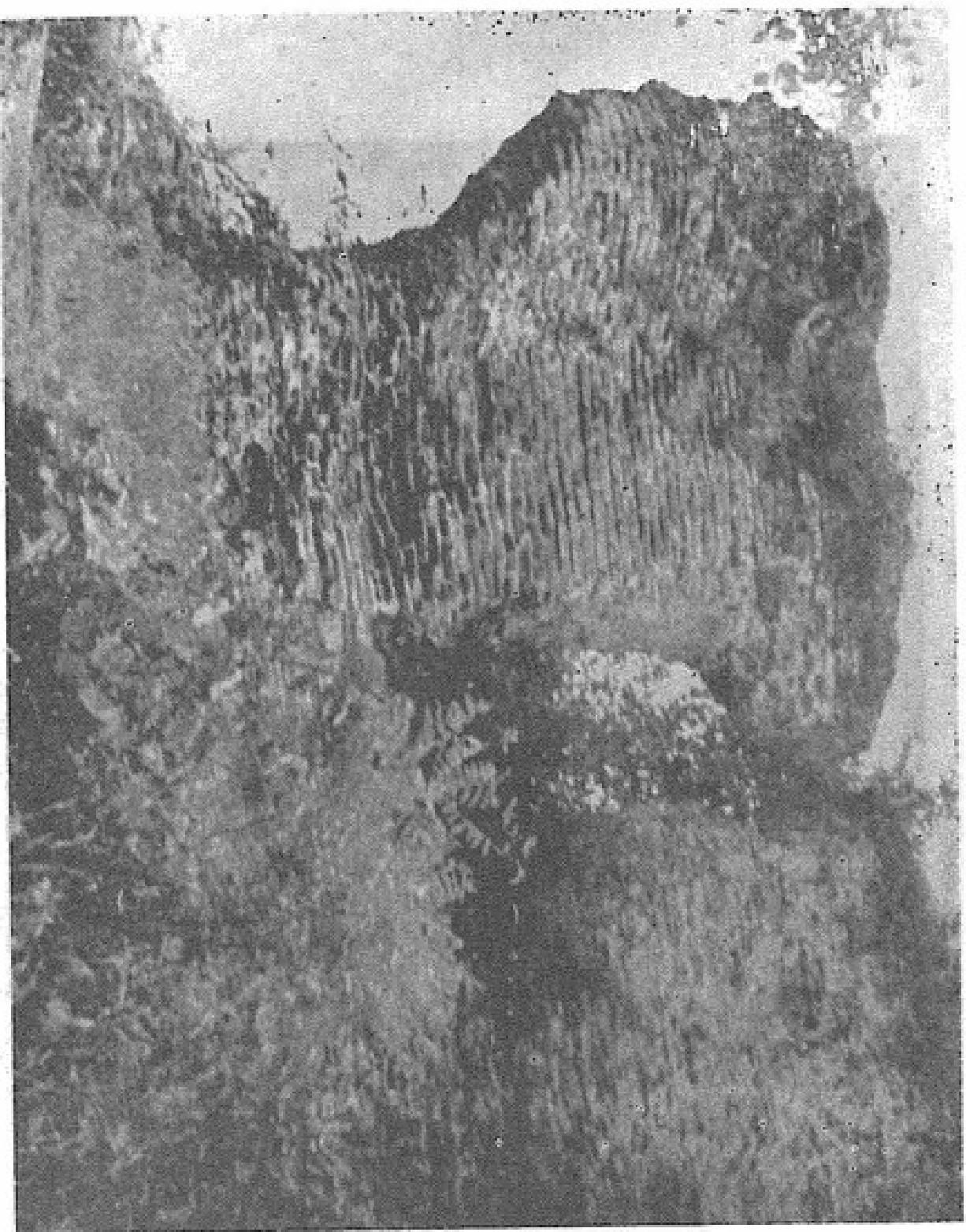
مکس شماره ۲۱ - آب ایار قلعه لیار

مکر نہادہ ۲ - دہلی دہلی اسکے نامہ لیا

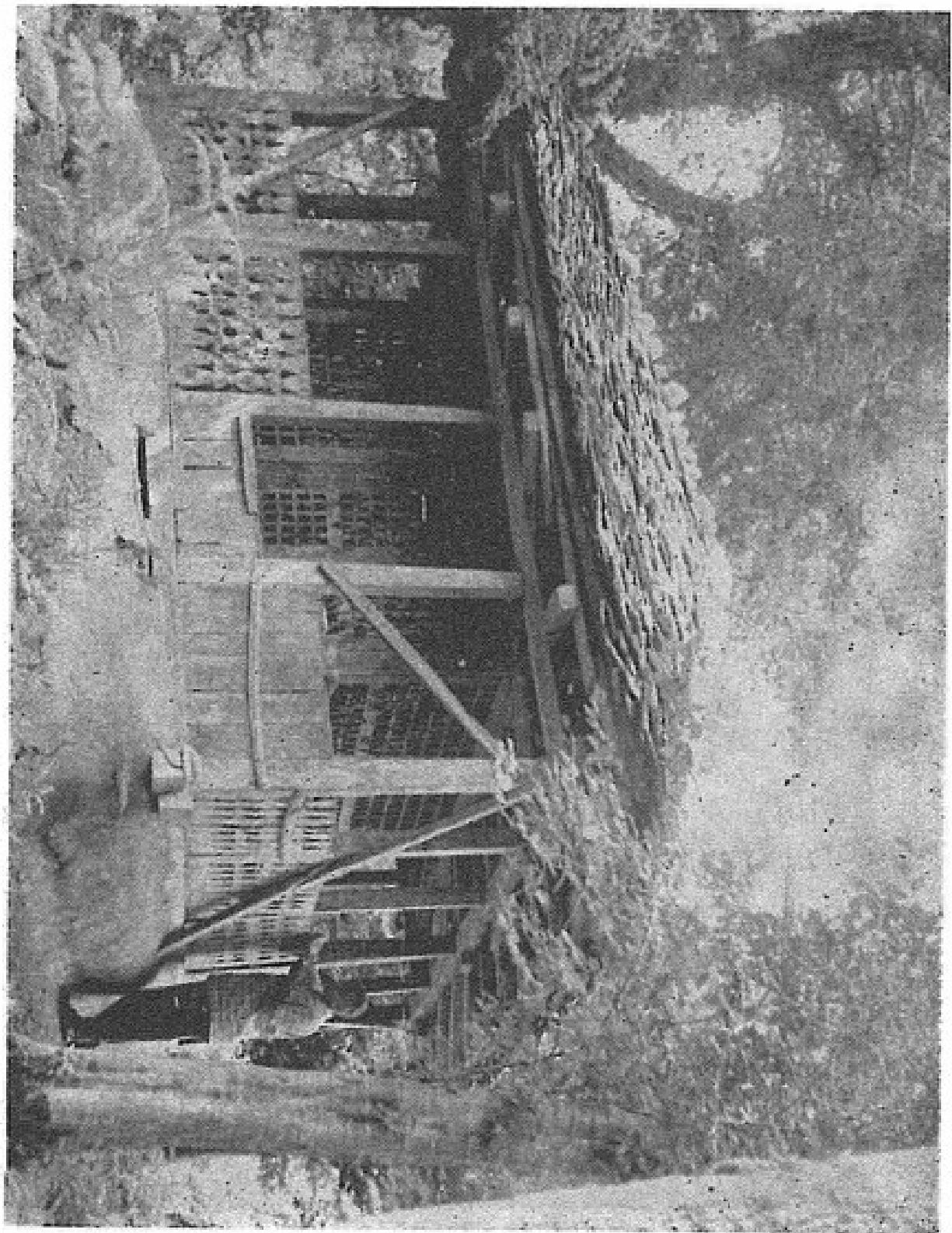




عکس شماره ۶۳ - نمایی از ارگ قلعه لیسار

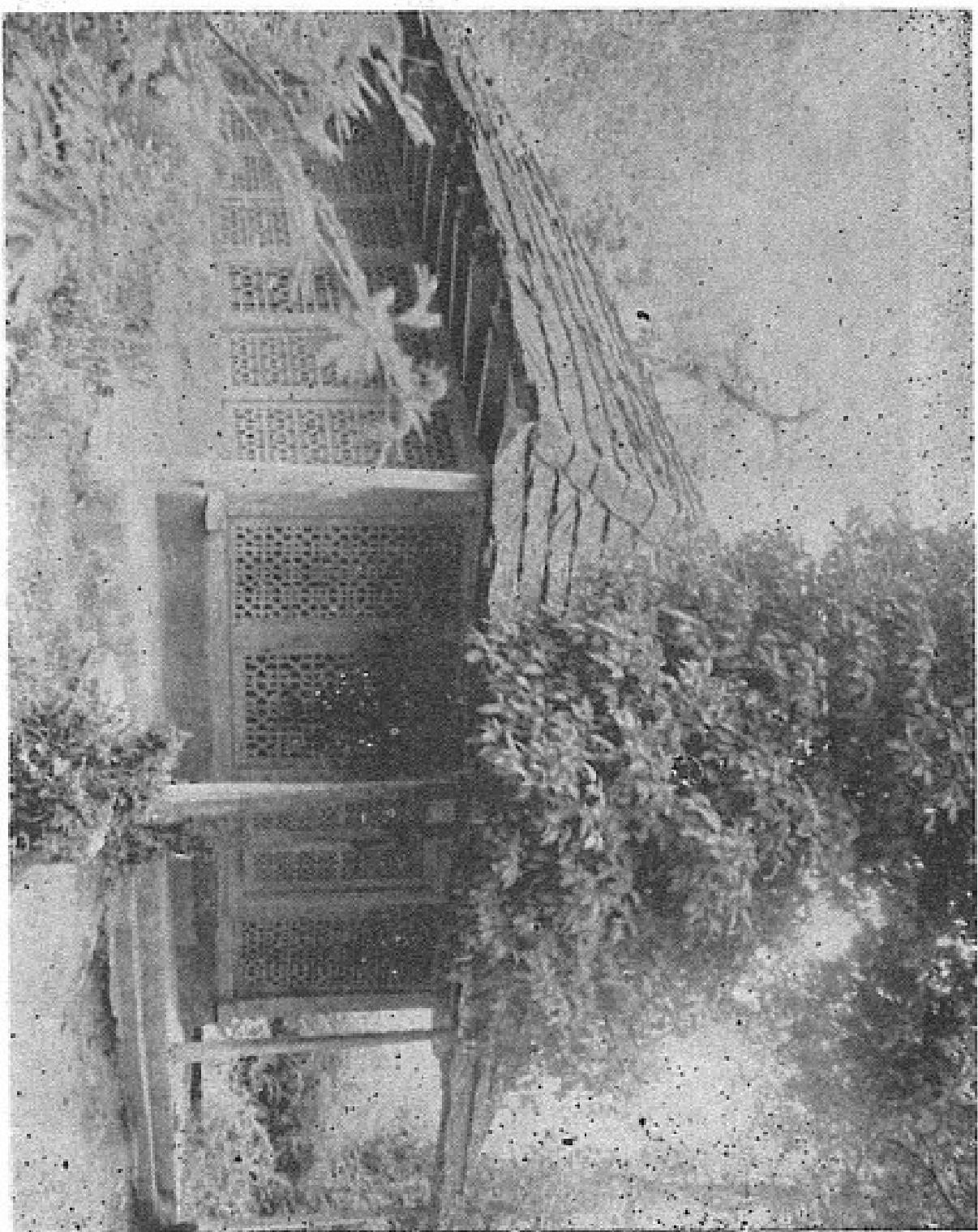


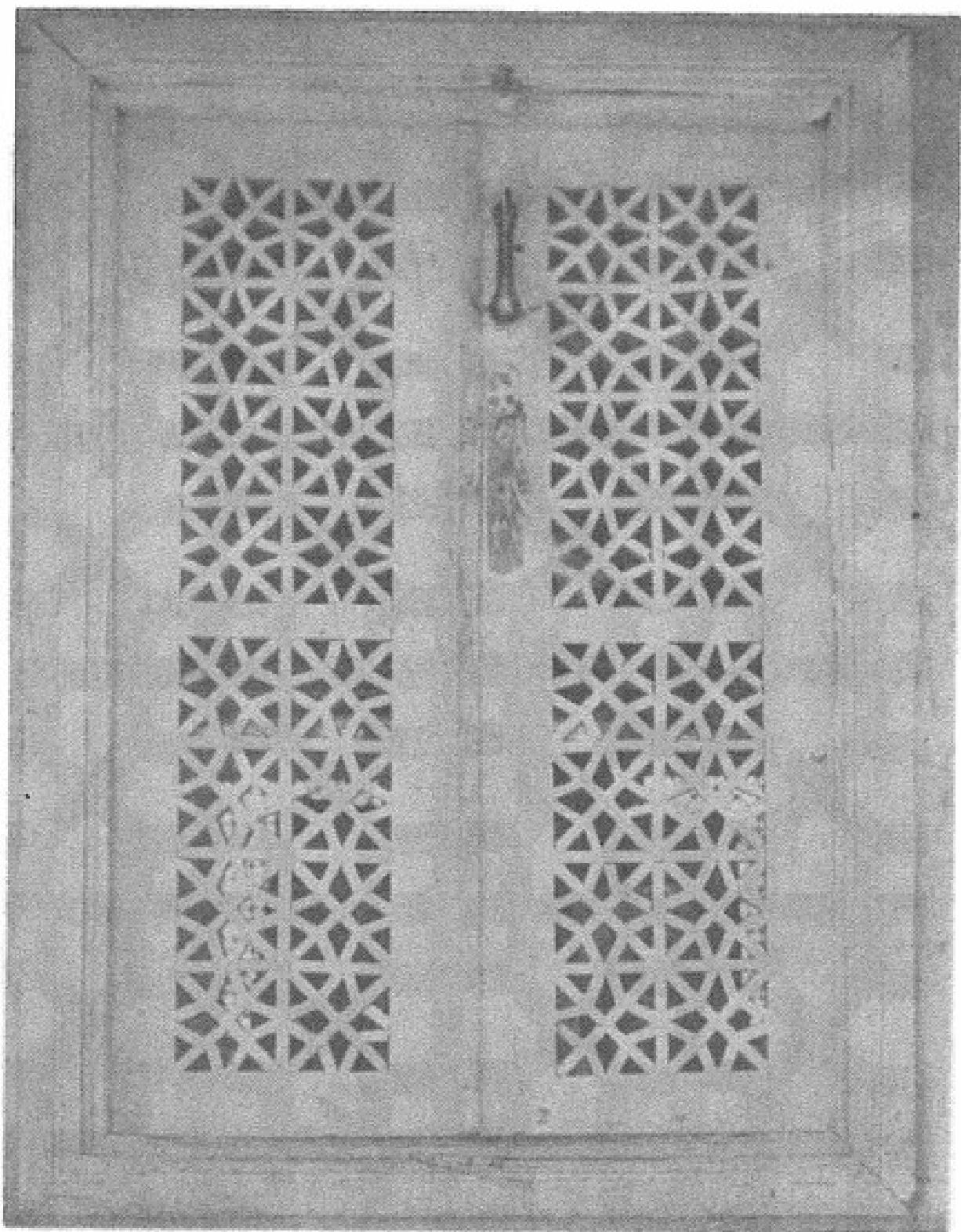
عکس شماره ۲۴ - فسمی از ارگ قلعه بیار



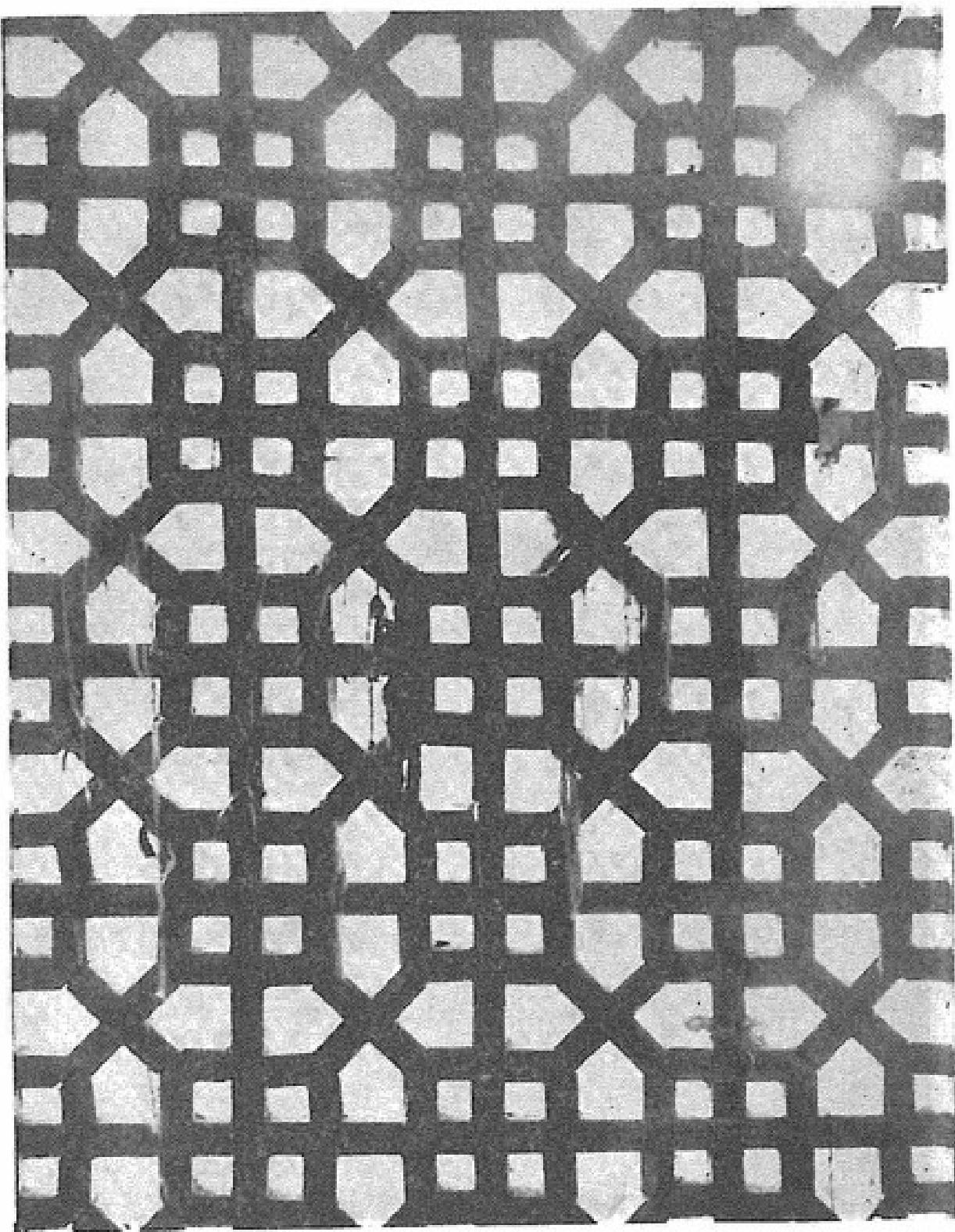
عکس شماره ۶۵ - تریه سلطان پیدا شده در قبری محله جو کندان

عکس خانه: ۲۶ - زریبا سیدلکنیان پیغمبراللهین رحمی در دوست:

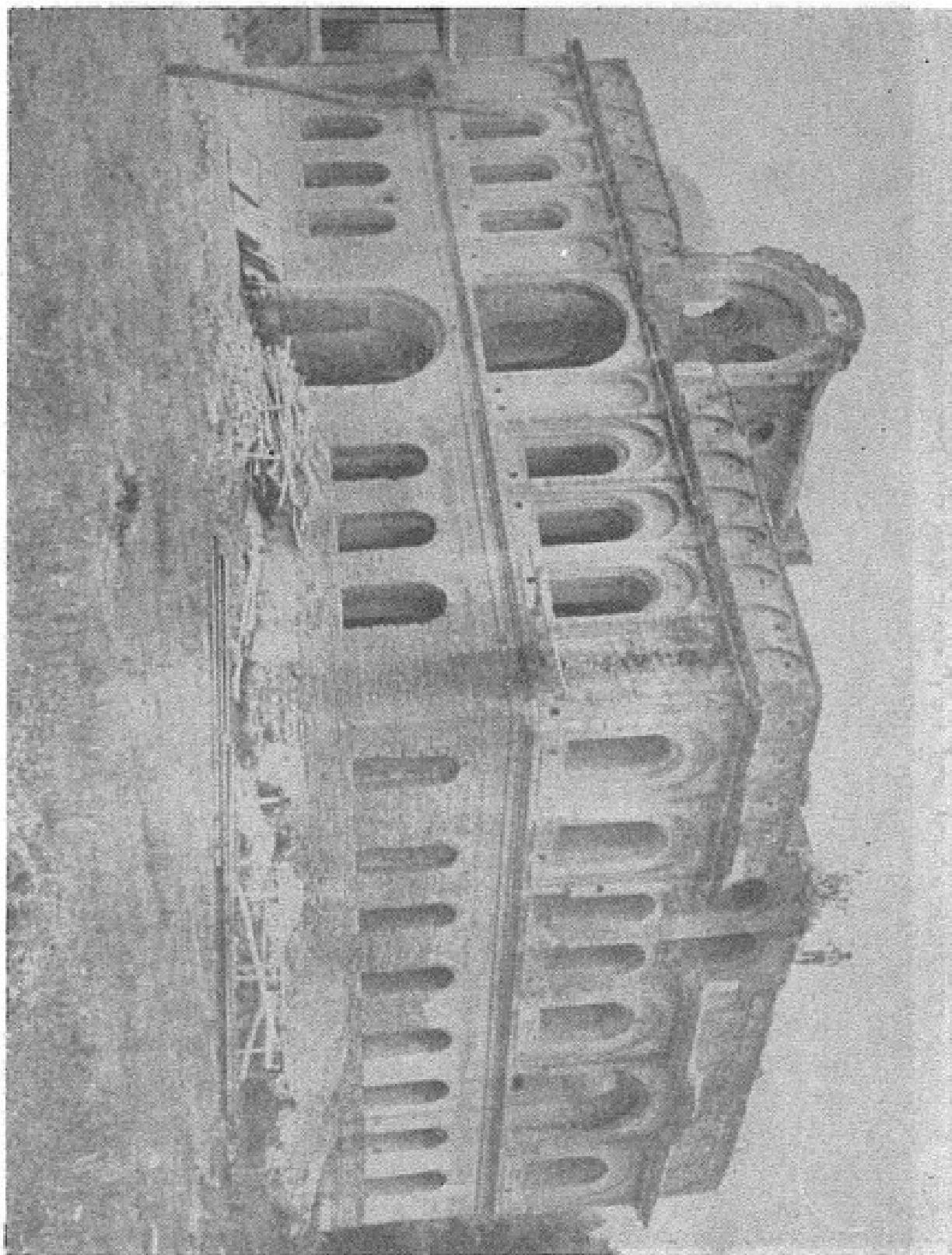




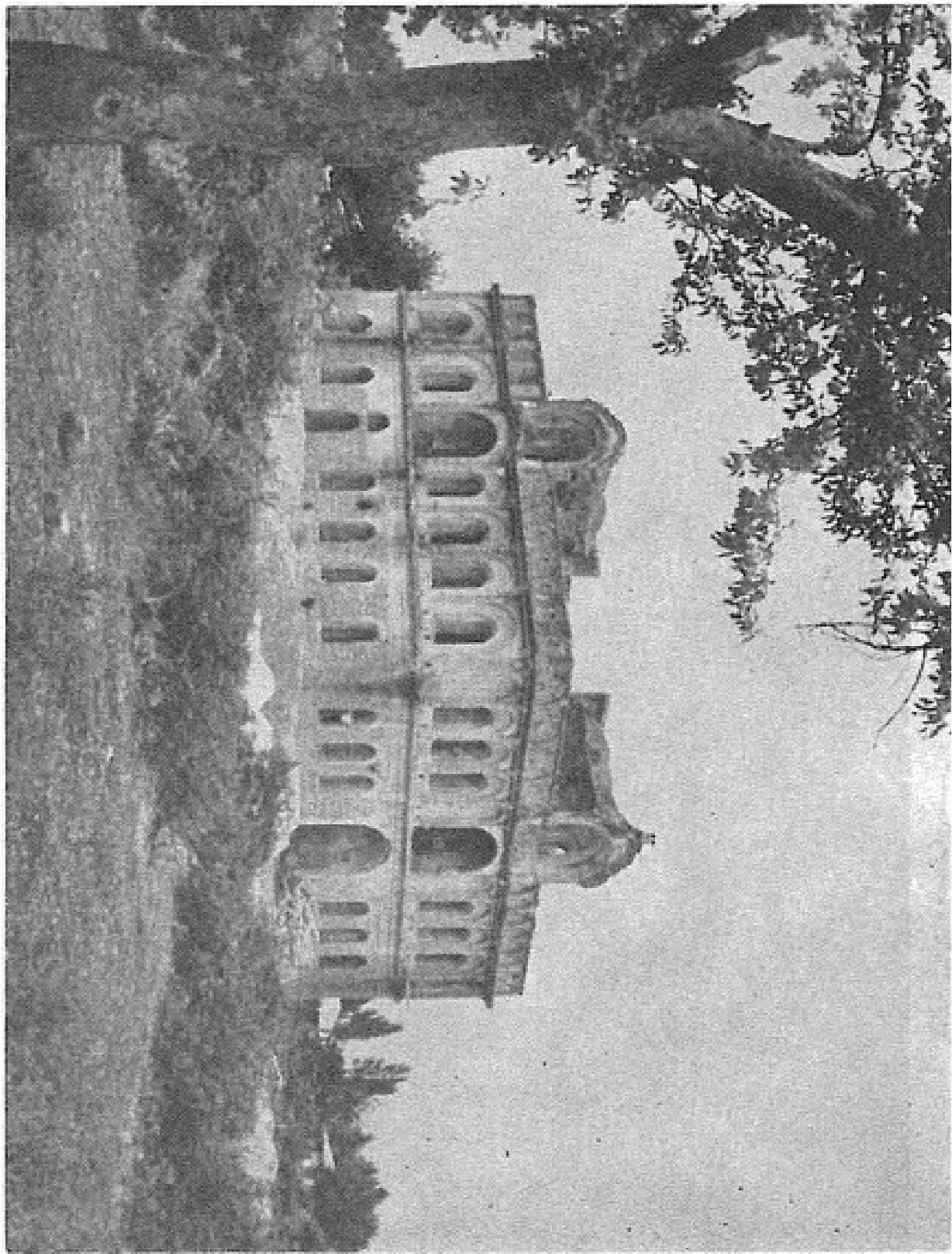
عکس شماره: ۲۷ - دو ورودی تربه سید بکی بن سید جمال الدین روحی .



مکر شماره ۲۹ - نسایی چنروی و نثر فی خانه اسرافلخان سردار امجد دراطلاع رسانی منتشر.



میں اپنے اسی میلے کے ساتھ اپنے بھائی کو دیکھ لیا۔



بخش سوم

۱- جغرافیای تاریخی اسلام

بخش اسلام از شمال به کرگان رود، از مشرق به دریای خزر، از جنوب به تالش دولاب و از غرب به خلخال محدود می‌شود. در ازترین قسمت این بخش از لبه دریای خزر تا قلل کوههای که حدگیری آن است، در حدود ۲۰۰ کیلومتر است. این بخش بازده کیلومتر از حاشیه دریا را گرفته است و رو به مرتفعه بخشی کوهستانی است. آبادی هم این بخش در زمان را بینو «دیگسرا» بوده است که در دو فرسخی دریا، کنار رودخانه‌ای به همین نام بنا شده است.

ساکنان این بخش تالش و اهل سنت و جماعت‌اند. سلسله خان ایشان شیعی مذهب است. جمعیت این بخش در سال ۱۳۳۱ هجری (= ۱۹۱۲ میلادی) به اظهار را بینو، هزار و چهل خانوار بوده است. صد خانوار ایشان غریب و مابقی تالش بوده‌اند. (۱)

رودخانه دیناچال بخش اسلام را از تالش دولاب جدا می‌کند. سرچشمه این رودخانه نزدیک امیر است و در طول مسیر خود تا دریای خزر حدفاصل میان این دو بخش است.

از گذشته این بخش اطلاعی در دست نیست. تنها حسن بیک روملو از امیر عظفر نامی یاد می‌کند که اهل قول و ناو بوده است. (۲) ناو یکی از دیهای بیلاقی این بخش است و ناورود که در این بخش از غرب به شرق جریان دارد، نام خود را از این دهکده گرفته است.

(۱) کیلان را بینو ص ۱۰۱ .

(۲) کیلان را بینو حاشیه س ۱۰۱ .

۳ - آثار و بناهای تاریخی پخش اسلام

اسپیه مزگت (۱)

در دهکده کیش خاله دیناچال

این مسجد کهن که باید آن را یکی از عجایب هفتگانه بناهای تاریخی
گیلان داشت، بر دست راست رودخانه دیناچال است و در حدود یک
کیلو متر و نیم از جاده ماشین رو آستارا به ازولی فاصله دارد و طرف شرق
جاده افتاده است.

این بنای امر روز روی در خرابی و فنا دارد، باید روزی در محلی آباد و
معروف بنا شده باشد، اما در هیچیک از کتب تاریخی محلی و سفرنامه‌های
خارجیان و ایرانیان، نامی از این مسجد نیامده است. عجیبتر اینکه راینو نیز
این بنای تاریخی را از قلم انداخته است، با اینکه درختان متبرک و قدمگاهها نیز
در کتاب او فهرست شده است.

این مسجد چون در خلاب است. مردم بی تعبیز جز به طمع گنج به
سر وقت آن نیامده‌اند و در تاریکی شب و کاهی در روز روشن با کلانک نوک تیز
بنیاد و شالوده آن را کنده و سست کرده‌اند. طبیعت بی رحم گیلان نیز در خرابی
آن سهم بزرگی داشته و دارد. درختان جنگلی عظیم بر بام آن رسته و ریشه‌های
خود را چون گوهای که میان کنده چوبی کذارند، میان دیوارها فرو برده و آنها
را دوشه کرده‌اند. رودخانه سیلانی دیناچال نیز، قسمت جنوبی آن را کنده و
برده و پاره‌ای از پایه‌ها که اجزای آنها از یکدیگر هنوز جدا نشده، در آب رودخانه
افتاده است. بارندگی و رطوبت نیز کچکاری و سفیدکاری و کچ بربهای آن را
فرسوده کرده و از میان برده است. با این‌جهه این بنا چون پهلوانی سالم‌نمدیر پایی
استاده و نافل لای بالیگری و بی‌دقیهای ماست.

(۱) بکسر الف وفتح باء و ميم و كاف، به معنى سفید مسجد است. بارهای این مسجد
را به نام آق مسجد و گروهي به نام مسجد عبداله می نامند. اختصار دارد عبداله نامی آن
را من مبتکرده باشد.

علوم نیست بانی این بنا کیست. تاجرانی که می‌دانیم، سلاطین قدیم زور هند براین بخش از مملکت ما دستی نداشته‌اند و تا سنه هزار هجری که این صفحات جزء حکومت مرکزی به شمار آمده است، حکام محلی یا خانان در این صفحات حکمران بوده‌اند. اینان نیز هیچگاه بدهنگاری آباد کردن حوزه حکومت خود بوده‌اند و اگر یکی از آنان در در دین داشته، قدرت مالی به او اجازه ساختن چنین بنائی عظیم را نمی‌داده است. وضع بنا و کتبه کوفی ساده آن گواهان صادق بر قدمت بنا هستند، اما هر دو خاموش به‌ما می‌نگردند و نشانی از بانی نمی‌دهند.

صالح اصلی بنای این مسجد، آجرهای بداعرضه $۲۳ \times ۲۳ \times ۲۳$ سانتی‌متر است. قطر دیوار آن ۱۷۵ سانتی‌متر و گوشه‌ای از این بنا که یک خلع آن ۱۶/۷۵ متر است، فعلاً بروای است و دیوار یکی از دهلیز‌های مسجد است. (عکس شماره ۳۱) بر دیوار شمالی همین دهلیز است که پنج شش متر کتبه کوفی ساده باقی‌مانده و کلمات «لَمْ يَخْتُنْ إِلَّا اللَّهُ فَعْسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهَنْدِسِينَ» (۱) روش خوانده می‌شود. (عکس شماره ۳۲ و ۳۳).

در دنباله این آیده‌بدون شک نام بانی می‌آمده است که امروز هیچگونه اثری از آن باقی نیست. این کتبه که ابتدای آن در همین دهلیز بوده، روزی چهار دهلیز اطراف را تزئین می‌داده است. از ارتفاع دهلیز‌ها نیز گچ‌بری عجیبی به بدهنگاری داشته، که فعلاً دو متر از این ازازه، بر دیوار شمالی هویدا است. (عکس شماره ۳۴)

شاید بتوان از آنچه که باقی‌مانده، حدس زد که این بنا شامل یک رواق در وسط و چهار دهلیز در چهار طرف بوده است. (نقشه شماره ۳۵) در ورودی نقریه‌شمالی است و اراد دهلیز شمال می‌شود و عرض آن بالغ بر ۱۶۰ سانتی‌متر

(۱) إِنَّمَا يَعْمَلُ مَسَاجِدُ اللَّهِ مِنْ آمِنٍ بِأَنَّهُ وَالْيَوْمُ الْآخِرُ وَاقِفَانِ الصَّلَاةِ وَآتَنِي الزَّكُوْنَةَ وَلَمْ يَخْتُنْ إِلَّا اللَّهُ فَعْسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهَنْدِسِينَ. سوره التوبه ۹، آیه: ۱۸.

است. ارتفاع طاق دهليزها از کف کنوئي ۵۷۰ سانتيمتر است. يك طرف دهليزها، دیوار خارجي مسجد و يك طرف آنها پایه هائي هشت ضلعی است که محیط آنها به ۵۵۰ سانتيمتر می رسد. پایه هائي که در چهار گنج است، زانده اي دارد که در روی نقشه نشان داده شده است. فاصله میان دو پایه هاي که يكی از آنها زانده دارد ۲۳۰ سانتيمتر و فاصله میان دو پایه اصلی ۲۸۰ سانتيمتر است.

بالای هر دو پایه، طلاقی با هلال شکسته زده شده است. (عکس های شماره ۳۶ و ۳۷) و سقف دهليزها بر دیوارهای خارجي و این پایه ها استوار است. عرض هر يك از دهليزها به ۳۴۰ سانتيمتر می رسد.

شاید روزی رواق میان بیز سقفی گنبده داشته است. اما شفات بنا باید کم کم جمع شود تا برای زدن طاق آماده باشد. آنچه از کتیبه دندانه ها باقی مانده است حاکی از این امر نیست. سقف سراسر بنا، سفال پوش بوده است. اما بخلاف باعه های سفال پوش امروزی گیلان، سفال آنها با هلاط بر روی طافها چسبانده شده است و اندازه آنها به 36×50 سانتيمتر می رسد.

چوو اوپیا (۱)

دردهکده کار بند اسلام

در میان درختان کیش کوهن و بلوط های قدیمی بقعه ای به شکل برج است محیط دابره این برج شانزده متر و ارتفاع آن سه متر و گنبد شلجمی شکلی بر بالای آن بنا شده است. دری کوچک چوبین به ارتفاع ۱۲۰ سانتيمتر و عرض نیم متر در مشرق بنا است.

چهار طرف بنا ایوان دارد. در هر ایوان شش ستون است که سر ستون های آنها دو شاخه ای شکل و سر نال در این دو شاخه ها قرار گرفته است. بام اصلی

(۱) چوو (فتح ج) نام يكی از درختان جنگلی است.

بنا و ایوانها لت پوش، سقف ایوانها، واشان واز بالا پل کوبی است. بنا کرسی بلند است و کسی که در اینجا به خاک سپرده شده است به قام سید حجت معروف است.

نزدیک این بنا تربت دیگری است. بنای اصلی این بقعه مربع و چهار طرف آن ایوانی به عرض ۶۰ سانتیمتر دارد. در هر ایوان هشت ستون چهار سوت. سقف بنا کوتاه و واشان کشی و از بالا پل کوبی است. با م اصلی بنا و ایوانها لت پوش است. در ورودی این تربت نیز شرقی و کوچک است.

تربه پیر هرات

در گیلان دی (= گیلان ده) اسلام

بنائی است کرسی بلند، دیوارهای آن از سنگ و گل که به زبان محلی «دش دیوار» (فتح دال) گویند. در مشرق بنا ایوانی به عرض بیکمتر است که آرده جلو آن دستک صراحی است. سقف بنا واشان کشی، و با م لت پوش است. (۱)

تربه نا اولیا

در دهکده کله سرای اسلام

بنائی است کرسی بلند که ارتفاع آن از کف زمین کمی بیشتر از یک متراست. چهار دیوارهای آن سنگ و گل است و طرف جنوب بقعه ایوانی کم عرض است. سقف بقعه وایوان واشان کشی و با م هردو لت پوش است.

چل سان (۲)

در دهکده کله سرای اسلام

بالای نیمه خل بند (۳) بنائی است کرسی بلند که چهار دیوار آن سنگ و

(۱) پیر هرات در گیلان ده از دهستان اسلام بخش مرکزی شهرستان طوالش سیزده.

کیلومتری جنوب هشتپر کنار راه آستانه به ازلى است (فرهنگ جغرافیای آرتش).

(۲) به کسر ج وفتح کاف.

(۳) بضم خاء و کسر لام وفتح ياء.

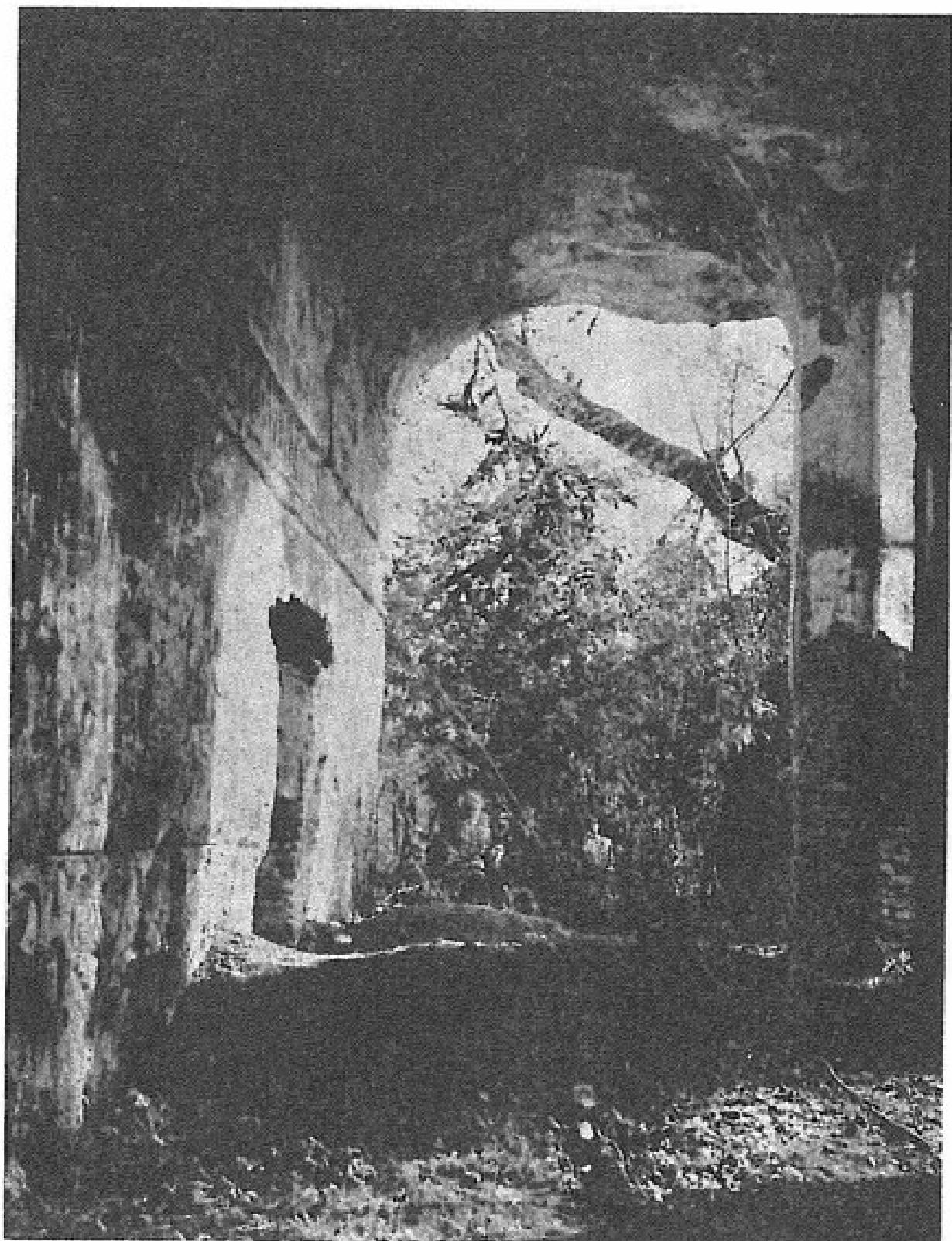
گل است. در بقعه کوچک است و طرف شرق باز می‌شود.

گورستانهای قدیمی و آثار تاریخی

بیلاق و قشلاق اسلام

- ۱ - گورستان رزان. (۱)
- ۲ - گورستان قدیمی هجرم (۲) بزرگوار.
- ۳ - گورستان اطراف اسلام اوپیاء.
- ۴ - گورستان اطراف پیر خواجه در دیگسرای اسلام.
- ۵ - گورستان اطراف هزارستان گاه بزرگوار در دیگ سرای اسلام.
- ۶ - در ناو اسلام، در شمال غربی دهکده کوچکی به نام «نارنج دول»، (۳) گورستان قدیمی است. دو سنگ نوشته شده به صورت قوچ و گوسفند در این گورستان است. فعلاً گردن قوچ را به قصد یافتن گنج شکته‌اند.
- ۷ - در دهکده بیلاقی ناو، آثار بناهای قدیمی از آجر، در کنار رودخانه است. معروف است که در این جا کلیسا نی بوده است.

(۱) بفتح راء و زاء. (۲) بکسر هاء وفتح راء. (۳) بفتح جيم.



عکس شماره ۳۱ - یکی از دلیلزهای اسپیه مز کت در کیش خاله دیناچال . کتیبه گنج بری
کوفی بر دیوار سمت راست زیده می شود .

عکس شماره ۳۲ - گنبد کوفی اسپه مزکوت کشید خاله ربانا چال که بروار شعالی کج بری شده است

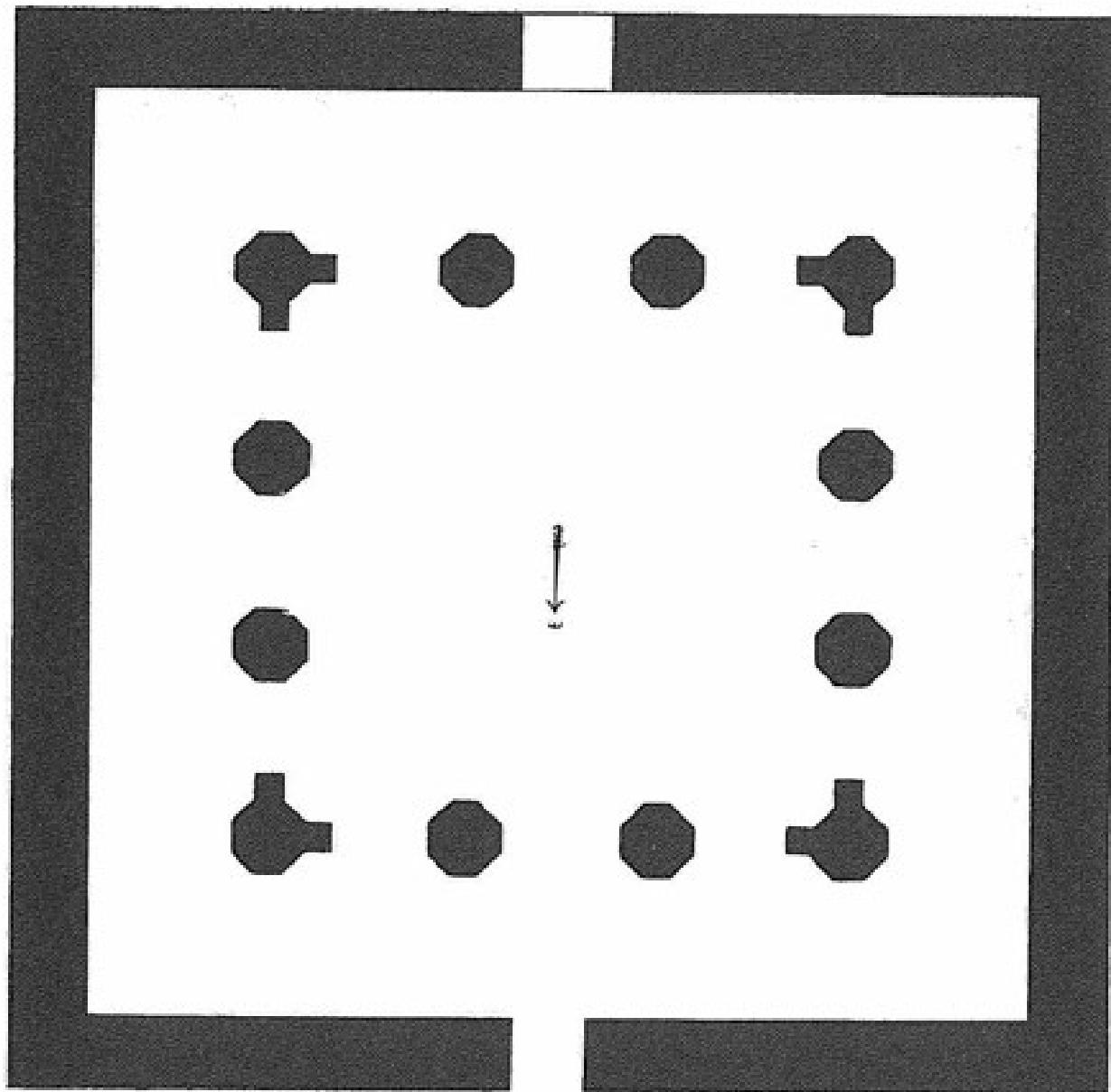


RE

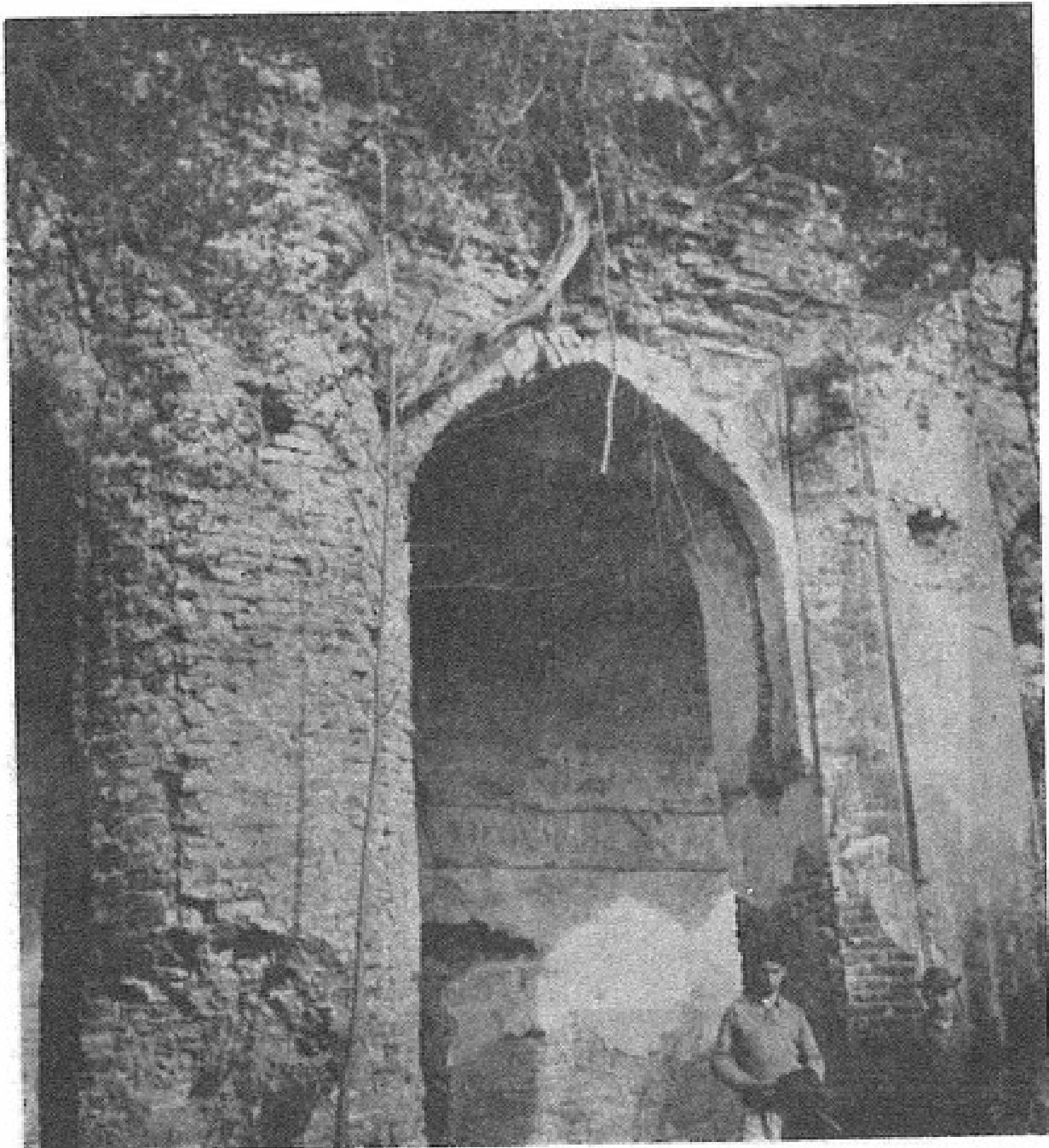
也



عکس بنایه ۲۴ - نقشی کجوری عجیب اسیدمن گت کشی، خاله دیناچال گفته شد
از آن برآمده دیوار شمالی دلیر شمالی هنوز باقی است.



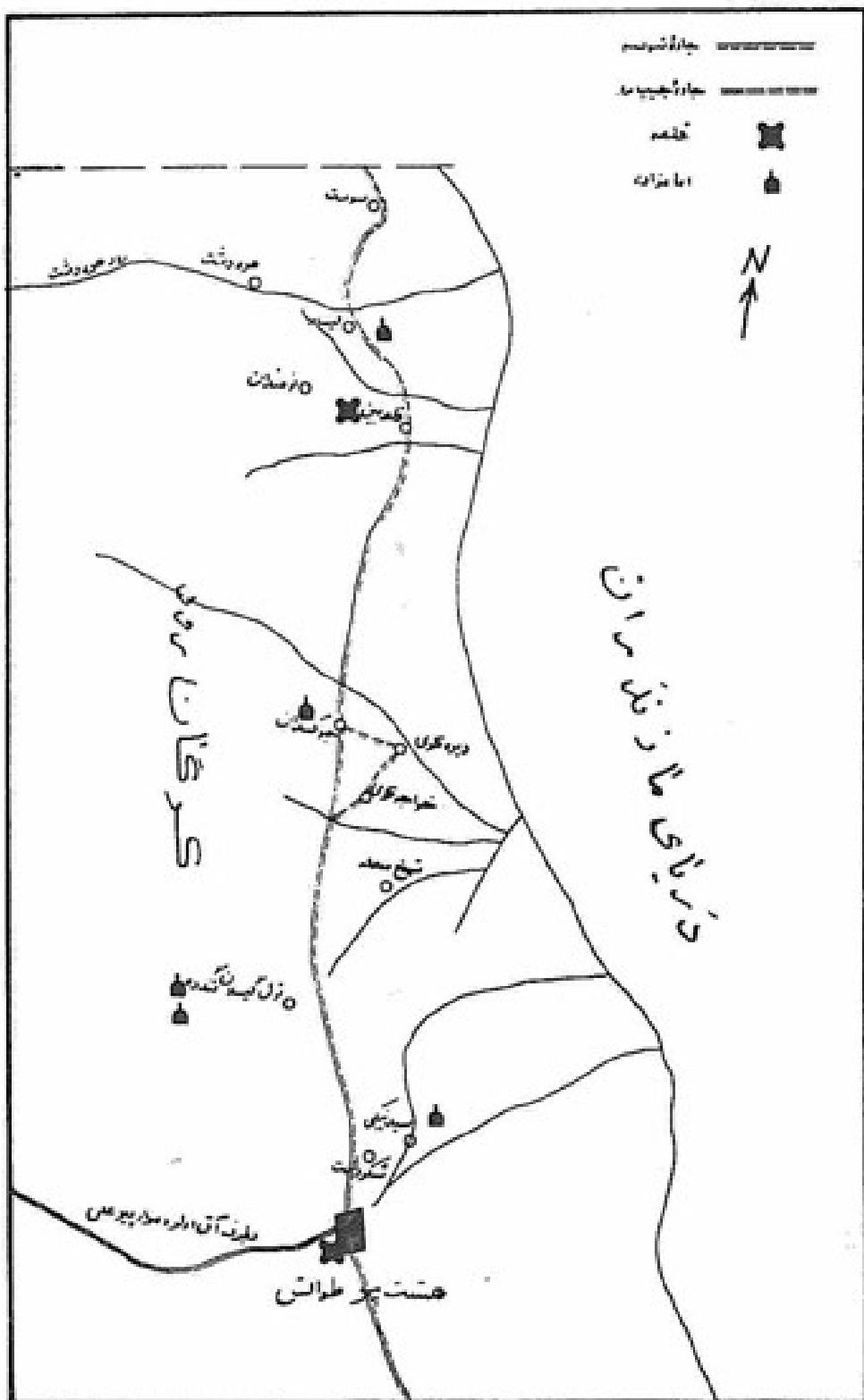
عکس شماره ۳۵ - شاید روزی طرح بنای اسپیدمز گت بدین شکل از زیر قلم طراح
آن بیرون آمده باشد.



عکس شماره ۳۶ - یکی از طاقها که میان دلیل شمالي و فرمت میانين اسپهيدمز گت در کپش خاله دیناچال است.



عکس شماره: ۳۷ - یکی از طاقها که میان دهلهز غربی قسمت میابن ایجاد نموده است
کبیش خاله دیناچال است .



نخست شماره: سه - آثار و بناهای تاریخی پخش جنوب کرگان رود.

بخش چهارم

۱- جغرافیای تاریخی تالش دولاب

تالش دولاب شامل دو قسم است : ۱- اراضی هموار و پست ساحلی به نام گیل دولاب . ۲- سر زمین کوهستانی به نام تالش دولاب : قسمی از اراضی گیل - دولاب که تزدیک مرداب از لی است، آب و هوای بدی دارد . این بخش در شمال غربی مرداب از لی است . از طرف شمال به دریای خزر و اسلام ، از مغرب به خلخال و از جنوب به شاندرمن و کسکر محدود می شود . در ازای آن از مشرق به مغرب ، چهل و دو کیلومتر و پنهانی آن از شمال غربی به جنوب غربی می کیلومتر است . در سال ۱۳۳۱ قمری که رایینو کتاب کیلان خود را می نوشت ، بیش از صد و پنجاه سال بود که سر زمین تالش دولاب از خاک گسکر جدا شده بود .

پونل مر کز بخش و مهمندین آبادی آن است . آب و هوای پونل به خوبی مشهور است و شاعری محلی در این باره چنین گفته است :

جز آب شفارود و بجز منزل پونل طبعم نپذیرد به خدا هیج مکان را
دهکده پونل میان چاپ سرا و شفارود است و امامزاده غریب بنده تزدیک
این آبادی است . از کوههای پشت این آبادی سنگهای را که برای بسیار
از لی مورد نیاز بود ، تمیه می کردند . راه آهن کوچکی پونل را به
سیاه وزان (فتح واو) در کنار مرداب از لی متصل می کرد . طول این راه آهن
چهارده کیلومتر بود . از پونل دوراه به خلخال می رود : ۱- راه تابستانی از ارده
(فتح الف) و دشت دامان . ۲- راه زمستانی از سینده .

ساکنان زمینهای هموار و پست ساحلی گیلک و شیعی مذهبند و به زبان گیلکی سخن می‌گویند. کوه نشینان تالش و اهل سنت و جماعت‌آند و به زبان تالشی کفتگومی کنند. ملکوتف جمعیت این بخش در سال ۱۲۷۷ هجری (= ۱۸۶۰ میلادی) دو هزار و هشت‌صد و چهل و نه خانوار با چهارده هزار و هشت‌صد و چهل و چهار تن می‌داند. در زمان رابینو یعنی در سال ۱۳۳۱ هجری جمعیت اینجا در حدود دو هزار و هشت‌صد خانوار بوده است.

از تیره‌های مهم این بخش تیره خشاپر (بضم خاء و فتح باء) است که پانصد پاش‌صد خانوارند و تیره شیرازی که سابقاً از شیراز بدینجا آمده‌اند و سی خانوار جمعیت ایشان است، جزو تیره خشاپریه حساب آمده است. تیره بوداق و تیره‌های دیگر نیز در این بخش زندگی می‌کنند.

در بخش تالش دولاب از رو دخانه آشور کنده و الخام (فتح الف) نام می‌برد. رو د الخام شاید همان سندیان خاله امروزی باشد. همین مؤلف رو دخانه «تیلک» (بکسر تاء و شدید لام) را حدفاصل تالش دولاب و شاندرمن می‌داند. شفارود که از میان پونل می‌گذرد، بخش تالش دولاب را تغیریباً به دو قسم مساوی تقسیم می‌کند. (۱)

تالش دولاب به چند بخش جزو بهاین شرح تفییم می‌شود:

۱- آب کنار، ناحیه کوچکی است کنار مرداب از لی در جنوب شهر تالش دولاب.

۲- گیلک دولاب در جنوب دریای خزر و مغرب مرداب از لی. (۲)

۳- قشلاق تالش دولاب.

۴- بیلاق تالش دولاب.

۵- خشاپر و پره سر (فتح پ و کسر راء) شامل زمینهای بیمه مرتفع میان گیلان، فاصله میان بیلاق و قشلاق است.

۱- گیلان رابینو ص ۱۰۹. ۲- رابینو شمال دریای خزر و مشرق مرداب بوشه است. گیلان رابینو ص ۱۱۰.

۴- آثار و بنای‌های تاریخی پخش تالش دولاب

پل آجری قدیمی

بر رودخانه شفارود تالش دولاب

این پل که در مسیر راه شاه عباسی است و از جنوب به پرده‌سر گوچک و بزرگ کسما و مناره بازاو و از شمال به هشتپر و هر دشت و لیسار و آستارا می‌رسد، نام امروز برپاست. طول این پل ۳۰ متر و عرض آن ۴۰/۲ متر و در طول دولبه پل، دو جان‌پناه بهار تفاصیل ساتیمتر از آجر بنا شده است. این پل یک دهنه تمام از آجر بنا شده و چهار کنج آن چهار میله سنگی ساخته است. (عکس شماره ۳۸ و ۳۹).

عرض پل تمام با سنگ رو دخانه فرش شده و این همان سنگفرش است که آثار آن در طول این جاده در خاک مازندران و گیلان دیده می‌شود. بر سمت چپ رو دخانه متصل به این پل ساختمان محقری به قام «شیخ قبور سر» است که خاک آن را برای معالجه زکیل مؤثر می‌دانند.

مزار پیر شرفشاه

در حاشیه چنگل هفت دخنان

آخر خاک گسکر و ابتدای خاک

گیل دولاب

پیر شرفشاه همان شاعر و عارف وارسته‌ای است که ترانه‌های گیلکی او را مردم گیلان، از پیرو جوان، با آهنگ مخصوص موسوم به «شرفشاهی» می‌خوانند. آهنگ شرفشاهی در دستگاه شور و یکی از گوشه‌های بهلوی این دستگاه^(۱) و منسوب به همین شاعر دل سوخته است. احتمال دارد خود او نیز روزی ترانه‌های سروده خود را با همین آهنگ زمزمه می‌کرده است. از سال تولد و دوران زندگی و فوت این مرد خدا بی‌خبریم. شاید نخستین

(۱) تعیین این دستگاه در مجله فروغ‌سال اول شماره یک ص ۸۶ دیده می‌شود.

سندي که اورا ياد کرده است تذکره حشری تبریزی باشد . صاحب این کتاب نام اورا هيابن هريدان باباحسن عارف معروف تبریزی آورده است . عبدالفتاح فومني يك بار از او نام هی برد و هي نويسد « ... به مرقد غفران دستگاه پير - شرفشاه گسکر ملتجي شد . » (۱)

این پير بعدها بر اثر علاقه مردم بدو ، به مقام سعادت رسیده و فرزند سیزدهم امام موسى الكاظم عليه السلام شمرده شده است و سلسله نسبی بدین ترتیب برای او فراهم آورده اند : سید شرف الدین (= سید شرفشاه) بن عبدالله بن حسین بن عبدالله بن ابراهيم بن موسى بن احمد بن ابراهيم بن محمد بن عبدالله بن موسى بن ابراهيم بن موسى بن جعفر عليه السلام .

سید صالح ، سید هولاجان و سید محمد جان را که فعلاً در ضيابر گسکر مدفونند اولاد شرفشاه هی داند و در باره اين دو تن و پدرانشان چنین نوشته اند : « سید هولاجان بن سید محمد جان بن سید ابراهيم بن سید محمد بن سید یعقوب بن سید شرف الدین (= سید شرفشاه) که در ضيابر گسکر مدفونند بر حسب بعضی اوراق که از قدیم باقی مانده ، (۲) معاصر اميره ساسان گسکري بوده و اميره ساسان هم معاصر اميره دجاج فومني و اميره محمد رشتی و اميره محمد شفقي بوده که در حدود سنه ۷۸۵ هجری هی زیسته و در نقاط مختلف گیلان اهارت داشته اند . (فصل ۲۶ تاریخ گیلان مرعشی) چو ق مدت فاصله حیات سید هولاجان را با دوره حیات سید شرفشاه به نسبت قریبی اعمار و فواصل زمانی ، يكصد و سی سال فرض کنیم ، تقریباً سید شرفشاه در حدود سال ۶۵۵ هجری یعنی در مانه هفتم هجری زندگی هی کرده است . » (۳)

چنین معروف است که « خروسك » نام دختری است که بازیبانی خود نداسته ،

(۱) عبدالفتاح س ۱۹۸ . (۲) شاید منظور اوراقی است که معروف است

فرد آیة الله ضيابری است . با مراجعة بدیشان معلوم شد چیزی در دست ندارند .

(۳) مجله فرهنگ سال سوم م ۱۷۲ - ۱۷۸ و ۲۰۶ - ۲۱۲ . اطلاعات بیشتری در باره پیر شرفشاه دارد .

دل این عارف منزوی را از کف او برباید. گروهی این دختر را خواهر امیره سasan گسکری می‌دانند. این دختر نیز مانند پیر شرفشه در سلسله اولاد پیغمبر درآمده و مزارش به نام « سید خرسه » (۱) در گنار رودخانه واویلا در چنگل هفت دغنان، زیارتگاه ساکنان دهکده‌های اطراف است. (۲)

بنای قبلي مزار پیر شرفشه چوبی و دیوارهای اطاوی که مرقد او در آن قرار داشته، سراسر هشبك بوده است. این بنای چوبی زیبارا آقای علیزاده سیاس خواه در سال ۱۳۲۵ شمسی خراب کرده و بنای فعلی را به جای آن ساخته است. بنای کنوئی اطاوی است به ابعاد داخلی سیزده متر و بازده هشت متریمتر، در میان چهار دیوار بنا، چهار در ورودی است. مصالح ساختمانی آجر واز خارج و داخل سفیدکاری است - سقف بنا، واشان و لمبه کوبی و بام آن سفال سراست. (عکس شماره ۴۰ و ۴۱)

صندوقی که مرقد پیر شرفشه را پوشانده است به طول ۲/۵۶ متر و عرض ۱/۵۸ متر و ارتفاع ۱/۴۰ متر است. ضریح چوبین هشبكی اطراف این صندوق است که طول و عرض آن پنج متر است. (عکس شماره ۴۲) چهار گنج این ضریح، چهارستون فطور چهار سوت که گنبدي بر سر آنها بنا شده است. بام گنبد نیز سفال سراست. کف بقعه مقداری موزائیک کاری و مقداری گل است. تمام محوله اطراف ضریح با حصیر، مفروش است. بر ضریح و صندوق هیچگونه نوشته‌ای دیده نشد. قسمتی از صحن مزار دو طبقه و غرفه‌مانند است که پنجه‌های هشبك بسیار طریف دارد. (عکس شماره ۴۳).

در آبدارخانه بقعه قطعه سنگ مر سفید شکسته‌ای به ابعاد ۳۵ × ۲۲ سانتیمتر دیده شد. این عبارات بر آن خوانده می‌شود:

(۱) شابد: سنتی خرسه. (۲) مجله موسیقی سال سوم شماره دهم و یازدهم صفحات ۲۵ - ۴۴ مقاله‌ای به قلم محیط طباطبائی در پاره شرفشه گیلانی است و منحوم ایوالحن خان سبا در دو صفحه آخر این ترانه اورا نوشته است.

و همچنین توفیق ربانی هر کس از امر دار آئین این ولایت انتقال داشته باشد رسومات مذکور را بر طرف دارند که از مردان شاهی است رابع خلفای نلانه لعنهم الله که غصب خلافت کردند خواهد بود فی سنه ۱۰۲۶.

قطعه سنگ سیاهی به ابعاد $۵\text{m} \times ۸\text{m}$ سانتیمتر در ایوان جلو در ورودی اصلی دیده شد این عبارات بر آن خوانده می شود:

در حاشیه: نصر من الله وفتح قریب الدنيا ساعة وجعلها طاعة وبشر المؤمنين
یا محمد یا علی . وسط این سنگ سروی در وسط دوسرو واژگون طرفین
آن و بالای آنها ، یا الله یا محمد یا علی حک شده است . (عکس شماره ۴۴) .

بقعه سیده بانو نرگیل هزار پیر شرفشاه

معروف است که سیده بانو، مادر پیر شرفشاه است. عرض و طول داخلی بنای اصلی $۷\text{m} \times ۸\text{m}$ متر است. این بقعه که بر ستوانها استوار است . دیواری ندارد (عکس شماره ۴۵) ، فقط ضریحی چوبی و مشبك بدابعاد پنج متر جای دیوار بناسن. (عکس شماره ۴۶) ارتفاع این ضریح بالغ بر دو متر است. چهار طرف بقعه ایوانی به عرض دو متر دارد . ایوانی که در ورودی بقعه از آن است نهستون چهار سو و ایوانهای دیگر هر یک هشت ستون چهار سو دارند . تمام ستوانها سرستون دارند و این نوع سرستونها با این برش به نام کلمه "Kolha" معروف است . لبه ایوانها نکائی به ارتفاع یک متر دارد . سقف بنای اصلی بقعه و ایوانها و اشان کشی و از رو پل کوبی با درز پوش زده و بام سفال سراست .

بر ضریح مشبك چوبین کنیه‌ای به این شرح دارد:
بتاريخ شهر رمضان المبارك سنة ۱۲۴۳ سیده بانو بنت امام الہمام

موسی‌الکاظم علیه‌السلام.

هزار سلطان غریب پنده
در چهار راه رضوان ده
تالش دولاب

نام اصلی سلطان غریب پنده، سید‌امیر سلطان بن موسی بن جعفر علیه‌السلام است. بنای اصلی بقیه به شکل مربع است (عکس شماره ۴۷) به جای دیوار آجری، دیواری مشبك و چوبین با طرحهای کوناگون دارد. (عکس شماره ۴۸) در وسط، ضریحی چوبین و مشبك به ابعاد ۳/۹۰ متر قرار دارد. ابعاد بنای اصلی بقیه از خارج ۸/۸۰ متر است. طاق بقیه، واشان کشی و از رویل کوبی با درز پوش زده است. با مینا حلب پوش است. دو سنگ قبر در قبرستان این بقیه است که تاریخ ۱۲۷۳ قمری بر آنها خوانده می‌شود. در حاشیه‌ی کی از این سنگها نامهای چهارده معصوم و قسمت میان آن عبارات زیر است:

هو الباقي هذامر قد المرحوم المغفور الي جوار رحمه الله تعالى جعفر قلى بن
هر حوم حاجي دولتى و فاته در ۱۴ رمضان المبارك ۱۲۷۳ در ميان سطور مطالب بالا
چهار ياعلى در چهار جهت مختلف حک شده است. (عکس شماره ۴۹)

سنگ در گردش در قبرستان بقیه است که به اظر قدیمعی قرمی آید. چون سنگ
بزرگتری در جلو آن قرار داشت به تاریخ آن دسترسی بیافتم. در حاشیه بالای
این سنگ بیت معروف: «ای خاک‌تیره دلبیر مارا عزیزدار این نور چشم ماست که
در بیر گرفته خوانده می‌شود - قسمت وسط سنگ این عبارت حک شده است:
هو الباقي هذا المرقد المرحوم المغفور مظفر ... (عکس شماره ۵۰)

برج شانکاور^(۱)
در آب کنار تالش دولاب

را بینو در کتاب گیلان خود از این برج یاد کرده است. اما نگارنده تقوی است
در محل چنین برجی را بیابد.

(۱) بکر نون وفتح وار.

**امیر قلعه
در رو دبار سرای تالش دولاب**

تپه‌ایست به نام «امیر قلعه» که در محل معروف به «امیر سامان» فرار دارد
فعلاً خندقی بزرگ و سنگهای فردان که روزی جزء مصالح ساختمانی قلعه
بوده است در بالای تپه دیده می‌شود.

**تلی لرز(۱)
در خوشابر تالش دولاب بیلاقی**

بر بالای تپه‌ای نزدیک خوشابر بنائی زکالی ساده است که در وسط آن
قبوی است وزیارتگاه اهالی است.

**زدین کول
در خوشابر تالش دولاب**

بر سر تپهٔ نسبهٔ مرتفعی در خوشابر چندین پله سنگ چین قدیم دیده
می‌شود.

**سلطان بر زکوه(۲)
بر سامان اسلام و تالش دولاب**

بر سر تپهٔ بلندی که سامان اسلام و تالش دولاب است، بنائی از سنگ و گل
است. با ماین بنا لات پوش و در آن سه مرقد است. حصاری سنگ چین اطراف بناست.
پالین این بقیه دهکده کوچکی به نام «بر زکوه» است که دوازده خانوار زمستان
و تابستان در آنجا زندگی می‌کنند. چرا غرشن کردن و تولیت این بقیه با
ساکنان این محل است.

(۱) بضم کاف وفتح لام دوم.

(۲) بفتح باء و كسر زاء.

دیوه‌گا

بر سامان شاندرمن و تالش دولاب

کوری است که اطراف آن را با سنگ طبیعی حصار کرده‌اند. شخصی که در اینجا به خاک سپرده شده است، شناخته نشد. مردم زیاد به زیارت این محل می‌آیند.

بقعه سید نجم الدین

در جنب سرای پره سر تالش دولاب

بنائی است کرسی بلند که دیوارهای آن چوبین و مشبك است و چهار طرف آن ایوانهای باستونهای چهار سو دارد. میان این بنای چوبین سندوقی چوبین مرقد سید نجم الدین را پوشانده است. سقف بناؤ اشان کشی و بام سفال سراست. شجره نامه‌ای در دست سید مصطفی موسوی متولی بقوعه است که بیش از سیصد سال از تاریخ تحریر آن می‌گذارد.

بقعه شیخ المعالی

بنائی است تخته‌ای با سقف واشان کشی و سراسر بام آن لات پوش است.

گورستانهای قدیمی و آثار تاریخی بخش تالش دولاب

۱ - در گدلوک چروده^(۱) پرمهسر محلی است به نام ذلر ز^(۲) که شیمنگاه قابستانی است. در محلی به نام آهنگر کوله^(۳) آثار ساختمانی قدیمی است.

۲ - در گدلوک چروده، در محلی به نام شله خوار^(۴) آثار ساختمان قدیمی است.

۳ - در چروده در محل کله‌تریه^(۵)، قبرستانی قدیمی است.

۴ - در بالای آرده^(۶) در محل کفسه^(۷) قبرستانی قدیمی است.

(۱) بفتح ج و واو و دال. (۲) بفتح زاء و لام. (۳) بفتح لام. (۴) بفتح شين و لام و خاء. (۵) بضم كاف وفتح لام وباء. (۶) بفتح الف و دال. (۷) بفتح كاف و سين.

۵ - در بیلاق چروده در محلی به نام خرسی سا (۱) قبرستانی قدیمی و آثار آجر فراوان است.

۶ - در بیلاق چروده در محلی به نام دیان سر قبرستانی قدیمی است.

۷ - در لوئیم پهلوی رجن دره (۲) پله های سنگ چین قدیمی است.

۸ - رو بروی فریه پارکام قبرستانی قدیمی است. از گورها اشیاء قیمتی و کوزه های سفالین بیرون آورده اند. سمت پاره ای از گورها اسلامی است و نشان می دهد که در قدیم مسلمانان نیز مردگان خود را در اینجا به خاک سپرده اند.

۹ - در محل چران، در اطراف بقعه پیرا سد سنگ قبری قدیمی است.

۱۰ - در ملا تربه، جنب ملا محله پره سر سنگهای قبور قدیمی است.

۱۱ - زینل تربه، گوری تنهاست که اطراف آن محجری چوین دارد.

۱۲ - مسجد سیامکان به نام مسجد سید قادر آقا نسبه قدیمی است.

۱۳ - در دهکده بیلاقی روشنده قبرستان قدیمی بزرگی است و وسط آن تربت و مزاری است.

۱۴ - مسجد و بقعة خیمه سر شفارود.

۱۵ - برزه تربه در صیقل سرای پره سر.

۱۶ - مسجد صیقل سرای پره سر.

۱۷ - مسجد و قبرستان ارد رو دکنار کیل دولاپ.

۱۸ - قبرستان قدیمی باد تربه در ارد جان کیل دولاپ.

۱۹ - مسجد رو د پشت نالش دولاپ.

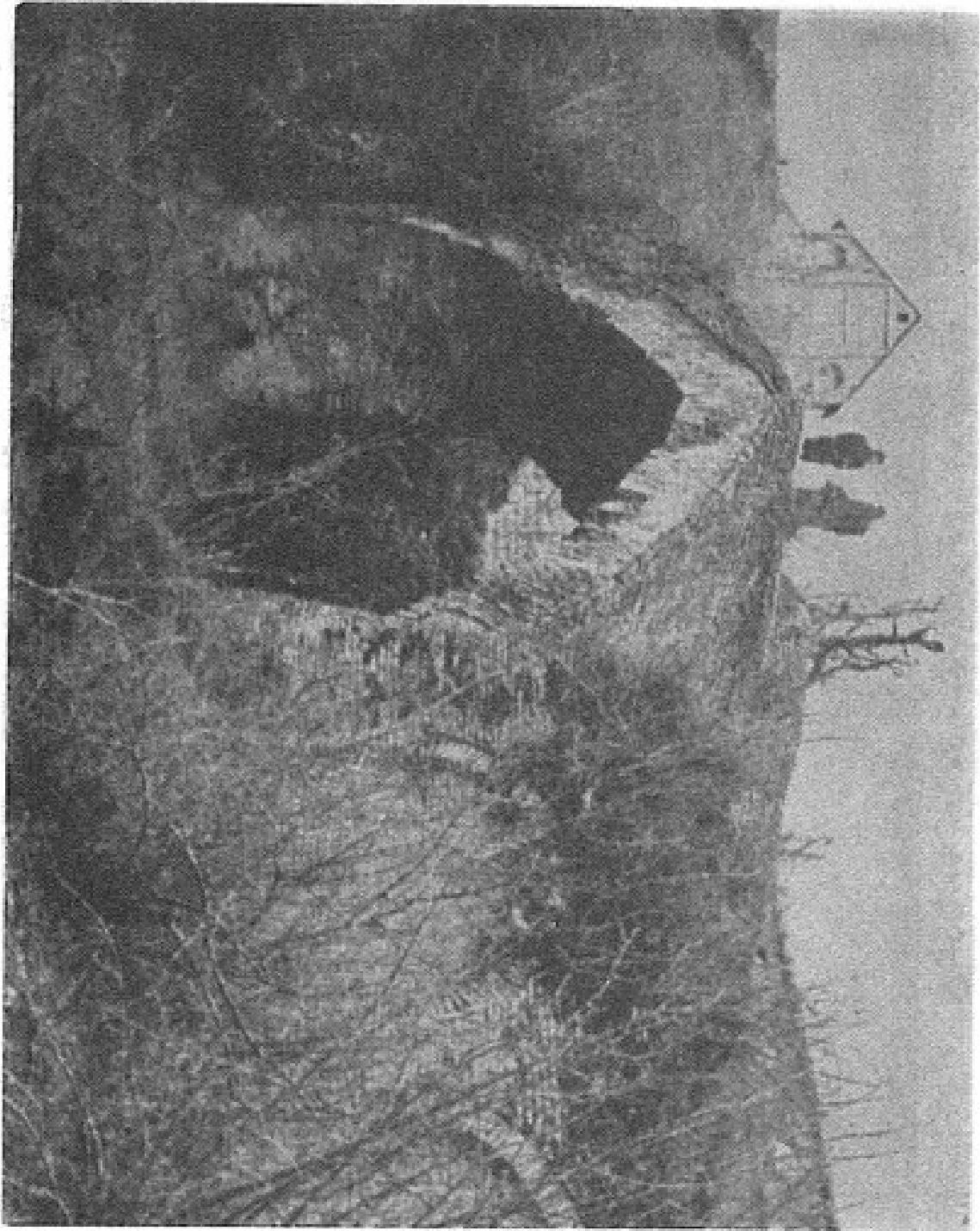
۲۰ - مسجد محمد شفیع در شفارود.

۲۱ - سنگ نوشته ای بر سر راه و نول کوند (۳) و خوشاب.

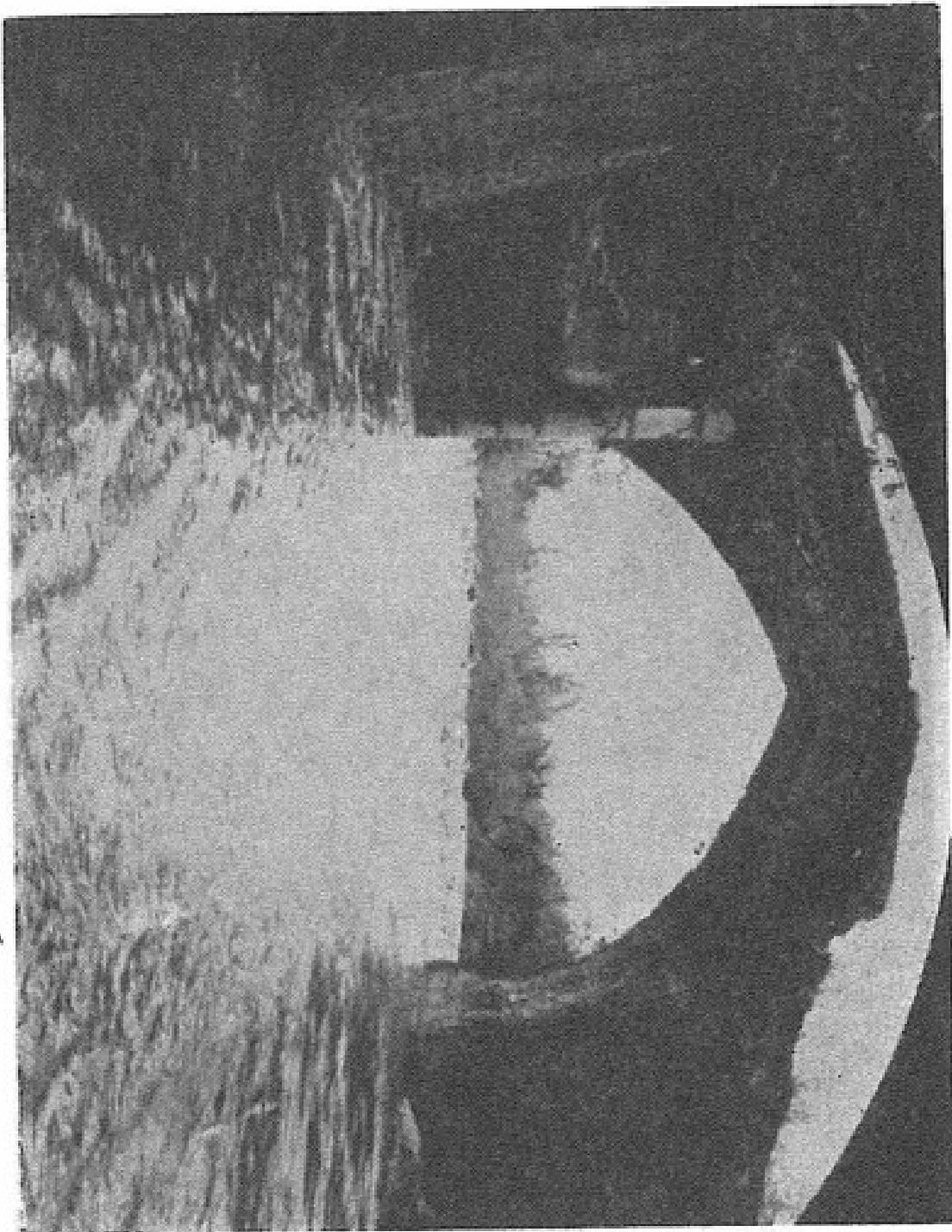
(۱) بفتح خاد و نون. (۲) بکسر جيم و نون مشدد مفتح.

(۳) بفتح واو و تاء و كسر واو دوم.

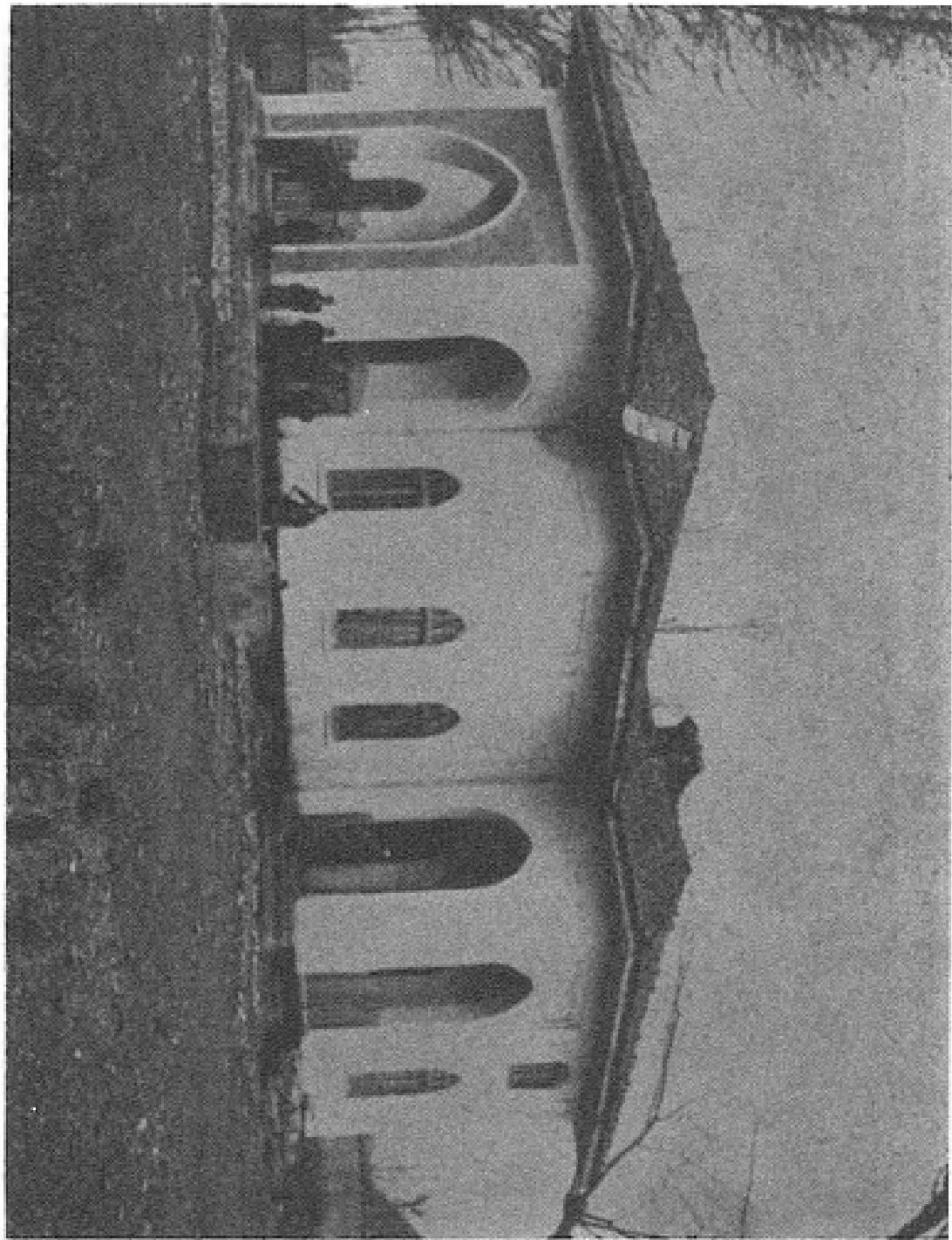
عکس شماره ۸۳ - نمای شمالی پل قدمی شمارود در پول تالی در لاب.



مکس شماره ۳۶ - نمایی جزءی از پله فرسی شنیده در بول بالش در لاب .



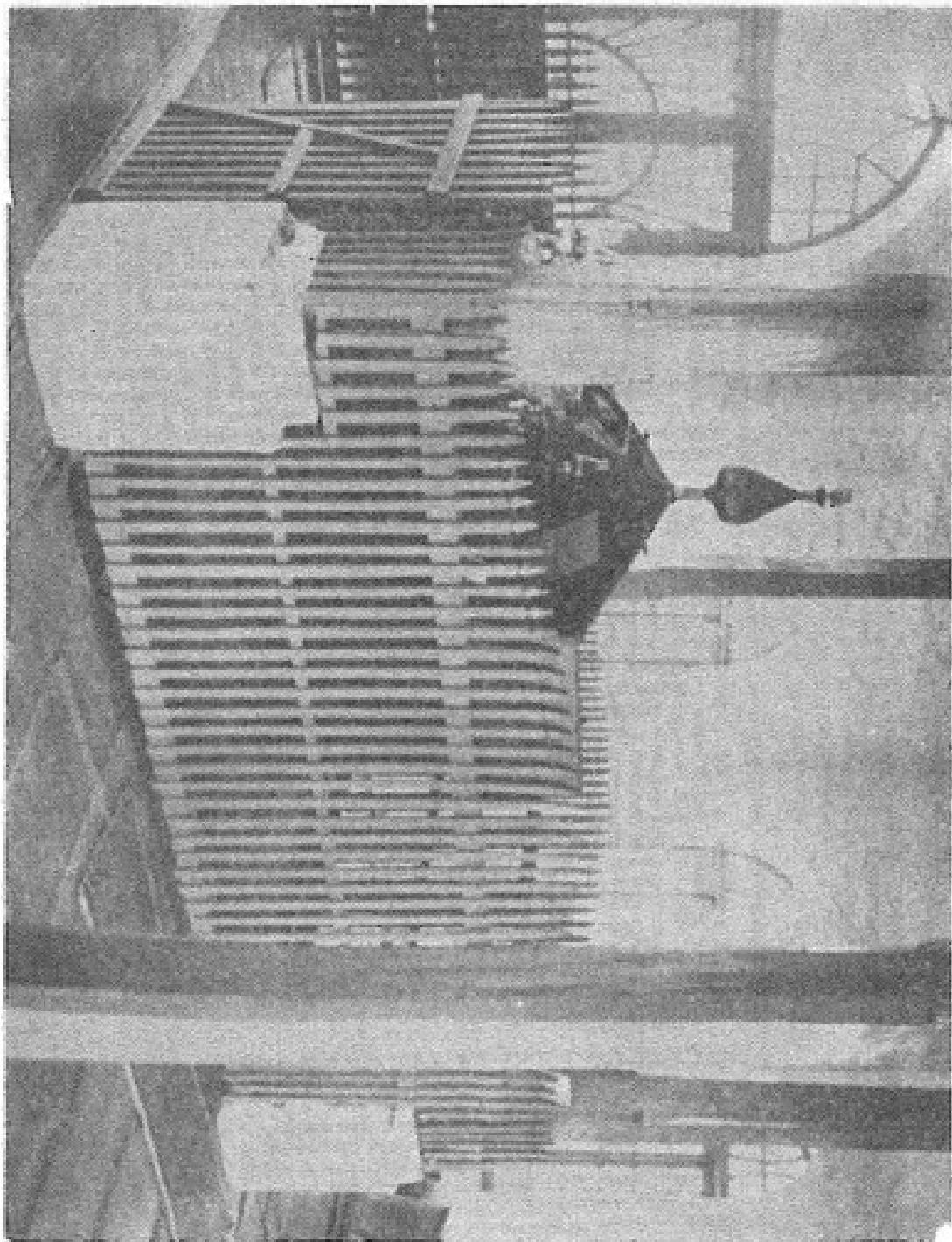
عکس شماره ۰۰۴ - نمایی جنوبی مزار پیر شرفا، در حاشیه چشگل هفت دخان.

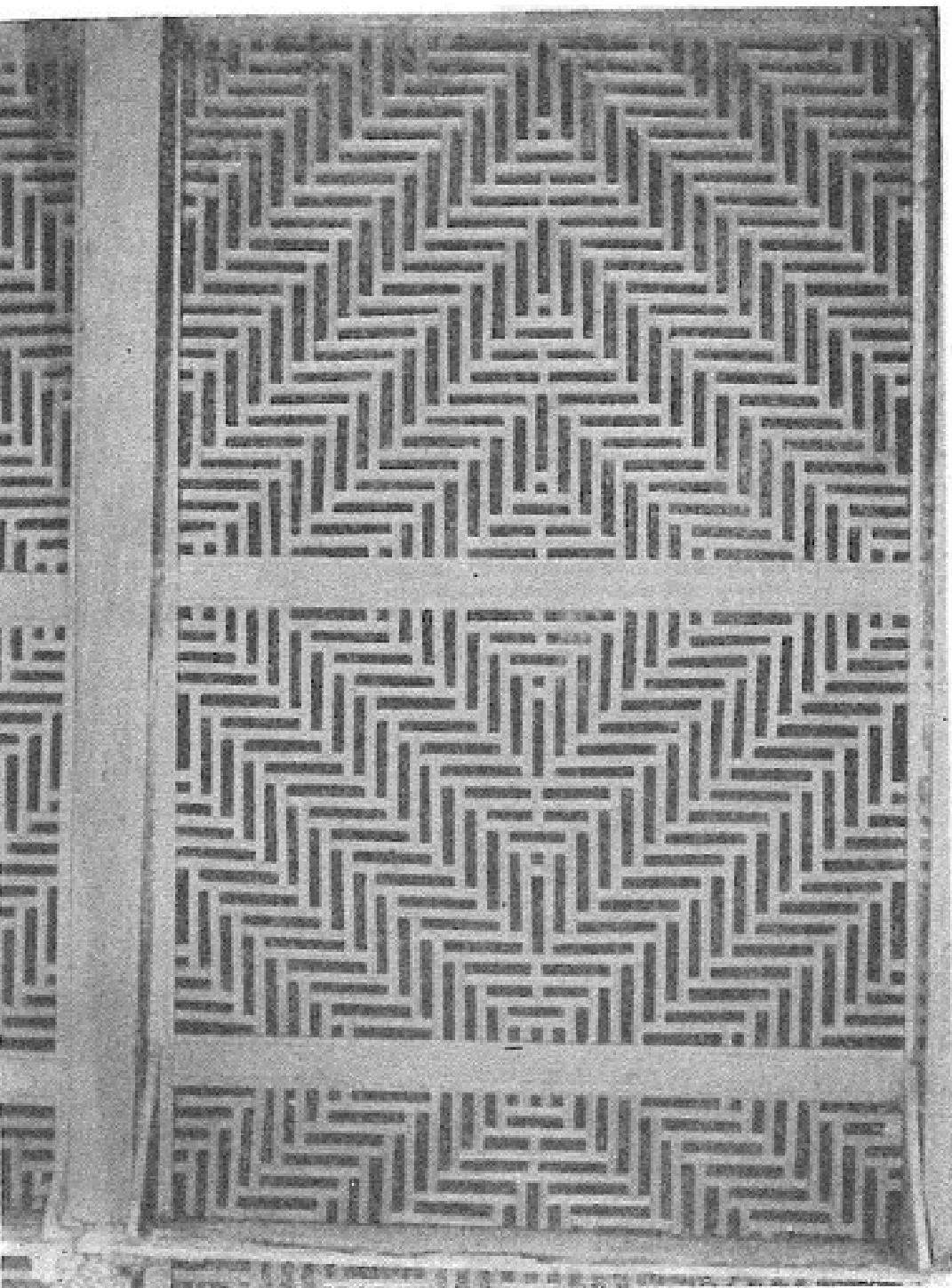


عکس شماره ۱۰ - ایمای شعلای مزادربر خود را در حاشیه جنگل هفت دخان.



عکس شماره ۲۴ - مدلونی و پریج مرند پیر شرفیا در حاشیه چنگل هشت دستان.



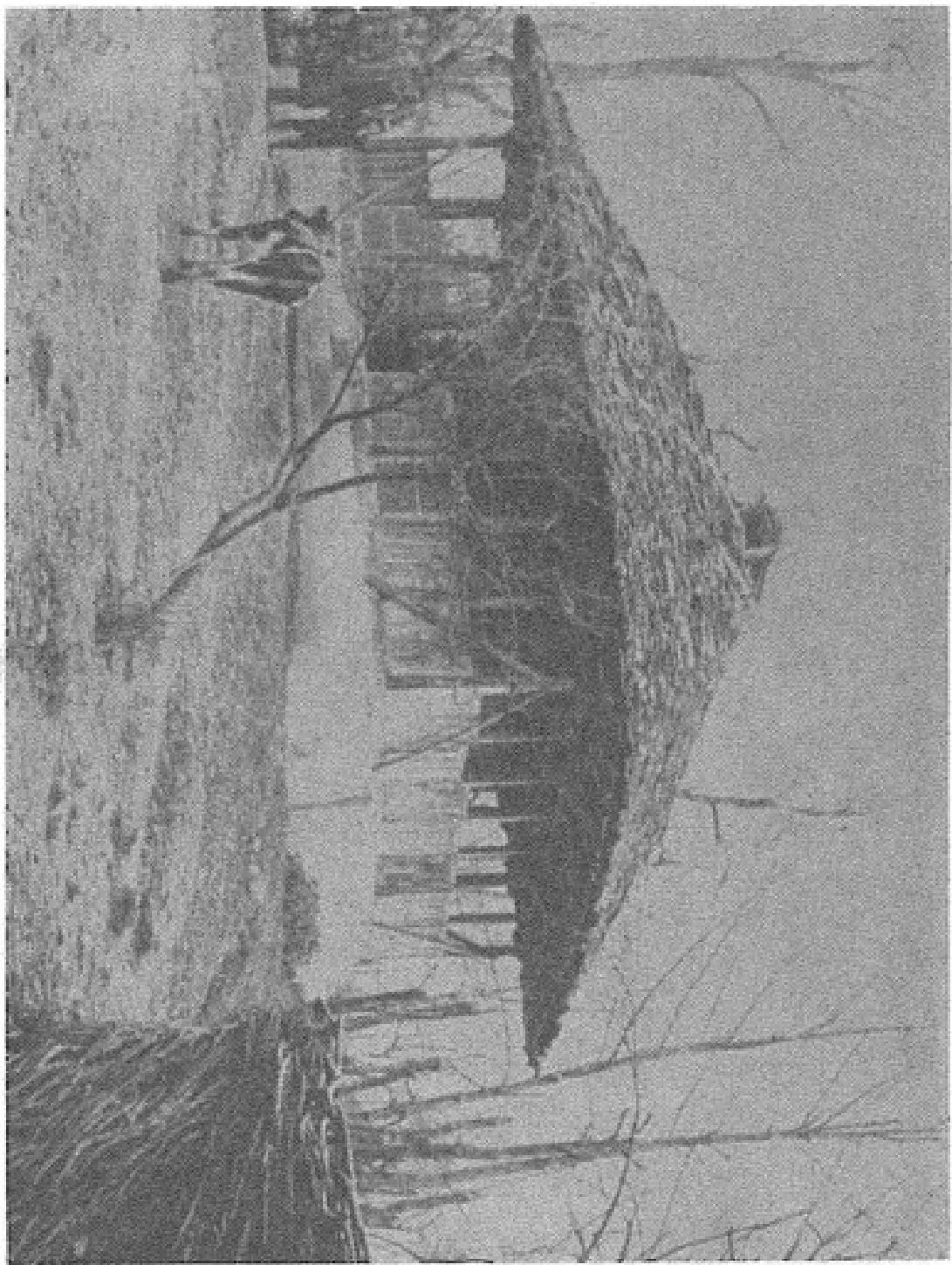


گزینه ۳۴ - پنجمین های مسابک فرهنگی بازنی سمن پرور فناه بین‌المللی.

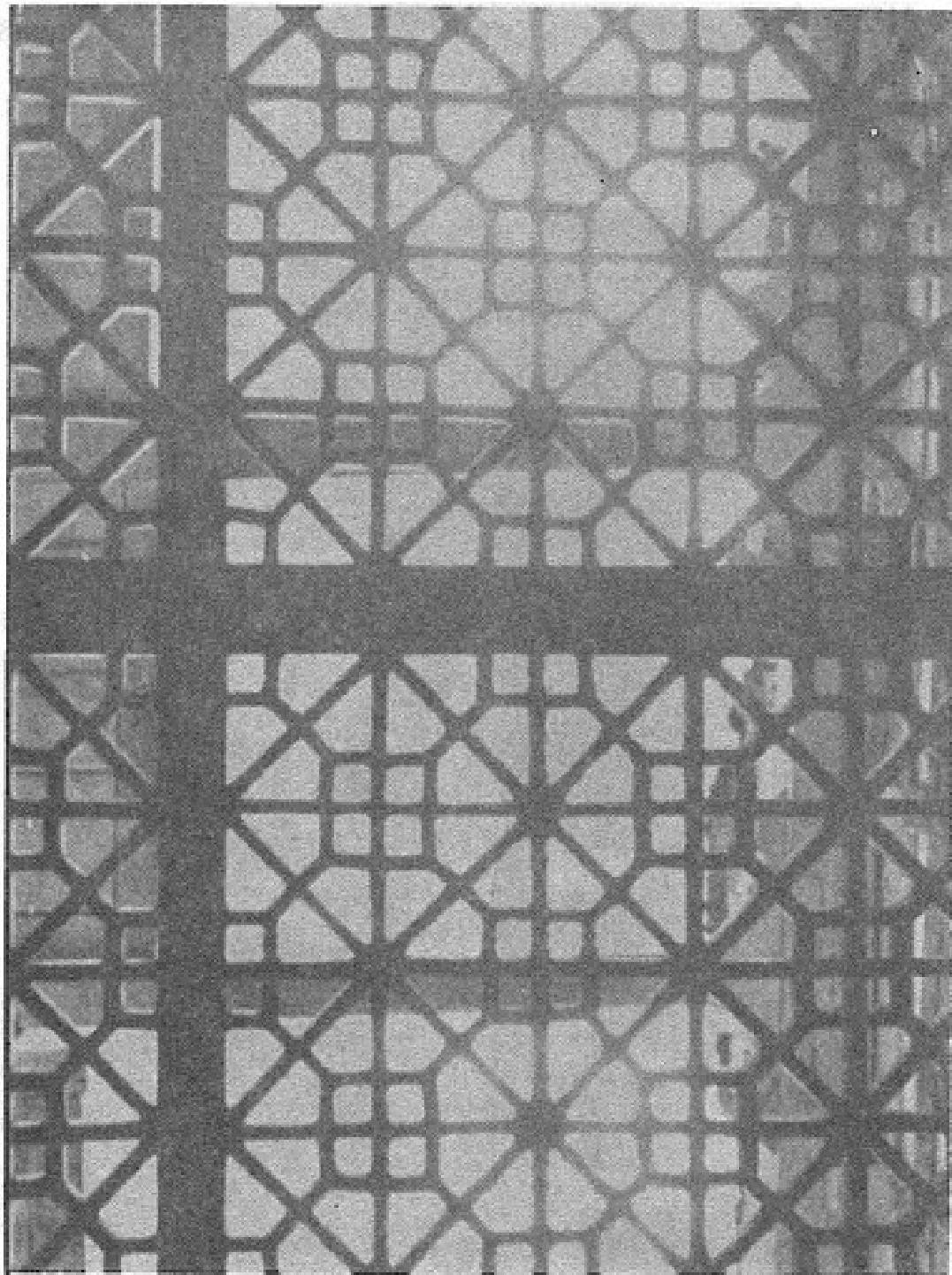


عکس شماره ۴۴ - سنگ سیاهی که چلو در ورودی عزازپیش شرفشاه است .

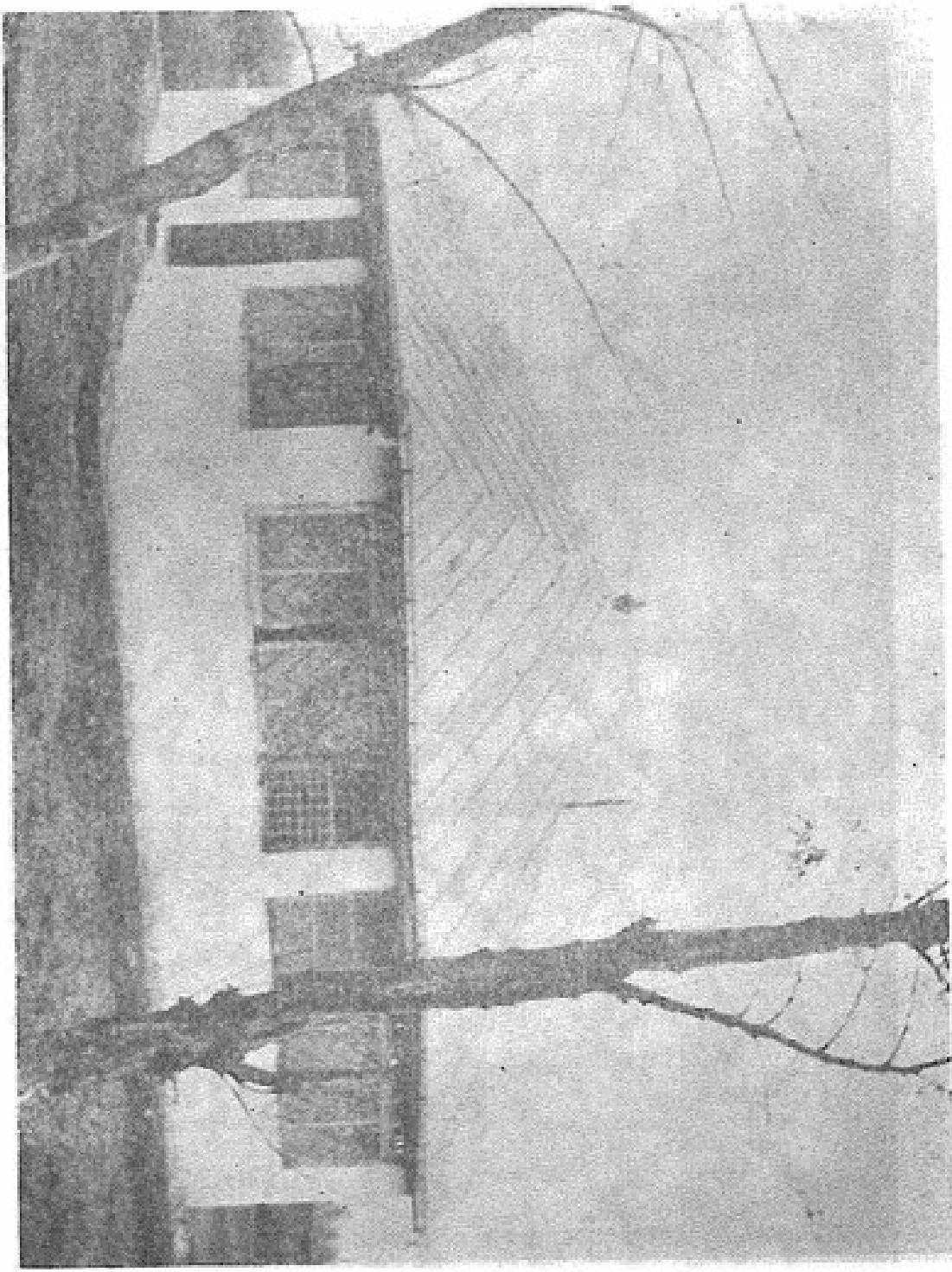
عکس شماره ۴۵ - یقمه سینده بازو، مادر بیرن فنام در ترکی مرار بیوش فشار.

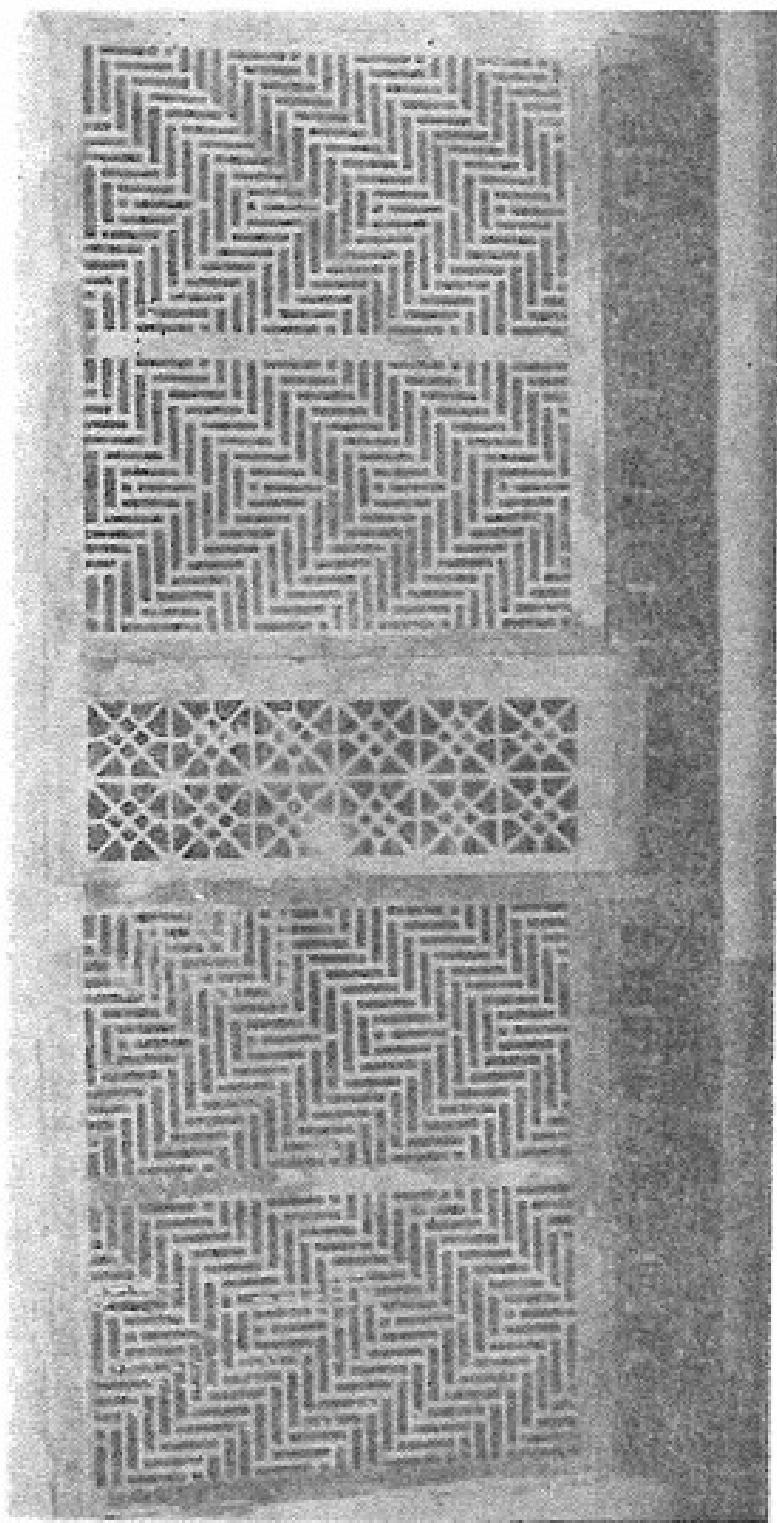


عکس شماره ۶۴ - خمنی از ضرب جوینی مبکت پنهان سپه، با او و دیگر وزاریون شرکتاد.



عکس شماره ۷۴ — مزار سلطان غریب‌بنده در رضوان ده نائی دولاب.





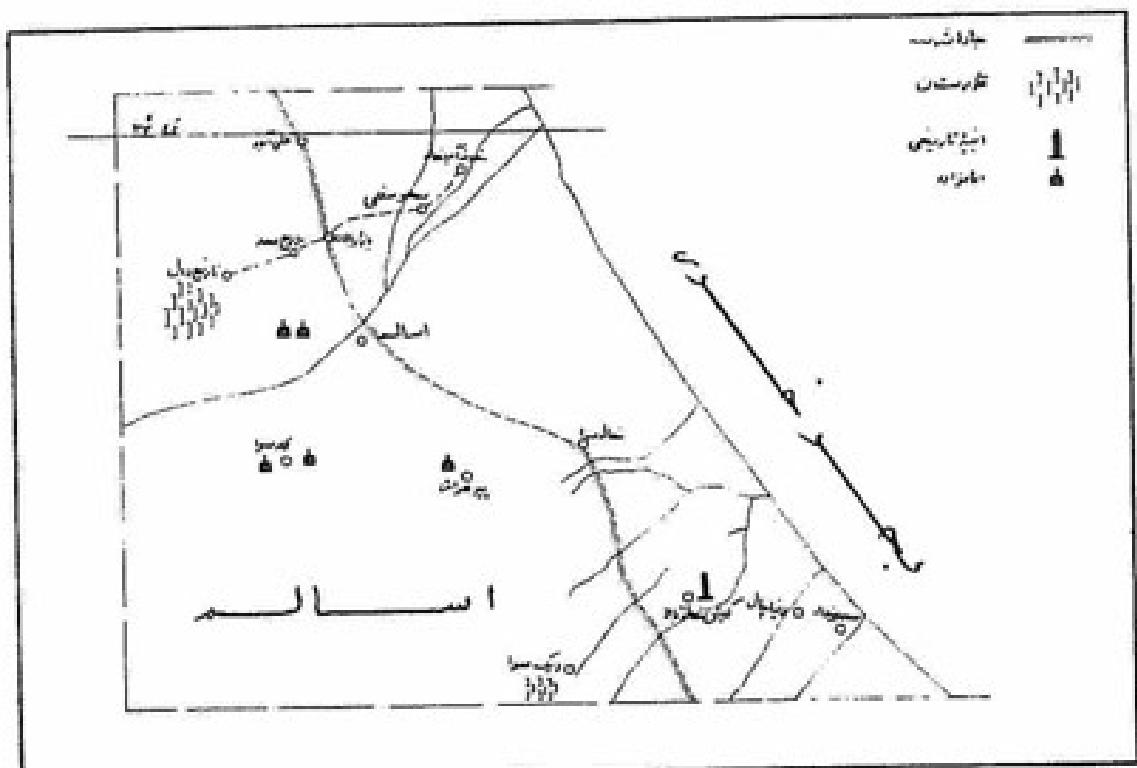
عکس شماره ۸۴ - فضنی از دیوار چوپان مشیک بنده سلطان غریب بنده در رخوان
دیوار تالی دلاز



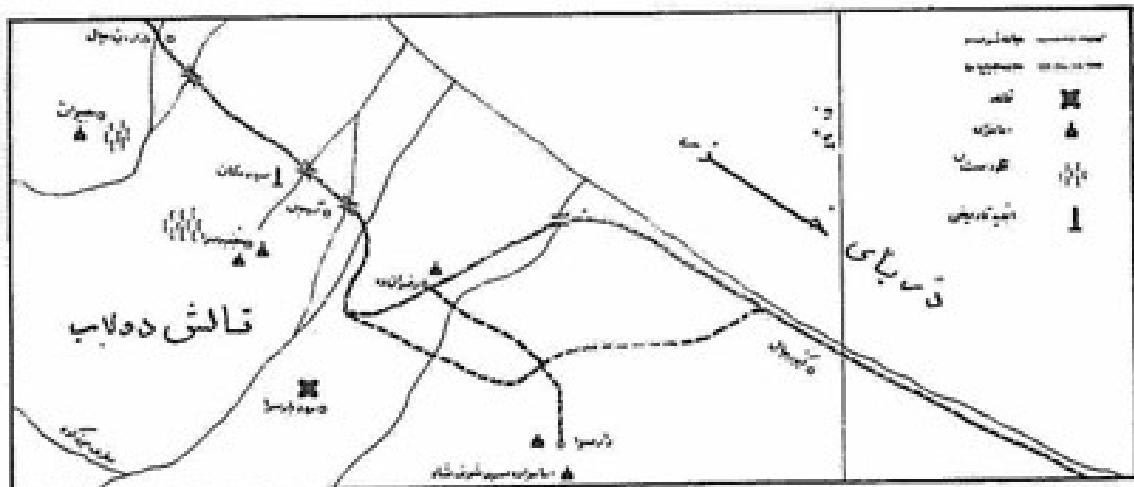
عکس شماره ۴۹ - یکی از سنگهای قبوری که در قبرستان بقعة سلطان غریب بینده است.



عکس شماره ۵۰ - یکی از سنگهای قبور قبرستان مزار سلطان غریب‌بنده در خوان
ده نالش دولاب .



نقشه شماره چهار مقابل صفحه ۴۷ - بناها و آثار تاریخی بخش اسلام.



نقشه شماره پنج مقابل صفحه ۹۰ - آثار و بناهای تاریخی قسمتهای ساحلی و بست زالش دولاب.

بخش پنجم

۱- جغرافیای تاریخی شاندرمن

بخش شاندرمن از شمال به نالش دولاب ، از جنوب به هاسال ، از مشرق به کسکر و از مغرب به خلخال محدود می شود . این بخش وزی قسمتی از خاک گسکر بوده است .

ملگونف (Melgounoff) در سال ۱۲۷۷ هجری (= ۱۸۶۰ میلادی) می اویسد که ساکنان شاندرمن فقیرند و دهکده های آن از زمان هدایت خان رو به خرابی است .

بیست سال پس از این تاریخ زنوویف (Zenovieff) شماره دهکده های این بخش را موازی شانزده پاره می داند که چهار پاره آن خراب است و ساکنان دهکده های آبادیز مردمانی فقیرند . جمعیت این بخش که در آن تاریخ به هزار و دویست و پنجاه تن می رسید ، در زمان راینو (۱۳۳۱ هجری) بالغ بر سه هزار تن بوده است . معانش ایشان از زراعت و گله داری و زنبورداری است و چون بیشتر ایشان گله دارند ، همیشه به دنبال چراگاه در دامنه های کوه بالا و پائین می روند .

دهکده های بخش معاف کردنشین است^(۱) کردنی که یک روز از زنجان یا خلخال بدینجا آمدند . Haenitzsche می گوید که اینان به مذهب داؤدی پای بندند که همان آئین علی الہی است . مابقی ساکنان این بخش شیعی مذهبند جز پاره ای که اهل سنت و جماعت اند . ساکنان این بخش به زبان نالشی سخن

۱- اولم (بنفتح لام) معاف فعلاً بر جاست و ساکنان این محل نالش اند .

می گویند . (۱)

از گذشته شاندر من اطلاعی در دست نیست و نام این بخش در کتب جغرافیائی و تاریخی به چشم نمی خورد . دهکده بیتم (بکسر ناء) که نام روز بر جای است در سال ۱۳۳۱ قمری یعنی زمانی که راینسو کتاب کیلان خودرا می نوشت حاکم نشین این بخش بوده است .

دهکده چله خانه (بکسر ج و شدیدلام) نیز محل نجفقلی بیک شاندر من بوده است . این مرد برینچ بخش تالش نشین حکمرانی داشته است .
کیلارود حدمیان شاندر من و تالش دولاب است .

از شاندر من دور آراء به خلخال می رود : راه دهکده شال خلخال که از لجهور و کوسار و دریا و سرخ سنگان می گذرد . راه کلور (بعض کاف و لام) که از رو خاله سرو بالین لجهور و امرادول و آویجه پاسر والنزه و سیاپیل و گدوک می گذرد .

۳- آثار و بنایهای تاریخی شاندر من بقعه امامزاده شفیع بن موسی الكاظم علیه السلام در دهکده قشلاق نشین امامزاده شفیع شاندر من

بنائی است مربع به ابعاد ۳/۷۰ متر، چهار طرف بنا، ایوانی به طول ۹ متر و عرض ۲/۷۰ متر است و هر ایوان نهستون چهار سوی چوبین دارد . (عکس شماره ۵۱) دیوارهای این بنای چوبین و مشبك است، (عکس شماره ۵۲) داخل اطاق و در وسط آن صندوقی چوبین مشبك به طول ۹۸۰ و عرض ۹۵ و ارتفاع ۱۲۰ سانتیمتر است . (عکس شماره ۵۳) صحن امامزاده، دری چوبین به ایوان قبلی دارد . این عبارات بر کتیبه بالای در و قسمت بالا و بائین چهار چوب آن دیده می شود :
بسم الله الرحمن الرحيم السلام عليكم يا امامزاده شفیع بن موسی الكاظم باعث بائی شد على بن رستم خان عمل خان سعید سید محمد و احمد بن استاد آقا بابا سارشک ربود [کذا] ۱۰۷۳ .

این عبارات با مرکب سیاه بر طرف چپ چهار چوب نوشته شده است :
در آستانه پائین بقعه متبیر که تاریخ ساختمان معجر کاری به خط جمل و حساب
ابجدي حک شده به لفظ بود تاخمسک مثلاً و دت اخ م س ک ۱۰۷۳ .
سقف صحن بقعه واشان کشی و از رو پل کوبی است . سقف ابوانها واشان کشی
حالی بدون پل کوبی و لمبه کوبی است . مراسم علم بنده در این بقعه روز اول
محرم و علم واجینی روز سیزدهم محرم یعنی سوم آمام برپا می شود .
سنگ قبر کوچکی در قبرستان بقعه است . این عبارات بر آن خوانده شد :
هذا مرقد من حرم مشهدی یعقوب علی ولد علی ۱۳۰۶ . نشانها : شانه و مهر .

باقعه پیران بست در پلنگ سرای شاندرمن

این بقعه ، اطافی مربع شکل است که سه طرف آن ایوان دارد . عرض
ابوانها ۸۰ سانتیمتر است . وسط اطافی صندوقی چوبین ساده است . سقف بنا و
ابوانها واشان کشی و سراسر بام آنها لب پوش است . چند اصله درخت آزاد کهن
که یکی از آنها پوسیده و بر زمین افتاده بود ، اطراف بقعه دیده شد .

باقعه آقا سید ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام در پاشکم شاندرمن

بنای قدیمی این بقعه را خراب کرده و به جای آن بنای جدیدی برپا
کرده بودند . بنای جدید مستطیل شکل است و یک زاویه آن که تزدیک به مرقد
است تدویر دارد . صندوقی چوبین ساده بد طول ۱۶۹ و عرض ۱۰۸ و ارتفاع
۱۱۰ سانتیمتر در یکی از زوايا قرار داشت . سقف بنا لمبه کوبی و بام آن حلب
سراست . مسجدی متصل به بقعه است . دو سنگ فسیل حلزونی که می گفتند از
 محل قبر پیرون آورده اند ، از خارج بر دیوار مسجد نصب کرده بودند و اظهار
می کردند اینها خط شجری است . مراسم علم بنده اول محرم و علم واجینی
هفدهم محرم و گاهی بست و هشتم صفر در این بقعه برپا می شود .

بقعه ملا محمد
در وزهر (۱) شاندمن

بنای اصلی بقعه از خارج به طول ۳/۷۰ و عرض ۴/۵۰ متر است. صندوقی چوبین در وسط بنای سه طرف بقعه ایوان دارد. عرض ایوان جنوبی ۱۷۰ و ایوانهای شرقی و غربی ۹۰ سانتیمتر است. سقف هر ایوان بر پنج ستون چهار سو مشکل است. (عکس شماره ۴۴)

جلوا ایوانها دستک تکائل دارد. سقف بقعه واشان کشی و از روپل کوبی است. سقف ایوانها فقط واشان کشی دارد. بام سراسر بنا نال پوش است. دور رخت آزاد کهنسال در پشت بنای است. محیط دایره در رخت غربی ۴۵۰ سانتیمتر و محیط دایره در رخت شرقی ۵۷۰ سانتیمتر است.

باقیمانده آثار و بناهای تاریخی پخش شاندمن
که پاره‌ای از آنها ممکن است بسیار قدیمی باشند

۱- بقعه درویش شاه‌میر نزدیک دهکده چال سرای.

۲- بقعه اولم (۲).

۳- مسجد قدیمی چال سرا.

۴- سید رضا مسجد در دیله جان (= دلیجان).

۵- مسجد قدیمی آجری و بنای قدیمی جا کم نشین در بیتم. (۳)

۶- آقا سید عبدالله بن موسی بن جعفر در مملک جهان.

۷- میرزا علی آقا مسجد در سیادله. (۴)

۸- بقعه آقا سید محمد و مسجد آن در بایه زاد شیخ نشین.

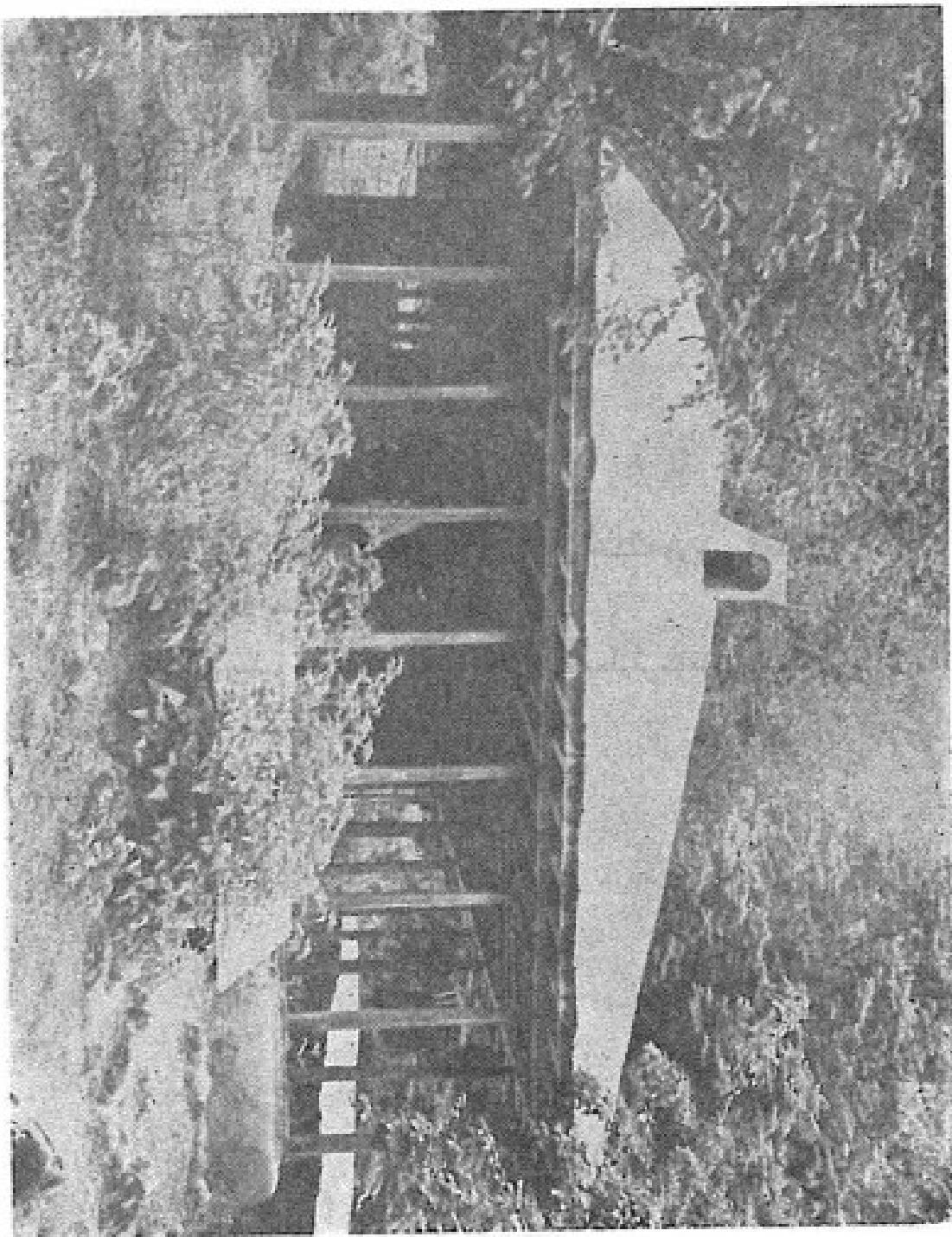
۹- بقعه میردن (۵) قبرخانه و مسجد آن در مملک بکور (۶) شیخ نشین.

۱۰- بقعه شاه نجف و مسجد شیخ نشین لب جاده نزدیک پل.

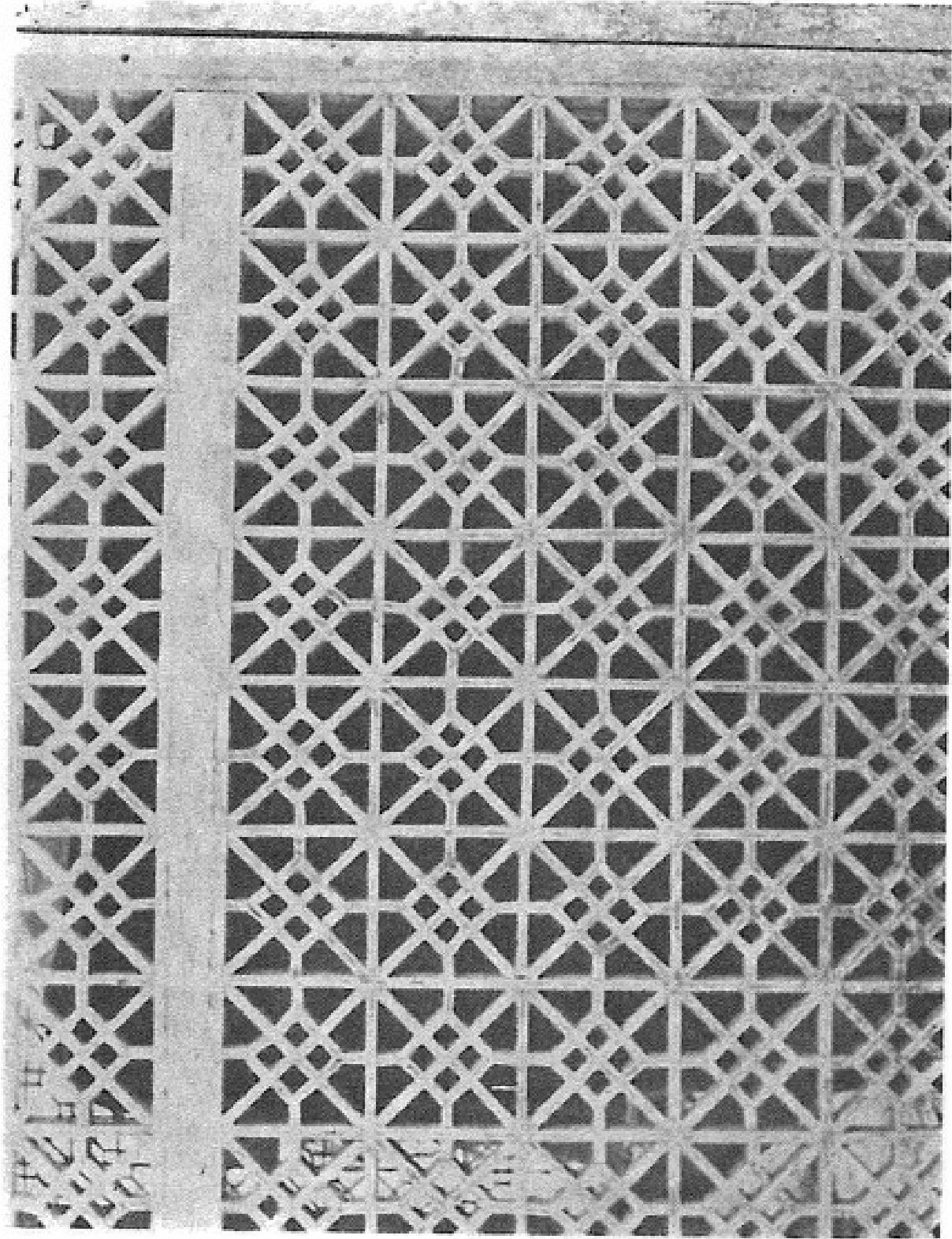
۱- بفتح واد و ميم و تاء. ۲- بفتح لام. ۳- بكسر تاء. ۴- بفتح دال.
۵- بضم دال. ۶- بكسر ميم و كاف.

- ۱۱- مسجد شیخ نشین در دهکده شیخ نشین .
- ۱۲- سید مدینه یا بخارسی امامزاده در شیخ نشین .
- ۱۳- بقعه جیرسرا با مسجد آن در سلی چر.^(۱)
- ۱۴- چله خانه در جنگلی نزدیک بیتم.^(۲)
- ۱۵- بقعه رشکوم بالای سیاپناور.^(۳)
- ۱۶- قلعه سیاپناور.
- ۱۷- قلعه کله پیرسر^(۴).
- ۱۸- قلعه دیه کا (= دید کاه).
- ۱۹- بقعه بارگاه برم^(۵) در بیلاق شاندرمن .
- ۲۰- قله پشت نزدیک بارگاه برم .
- ۲۱- گنگ آبی که از کوه سویله سر^(۶) به خشک دریامی آید .
- ۲۲- بقعه میان راه شاندرمن به کفوت .
- ۲۳- امامزاده پیلیم (Pileym) معروف به شاه معلم بر سامان میان شاندرمن و خلخال .

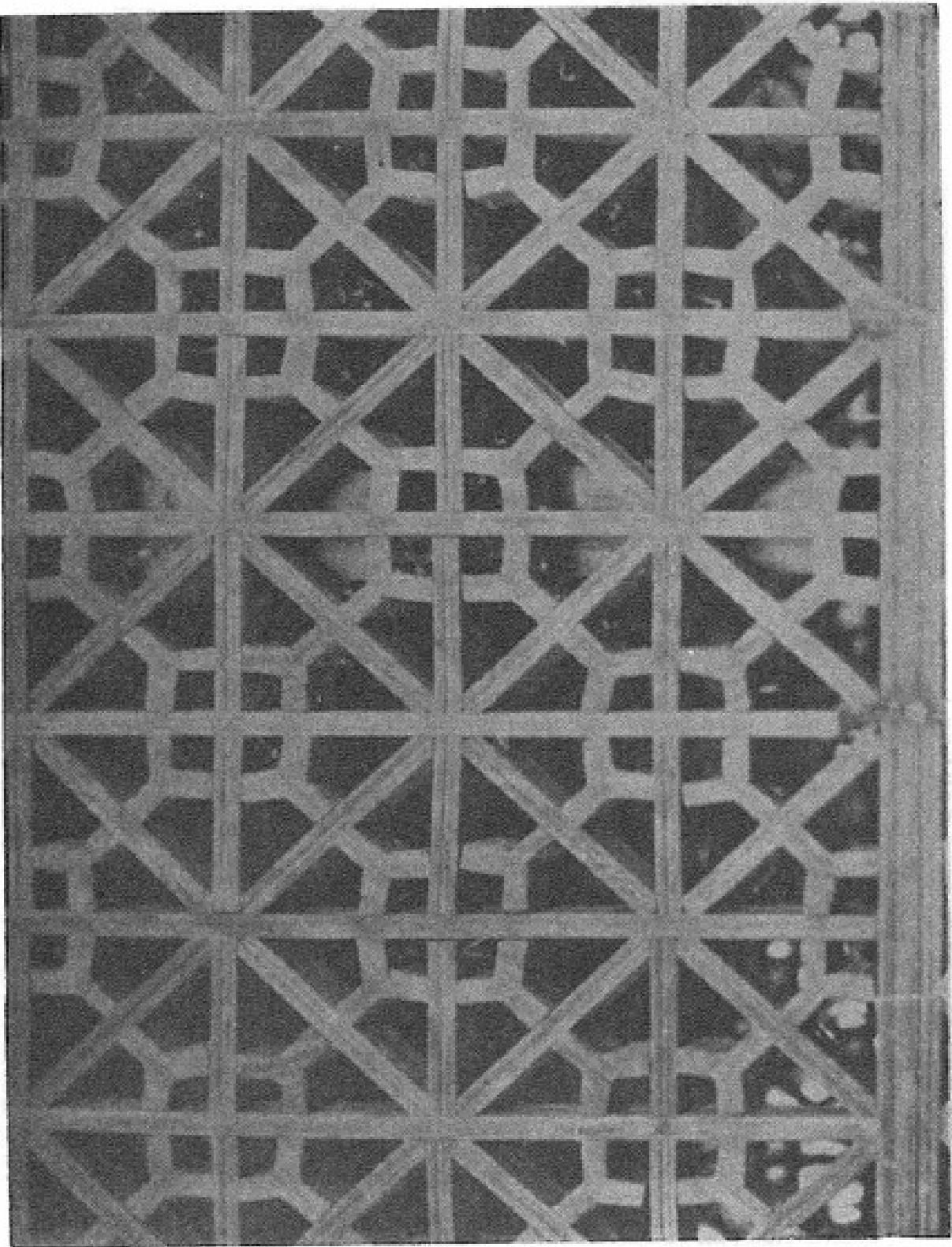
۱- بکرسین و دج . ۲- بکسر راه . ۳- بفتح باه و واو . ۴- بضم کاف و فتح لام . و راه و سین . ۵- بکسر باه و فتح راه . ۶- بفتح لام و سین .



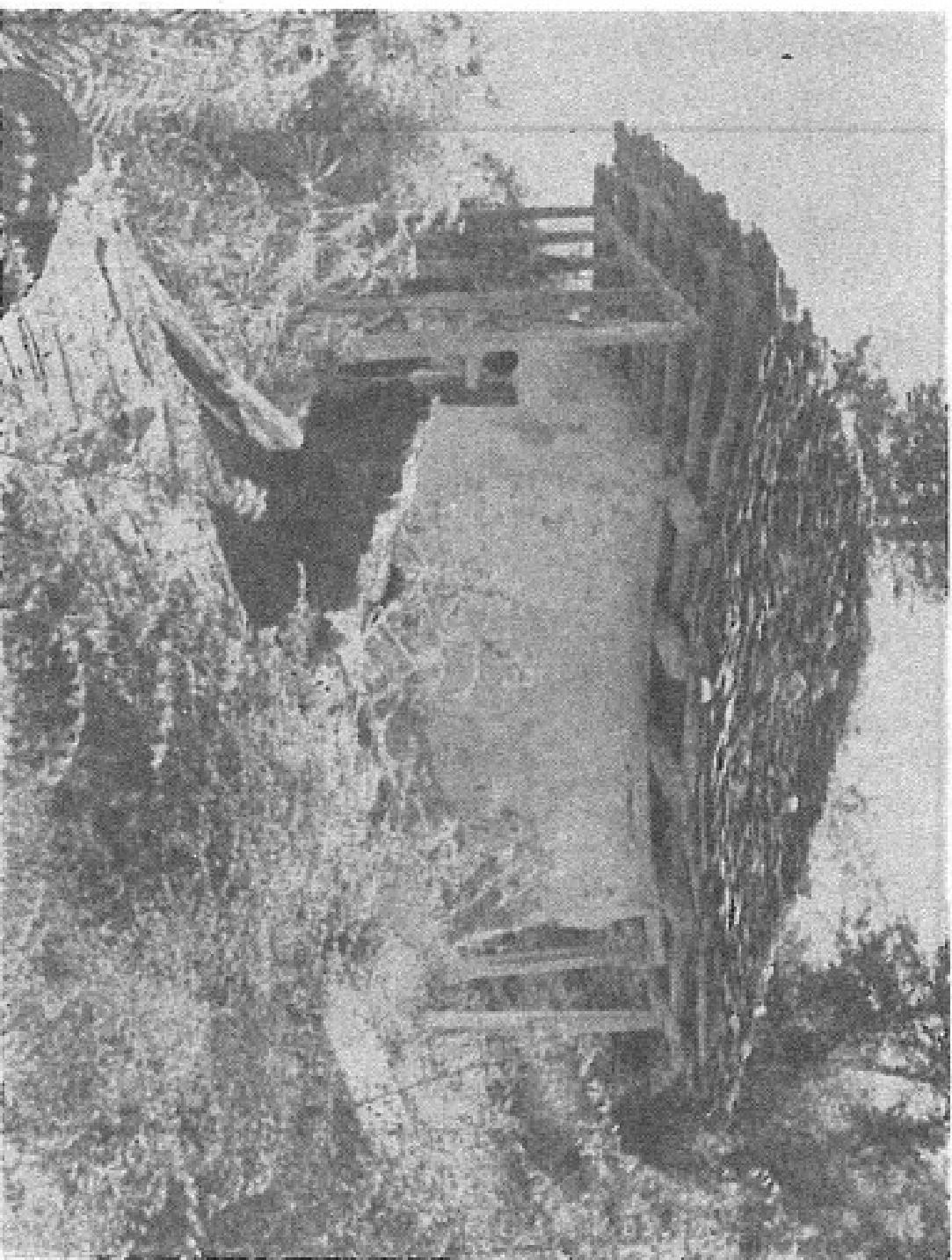
عکس شماره ۱۵ - بنای اسارتارا و، غنیج بنی سرسی المکتمم علیہ البارود معمدک، فناواری نوشین
امارتاده، غنیج شاهدرمن.



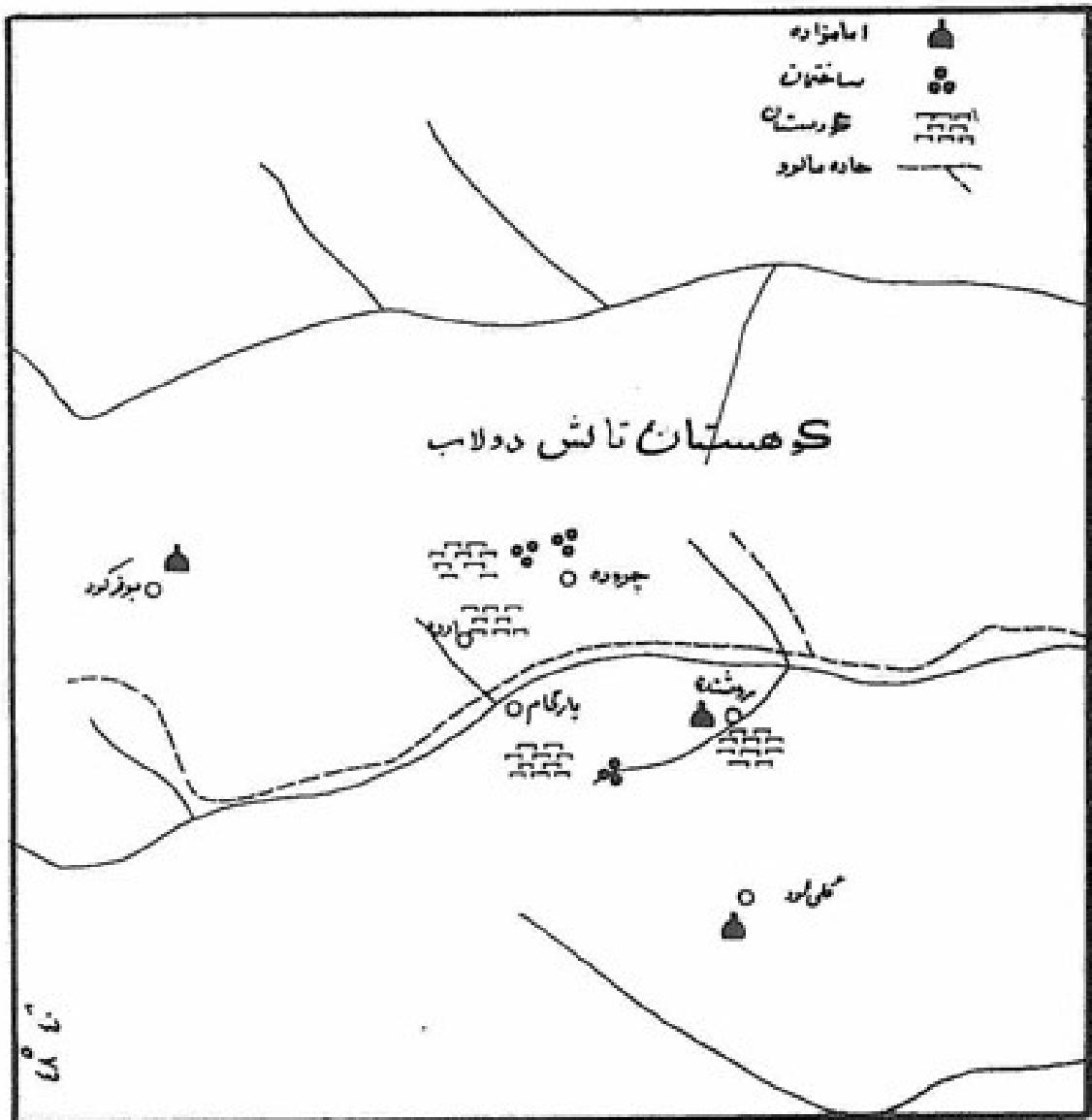
عکس شماره ۵۲ - دیوار مشبك امامزاده شفیع بن موسی کاظم در دعکده فثلاق نشین
امامزاده شفیع شاندمن .



عکس شماره ۵۳ - ضرب اماعراه شفیع بن ابی‌ام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دعکنی‌پلاسین امامزاده شفیع خاندرمن



عکس شماره ۱۰ - یافته ملک محمد دروزمر شاپوریون.



نقشه شماره ششم - آثار و بنای‌های تاریخی کوهستان تالش دولاب

بخش ششم

۱ - جغرافیای تاریخی ماسال

بخش ماسال در جنوب شرقی تالش و شمال غربی گیلان است. این بخش کوهستانی، در غرب و جنوب غربی خلخال قرار گرفته است. حد شرقی و جنوب شرقی آن فومن وحد شمالی آن کسر و شاندرمن است. حد اکثر درازای آن از شرق به غرب سی و هشت کیلومتر و پهنه‌ای آن از شمال به جنوب ده تا دوازه کیلو متر است.

در خانه - در جنوب شرقی بازار ماسال در فاصله‌ای بیشتر از یک کیلو- متر در خانه قرار داشته است. این بنا از زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) محل اقامت خان بوده و بر حد میان لوحه سرا و وردون قرار داشته است. بارده خانوار از نوکران خان در اینجا اقامت داشته‌اند. محل زندگی جواد خان که بنایی است دو طبقه با دیوارهای آجری و بامی لت پوش و حمامهای خراب آن تازمان رابینو باقی بوده است. (۱)

بازار ماسال که روزهای شنبه برپا می‌شود، به شنبه بازار نیز معروف است. رابینویس از وصف دکانهای گالی پوشی آن، این بازار را یکی از بازارهای او لیه گیلان می‌داند. (۲)

اهالی ماسال تالش‌اند. زبانشان تالشی است و به زبان فر کی و فارسی نیز سخن می‌گویند. اهالی این بخش شیعی مذهبند.

(۱) این بنای که شامل بستوهشت اطاق بوده است، به دست ورنه جوادخان آتش گرفت و پس بدفطنین از منی فروختند و بعداً اراضی آن را یکدی امامقلی خان ماسالی خریده است.

(۲) امروز اطراف این بازار آباد شده است و بنایهای خوب ساخته‌اند.

رود مهم این بخش ، رود ماسال است که از دره‌ای طولانی سرازیر می‌شود . رشته کوههای شاه معلم در جنوب و کوههای پرسپند در مغرب این دره است . سرچشمه رود ماسال از سفیدآب در رشته کوههای پرسپند است . این رودخانه پس از رسیدن به ابتدای کوههای «اوری» به طرف شمال شرقی می‌چرخد و به زمین هموار ساحلی وارد می‌شود و پس از طرف مشرق متغیر می‌شود . آب آن در بهار به مرداب ارزلی می‌ریزد و در فصول دیگر صرف آبیاری می‌شود . دراستفاده از آب این رودخانه ، میان اهالی ماسال و گکر همیشه گفتگوست . راه شنبه بازار ماسال به بیلاق از کنار همین رودخانه است .

این راه از کنار شالما و سلنگدوا (= سلیم آباد) می‌گذرد و به سرچشمه ماسوله خانی می‌رسد . از دهکده شالما نا سر کردنه ، بیست و دو کیلومتر سر بالائی است و از سر گردنه به طرف دهکده گیلوان و دیزدر خلخال شائزده کیلومتر سرازیر است . فریزر در سال ۱۲۳۸ قمری (= ۱۸۸۲ میلادی) همین راه را طی کرد و پس از دستگیری ، دو باره او را از همین راه برگرداند ، اهانتی که بدو در این راه شده است ، خاطرات تلخی برای او به بار آورده و یکی دو صفحه از کتاب خود را بایادداشت کردن این خاطرات سیاه کرده است . (۱) دکتر فریم آب و هوای بیلاق ماسال را می‌ستاند و می‌نویسد که بر سایر بیانها برتری دارد .

۲- آثار و بنای‌های تاریخی بخش ماسال بقعه

**آقاسید رضاعلی و آقا سیدمیرعلی پسران امام موسی الكاظم علیه السلام
در شالما (۲) ماسال**

دیوار اصلی بقعده چوبین و مشبك و خلrif است . طول و عرض آن ۹۰/۳۳ متر

(۱) فریزر ص ۶۵۵ - ۶۵۷ . (۲) شالماهه از دهستان ماسال شاندرمن

شهرستان طوالش پنج کیلومتری جنوب غربی بازار ماسال سر راه عمومی ماسال به خلخال (فرهنگ جغرافیا).)

وارتفاع آن ۱۰/۲ متر است. (عکس شماره ۵۵) در کنج ایوان شمالی دری است که از آن می‌توان وارد بنای اصلی بقعه شد. صندوقی چوبین در وسط صحن است که طول آن ۱۹۰ و عرض آن ۱۷۰ وارتفاع آن ۱۳۰ سانتیمتر است. (عکس شماره ۵۶) طاق این صندوق کهواره‌ای است. سقف از داخل منشور مربع القاعدۀ روی داشانهای آن پل کوبی با درزیوش زده است. چهار جهت اصلی‌بنا، ایوان دارد. طول ایوانها ۲/۷۰ متر و عرض آنها ۱/۳۰ متر، غیر از ایوان شمالی که عرض آن ۱/۳۵ متر است. جلو ایوانها دستک نگائل است. ستونها چهارسو و دارای سرستون نظریف است و هر طرف بنا شش ستون دارد. سر نال و بن نال چهارسوست. لبه بنای ساقیک پشتۀ بوده است، پس از حلب شدن دو پشتۀ شده است. (عکس شماره ۵۷) در محوطۀ اطراف این بقعه پنج اصله درخت آزاد قدیمی است و به کهن ترین آنهاد خیل زیاد بسته‌اند. بیزدۀ بیت شعر با خط مستعملیق بر تخته‌ای نوشته و به دیوار مشبك بقعه آویخته‌اند. بیت اول این قصیده چنین است:

هست این دو شاهزاده زاولاد مصطفی این امام هفتم و ساکن به شالما

بقعه

سید صفی الدین بن سید اسماعیل بن شیخ صفی الدین اردبیلی (۱)
در میر محلة (۲) ماسال

بنای اصلی بقعه احاطی است به طول ۶/۹۰ متر و عرض ۰/۹۰ متر. صندوقی ساده و تخته‌ای به طول ۲/۲۵ و عرض ۰/۹۵، و ارتفاع ۰/۸۵ متر فبر سیدصفی‌الدین را پوشانده است. خلع شمالی بقعه دارای سه در ارسی در ایوان و دو پنجرۀ نور گیر مشبك است. در خلع جنوبی فقط دو پنجرۀ نور گیر مشبك است. طرف غرب، دو پنجرۀ رویوش دار و طرف شرق، در ورزدی بقعداست که از ایوان بقعه وارد صحن می‌شود. سراسر سقف لمبه کوبی و بام حلب است. (عکس شماره ۵۸)

(۱) با اینکه ظاهرآ شیخ صفی الدین سیدیست امی دائم بازم‌اندگان او به چه سبب به مقام سعادت رسیده‌اند. (۲) میر محله ده ازدهستان ماسال بخش ماسال شادرمن شهرستان طوالش. (فرهنگ جغرافیائی)

جلوایوان را دور تادور ارسی کرده‌اند. بر یکی از درهای ارسی بقعه این عبارات نقر شده است :

بانی این خانه جناب آفای سید میر منصور سلمه الله تعالی در عهد دولت ابد
مدت جلوس مظفر الدین شاه اتمام پذیرفت . عمل استاد رمضان گیلوانی (۱) کاتب
مهدبقلی بیجی ۱۳۱۴

بقعه‌ای

در چلی ماسال

صندوقی چوبین و ساده در وسط و اطراف آن ضریحی مشبك است که
قسمتهای پائین آن تخته‌ایست و چهار طرف آن ایوان دارد ، دو طرف آن ایوان
کتابی و دو طرف دیگر پهن‌تر است ، سقف بنای اصلی و ایوانها لمبه کوبی و با
هر دو حلب سراست .

بقعه و مسجد سنگ بست ماسال

بنای بقعه بسیار ساده با صندوقی چوبین و ساده بر بالای پایه‌ای سیمانی
است و مسجدی تازه ساز رو بروی آن بدون هیچ‌گونه هنر و آرایش ساخته‌اند.
بام هر دو بنا حلب سراست . در محوطه اطراف بقعه و مسجد قبرستانی قدیمی بدون
سنگ فیر است .

قلعه کول

نردیک به کیش خانی ماسال

ارتفاع تپه‌ای که قلعه بر آن بنایده است در حدود دو بیست متر از سطح شالی -
زارهای اطراف بلندتر است . خرابه‌های قلعه زیر پیشه‌های درختان و علف و کرف
پنهان است . پاره آجرهای فراوانی بر بالای این تپه دیده شد . چون آجر درستی
پیدا نشد ، ابعاد آنها معلوم نشد . ضخامت آجرها از سه تا چهار سانتی‌متر بود .

(۱) گیلوان از دیهای خلخال است .

قلعه‌تاس کوه
در وعده‌گاه ماسال

قلعه‌ای قدیمی بر کی از ارتفاعات این محل ساخته بوده اندفعاً هیچ‌گونه آثاری دیده نشد.

محله‌ای تاریخی و قبرستانهای قدیمی
بخش ماسال

احتمال می‌رود در محله‌ای زیر روزی پس از حفاری آثاری تاریخی و قدیمی به دست آید.

- ۱ - شهر گاه، خرابه‌های شهری قدیمی است در شمال غربی ماسال خانی.
- ۲ - بقعة گرده کوه ترسیده به بیلاق نیان (۱) بر مرز وحدو ده ماسال و نیان.
- ۳ - بقعة کواله پشت (۲) و کورستان اطراف آن. (عکس شماره ۵۹)
- ۴ - بقعة رشیره پشت (۳) در بیلاق رشیره پشت ماسال، میان دو محل رشیره پشت و کورا کاچال است.
- ۵ - بقعة خندبله پشت (۴) در بیلاق خندبله پشت ماسال. این بقعة عیان چند محل بیلاقی است: ۱ - خندبله پشت . ۲ - نواشر (۵) . ۳ - لیه (۶).
- ۴ - شبرا (۷) . ۵ - خری دول .
- ۶ - بقعة شاه معلم و خواهرش در مرز وسامان بیلاق ماسال و ماجلان شاهروド خلخال است.
- ۷ - کورستان خون .
- ۸ - کورستان ویزه دله رووار. (۸)
- ۹ - کورستان ریشاب و اسپه ریسه - کورها سمت قبلی نیست . شمشیر و بیکان دلوازم زندگی از آنها بیرون می‌آید .

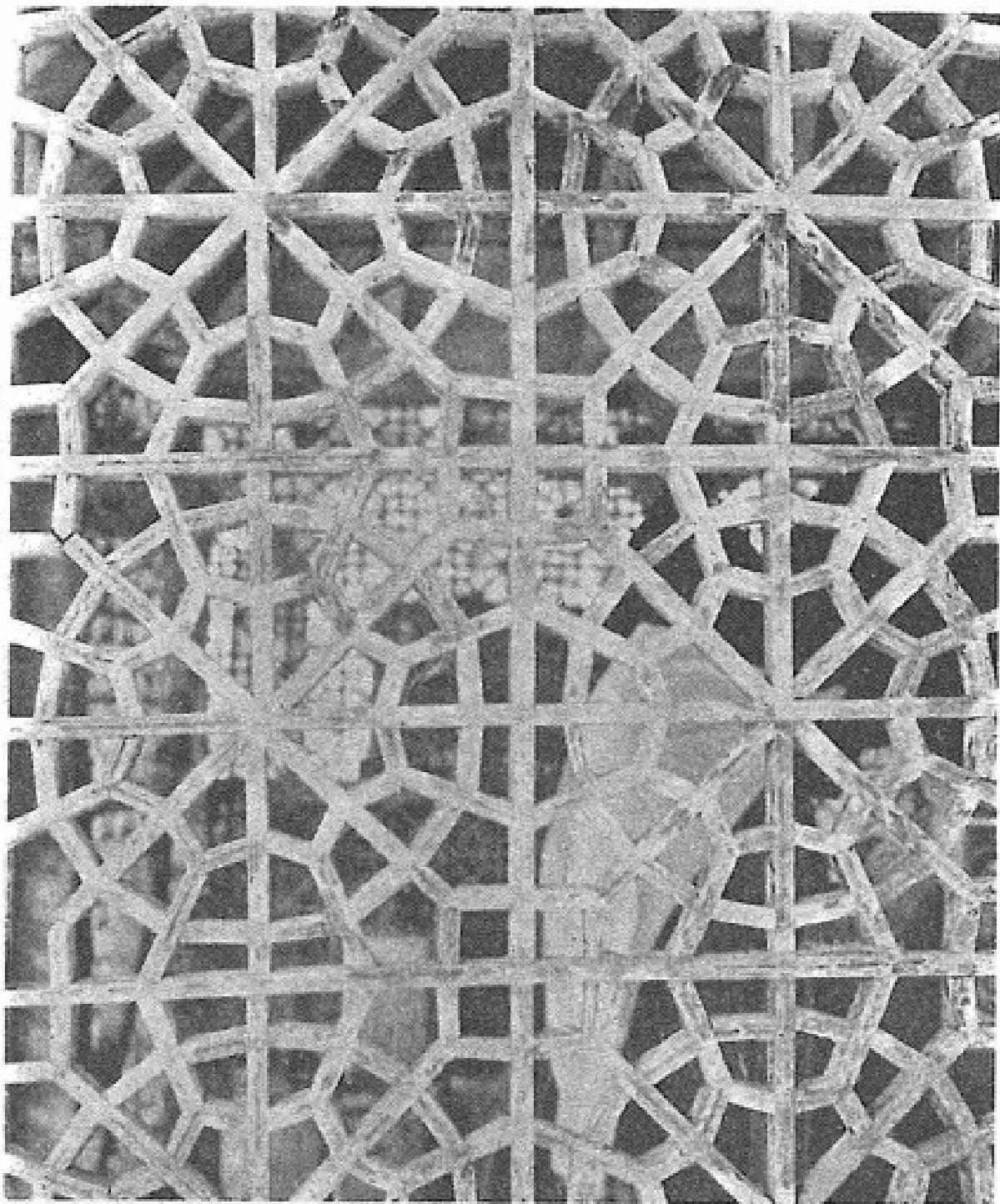
(۱) بفتح تاء. (۲) بضم کاف وفتح لام. (۳) بفتح راء (۴) بفتح خاء (۵) بفتح نون وشين. (۶) بکسر لام وفتح ياء. (۷) بفتح شين. (۸) بفتح زاء وdal ولام

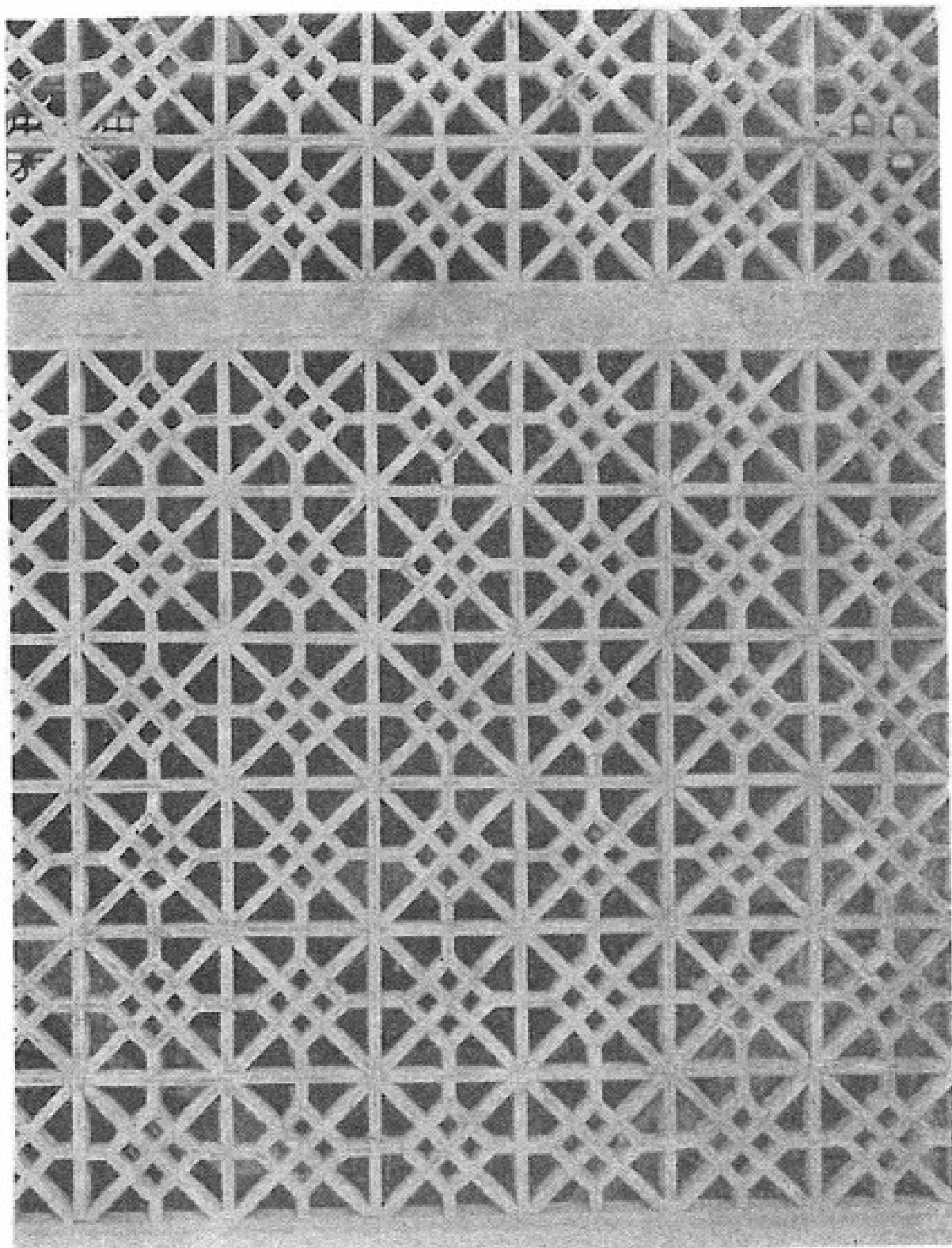
- ۱۰ - سر دوراهی دور و باران که جاده‌می ساختند گورستانی قدیمی پیدا شد.
 - ۱۱ - گورستان گورا کاچال بیلاق ماسال قدیمی و اسلامی است.
 - ۱۲ - گورستان بقعهٔ رشیر پیشتر داشت.
 - ۱۳ - گورستان سلنگهوا (= سلیم آباد) گورها سمت قبلی نیست.
 - ۱۴ - گورستان شهر گاه، پارهای از گورها سمت قبلی دارند.
 - ۱۵ - گورستان میله‌سرا، گورستانی قدیمی است.



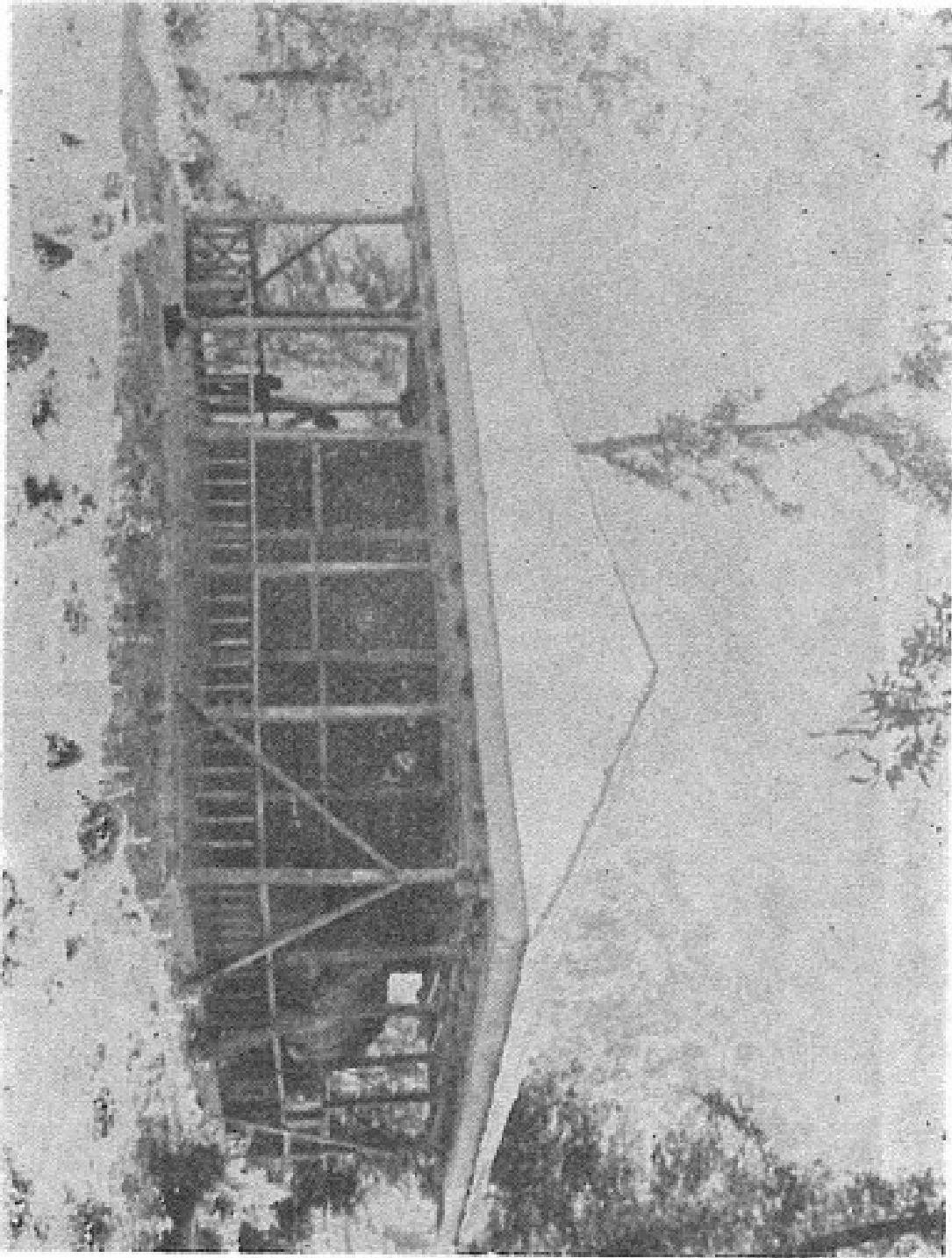
نخستین شماره هفت - آثار و بنای‌های تاریخی کوهستان خاندمن و ماسال.

عکس شماره ۵۵ - نمایی از دیوار مسیک بقمه آفارشالی و آذینه سهر علی ابنان
اصحهوسیالگلدم علیه السلام در شالدایی ماسال.

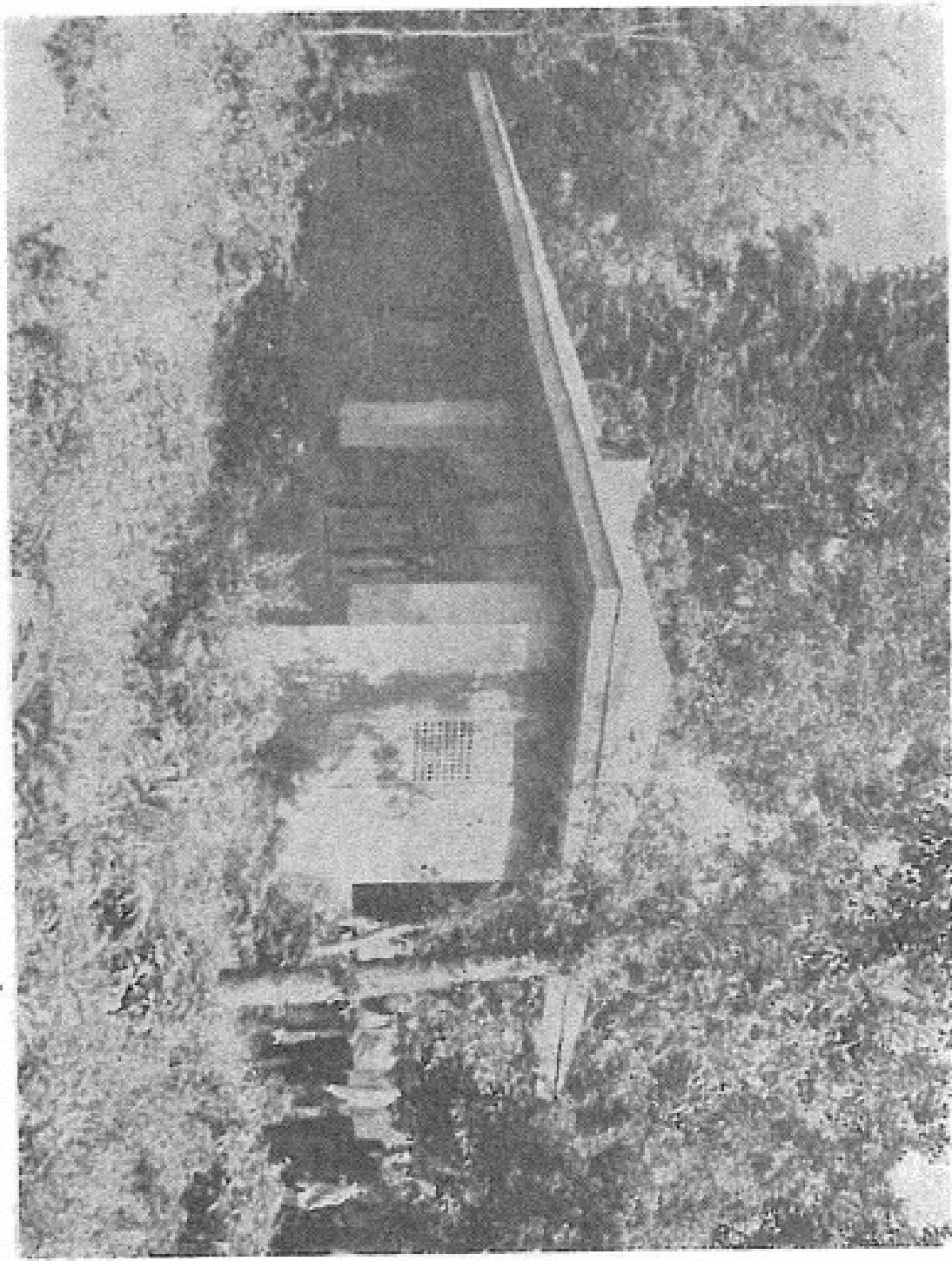




عکس شماره ۵۶ - ضریح جوبین آقا سید رشاعلی و آقا سید محمد علی ابنان امام موسی الكاظم
علیہ السلام در شالیمانی عاصم.

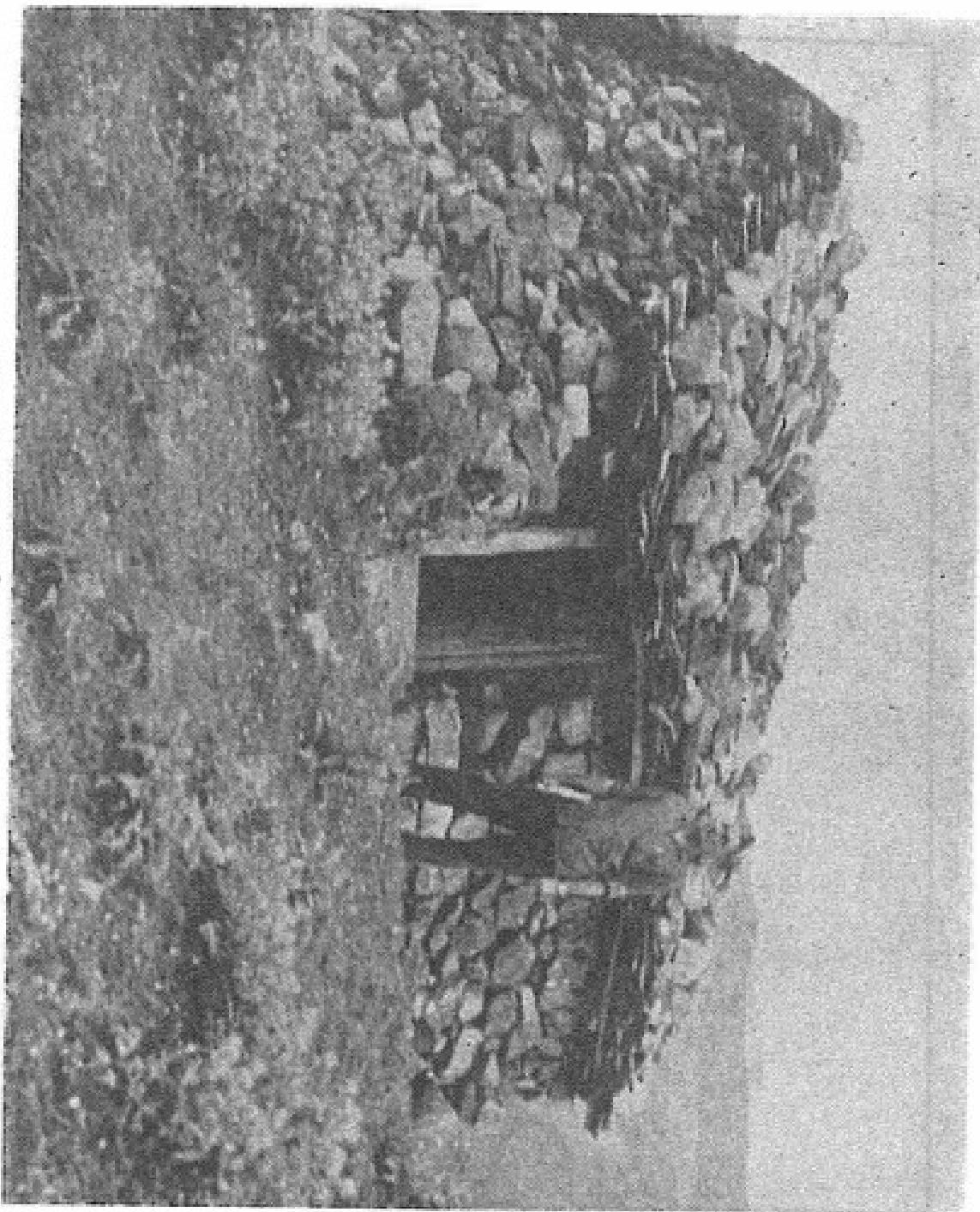


عکس شماره ۷۵ - یقمه آذینبرخانعلی و آذینبر علی اباان موسی الکاظم علیہ السلام
در شالماقی ماسال.



مکہ شمارہ ۹ - امامزادہ سید عصی الدین سید اسحاق بن سید عباس بن فیض صفری الدین
اردیلی در میر محلہ ماسال۔

مکس شماره ۹۵ - پنجمین دور کوارٹه بیتنه سبلان مصالح.

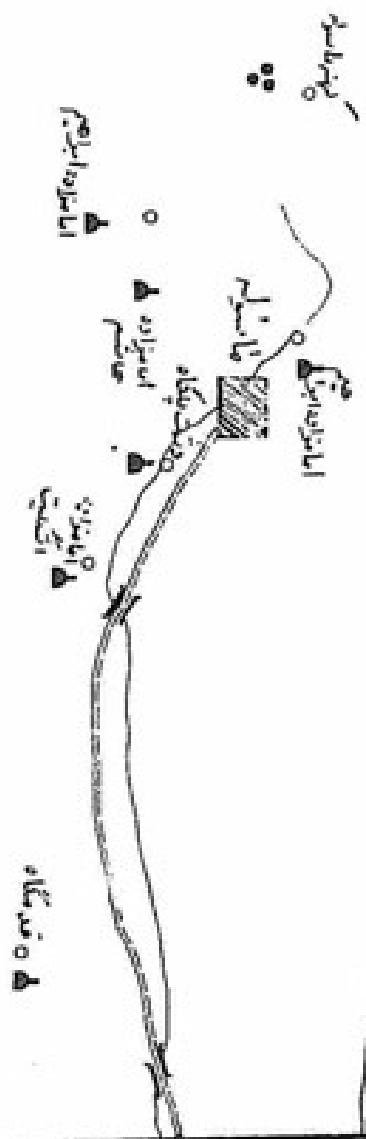


جداه شرس

مازده

حروشاه معلو

ما نسول



نهنده خساره هشت - آثار و بنایهای تاریخی بخش ماروله.

بخش هفتم

۱ - جغرافیای تاریخی ماسوله

imasoleh بخشی کوہستانی است که در غرب جنوب غربی فومن است. از طرف شمال غرب به ماسال، از طرف غرب به خلخال، از جنوب به پشتکوه خمسه زنجان و از شرق به فومن محدود می شود. در ازای آن از شمال به جنوب دوازده کیلومتر و پهنه‌ای آن از شرق به غرب سی کیلو متر است.
میر ظهیر الدین در کتاب خود چهار بار از «موسوله» باد می کند که همین ماسوله امروزی است. (۱)

نامهای قدیمی این بخش . خورتاب خانی و بیشه البق و ماسالار بوده است .

گروهی می گویند که در فرن سوم هجری وقتی که سید جلال الدین اشرف در طارم شکست خورد، عون بن محمد بن علی که همراه او بود، زخمی برداشت و به ماسوله آمد و به چوپانی برخورد و به او گفت که جدا اورا هر جا یافته به خاک بسپارد. پس از به خاک سپردن جسد او، چوپانان یکی پس از دیگری خانه خود را در جوار قبر او ساختند تا آبادی ماسوله به وجود آمد .

در نسخه خطی تاریخ سالوک معلم چنین آمده است که پس از شکست سالوک معلم در پای قلعه شمیران، دونفر از شاگردان او که دو برادر به نام عین علی وزین علی بودند، به ماسوله آمدند و اهالی را به دین اسلام مشرف کردند. افراد جدید اسلام گرد این دو قبر جمع شدند و کم کم زیارتگاه عمومی شد.

(۱) تاریخ کیلان و دیلمستان س ۲۴۲ و ۳۰۰ و ۳۱۳ و ۳۶۶.

گروهی دیگر می‌گویند که در زمان مختار که در تعقیب فاتلان حضرت حسین علیه السلام کوشش می‌شد، کسانی از ساکنان موصل و کرکوک به کوهستان غربی گیلان افتادند. کسی که اهل موصل بود مسئوله را ساخت و آنکه اهل کرکوک بود کران رود را بنا کرد.

بیشتر این گونه اخبار که در گیلان سینه به سینه نقل شده و امروز نیز از زبان ساکنان دیه‌او شهرها شنیده می‌شود، متکی بر «کتاب مستطاب شرح جنگهای امامزاده» حضرت سید جلال الدین اشرف برادر حضرت رضا علیه السلام و شهادت آن بزرگوار» می‌باشد. این کتاب بیش از ساختهای از ساختهای و پرداختهای دوران صفویان است و مطالب آن از شیخ ابوسعید خوارزمی، شخصیت دروغینی نقل شده است و با هیچیک از کتب تاریخی سازش ندارد.^(۱)

عجیبتر اینکه در زمان حاضر در کتاب شیخ زاهد، ذیل دهستان مسئوله عطالبزیر را می‌خوانیم:

«دهستان مسئوله بیست و هفت قریه دارد که همگی در کوهستان واقع‌اند. از ابتدی تاریخی در مسئوله یک بقعه به اسم عون بن علی^(۲) است که در داخل آن سنگهای مرمر حجاری شده قرار دارد و تاریخ بنارا به ۱۲۰۰ سال قبل ازت می‌دهند و همچنان درب آن که ۷۰۰ سال از تاریخ آن گذشته قابل توجه است و نیز مسجدی به نام مسجد صاحب دارد که ۴۰۰ سال از تاریخ آن گذشته است.^(۳)

توقع ما از مأموران اداره آمار و سرشماری بیش از این بوده و بیست. ولی جای تعجب است که آقای محمد علی گیلک که خود اهل تبع و عطالله هستند، این مطالب بی‌اساس را نقل کرده‌اند. نگارنده که در مسئوله بنای هزار و دویست ساله و در هفت‌صد ساله و مسجد چهار صد ساله ندید.

(۱) ابن کتاب برای آخرین بار در چایخانه اسلامی رشت با حروف سربی چاپ شده است. (۲) در اصل: ابن علی بهجای عون بن علی. (۳) شیخ ذا عد گیلانی تألیف محمد علی گیلک ص ۱۱۴. به نقل از جلد اول کتاب اسامی دهات کشور ص ۱۲۶ سال ۱۳۶۹.

سران و تیره‌های ماسوله:

در زمان هدایت خان، محمد رضا خان و فتحعلی خان ایل بیگی بودند. شیرزاد بیک پسر میرزا علی اکبر پسر اسد بیک که از بازماندگان فتحعلی خان بود، روی اصل وراثت جانشینی، بالقب کلانتر، بزرگ ماسوله شد. به همین جهت طایفه ایل بیگی سران ماسوله شدند.

طایفه دیگر ماسوله بازماندگان حاجی یوسف تبریزی هستند که در زمان کریم خان زند از تبریز، به ماسوله آمده است. اینان تازمان تقسیمات جدید مالیاتی به دست مشیرالسلطنه از پرداخت مالیات معاف بوده‌اند، زیرا که ایشان در استحکامات ماسوله با طایفه زند که کریم خان ایشان را بدینجا فرستاده بود، یاری کردند. ماسوله همیشه جزء فومن بوده است، بغیر از چند صبحای که در زمان فتحعلی شاه، زیر نظر دیگر فورخانه اداره می‌شد، زیرا در اینجا گلوه‌های توب برای توپخانه ایران می‌ساختند.^(۱)

این ناحیه فقط یک دهکده دارد و آن دهکده ماسوله است که ارتفاع آن هزار و پنجاه متر و درسی و نش کیلومتری غرب فومن است، سه طرف آن را کوه فرا گرفته و در شیبی قند بنا شده است که گاهی به من از این شیب پائین می‌آید. (عکس شماره ۶۰) فریزر در سال ۱۲۳۸ قمری شرحی راجع به محل این دهکده و بناء‌های آن نوشته است.

در تابستان، گرمای ماسوله غیر قابل تحمل است. در زمان رابینو (۱۳۳۱ قمری) دهکده ماسوله به پنج محله، به این شرح تقسیم می‌شده است:

- ۱ - کش سر بالا.
- ۲ - کش سر پائین.
- ۳ - مسجد بزرگ.
- ۴ - اسد محله.
- ۵ - خانه بزرگ.

در این دهکده هفت مسجد به نامهای زیر بوده است:

- ۱ - مسجد جامع.
- ۲ - مسجد صاحب الزمان.
- ۳ - مسجد کش سر علیا.
- ۴ - مسجد

(۱) گیلان داینبو ص ۱۸۴.

کش سر سفلی. ۵ - مسجد در بجان بز. ۶ - مسجد خانه بز. ۷ - مسجد اسد محله.
در زمان رایینو دو حمام و سه کاروانسرا داشته است. بازارش چهارصد دکان
داشته که شامل نانوائی، عطاری، قصابی، داروخانه، کفاشی، بزاری بوده است.
دو آسیاب برای نرم کردن پوست انار داشته‌اند و پوست انار سائیده‌را در رنگ
کاری به کار می‌برده‌اند. (۱)

پلهای زیبادی بر روی ماسوله رو دخان بنانده‌اند. از آنها می‌توان پلهای
مهده‌ی ور، چوبیل، آسن‌پل، خرابه‌ور، را نام برد. تمام اینها پلهای جوبینی
هستند که جای پلهای آجری که مدهاست از میان رفته، گرفته‌اند. پلهای
آجری قدیمی موقوفاتی برای مرمت و تعمیر داشته‌اند که فعلاً به مصرف اصلی
نمی‌رسد. پل بناعلی و پل حاجی محمد حسین که بر راه صفا با بنگه
صفا ساخته شده است نیز قابل ذکر است. از اینجا دهکده ماسوله منظره‌ای
جالب دارد.

رایینومی اولیست که بیشتر ساکنان ماسوله چموش دوزند یا آهنگری
می‌کنند. اوایل پائیز به نواحی شفت و فومن گیلان می‌آیند و هفت ماه سال را
در آنجا می‌گذرانند.

عده‌ای قادردارند و در راه گیلان به زنجان بار حمل می‌کنند. رو به مرتفعه
یا اندتن در عرض سال در دهکده ماسوله می‌مانند. میان اینها چند تن حاجی است
که باز است وزنجان تجارت دارند. اهالی ماسوله روز دوم مهر مرا مسلمان در
دهکده خود هستند. (۲) از نان در دهکده می‌مانند و شال و پارچه پشمین برای چادر
می‌باشند. با داشتن گله‌های زیاد، قابستان را در زیر این چادرها که خود پارچه‌آن
را باقته‌اند، در بیلاق می‌گذرانند.

غیر از نالشها که در کوههای ماسوله ساکنند، تیره عالیوند Allivand
که باز مانند گان مردی به نام حاجی حسن هستند و تیره آستارائی نیز ساکن

(۱) گیلان رایینو ص ۱۸۵.

(۲) گیلان رایینو ص ۱۸۶.

همین دهکده‌اند.

زبان مردم ماسوله تالشی است و لهجه مردم ده نشین با اطرافیان کمی اختلاف دارد. ساکنان این ناحیه شیعی مذهبند.

در زمان راینو جمعیت کلی این ناحیه هفتصد خانوار بوده است که پا صد خانوار آنها در دهکده ماسوله و دویست خانوار گالش و تالش کوه‌نشین بوده‌اند.

کوههای ماسوله معدنهای فراوان دارد. معدن آهن آن نزدیک کوره یا کوره آهنگران است که نزدیک بیلاق خلیل دشت قرار گرفته است.

لیدل (liddel) در سال ۱۳۰۹ قمری (= ۱۸۹۱ میلادی) معدن آهن ماسوله را دیده و شرح مفصلی درباره معدن و محل آن و کوره‌ها و اندازه‌های آنها او شنیده است. (۱)

از اتفاقات مهمی که در بیلاق ماسوله رویداده است، فوت خیر النسا بیگم، همسر امیره دجاج فومنی دختر شاه اسماعیل در سال ۹۳۸ است. جسد او را از اینجا به اردبیل برداشت و در گورستان خاندان صفویه به خاکسپردند و مالیات دهکده واقعه داشت فومن را که در دو کیلومتری صومعه سراست، وقف حفاظت کور او کردند. (۲)

۳ - آثار و بنای‌های تاریخی ماسوله بقعه عون بن محمد حنفیه بن علی علیه السلام در دهکده ماسوله جنب مسجد جامع

بنای اصلی از آجر و از داخل و خارج هشت ضلعی و طول هریک از اضلاع داخلی آن ۱۷۰ سانتیمتر است. سقف بقعه گنبد شلجمی شکل و بام آن از خارج هر م شمن القاعد و حلب پوش است. در هر ضلع از خارج و داخل طاقه‌های کم عمقی

(۱) گیلان راینو ص ۱۸۷ .

گیلان راینو ص ۱۷۶ .

است. (عکس شماره ۶۱) در ضلع جنوبی دری نور کیر و در ضلع شرقی در درودی ساده‌ای به ارتفاع ۱۸۰ و عرض ۹۶ سانتیمتر است که میان رواق و صحن اصلی بقعه قرار دارد. در غربی داخلی قدیمی است و گنده کاری ظریف دارد. این در که ارتفاع آن ۱۴۵ و عرض آن ۷۲ سانتیمتر است، معروف به در چله خانه است. می‌گویند این در را از کاخ فلندر شاه در گلکونده رود آوردند. (عکس شماره ۶۲).

صندوقی به طول ۲۲۰ و عرض ۹۰ و ارتفاع ۱۰۲ سانتیمتر در میان بناست.

بر کمر صندوق کتیبه‌ای به عرض ۱۰ سانتیمتر است که با رنگ زرد و خط خوش نسخ، بر بدهش شمالی آن آیاتی از سوره فتح به این شرح نوشته‌اند:

[اَنَا فَتَحْنَا لَكُمْ فَتْحًا مُبِينًا لِيَغْرِيَ لَكُمْ [اللَّهُمَّ مَا تَقْدِمُ مِنْ ذَبَابٍ وَمَا تَأْخُذُ [خَرٌ] وَمِمَّ تَمْهِيَ عَلَيْكَ وَمِمَّ يَهْدِيَكَ صَرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَمِمَّ يَنْصُرُكَ اللَّهُ أَعْلَمُ أَعْلَمُ] الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي الْقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلَهُ . (۱)

بر بدهش جنوبی آن دنباله آیات بالا به این شرح خوانده می‌شود:

جندُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلَيْهَا حَكِيمًا حَكِيمًا لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيَكْفُرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا . (۲)

بر لبه زیرین صندوق نیز دنباله همین آیات تا «لیس علی الاعمى حرج ولا علی» (۳) نوشته شده بود.

هر قدر عون بن علی صندوقی قدیمی، با گنده کاری ظریف داشته است، فعلاً پاره‌ای از آن را در بدهش غربی صندوق کنوفی کار گذاشته‌اند. (عکس شماره ۶۳) در حاشیه این قسمت چوبین صندوق قدیمی این آیات خوانده می‌شود:

كُلُّ مَنْ عَلِيهَا فَانٌ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ . (۴)

(۱) سوره الفتح ۴۸، آیات ۱ و ۲ و ۳ و قسمی از چهار. (۲) سوره الفتح ۴۸، قسمی از آیه چهار و آیه پنج
 (۳) سوره الفتح ۴۸، آیات ۵ تا ۱۷.
 (۴) سوره الرحمن ۵۵، آیات ۲۶ و ۲۷.

شاید در حاشیه صندوق قدیمی قسمی از سوره الرحمن حک شده بوده است.

ضریحی مشبک چوبین اطراف صندوق است که ظرافت زیادی ندارد. (عکس شماره ۶۴) در بدنهٔ شرقی این ضریح قسمت بالای آن این عبارات دیده می‌شود:

خبرات بنده شاه هدایت الله بن محمدبن بويه عمل غلام شاه ولايت استاد تاھیرس بك نومی (۱) عقی عنهمها تحریرا فی شهر ذوالقعدہ سنة خمس عشر والف.

پس از برداشتن ضریح و صندوق، به سنگی دسترسی پیدا کردم که عموداً در بدنهٔ جنوبی صندوق در زمین نصب شده بود. این عبارات به خط نستعلیق بر آن حک بود:

بسم الله الرحمن الرحيم هذا العرق المنيور المطهر المعموم المحترم و
عالم علم المتكorum بدر النجوم السيد الشهداء المظلومون عون بن محمدبن علي عليه
السلام الهم زدنا محتشم و ارزقنا شفاعة في الدنيا والآخرة يا ارحم
الراحمين هذا تعمیر کتب میرزا حسن کربلا لائی میرزا محمد عمل کربلا لائی
نور وزعلی. (۲)

سنگ قبری بر دیوار دست راست در ورودی امامزاده است. بر این سنگ مرمر سفید بسلحه و هشت بیت شعر فارسی حک شده و مورخ ۱۰۶۰
قمری است.

سنگ قبر مرمر سفید دیگری جلو در ورودی و مورخ ۱۲۶۲
قمری است.

در ورودی بقعه در رواقی بازمی شود که دوستون فطور هشت پر چوبین میان آن است و حمال سقف بنای رواق بر این ستونها متنگی است. بر یکی از ستونها

(۱) این کلمات زیاد روشن بیست و نقطه‌های آن افتداده است.

(۲) پاره‌ای از کلمات بعجا به کار در نه است و عبارات کیخته به نظر می‌رسد.

که نزدیک به در وردی بقعه است مطالب و عبارات زیر دیده شد:
 دوازده امام - اشعاری از هفت بنده محتشم - آیةالکرسی - چند بیت شعر
 فارسی که پاره‌ای از آن خوانده شد:

اين بارگاه پير و سادات او لياست
 ابن محمد بن علی عون ما ورو عالم فروز گوهر دريای لافتاست
 يك مصحف . . . محيط چون خل طور دلکش و پر نور و باصفاست
 خدام امامزاده واجب التعظيم عون بن محمد بن علی (ع) محمد علی و محمد
 شريف ابيان مر حوم ملا بوسف سنه ۱۲۲۴.

در بهترین عصر که شاه فلك جاه فتحعلی [شاه] بمسند اجلال داشت.
 تاریخ . . . عقل معانی زیبا ستون بعزت و اقبال بین بجا
 برستون دیگری که نزدیک به در وردی رواق است، آیةالکرسی و دوازده امام
 خوانده شد.

مشعل برجی بزرگی با نقشه‌ای ظریف و بسیار پر کار وقف این بقعه شده
 است (عکس شماره ۶۵) که این دو بیت بر آن حک شده است:

چراغ اهل دل را روشن از روی تو می‌بینم
 همه صاحب دل ارا روی دل سوی تو می‌بینم

توئی خلاق عالم کم مبادا از سرت موئی
 که عالم را طفیل يك سر موی تو می‌بینم

بر بدنه مشعل این عبارات خوانده می‌شود:

وقف حضرت عون بن علی بن ابی طالب علیه الصلوات و السلام کرد
 | شمس الدین محمد بن عنایت هر کس این را طمع کند به لعنت خدا و
 غلام شاه ولایت |.

نذر ایوان طبقه دوم مسجد متصل به بقعه، نزدیک کاشیهای شیر و خورشیددار
 دوران قاجاری سنگ قبری بر دیوار نصب است که پس از ذکر نام دوازده

امام، کلمات زیر را می‌توان برآن خواند:
 تاریخ وفات مرحوم محمد بدیع بن محمد اسماعیل اوت ۱۴۰۲
 سنه ۱۰۵۲ .

* سنگ قبر دیگری در همین ایوان است که در حاشیه اطراف آن نامهای
 دوازده بام و وسط آن، این کلمات خوانده می‌شود:
 تاریخ وفات مرحوم مغفور هاشم بیک بن میرم بیک قبریزی فی شهر ذی-
 قعده الحرام سنه ۹۹۷ .

* سنگ بزرگتر من به طول ۱۶۱ و عرض ۶۹ سانتیمتر که بر دیوار همین
 ایوان است، نسبة قدیمی به نظر می‌رسد و فوت آقا هادی بن حاجی عسکر
 ماسوله را لشان می‌دهد، اما تاریخی ندارد.
 سابقاً در رواق بقعة عون بن علی، عده‌ای را به حائل سپرده بودند که پس از
 تعیین و مرمت بقعة در سالهای اخیر، سنگهای قبور آنان را بر بدن جنوبي بقوعه
 بر دیوار نصب کردند. اینک شرح این سنگها:

۱ - با خط خوش نسخ بر سنگی سیاه رنگ، نامهای چهارده معصوم در
 حاشیه و در متن عبارات زیر دیده می‌شود:
 با حی کل عن علیها فان هذا المرقد العرجم المبروره المغفوره
 الصالحة العفيفه حاجی مردم بنت المرحوم المغفور حاجی میر خلیل المولی فی
 نانی عشر شعبان المعظم عام اربع و الف من هجرة النبی علیه و آله التلم .
 (عکس شماره ۶۶)

* سنگ مرمری بر همین بدن است که پس از هفت بیت شعر این عبارات
 بر آن خوانده می‌شود:
 وفات مرحوم محمد حسن خان ولد مر حوم حاجی معصوم کسمائی فی شهر
 رجب سنه ۱۱۹۵ .

* سنگ سیاه رنگ دیگری بر دیوار جنوبی است. عبارت زیر با خط

خوش نسخ بر آن حک شده است:

اللهم صل على النبي والوصي والبتول والسبطين والمجاد والباقر والصادق
والكاظم والرضا والنقي والزكي العسكري الحسن والمحجة القائم الخلف الصالح
محمد المهدي صاحب الزمان صلوات الله عليهم اجمعين تم المرقد المنور والمشهد
المعطر امامزاده عون بن محمد بن امير المؤمنین على عليه السلام بسم ملك خليل
بن خبر بیک فی سنّه ۹۶۹. (عکس شماره ۲۷)

* سنگ دیگری بر قسمت پائین بدله غربی امامزاده است که این عبارات
در حاشیه آن حک شده است:

هذه المرقد النورانيه والتربة الروجانيه المرحومه العبروره المغفوره
السمات بتراك خانم (۱) بنت الاعز برج على تبريزی بتاريخ شهر ربیع الاول سنّه
خمس و سعین و سعیمه . قسمت میان حاشیه ها نقش و نگار ظریفی است. اشانها:
مهر و انگشت و تسبیح و رحل و گلاب باش و گلوبند . (عکس شماره ۶۸)

* سنگ مرمر بلند کم عرضی بر دیوار شرقی است که پس ازده بیت شعر،
این عبارات بر آن حک شده است:

تاریخ وفات من حمت و غفران بناء آقامحمدز کی ... بن من حمت بناء ملام محمد
قاسم فی بیستم شهر ربیع الاول سنّه ۱۱۶۷.

مسجد صاحب الزمان در محله خانه بر ماسوله

مسجدی است از خشت و کل بآبامی کلی. بر سرستون قطوراً بن مسجد ایات
زیر، با خط نسخ حک شده بود. (عکس شماره ۶۹):

شکر الله که باز شد احیا	مسجد خانه بر زلطف خدا
بیشک آبد ملک در اوهر شب	بهر طاعات خالق بکتا
کرد اهل محله سعی بسی	بهر ائمماً آن ز روی رضا

۱- شاید: تبریک خانم.

طرح آن از بی رضای خدا
یعنی سلطانعلی بیک فعال
با بسر چون تمام کرد آن را
بهن تاریخ سال او سامی عقل کفتا دهد ثواب خدا
عبارت «دهد ثواب خدا» باحساب جمل معادل ۱۱۷ هجری قمری است.

بقعة امامزاده هاشم نزدیک ماسوله در راه طازم

بر سمت چپ رودخانه ماسوله و در سه کیلو متری آن بر سر راه ماسوله به طازم بقعة امامزاده هاشم است. بنای اصلی بقعة مربع، چهار طرف ایوانی به عرض دو متر دارد. ضریحی چوبین مشبك ساده که داخل آن صندوقی چوبین است
مرقد امامزاده را پوشانده است.

سقف بنا و ایوانها و اشان کشی ولمه کوبی و بام آن حلب سراست. طرف غربی امامزاده قبرستان عمومی قدیمی است.

بقعة امامزاده ابراهیم در محل خروه بن^(۱) (اماوسوله) در راه خلخال

بنایی است مربع شکل، چهار طرف ایوان دارد. وسط بنای اصلی ضریح و صندوقی چوبین است. سقف بناؤ ایوانها و اشان کشی ولمه کوبی است. بام آن حلب سر است.

بقعه‌های اشکلت^(۲)

در یک کیلومتر و نیمی راه ماسوله به فومن در دهکده اشکلت

ملگونف می‌نویسد که این دو مزار به دست چمشید سلطان که در سال نهم صد و بازده هجری حاکم بیه پس بوده است، بناده‌اند. همومن نویسد که این مزار، کتبه‌ای نیز دارد. (۲) از کتبه‌ای که ملگونف نام برده است، امروز اثری نیست.

(۱) بفتح خاء و واو و ضم ياء. (۲) بکسر الف و کاف و لام.

(۲) حاشیه در بای خزر ملگونف چاپ ۱۸۶۳ م ۲۴۱ ص.

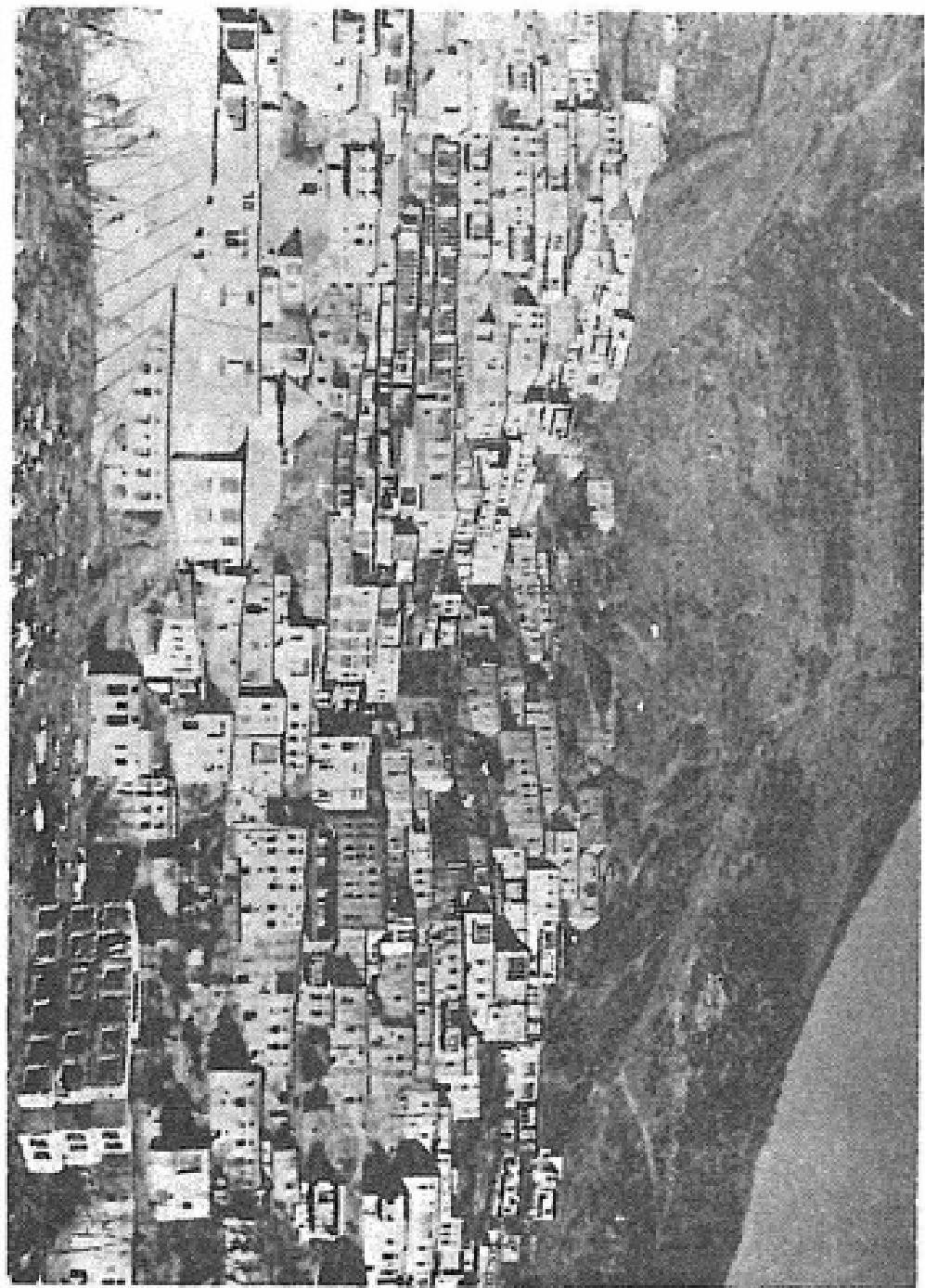
بقعه زین الدین بن علی علیه السلام در دهکده اشکلت است و شامل اطاقی است چهار گوشی از خشت سنگ که بر بالای آن گنبدی است که کمر بندو تاج آن هشت ضلعی است . صندوقی چوبین مشبك در وسط بناست . سقف بقعه و اشان - کشی و لمبه کوبی است و با م آن حلبسر است (عکس شماره ۷۰) علم چهار بیس کنده کاری ظریفی در بقعه بود که تاریخ نداشت . مسجدی که با خشت ساخته اند ، متصل به بقعه است .

بقعه عین الدین بن علی علیه السلام بیرون از دهکده اشکلت و بر دامنه سمت چپ رودخانه ، در ارتفاع ۲۵۰ متری از کف رودخانه ماسوله بنا شده است . بنای این بقعه شامل کفش کن و صحن مربع شکل است که وسط آن صندوقی مرقد عین الدین را پوشانده است . (عکس شماره ۷۱) سقف بنای لمبه کوبی ، با م آن حلبسر و لبه با م سه پشته است ینجهر نور گیر مشبك نسبه ظریفی در شرق بنا بود . (عکس شماره ۷۲)

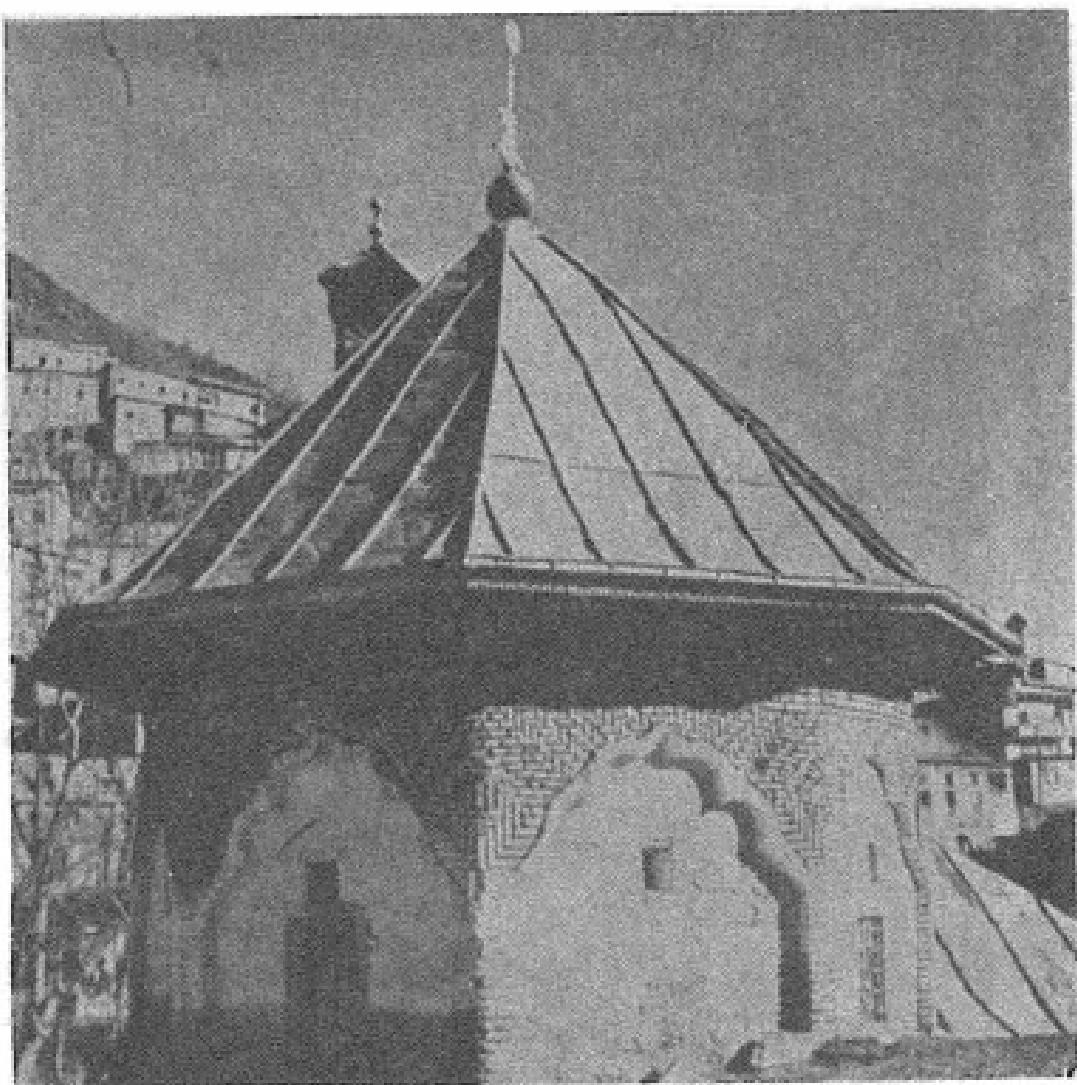
باقي بناها و آثار تاریخی ماسوله

- ۱ - دور چهار کیلومتری ماسوله زمینهایی به نام کهنه ماسوله خوانده می شود .
- ۲ - مسجد جامع متصل به بنای بقعه عون بن محمد حنفیه بن علی علیه السلام .
- ۳ - مسجد محله ریحان بر .
- ۴ - مسجد محله کشنسر (۱) علیا .
- ۵ - مسجد محله کشنسر سفلی بر کرسی سنگ چنین ظریفی ساخته شده است .
- ۶ - مسجد اسد محله .

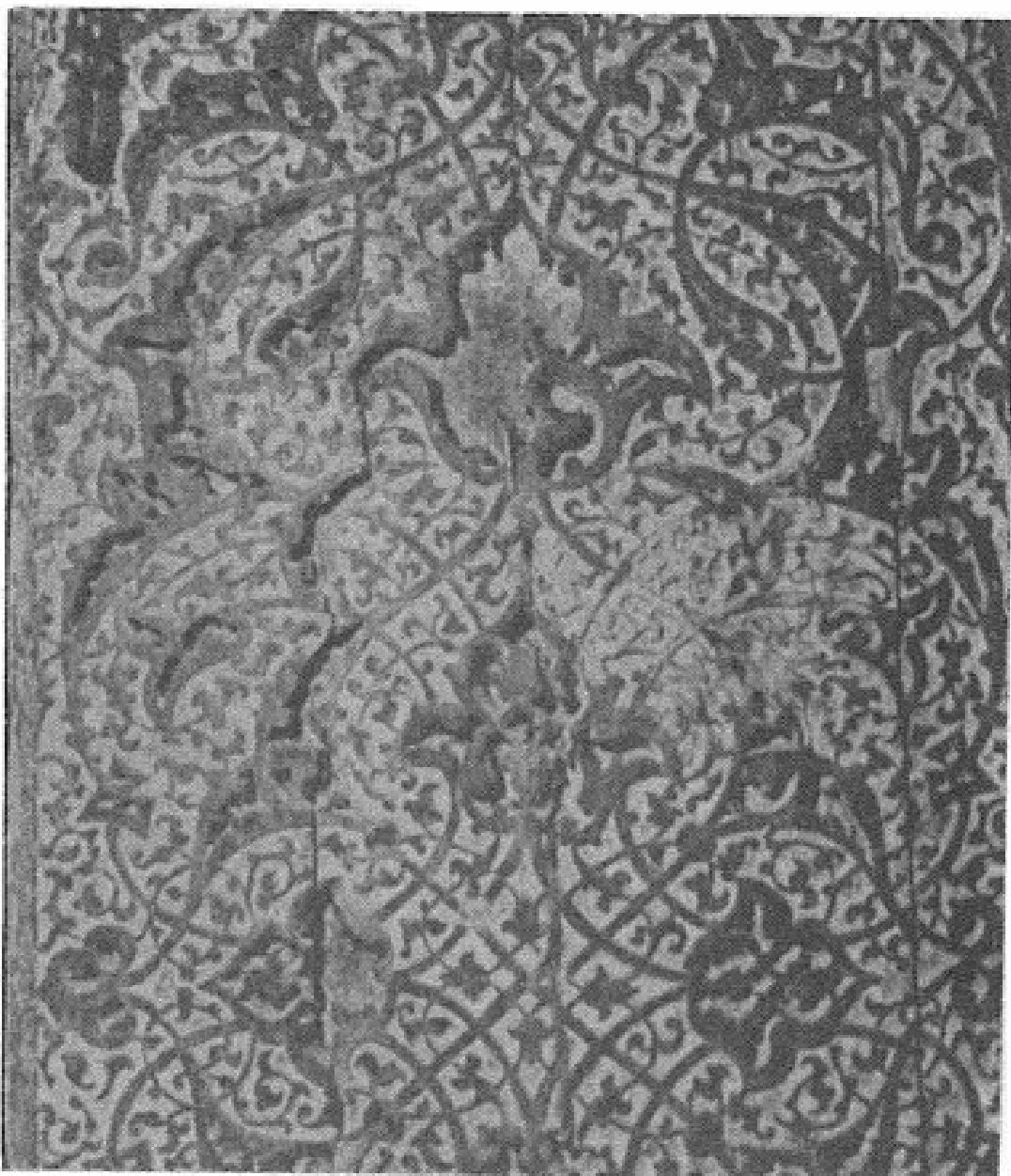
(۱) بفتح کاف و کسر شین .



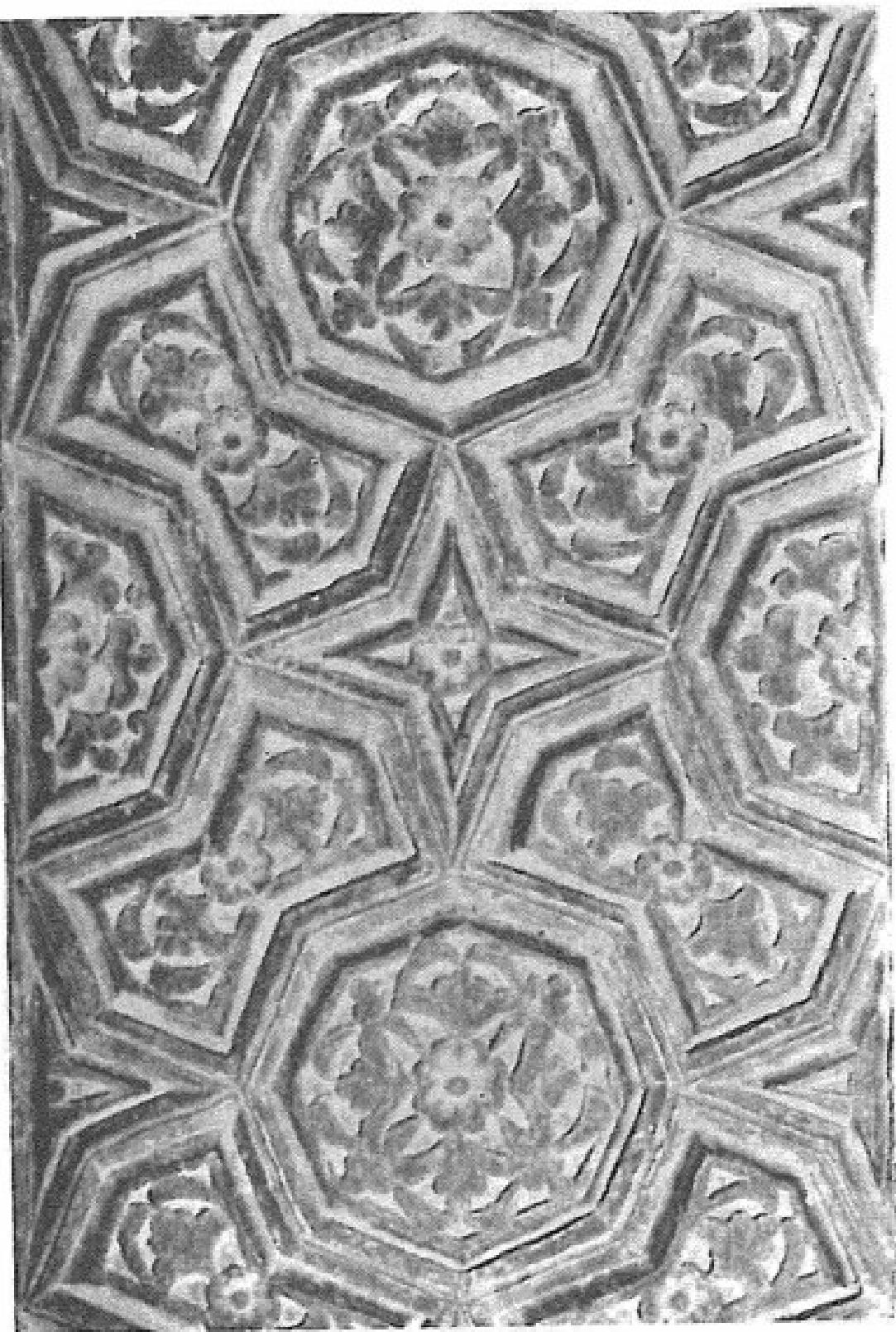
عکس شماره ۱۰ - دورنمایی دنگکد: قدمی ماسوله که در گیلانی نظیر است.



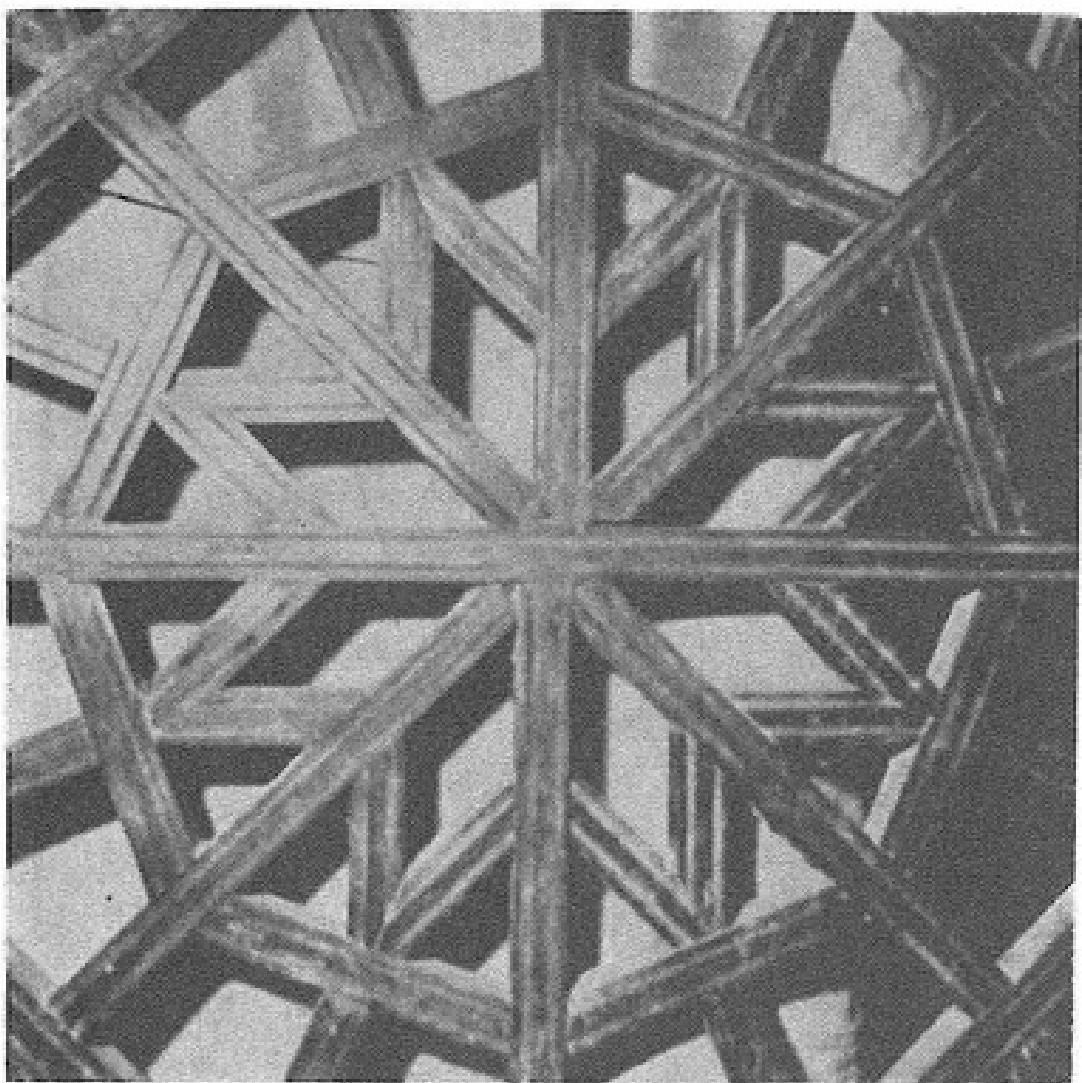
عکس شماره ۶۱ - بقعة عون بن محمد حنفية بن علي عليهما السلام در ماسوله.



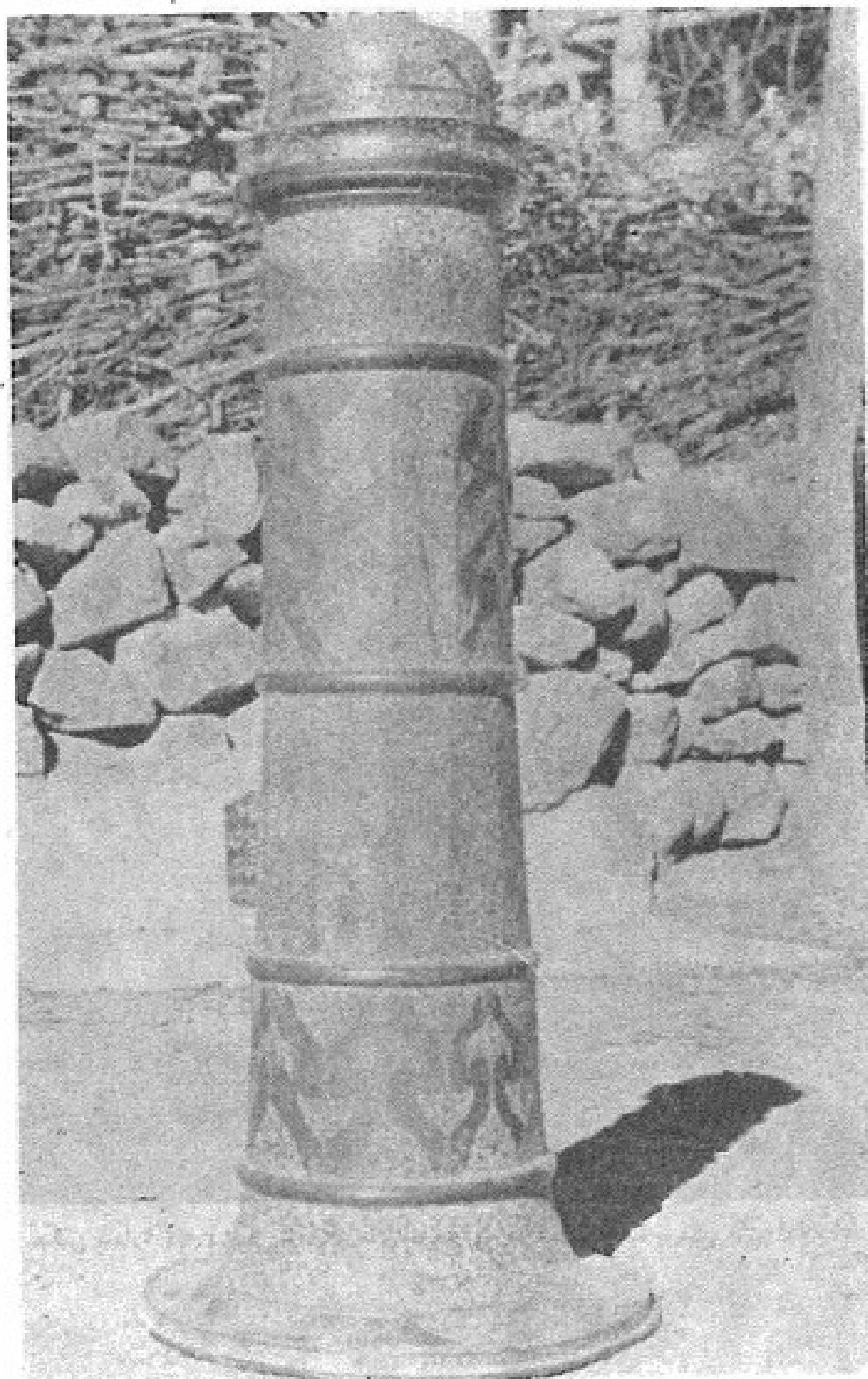
عکس شماره ۶۶ در گربی بقعه هون بن محمد حنفیه بن علی علیه السلام در مسوله کم معروف
بدور چله خانه است و می گویند که از کاخ قلندرشاه به اینجا آورده اند.



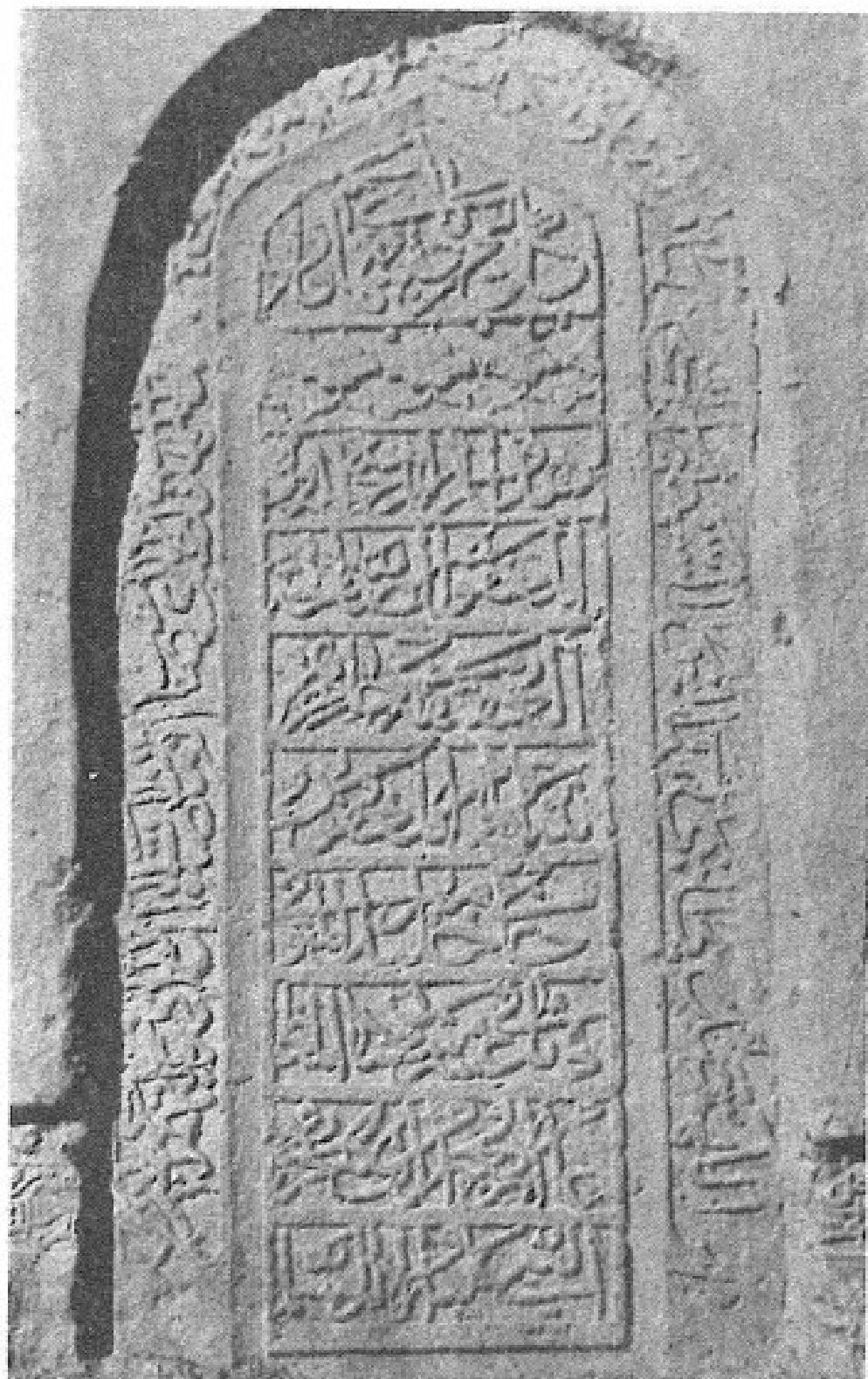
عکس شماره ۶۳ - قسمی از گنبدگاری سندرق فدیی موقن بن محمد خنبله بن علی
علیه السلام در مارول.



عکس شماره ۶۴ - یکی از لگارهای ضریح عون بن محمد حنفیه بن علی علیہ السلام
در ماسوله .



عکس شماره ۶۵ - منعل بزنجی کنده کاری تزیین با در آن در بقعة هون بن محمد
حنفیه بن علی عليه السلام در ماسوله.



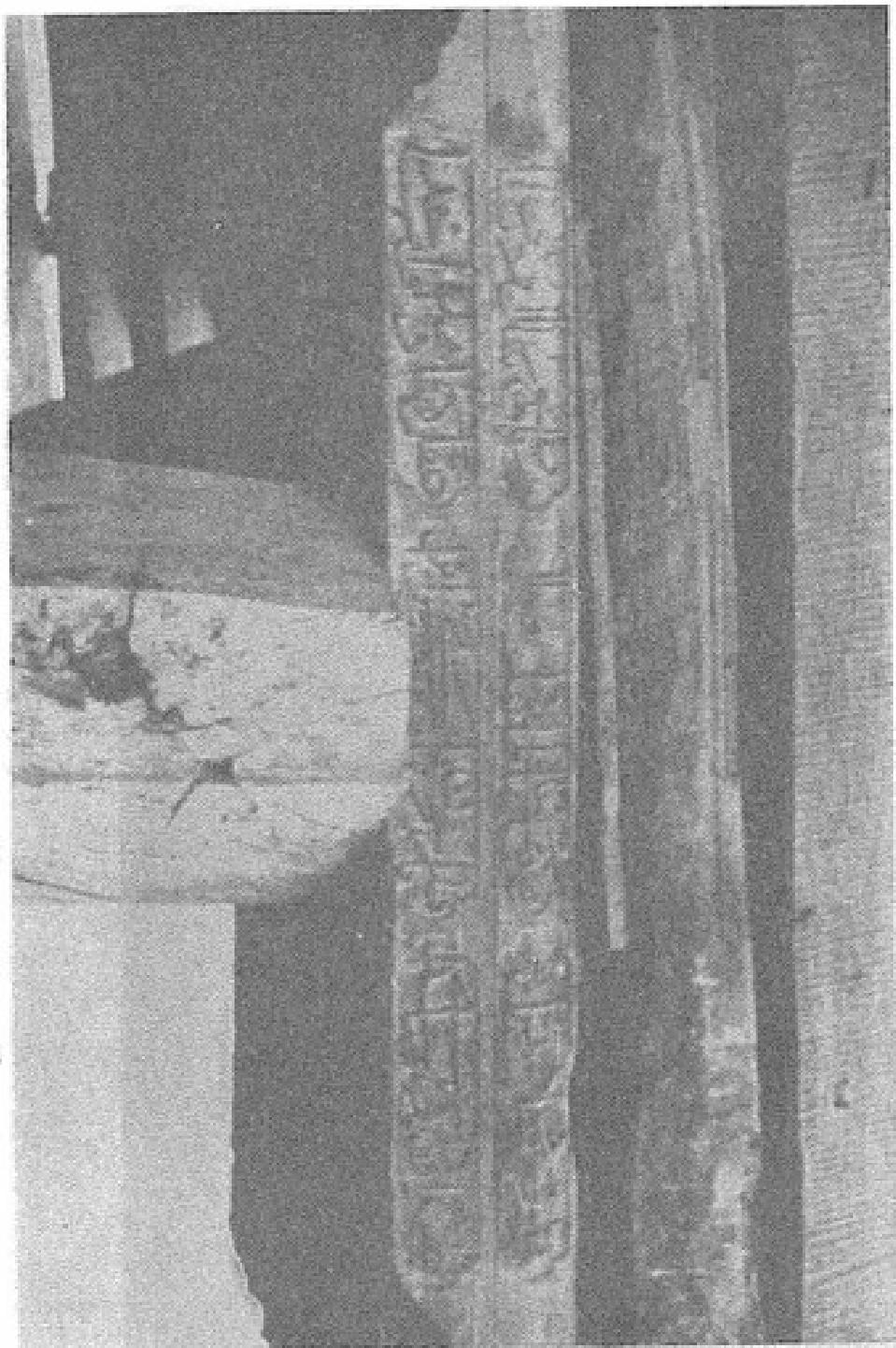
عکس شماره ۶۶ - از سنگهای قبور قدیمی که از رواق عون بن محمد حنفیه بن علی علیه السلام
بیرون آورده و بر دیوار جنوبی بقعه نصب کردند .

عکس شماره ۶۷ - سنگی نمایر بنای چهل خون و مهد حافظه بن علی علی‌الدام در
ملوک که بر دیوار چهلخانی بقیه نسب است .





عکس شماره ۲۸ - از سنگ‌آی قبوری که از رواق قلیبی عون بن محمد حنفیه علی
علیه السلام موردن آورده و در بوار جنوی مشهد نسب کردند.

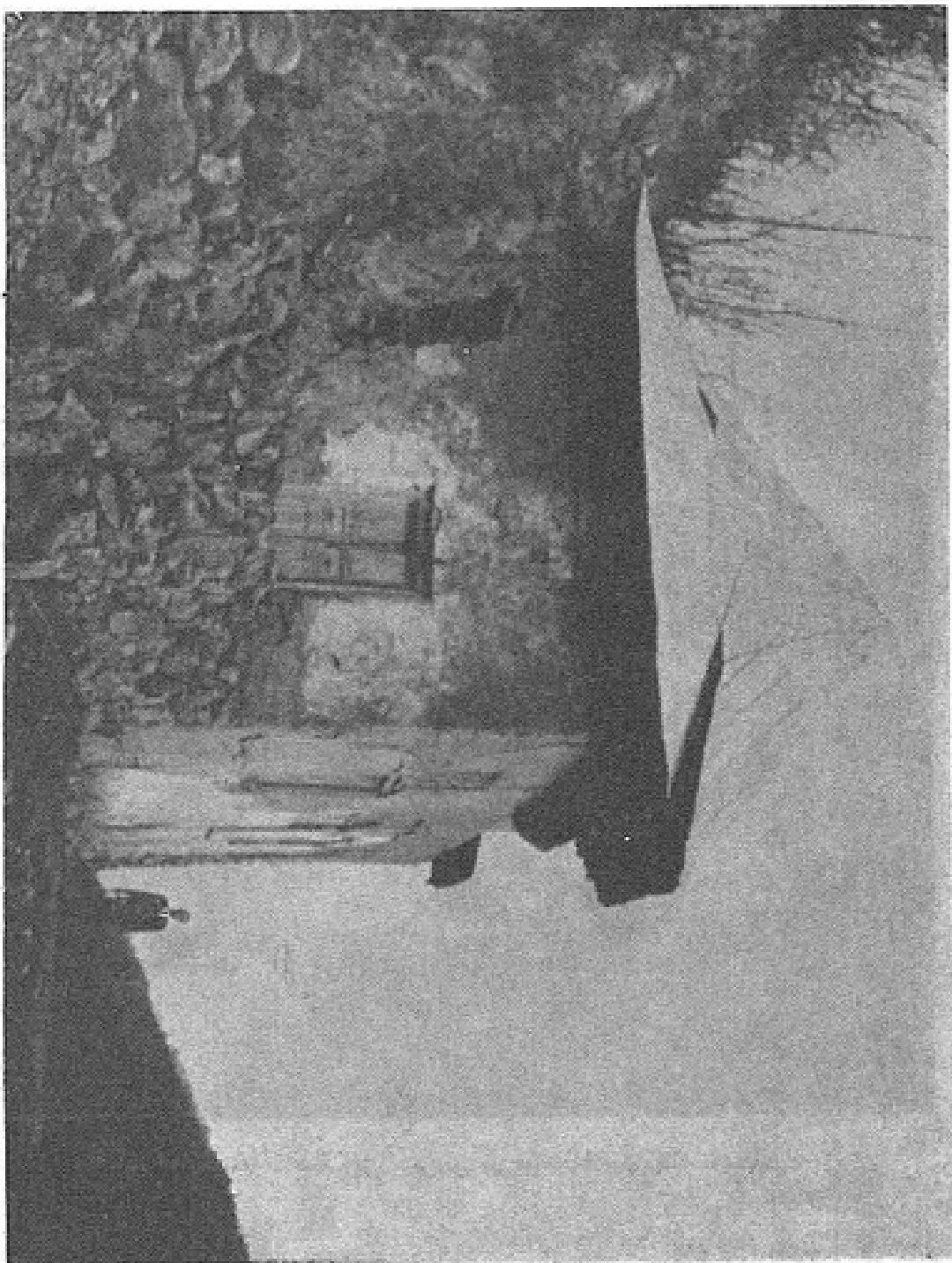


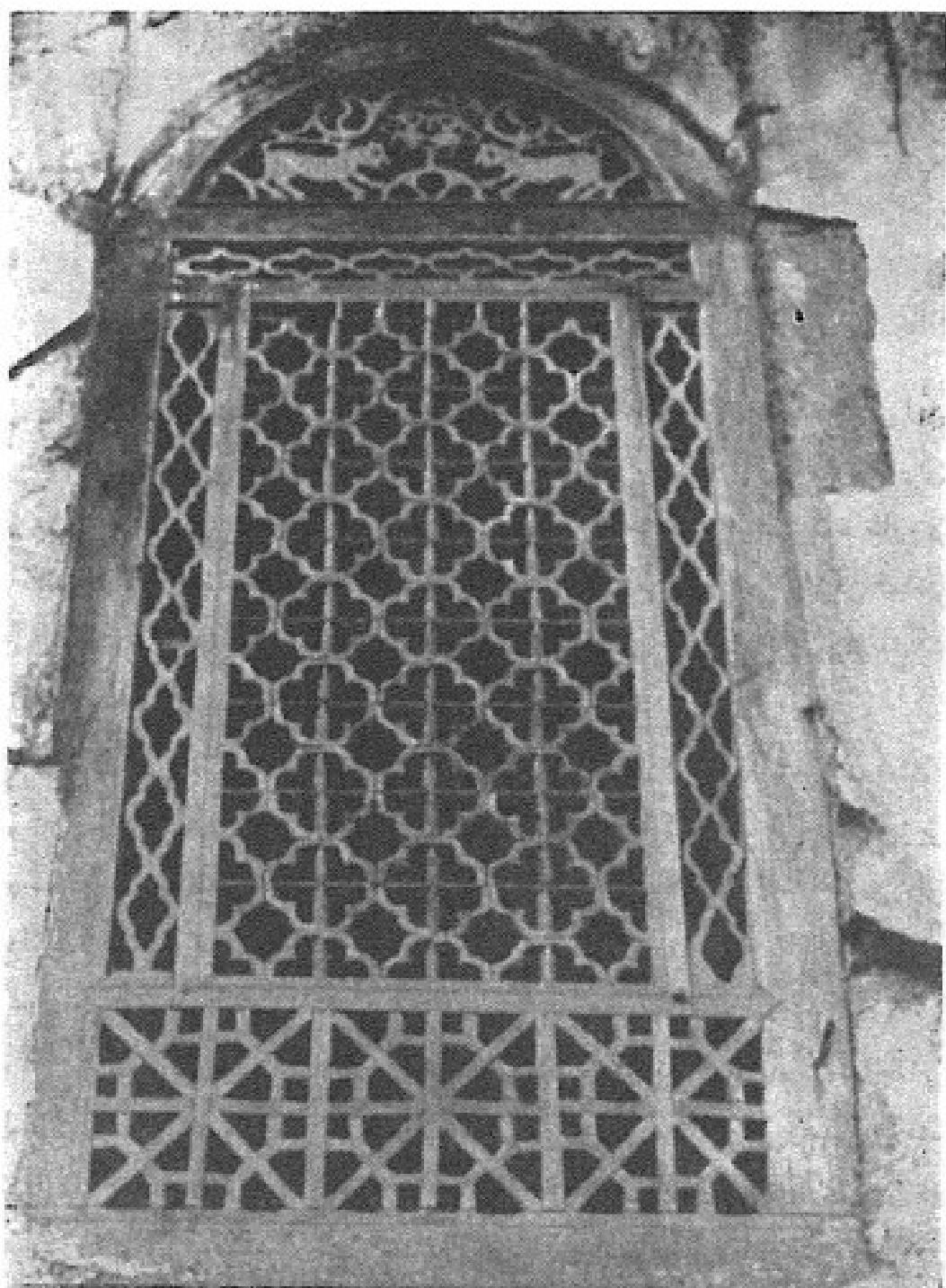
عکس شماره ۲۹ - یکی از سرتوانی مسجد ساحب‌الزمان در ماسوله.



عکس شماره ۷۰ - بقعه زین الدین بن علی علیہ السلام در دهکده اشکلت.

عکس خداره ۳۱ بندۀ عین الدین بن علی علی‌الله‌ایم از دربار دعکنیه اشکلت در راه فرسن پس از اول.





عکس شماره ۷۲ - پنجره مشبك عین الدین بن علی عليه السلام تزدیک دهکده اشکلت در راه فومن بدماسوله .

بخش هشتم

۱ - جغرافیای تاریخی فومن

بخش فومن در غرب جنوب غرب و شت است. گذشته از جنوب شرقی این بخش مابقی اراضی آن صاف و هموار است. از شمال به کسکر و مرداب انزلي د تولم، از مشرق به شفت و رو دخاله پسیخان، از جنوب به پشت کوه طارم و کوههای شفت و ماسوله و از مغرب به ماسال محدود می شود. در از ترین قسمت آن از شمال به جنوب، شش فرسنگ و پهنهای آن از شرق به غرب، چهار فرسنگ است. صاحب ممالک الابصار در باره فومن چنین می نگارد:

«سلطان فومن، برخلاف سایر شاهزادگان گیلان، شافعی مذهب است. و سلاطین این بخش با فروع این مذهب آشنائی پیدا کردند. هزار سوار زبر دست اوست. سلطان فومن و حکمران لاهیجان، بردو بخش کوچک حکمر والی دارند. قسمت اعظم مالیات ایشان از تجارت گرد آوری می شود. ابریشم بسیار عمل می آورند.

سلطان مقول، با سلاطین فومن و لاهیجان معاہده تجارتی دارد. اجناس مغولان بدون قید و شرطی وارد خاک ایشان می شود و به فروش می رسد و ابریشم فراوانی از این دو بخش می خرند و می برد. این جریان وضع تجارتی این دو بخش را بهبود بخشیده است. بخش‌های دیگر گیلان نیز اجناس واردۀ این دو بخش را خریداری می کنند. در بخش فومن یا کوههای تزدیک آن معدن آهن است. سلطان فومن خود را به خاندان علی علیه السلام منسوب می داند. این مرد پشتیبان اهل ادب و مردمان لایق است. لباس سلطان و سر بازان او مانند پوشش

تیرهای از مغولان است . علما و تجار نیز لباسی نظیر همان به تن دارند .
 فومن محل اقامت دابو پسر کیل گاو باره بوده است . پیش از سلطان شاه
 کیل از سلاطین و حکمرانان فومن اطلاعی دردست نیست . علاءالدوله پسر شاه
 غازی رستم، پادشاه هزار ندران که پس از پدر در سال ۹۵۸ قمری بسلطنت رسید،
 هنگامی که از استندار کیکاووس شکست خورد، به شاه کیل پناهنده شد .
 اسکندر منشی می نویسد که سلاطین اسحقی فومن می گویند که بازماندگان
 حضرت اسحق پیغمبرند . رشید الدین فضل الله ایشان را از احفاد ساسانیان
 می داند .

شهر فومن: فومن مرکز بخشی به همین نام و پس از آن ناسال ۹۸۰ قمری
 مرکز تمام ناحیه بیهیس گیلان بوده است . در این سال است که جمشید سلطان،
 مرکز حکومت خود را به رشت انتقال داده است . قصر حاجی جمال هنوز در
 فومن برقرار است . این شخص در سال ۱۱۵۹ قمری (۱۷۴۶ میلادی)، جان
 التن (Elton) را کشت . این قصر محل اقامت بازماندگان او بوده است .

حاجی محمدخان نیز در همین قصر زادگی می کرد . در اوایل سلطنت
 ناصر الدین شاه خود او و اطرافیانش را به رشت منتقل کردند . از آن وقت فومن
 اهمیت خود را از کف داد و به نام «قصبه» خوانده شد و بکی از دهکده های مهم
 این بخش به حساب آمد .

بر سکه ای طلا که زمان فتحعلی شاه ضرب شده است ، محل ضرب به نام
 «فومن العبارک» خوانده شده است . موخرین محلی قدیم این مرکز حکومت را
 «دارالعماره» خوانده اند .

فومن بر ساحل چپ رودخانه گاز رو دبار بنا شده است و به خط مستقیم در
 حدود بیست و پاک کیلومتری غرب جنوب غرب رشت است .

رابینو می نویسد این شهر سه شبهه بازاری دارد که بنای دکانهای آن
 آجری است و با مآنهای سفال پوش است و در حدود شش سال است که سردار همایون،

شست باب دکان در آنجا بنا کرده است. فومن دارای دو محله است. بالا محله شامل: شهر بخار - توکور ابی - پانگک' کل - جهود بخار. کاو جاوه و پائین محله شامل: دزدک (بضم دال) - خندق بخار - جهود بخار دیگر است.

ساکنان این بخش: در زمین های هموار این بخش کیلکما ساکن اند و بیلاق و فشلاق نمی کنند. ساکنان اراضی کوهستانی، کالش و نالش اند و زستان را در دهکده های پای کوه که به نام تالستان فومن خوانده می شود می مانند و تایستان را به بیلاق می روند. اراضی گیل نشین فومن به نام «کیل فومن» معروف است. دشت نشینان به بکی از لهجه های کیلکی سخن می کویند و کالشان و تالشان به زبان تالشی کفتکو می کنند. محدودی از مردم این ناحیه شیخی و باقی شیعی مذهبند. جمعیت بخش فومن در زمان راینو (۱۳۳۱ قمری) به پنج هزار و چهارصد خانوار پنج هزار می رسید که رو به مرتفع بیست و هفت هزار تن می شوند. از این جمعیت هشتصد و پنجاه تن کالش و نالش اند. راه رشت به کسما از فومن می گذرد این راه را سیهدار اعظم ساخته است.

نواحی فومن: در زمان راینو (۱۳۳۱ قمری)، فومن به پنج ناحیه تقسیم می شده است:

- ۱- علی آباد که شهر فومن نیز در این بخش افتاده است. از شرق به فیکو، از شمال به لیشاوندان و کسما، از غرب به کسما و لولمان و از جنوب به بیلاق شفت.
- ۲- فیکو در شرق علی آباد است. از شمال به شفت، از غرب به روزلر (بفتح واو و زاء) پسیخان و از جنوب به لیشاوندان ۳- کسما، از جنوب به علی آباد و لولمان، از غرب به ماسال، از شمال به کسکر و مرداب از لی و تولم و از مشرق به تولم و لیشاوندان ۴- لیشاوندان که به نام فیالم (بکسر لام) نیز معروف است.
- در شرق کسما و جنوب تولم و مغرب پسیخان و شمال فیکو و علی آباد است.
- ۵- لولمان در مشرق علی آباد و جنوب و مشرق کسما و شمال شرقی ماسوله است.

۳ - آثار و بنای‌های تاریخی بخش فومن

قلعه رودخان

در بیت کیلو متری جنوب فومن (۱)
در دل کوهستان

با اینکه قلعه رودخان مدت‌ها نخت سلطنت و مرکز حکمرانی حکام گیلان بیهق بوده، در هنون تاریخی و جغرافیائی موجود، از این قلعه نامی به میان نیامده است. تنها عبدالفتاح یک‌بار از کوه قلعه رودخان باد می‌کند و می‌نویسد که امیر شاهرخ و کامیاب، پسران امیر سالار و بنی اعمام حسین خان بودند به دستور حسن خان کهدمی در کوه قلعه رودخان کشته شدند. (۲)

خچکو (Chodzeho) می‌نویسد که در دشت فومن بیش از باقی قسمت‌های گیلان آثاری است که نمودار محلی‌ای دهکده‌های کهن است. سپس در باره قلعه رودخان که دزی است کوهستانی چنین اوثقه است:

قلعه رودخان دزی است بر بالای کوهی در قسمت عالی‌ای رودخانه ای به همین نام. باروی آن از سنگ و آجر است. طرفین در ورودی دو برج دفاعی منحکم است. بر بالای در کتبه‌ای است که مطالب زیر بر سنگی حک شده است:

این قلعه که بنام قله حمامی است اخستین بار در سال نهصد و هجده تاسال نهصد و بیست و یک به امر سلطان حسام الدین بن امیره دباج بن امیره علاء الدین اسحقی تجدید بنا شد. این کتبه را کمال الدین بن محمد گیلانی نوشت. عبارات آن از خان احمد شیروانی و تحریر آن از ابن حسین الخراسانی است. (۳)

(۱) از فومن تا گوراب پس ۸ کیلومتر و از گوراب پس تا قله رودخانه کربلاهی مهدیه کیلومتر و از آنجا تا قلعه ۷ کیلومتر است. فرهنگ جغرافیائی اطلاعات زیر را به ما می‌دهد: قلعه رودخان در جزء دهستان مرکزی شهرستان فومن ۱۶ کیلومتری جنوب شهر فومن قلعه‌ای قدیمی دارد که به نام سکار معروف است. این قلعه در حدود ۳ کیلومتری جنوب آبادی روی فله کوه بنا گردیده (فرهنگ جغرافیائی ایران) (۲) تاریخ گیلان ص ۱۸۳. (۳) این عبارت ترجمه از گیلان راینو به زبان فرانسه م ۱۶۶ و ۱۶۷ است و عین متن کتبه بست.

هدایت خان، هنگام قیام علیه کریم خان زند، به تعمیر قلعه پرداخت و توپهایی در آنجا نصب کرد.

راینو پیش از ذکر مطالبی که از خچکو آورده است از این قلعه نام برده و آوشت: در دهکده‌ای به نام قلعه رودخان، در علی آباد فومن، در جنوب غربی دهکده فومن بر حد میان رشت و فومن. در جنگل در پای ارتفاعات، دژی به نام قلعه رودخان است. (۱)

دژی که به نام قلعه رودخان خوانده می‌شود، سومین بنا از بنای‌های عجیب هفتگانه گیلان است. تکارنده که دژ‌های زیادی را دیده و مطالعه کرده، تا کنون دژی به این عظمت و استحکام ندیده است. شاید بتوان این دژ را یکی از دژ‌های عجیب ایران دانست. تنها دژی که می‌تواند برابر و همسر او باشد، قلعه اصطخر فارس است. دژ‌های خراسان و الموت و رودبار و طارم زنجان در مقابل این دژ بسیار کوچک و ناچیزند و شاید مساحت ده دوازده دژ این صفحات مساوی اراضی قلعه رودخان باشد.

این دژ بالای پوزه سوم رشته کوه‌های جنوبی فومن که بر دست چپ آب قلعه رودخان است، بنا شده است و ارتفاع آن از شهر رشت ۶۸۰ متر است. در شمال این پوزه کوه، رود کوچکی است که آب آن به آب قلعه رودخان که در مشرق این پوزه است می‌ریزد. آب قلعه رودخان نسبه زیاد است و با باران مختصری چندین برابر می‌شود و مانع حرکت سر بازانی بوده است که به طرف این قلعه می‌رفته‌اند، زیرا مجبور بوده‌اند، چندین بار این رودخانه راقطع کنند. جنگلهای ابیوه فدیم نیز مانع دیگری برای حرکت مردان جنگی بوده است. به همین جهت کمتر این دژ، در دوران آبادانی همت خود، مورد حمله متجاوزین قرار گرفته است.

در درودی یا دروازه قلعه، شمالی است (عکس شماره ۷۳) در در طرف آن

(۱) گیلان راینو ص ۱۲۱.

دو برج توپر بسیار عظیم ساخته‌اند. (عکس شماره ۷۴) قطر دایره اطاقی که بالای برج است، از داخل به پنج متر و نیم می‌رسد. (نقشه شماره ۷۵) دواطاق بالای این دو برج فقط از داخل قلعه، مدخلهایی دارند. (عکس شماره ۷۶ و ۷۷) ارتفاع در ورودی از کف بام ۵/۶ متر و ارتفاع میان حلال طاق از کف در ورودی ۳/۵ متر است.

از در ورودی اصلی که به قلعه وارد می‌شویم، دیوار جنوبی نزدیک است و بیش از بیست متر از در دوم هشتی فاصله ندارد. در ورودی اصلی ابتدا به هشتی بزرگی (عکس شماره ۷۸) وارد می‌شود و سپس از هشتی به حیاط قلعه می‌رود. این دو مدخل مسلمان روزی درهای محکم و استوار داشته‌اند. هنگامی که داخل حیاط شدیم، اگر به دست راست یعنی، به طرف غرب منحرف شویم، به اطاقهای متعدد خرابی می‌رسیم و سپس چشمۀ آبی که منبع اصلی آب قلعه است جلوی ما نمایان می‌شود. معروف است که این آب را با گنك (— تنبوشه) از بیلاق زدرخونی (بکسر دال) آورده‌اند. پس از گذشتن از این چشمۀ با پیغمودن فاصله زیادی به بنائی عظیم و مدور بر می‌خوردیم که روزی دو طبقه بوده است. و طبقه زیرین فعلاً دارای تولی است که به خارج می‌رود. معروف است که این سنج، فرارگاه قلعه بوده است^(۱). با ادامه دادن راه، به طوری که دیوار جنوبی به طرف دست چپ ماست، طرف دست راست، بناهای متعدد و زیاد است. تا پس از طبقه با آجر بنایده است. پهلوی دیوار جنوبی و شمالی پس از بالا رفتن از پنجاه پله به این شاهنشین وارد می‌شویم دیوار غربی شاهنشین، دیوار غربی قلعه است.

طبقه زیرین شامل راهروی با طاق آجری هلالی از شمال به جنوب است که از وسط این راهرو به طرف شرق راهروی دیگری با اطاقی شبدار و پله‌های متعدد

^(۱) می‌گویند این تونل به دهکده شابیش در طارم کنار سپیدرود راه دارد.

هارا به دو اطاق طبقه زیرین می‌برد. دو طرف راهروی شمالی جنوبی، پلکانی است که به اطاقهای طبقه بالا و پائین می‌رود. طبقه بالا شامل سه اطاق است، دو اطاق در جنبین و یک اطاق که مسلط بر این دو اطاق است در غرب این دو اطاق بنا شده است. غیر از سقف این اطاق جدا که خراب شده است باقی قسمتهای بنا از دیوار و سقف و پلکان کاملاً بر جاست (نقشه‌های شماره ۷۹ و ۸۰)

اگر پس از وارد شدن از در ورودی اصلی قلعه به طرف شرق رفته‌یم، باز دیوار جنوبی تزدیک ماست و بر طرف دست راست ما فرار می‌گیریم (عکس شماره ۸۱). طرف دست چپ، آثار بنایی مخربه زیاد است. پس از طی صد و پنجاه متر به سر دری می‌رسیم که بالای آن اطاقهایی است. (عکس شماره ۸۲) در اینجا دو دیوار جنوبی و شمالی خیلی تزدیک یکدیگر می‌شوند. پس از عبور از زیر این سر در و طی صد و پنجاه متر به بنایی قسمت شرقی می‌رسیم که بسیار در هم ریخته است.

در دیوار شمالی (عکس شماره ۸۳) و جنوبی در فواصل نامنظم، برجهایی است (عکس شماره ۸۴) که بالای آنها اطاقهای هشت ضلعی از آجر ساخته شده و نا امروز تقریباً تمام آنها سالم است. (عکس شماره ۸۵ و ۸۶) آبریزهایی برای پاسبانان و لگهبانان ساخته‌اند. تعداد این آبریزها در دیوار جنوبی بیشتر است. تقریباً تمام برجهای قلعه از بیرون از سنگ تراشیده بنا شده و ارتفاع آنها بیش از ده متر است.

ملیوایها آجر در این قلعه به کار رفته‌است. آجرهارا بدون شک در جلگه کیلان در محلی که خاک مناسب داشته است، پخته‌اند و سپس بدینجا آورده‌اند. ابعاد و قطر این آجرها از فرار زیر است:

$40 \times 235 \times 235$ میلی‌متر و $25 \times 210 \times 210$ میلی‌متر و $200 \times 350 \times 200$

میلی‌متر.

طول این قلعه در حدود پانصد متر و عرض آن در نقاط مختلف فرق می‌کند.
 (نقشه شماره ۸۷)

عظمت این قلعه به قدری است که به شهری آباد بیشتر شباهت دارد. نگارنده که بیش از بیست قلعه از قلاع انگلستان را از تزییک دیده است. این قلعه را بزرگتر و مستحکم‌تر از هر یک از آنها می‌داند. بسیار بجای است که پس از انداختن درختان جنگلی که خود عامل بسیار مؤثری در تخریب بنای‌های باستانی گیلان است، این قلعه را تعمیر و مرمتی کنند و راهی برای آن بازند، تاجهای گردان بتوانند یکی از بنای‌های عجیب ایران را از تزییک مشاهده کنند.

جلو در ورودی قلعه پایه ستویی از سنگ سفید است که طول فعلی آن ۷۷ سانتیمتر و عرض آن ۳۳ سانتیمتر و طول پایه آن ۳۵ سانتیمتر و عرض آن ۲۵ سانتیمتر است. این عبارات بخط خونی نستعلیق بر آن حک شده است:
 « علاءالدین اسحقی خدمملکه سلطانه در تاریخ نهان عشروتی‌عماهه این قلعه مبارکه را که مسمی بقلعه حمامی است و هر گز درجه تعمیر نیافته ۹۱۸ دانا چون دهر دشمن خوی هرزه جوی ... خویش اظهار کند و عهد ...»
 باقی مطالب آن فرسوده شده و از میان رفته است.

کتبهای که خیکو از آن باد کرده است، امروز بر بالای در ورودی نیست. راهنمایان اظهار می‌کردند که مردمی هندی این سنگ را از محل خود کنده و پائین انداخته است. دیگران آن را شکسته‌اند و پاره‌های آن را به دره مقابله در ورودی انداخته‌اند. مدت‌ها درختان و علف‌های جنگلی جستجو کرده‌اند و پاره‌های آرا نیافریم.

مدرسه و مسجد قدیم مشهور به مسجد جامع در شهر فومن (۱)

بنائی است آجری به ابعاد داخلی ۱۳/۳۰ × ۱۲/۸۵ متر، که دو ردیف پایه آجری در میان بنای است که صحن مسجد را به سه قسمت اصلی تقسیم می‌کند.

(۱) راینو محل آن را در ناحیه علی آباد بخش فومن می‌داند. (گیلان راینو س ۱۶۹)

در هر رده چهار بایه است. قسمت پائین و بالای پایه‌ها چهار ضلعی و میانه آنها هشت ضلعی است. اخلاص این هشت ضلعی دو بهدو مساوی است. در سمت قبلی محرابی ساده دارد که بسمله بر آن گچ بری شده است. چهار رده کاشی سبزرنگ به ارتفاع ۶۰ سانتیمتر که در درگاه در ورودی است، گلدار و قدیمی است. بالاخانه مانندی چوبین که بر دو بایه متکی است، قسمت زنانه مسجد است. در غرب بنا یک در ورودی و شش پنجره در پائین و هفت پنجره در بالا است. این در و پنجره‌ها در قسمت زنانه مسجد است. در سمت شمال پنج پنجره در پائین و شش پنجره و یک در ورودی در بالا است.

در ضلع شرقی، دو در ورودی و یک پنجره است. سقف لمبه کوبی با درز پوش خط دار، بام آن سفال سر و حلب سر است.

باقعه پیر جلوه دار در پائین محله فومن (۱)

بنای اصلی شامل اطاقی است به ابعاد داخلی ۴/۵ × ۴/۲۰ متر. صندوقی قدیمی از چوب آزاد در وسط به طول ۱۹۰ و ارتفاع ۹۵ سانتیمتر قرار دارد. در ورودی در سمت غربی است. در طرف جنوب یک در دو پنجره، طرف شرق و شمال یک در و دو اشکاف دارد. در شمال به آبدارخانه باز می‌شود. سقف بنا لمبه کوبی با درز پوش و بام آن حلب سر و سفال سر است. (عکس شماره ۸۸)

باقعه آقا سید جعفر آقا در شهر فومن

بنای باقعه و مسجد قدیمی را خراب کرده و مشغول ساختن بنای بسیار مجلل هستند. صندوقی قدیمی به طول ۱۸۰ و عرض ۱۰۰ و ارتفاع ۱۳۰ سانتیمتر در هوای آزاد بود که ضریحی چوبین مشبك آرا احاطه کرده بود. بر قید ضریح این عبارات خوانده شد:

... رسید این منزل ... آنکس که این خط نوشته علی اکبر این محمد

علی الاصفهانی فی یوم جمعه بیست و هشتم ... ۱۲۵۵ .

(۱) پیر جلوئی در ناحیه علی آباد پخش فومن (کیلان راینو ص ۱۶۳).

قلعه گل

در دهکده‌ای به همین نام نزدیک شهر فومن

اطراف تپه‌ای را که سطح آن در حدود چهار پنج هزار متر است خندقی آنده‌اند که آثار آن بر جای است . در بالای این تپه بنایی بوده است که فعلاً دهکده قلعه کل به جای آنها بنا شده است . در بازدیدی که راینو از این قلعه کرده است می‌نویسد «آثار بنا و خندق آن باقی است .» (۱)

بقعه آقا سید عبدالله بن موسی بن جعفر علیه السلام
در دهکده گلرم (۲) فومن

بنای اصلی این بقعه به ابعاد ۶۵/۴ متر و ۷۰/۵ متر است . صندوقی چوبی مشبک در وسط بنایت که طول آن ۲۲۰ و عرضش ۱۰۰ و ارتفاعش ۱۲۰ سانتیمتر است . در داخل بقعه بر دیوار غربی که ارسیهای چوبین دارد «وان یکاد» تا آخر بارگ نوشته شده است . در دیوار جنوبی ارسیهایی است که شیشه‌های رنگین دارد . پائین این ارسیها این اشعار برچوب حک شده است :

در سنگ نوشتہ بود نقاش دنیا نکند وفا تو خوش باش
کر جمع کنی تومال فارون با خود نبری دودانه خاش خاش (۳)

عمل حبیب الله

بر سمت چپ این اشعار با خط مستعملین برچوب ارسی این اشعار حک شده بود :
 ای دل تو چرا در این زمان بیخبری روزان و شبان در طلب سیم وزری
 سر ما یه‌این جهان یکی او کفن است آنهم به گمان آیا بری یا نبری
 چهار طرف بقعه ایوان دارد . عرض ایوان شرقی یک متر و نیم و ایوان
 شمالی و غربی دو متر و نیم و ایوان جنوبی یک متر است . در هر ایوان ، نه ستون با
 سرستونهای بسیار ظریف است . بر بیست و شش عدد سرستون آیات فرآنی داشعار

(۱) گیلان راینو ص ۱۷۸ . (۲) بفتح کاف و لام . تویسته فرنگیکه جنرا فیالی به
 هم کاف ضبط کرده و می‌نویسد «ده ازدهستان حومه بخش من کزی شهرستان فومن ، شش کیلومتری
 غرب فومن ، کنار راه فرعی فومن به ماسوله .» (۳) مقصود خشخاش است .

فارسی نوشته‌اند. در میان این نوشتة‌ها سنه ۱۳۴۶ نیز خوانده می‌شود. سقف بقعه وایوانها امبه کوبی و بام سفال‌سراست، گلستانه چوبین زیبائی دریکی از زوایای بنایت که با نرده‌بان به داخل آن می‌روند. (عکس شماره ۸۹) درخت آزاد کهنه در محوطه بنایت که محیط دایره آی ۵۴۰ سانتی‌متر است.

**بقعه سید حمزه و سید سلیمان اینان امام موسی الكاظم علیہ السلام
در نقوت لولهان فومن (۱)**

صحن اصلی بقعه، اطاقی است به طول ۱۵ و عرض ۷ متر. صندوقی نزدیک به ضلع شرقی است که طولش ۲۱۰ و عرضش ۱۶۰ و ارتفاعش ۱۱۵ سانتی‌متر است و طاقی کهواره‌ای مشبک دارد. در ضلع غربی بناک در ورودی و سه پنجره بزرگ، در ضلع شمالی سه پنجره متوسط، در ضلع شرقی شش پنجره بزرگ و در ضلع جنوبی سه پنجره بزرگ است. سراسر سقف امبه کوبی و بام حلب سراست.

سنگ مرمر کوچکی به طول ۰۵ و عرض ۳۵ سانتی‌متر در این اطاق است که عبارات زیر با خط نستعلیق بر آن حک است.

وفات مر حوم مغفور غفران و رضوان جایگاه ملا احمد متولی امامزادگان
بقریه نقوت ولد مر حوم ملا عبدالباقي قزوینی الاصل بتاریخ بیست و هفتم شهر
 ربیع الاول ۱۲۲۶ نشانها: شانه و تسبیح و مهر و انگشت.

سنگ مرمر دیگری به طول ۳ و عرض ۲۱ سانتی‌متر در این اطاق است که سنگ قبر دختر ملا احمد است و عبارات زیر بر آن حک شده است:

وفات مر حومه مغفوره رضوان جایگاه اساخانم بنت مر حوم ملا احمد
بتاریخ بوم سهشنبه ربیع الاول سنه ۱۲۳۰. نشانها. تسبیح، مهر و انگشت.

راینو پس از نام بردن این بقعه می‌نویسد که چشمۀ آب گوارانی زیر بنای امامزاده است. (۲)

(۱) نقوت امروز جزء سوم ممه سراست. (۲) کیلان راینو ص ۱۷۸.

خشت پل

بر روی نهر شیرک منشعب از ماسوله رودخان
در پشتیر (۱) لو لمان فومن

پلی است آجری به طول ۱۷/۸۰ و عرض ۵۰/۴ متر، شامل دو طاق که یکی از آنها کوچک و دیگری بزرگ است. ارتفاع آخرین نقطه هلال طاق بزرگ از سطح آب ۳/۹۰ متر است. (عکس شماره ۹۰)

بقعه پیر زاهد

در سیاووه رود آلیان فومن (۲)

فاضی نورالله می نویسد که شیخ زاهد کیلانی مرشد شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی، جد سلاطین صفویه در سال هفتاد و فمی در کیلان در گذشته و در سیاووه رود به خاک سپرده شده است. (۳) بقعه شیخ زاهد فعلا بنایی بسیار ساده زگالی است که بر زمینی صاف بنا شده است. صندوقی مشبك در وسط بناست. طرف غرب آن، ایوانی گلی دارد که در ورودی بقعه در آین ایوان است. سقف سراسر ایوان واشان کشی و بام لت پوشی است.

بقعه دوالكوه (۴)

جزء خاک آلیان فومن بر هر ز آلیان و تنبیان

بر سر ارتفاعی جنگلی بقعه ایست چوبین، با حفاظی که از ارسیهای مختلف تشکیل شده است. صندوقی چوبی میان صحن بقعه است. طرف غرب بنام سجدی است. چهار طرف بنا ایوانی ساده دارد. سراسر سقف واشان کشی و بام لت سراست.

(۱) بضم پ. ده از دهستان مرکزی بخش سومنه سرا شهرستان فومن بک گیلو متری جنوب غربی سومنه سرا. (۲) سیاووه رود در زمان رایینو (سال ۱۳۳۱ قمری) جزء منطقه فنلانق نشین ماسوله بوده است و فرهنگ جغرافیائی نیز آن را جزء ماسوله دانسته است. (۳) مجالی المؤمنین به اقل از کیلان رایینو س ۱۷۵. سیاووه رود ده جزء دهستان ماسوله بخش مرکزی شهرستان فومن، ۱۸ کیلو متری باخته فومن. (۴) فرهنگ جغرافیائی ایران) گاهی سیاووه رود را جزء کشا به حساب آورده اند. (۴) دوال کوه، ده کوچکی است از بلوک آلیان دهستان ماسوله بخش مرکزی شهرستان فومن. (فرهنگ جغرافیائی ایران)

**دو قلعه متصل به یکدیگر معروف به قلعه کل (۱)
در دهکده زریده فومن**

بر اطراف تپه‌ای که سطح آن در حدود پنج هزار متر است آثار خندقی دیده می‌شود. آثار خرابه‌های آن قبل از اینکه اراضی به باغ چای تبدیل شود پیدا بوده است. معروف است که در بنای‌های آن سنگ‌های بزرگی به کار رفته بوده است. از سنگ‌ها نشانی نیافتم.

**پیر با ولی (۲)
در کما مردخ (۳) تولمان فومن**

بنائی است دارای چهار حفاظ مشبك چوبین. صندوقی مشبك در وسط بناست. چهار طرف بنا، ایوان دارد و ستونهای ایوانها دارای سر ستون است. سقف سراسر بنا واشان کشی و بام لت پوشی است.

**منار ازبر (۴)
در ازبر فومن**

باقي هانده این منار در حدود یک متر و نیم ارتفاع دارد. بنائی مدور است که قطر داخلی فعلی آن، پس از ربختن لبه آجرها، چهار متر و قطر خارجی آن پنج متر است. ابعاد آجرهای که در این بنا به کار رفته است، $۵ \times ۲۱ \times ۲۱$ سانتی‌متر است. اهالی ازبر می‌گویند، آشیزخانه قلعه رو دخان در اینجا بوده است و غذا پس از آماده شدن، از این محل دست به دست به قلعه رو دخان می‌رفته است.

**ذیارت دستخط امیر المؤمنین
در گشت (۵) فومن**

راینتو می‌نویسد که در اینجا قرآن کوفی کوهنه‌ای است. (۶) نگارنده به محل رفت و از متولیان جویا شد. ایشان اظهار داشتند که این قرآن در جعبه‌ای

(۱) به شم کاف بمعنی تپه یاخا کریز دستی تپه مانند است. (۲) ثابد: پوریای ولی.

(۳) بفتح کاف و میم و دال. (۴) بفتح الف و سکون زاه و فتح باد. (۵) به فتح کاف. (۶) کیلان راینتو ص ۱۷۰.

داخل ضریح است. اما پس از اینکه ضریح را از جای کنده و به جعبه رسیدند، داخل جعبه قرآنی چاپی بود که بیش از پنجاه سال عمر نداشت. این ضریح که یک طرف آن مشبک است (عکس شماره ۹۱۵) در اطافی اوساز قرار دارد. سقف بنا لبیه کوبی و بام آن حلب سراست.

قلعه الله داده کوه بر بالای کوهی در جنوب گشت رودخان

این قلعه که به نام الله دادی کوه والله دار کوه نیز خوانده می شود، بر سر راه گشت به کرد محله، ابتدای ارتفاعات سمت راست بر بالای نیمه ای بوده است. امروز سراسر تپه تبدیل به باغ چای شده است و بر بالای این تپه از قلعه نشانی نبود. راینو این قلعه را «الله داد کوه» می خواند و می نویسد که بر سر کوهی در جنوب گشت قرار دارد. هنگامی که سلاطین فومن به قلعه رودخان بنامنده می شدند، خزانه این وجوه را خود را بدین قلعه می فرستادند.^(۱)

باقي بناها و آثار تاریخی فومن

- ۱- قلعه زربن کل در گشت رودخان نزدیک بیل.
- ۲- عمارت سردار همایون، کنار رودخانه پیشخان در جوار پل کاسان در لیشاوندان فومن. سردار همایون لقب دوم عبدالحسین خان مدیر الملک است. عبدالحسین خان پسر محمد خان سرتیپ ملقب به مدیر السفرا پسر حاجی قاسم خان است. راینو در کتاب گیلان خود من ۱۷۷ از این بنا یاد کرده است.

۳- امامزاده میرزا در قبرستان عمومی شهر فومن

۴- پیر یوسفعلی در جور بخار فومن.

۵- امام بر در شهر فومن.

۶- پل قدیمی فومن.

۷- امامزاده تقی در راه گشت.

(۱) گیلان راینو ص ۱۶۲.

- ۸- بقعة درویش محب علی در بوئین فومن.^(۱)
- ۹- قلعه تیمور لنگه در آستانه.
- ۱۰- آثار خندق و قلعه و خانه‌هایی در شیرزیل فومن.
- ۱۱- مزار کمال الدین محمد و کمال الدین احمد^(۲) در محل ولپشت گلندرود.
- ۱۲- مزار آقا سید یعقوب در گوراب پشالم در لیشاوندان فومن. رایینو می‌نویسد درختی کهنسال بود که‌هاهای آنجابدان احترام می‌گذاشتند. در دوران اویعنی سال ۱۳۳۱ فمری بنایی ساختند و امامزاده‌اش کردند.^(۳)
- ۱۳- مزار سید ابراهیم در فلاپا (= فلاخ آباد) فومن بر سر جاده قدیم رشت به فومن. رایینو نیز از این مزار یاد کرده است.^(۴)
- ۱۴- بقعة آقا شیخ جمال در شاویزان در دره قلعه رو دخان سمت راست رو دخانه.
- ۱۵- سید صالح در دهکده اوده فومن.
- ۱۶- مسجد کولک در بالای تپه در دوبخش^(۵) در تزدیکی ازین.^(۶)
- ۱۷- بنای مربع آجری میان گوراب‌پس و خروآباد فومن. رایینواز این بنا یاد کرده است. اما نگارنده آن را بیافت.^(۷)
- ۱۸- مسجد قدیعی زودل در دهکده زودل در هجده کیلومتری غرب فومن بر سر راه فومن به ماسوله.
- ۱۹- مزار آقا سید ابراهیم بن موسی الكاظم علیه السلام در گوراب زرمنج.^(۸)
- ۲۰- مزار آقا سید ابراهیم بن موسی الكاظم علیه السلام در گوراب زرمنج.^(۸)
- ۲۱- مزار امامزاده عبدالله در کسما. رایینو می‌نویسد معمولیان اینجا فرمایه‌ای از سلاطین صفویه دارند که ایشان را از پرداخت مالیات معاف کرده‌اند.^(۹)

(۱) گیلان رایینو ص ۱۶۹. (۲) اعلی کلار الدین محمد و کلار الدین احمد خوانند.

(۳) گیلان رایینو ص ۱۷۷. (۴) گیلان رایینو ص ۱۶۹. (۵) بفتح باء و شين. (۶) بفتح الف و

سکون زاء و فتح باء. (۷) گیلان رایینو ص ۱۶۷. (۸) بفتح زاء و همیم. رایینو نیز از این بنا یاد کرده است (گیلان رایینو ص ۱۷۳). (۹) گیلان رایینو ص ۱۷۴.

نگارنده دسترسی به این فرمانها پیدا نکرد.

۲۲- قلعه قلندرخان در بالای کوهی در گلندروود رایینومی نویسد: قلندرخان، مردی شیاد واز یاغیان دوران نادرشاه بود. در این محل قلعه‌ای ساخت که زیر زمینهای آن تا دوران خچکو (Chodzko) باقی بوده است.^(۱)

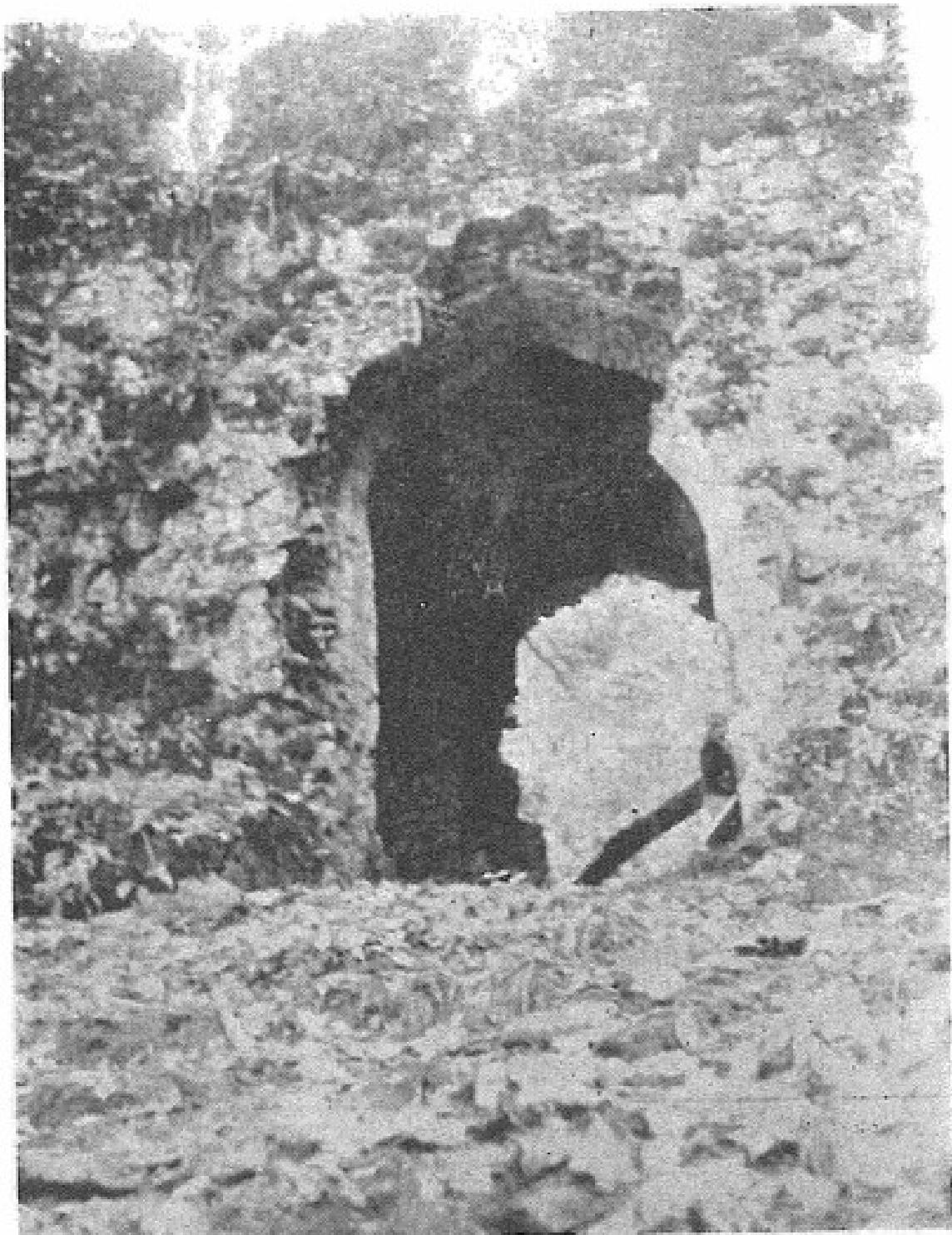
۲۳- مقبره خانوادگی خاندان اسحقی در فومن، عبدالفتاح فومنی در تاریخ گیلان می‌نویسد که امیره علاءالدین پدر امیره دباج فومنی در مقبره اجدادی خود در فومن به خاک سپرده شد.^(۲)

۲۴- مقبره شاه جمشیدخان^(۳) نوہ امیره دباج فومنی (= مظفر سلطان)^(۴) در فومن، عبدالفتاح می‌نویسد که جسد شیرزاد سلطان را در مزار شاه جمشیدخان به خاک سپردند و سر اورا برای خان احمدخان به گیلان بیدیش فرستادند.^(۵) احتمال می‌رود مزار شاه جمشیدخان در همان مقبره خانوادگی خاندان اسحقی در فومن باشد.

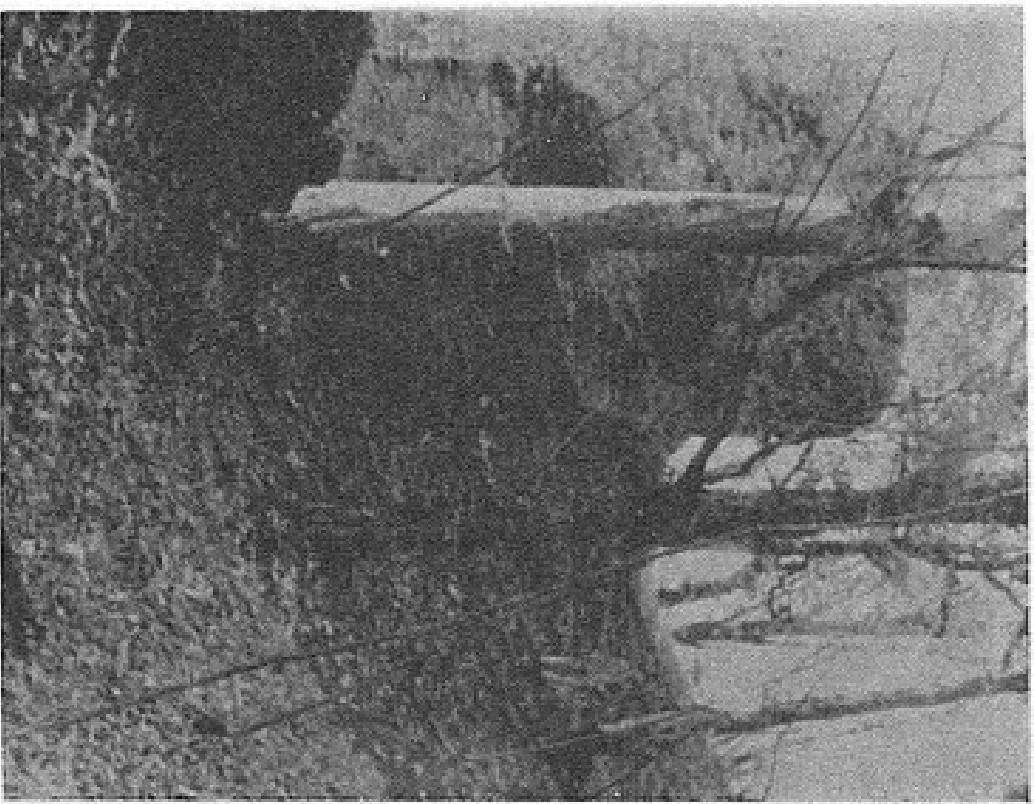
۲۵- مقبره آبای بوسعید هیر در موضع شنبه بازار فومن. عبدالفتاح می‌نویسد که بوسعید میر را در موضع شنبه بازار فومن به جوار مقبره آبای او مدفون ساختند.^(۶)

(۱) گیلان راینو به نقل از خچکو ص ۱۶۷ و نظر خود مؤلف ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

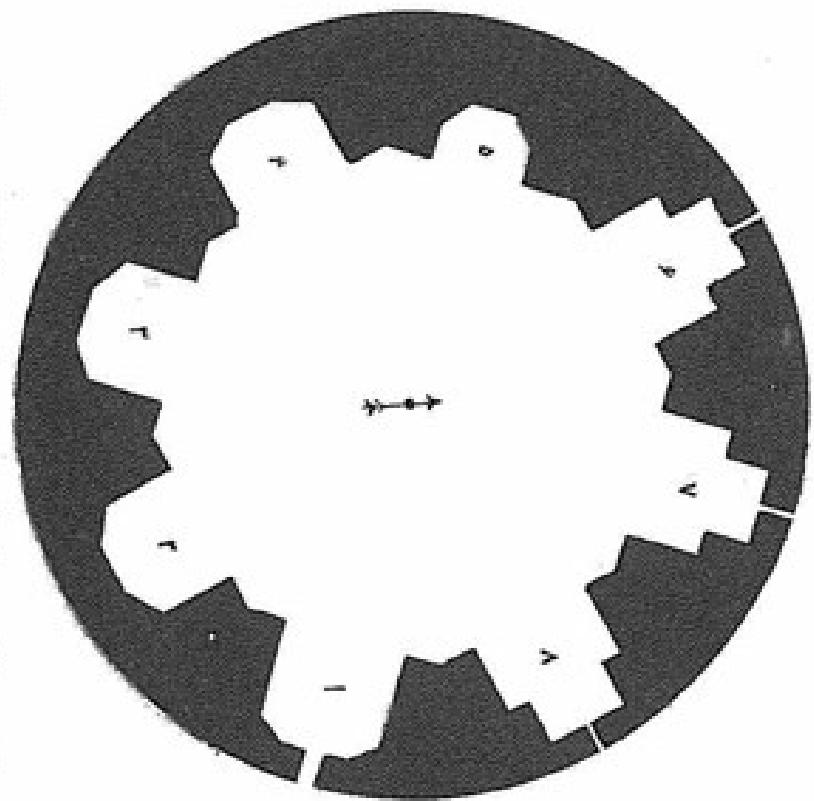
(۲) تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۳۰۶. (۳) خدبهجه بیکم دختر شاه طهماسب دز ۲۶ شعبان سال ۹۷۷ زن جمشیدخان نوہ امیره دباج (= مظفر سلطان) شد. (۴) امیره دباج بس از ازدواج با خیرالان بیکم دختر شاه اسماعیل به لقب «مظفر سلطان»، ممتاز گردید. (تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۸) در تاریخ گیلان عبدالفتاح ص ۷ شرحی درباره این عروس هست. (۵) تاریخ گیلان ص ۹۵. (۶) تاریخ گیلان ص ۲۰۲.



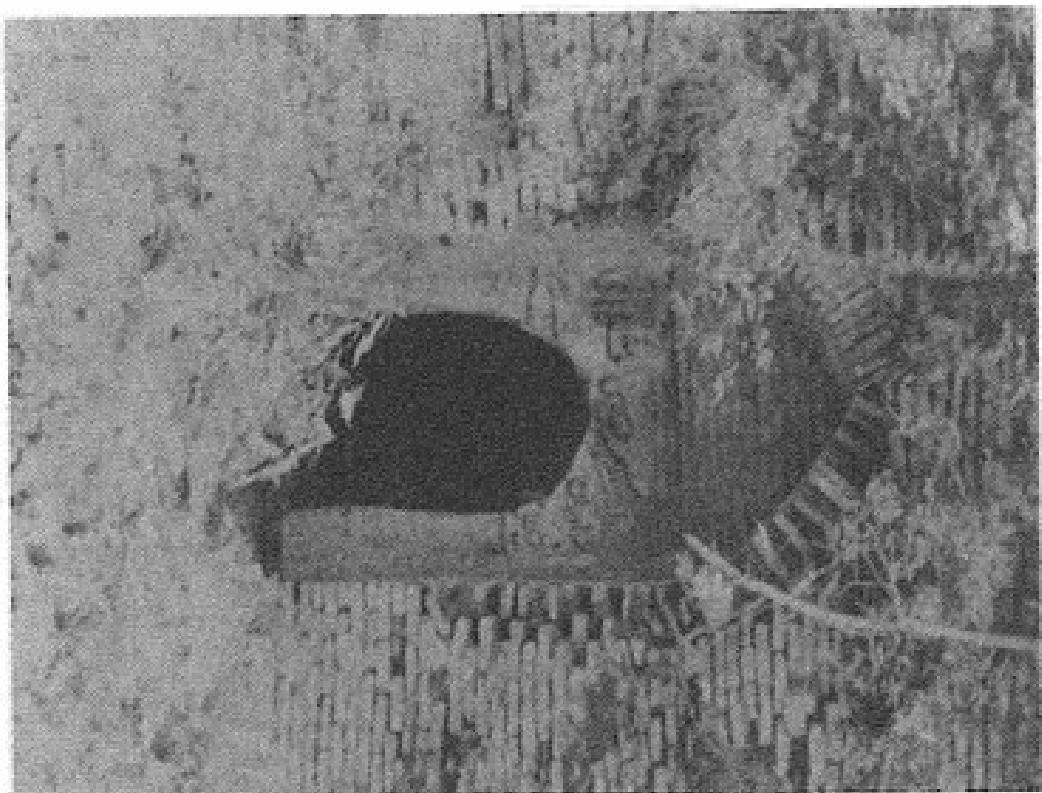
عکس شماره ۷۳ - دروازه اصلی قلعه روودخان .



عکس شماره ۷۴ - پکی از مرجهای قلعه رودخان.



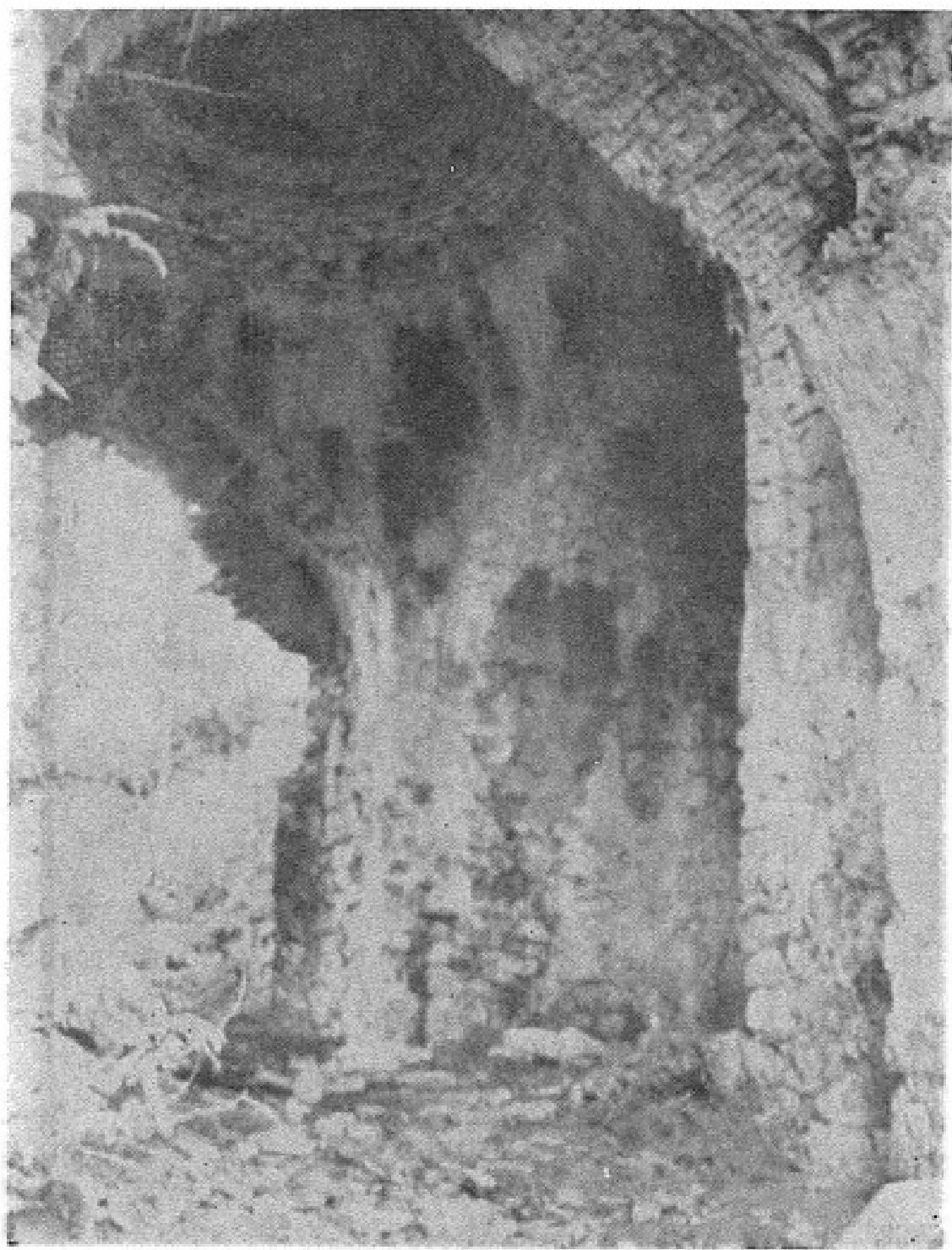
نقشه شماره ۷۵ - نقشه برچ سمت راست دروازه قلعه رودخان



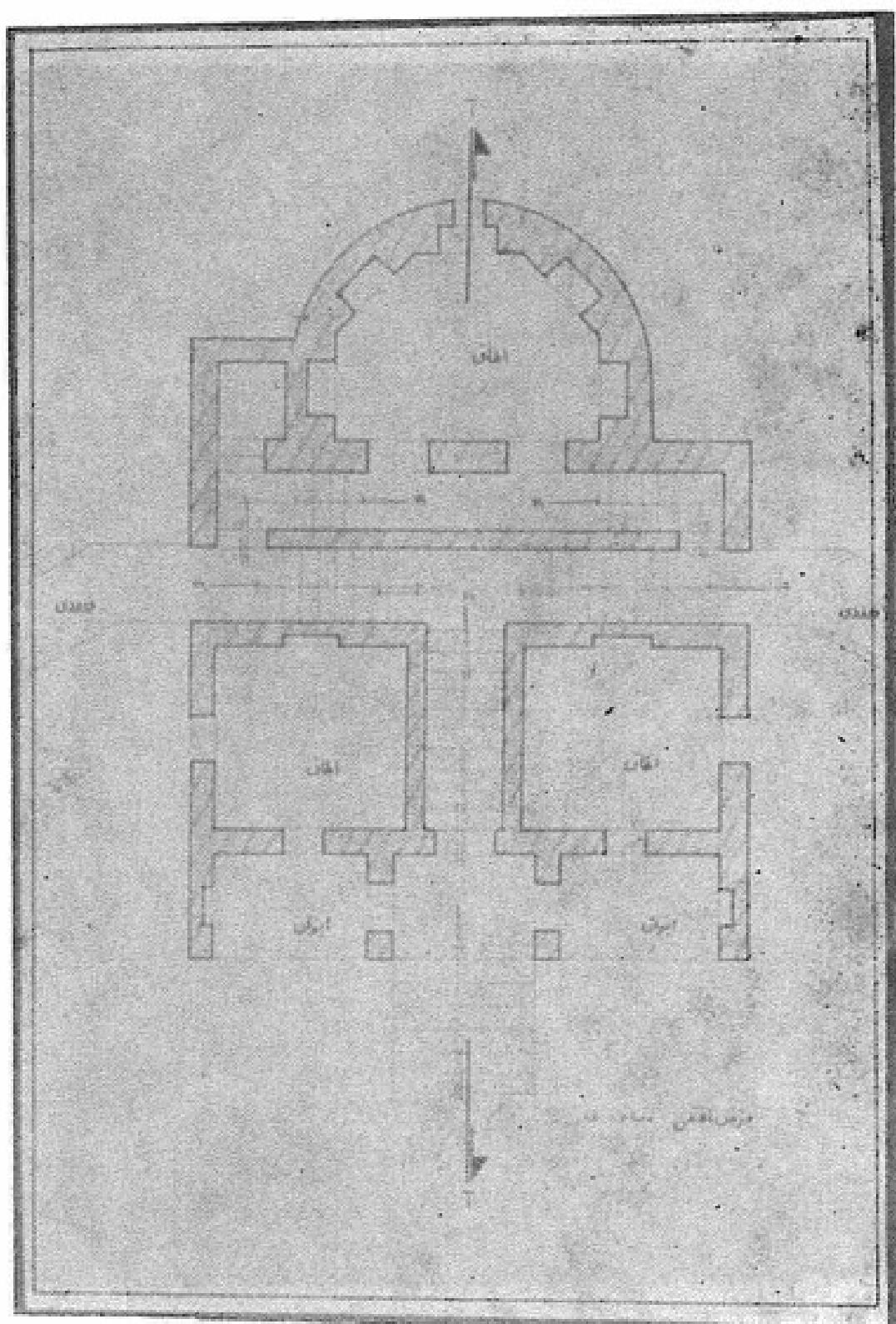
عکس شماره ۷۶ - مدخل اطافی که در بالای برج ساخته دروازه اصلی قلعه روودخان بنا نموده است.



عکس شماره ۷۷ - مدخل اطافی در بالای برج سمت راست دروازه اصلی قلعه روودخان.

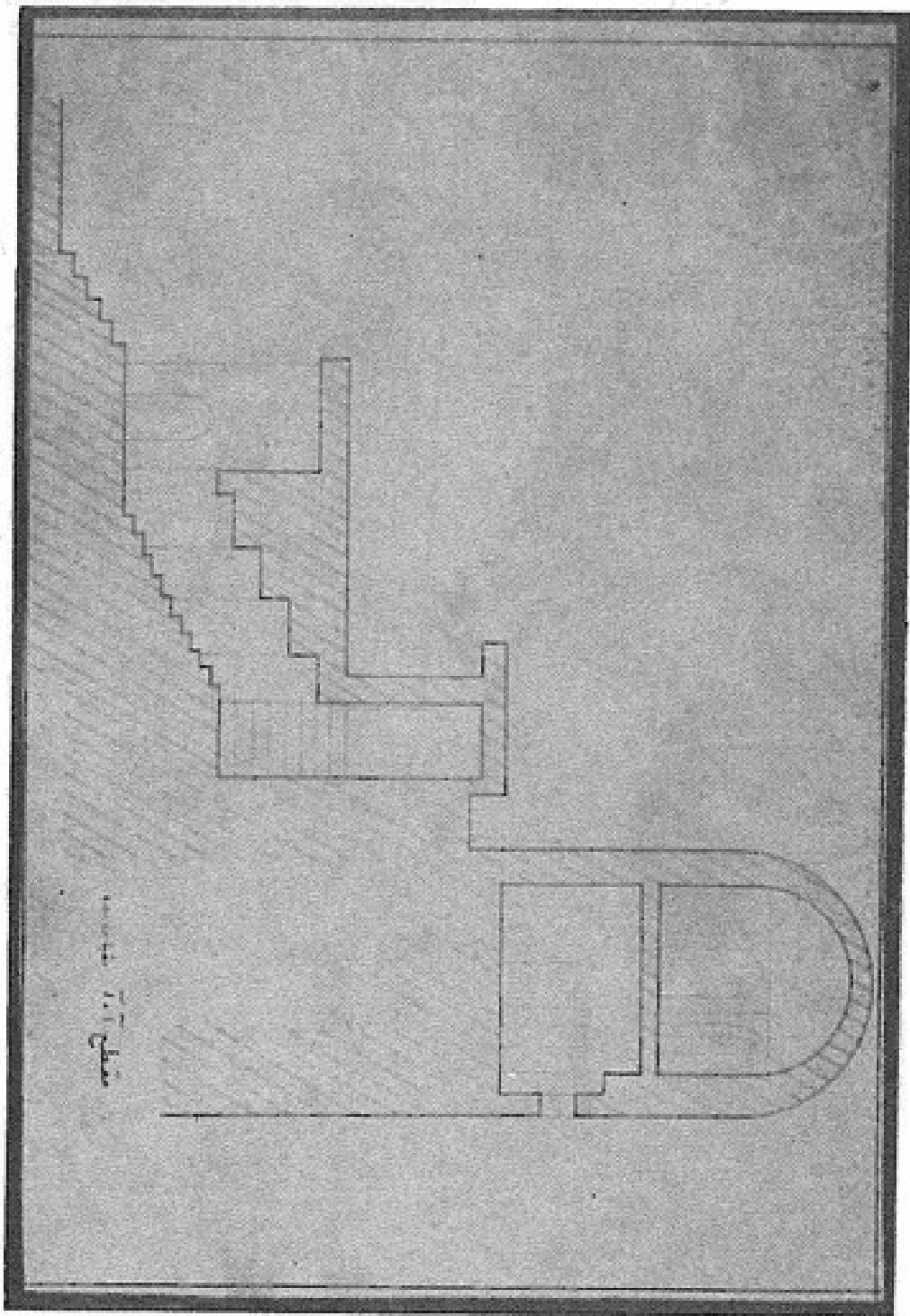


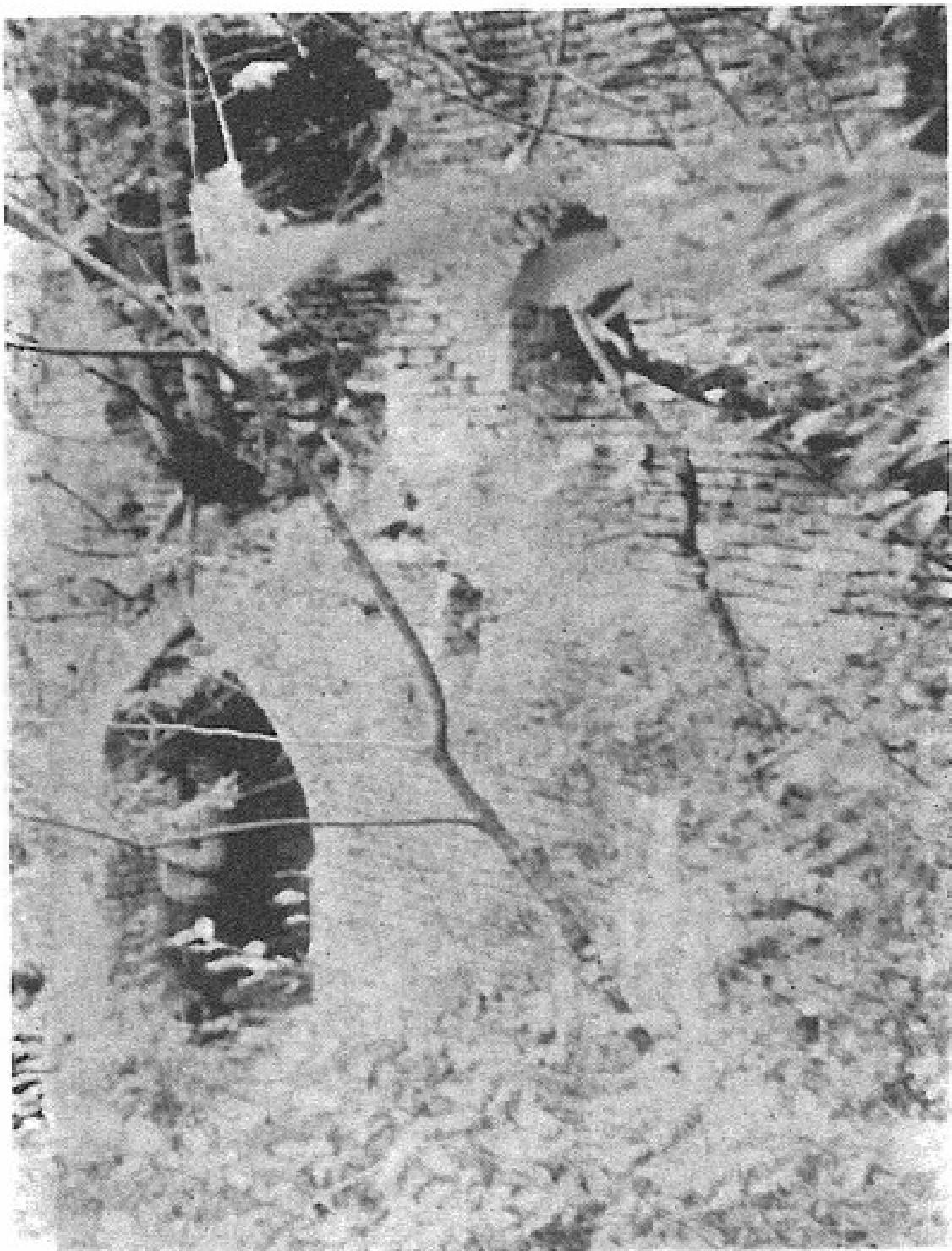
عکس شماره ۷۸ - هشتاد و نهاده بیان دور دروازه اصلی رو دخان.



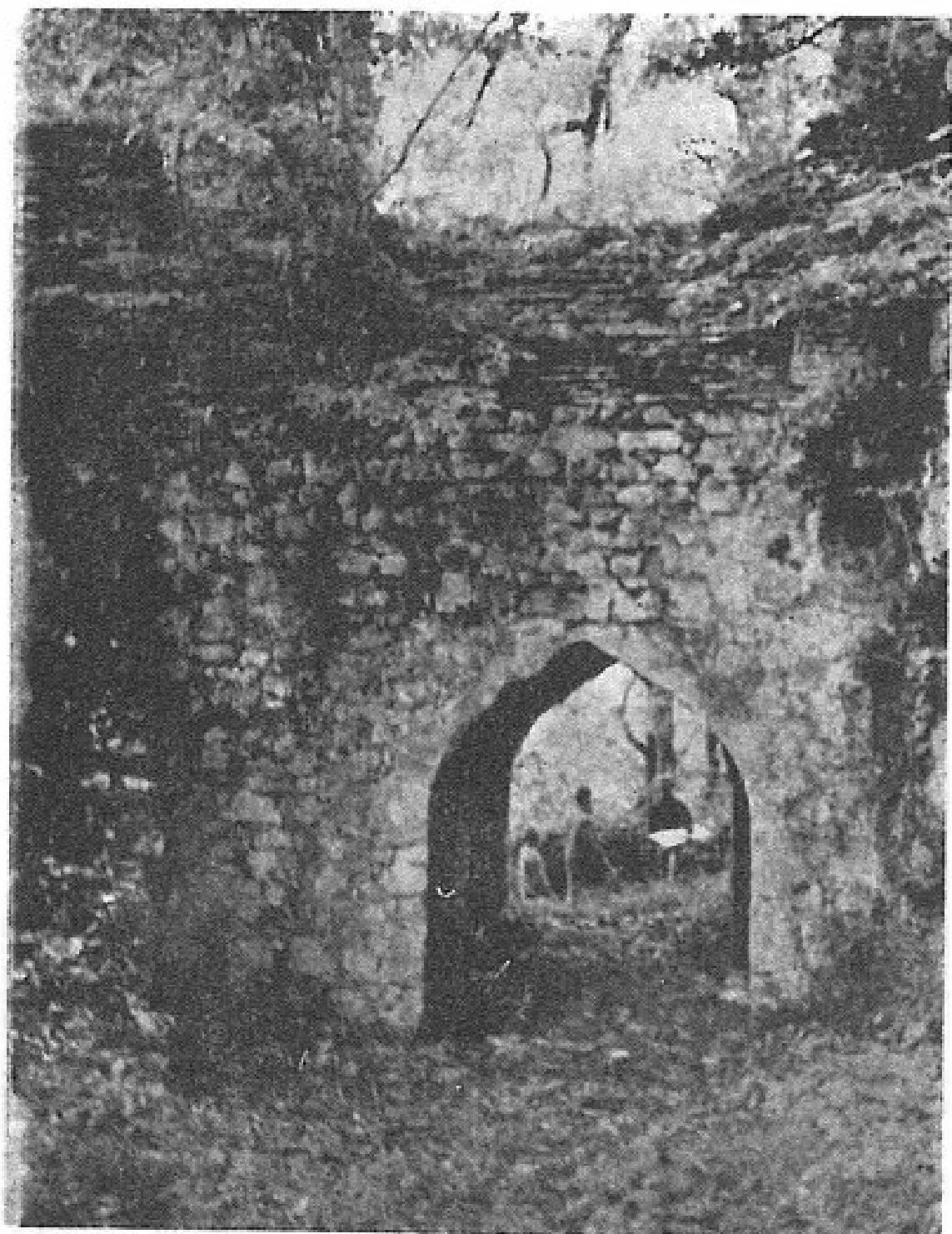
نقشه شماره ۷۹ - نقشه شاهنشین قلعه رودخان .

عکس شماره ۸۸ - ایش محدودی از بناهای شاهزادین قلعه روچان .



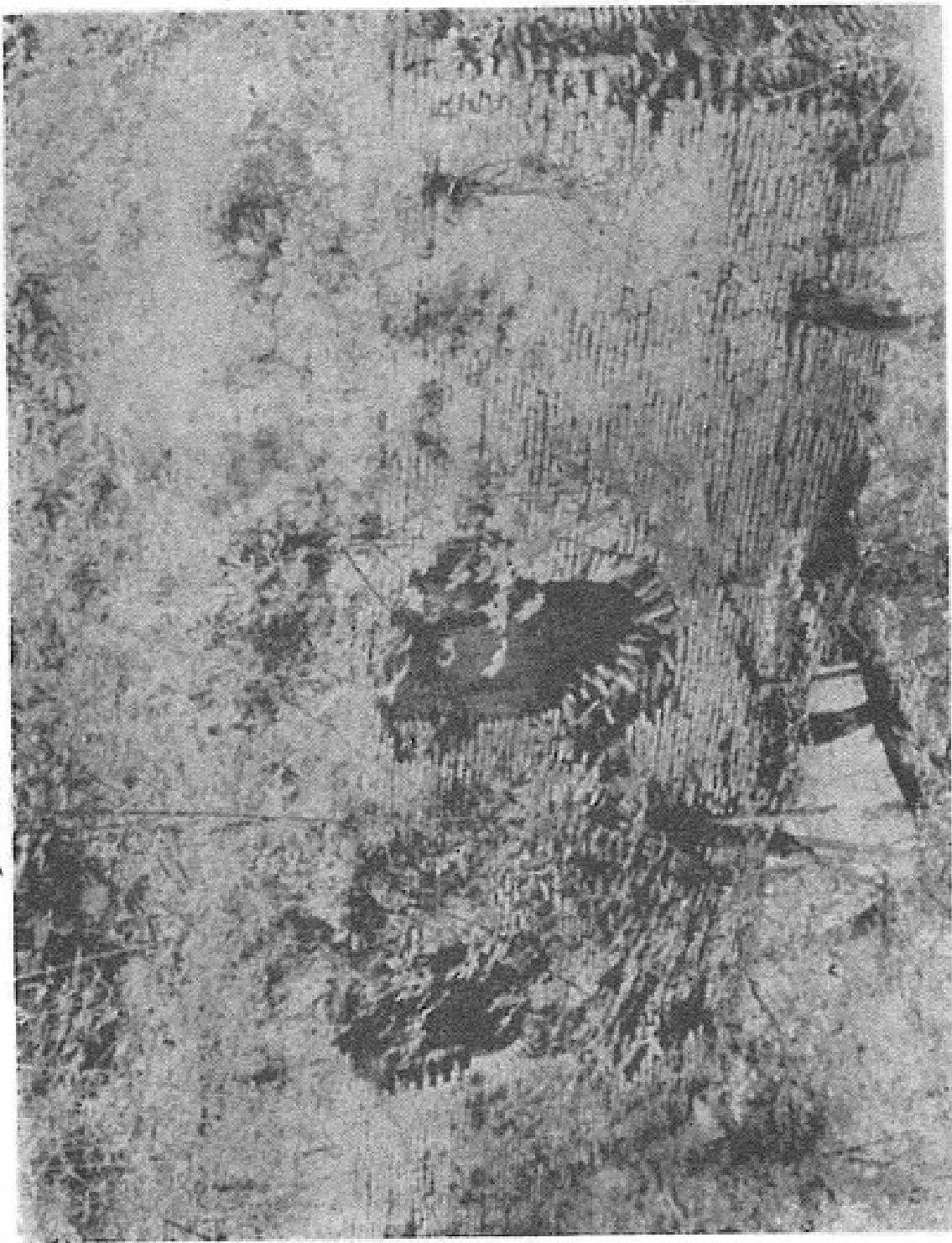


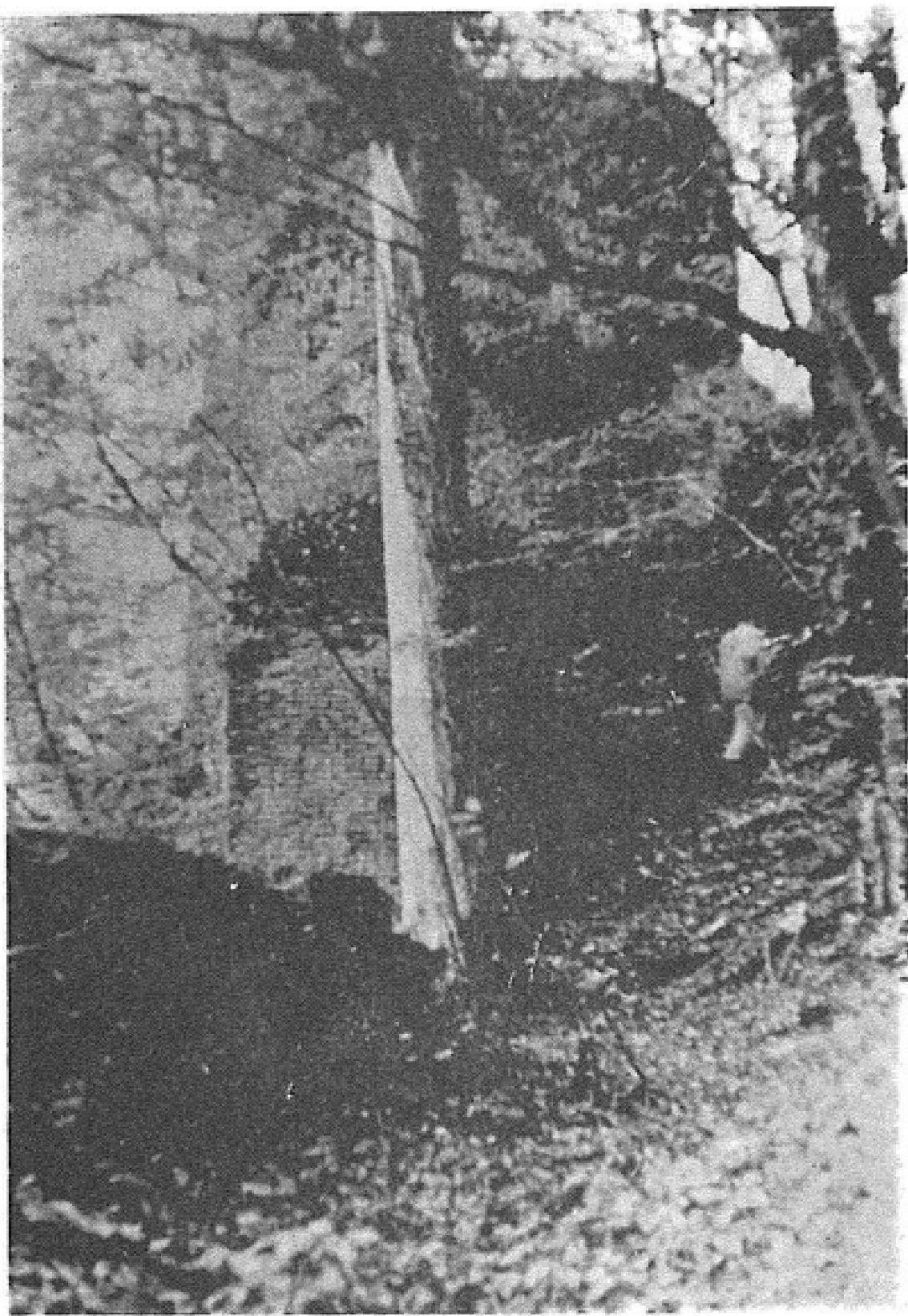
عکس شماره ۸۱ - فسمتی ازدبوار جنوبی قلعه رو دخان .



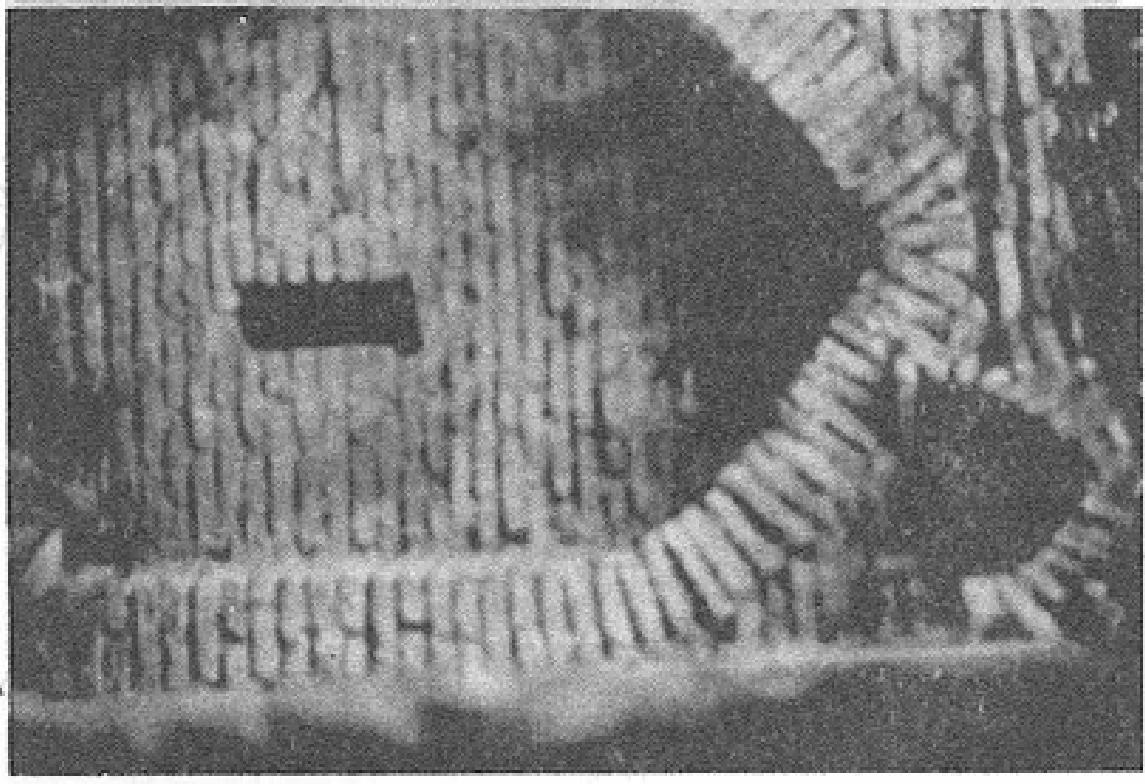
عکس شماره ۸۲ - یکی از سردرهای که میان دو قسمت اصلی قلعه وودخان است .

عکس شماره ۳۸۳ - نیستی از دیوار شنائی فلمه رو در خان.

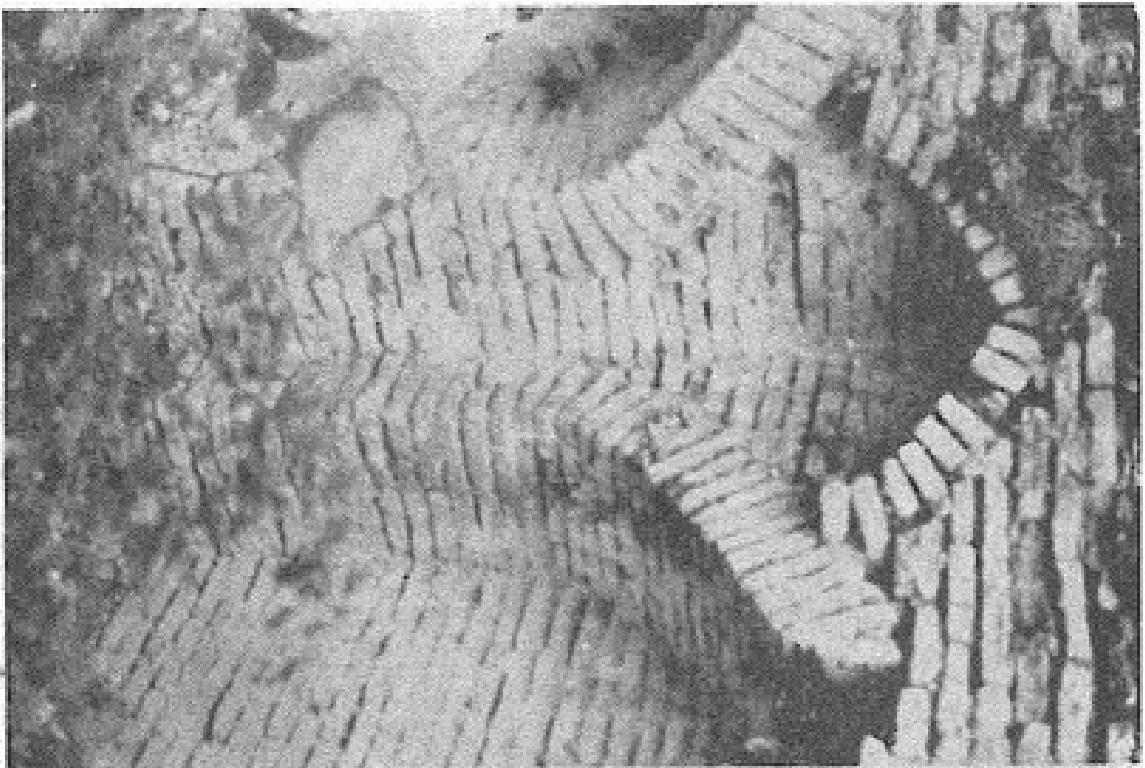




عکس شماره ۸۴ - یکی از برجهای اصلی قلعه روذخان.

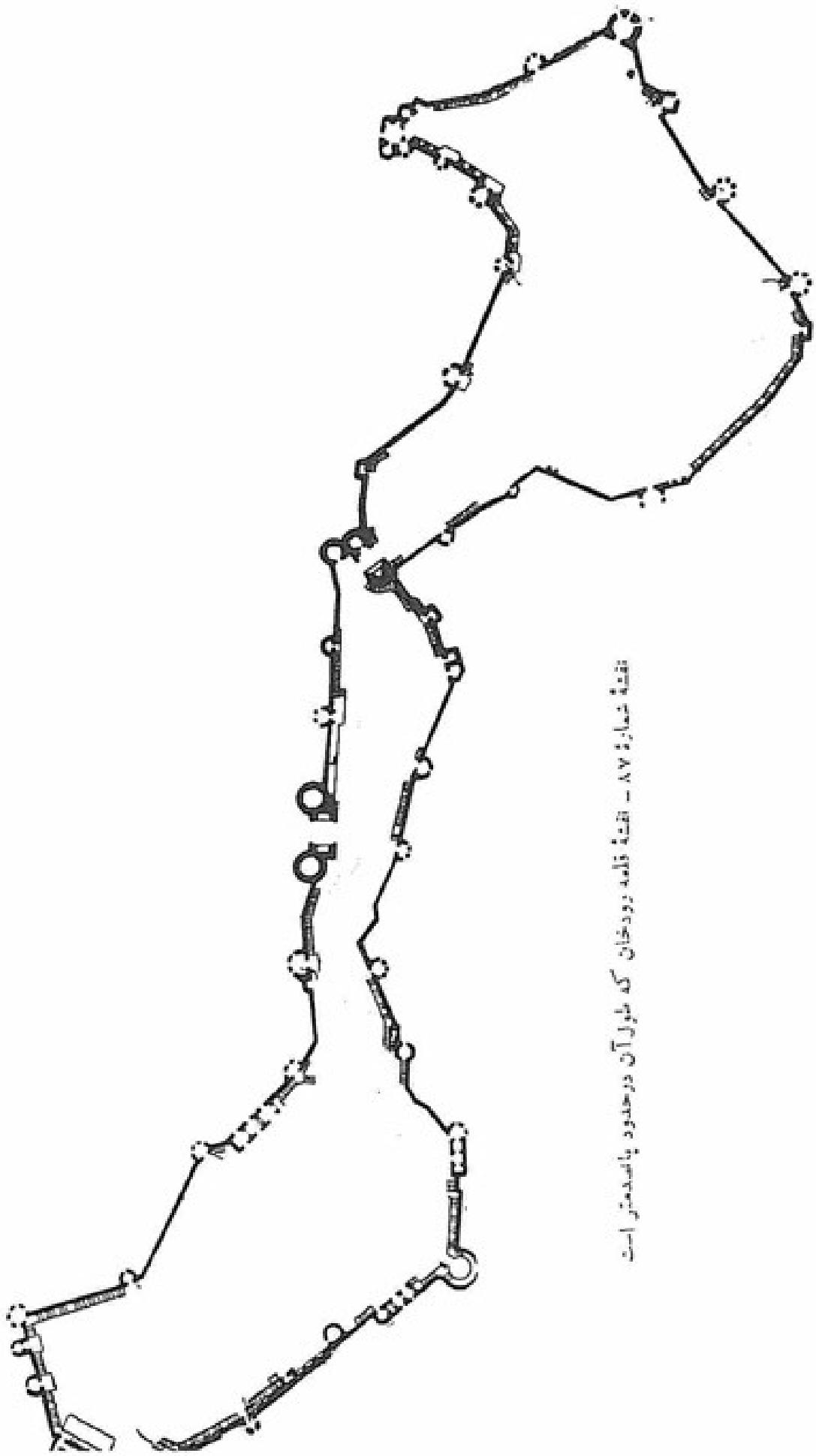


عکس شماره ۶۸ - ماقبها و مرغفل داخلی یکی از برجهای
قلعه روستخان.

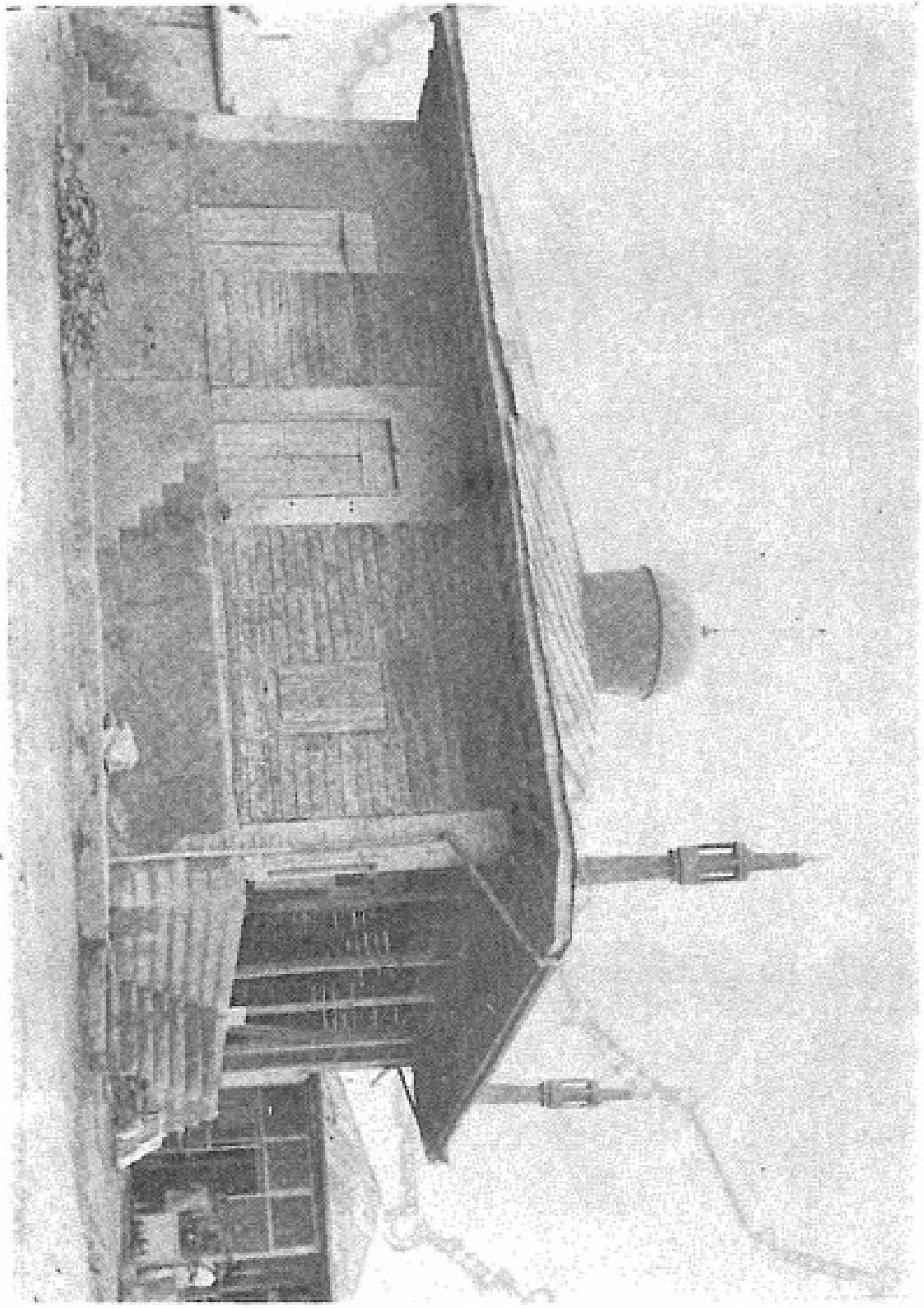


عکس شماره ۶۹ - زوایای داخلی بنای در قلعه روستخان
پدین فریب برای نزدن طاف جسم کردند.

شیخ زید از این طبقه نمایند که میتوان در عدو را پنهان نمایند.



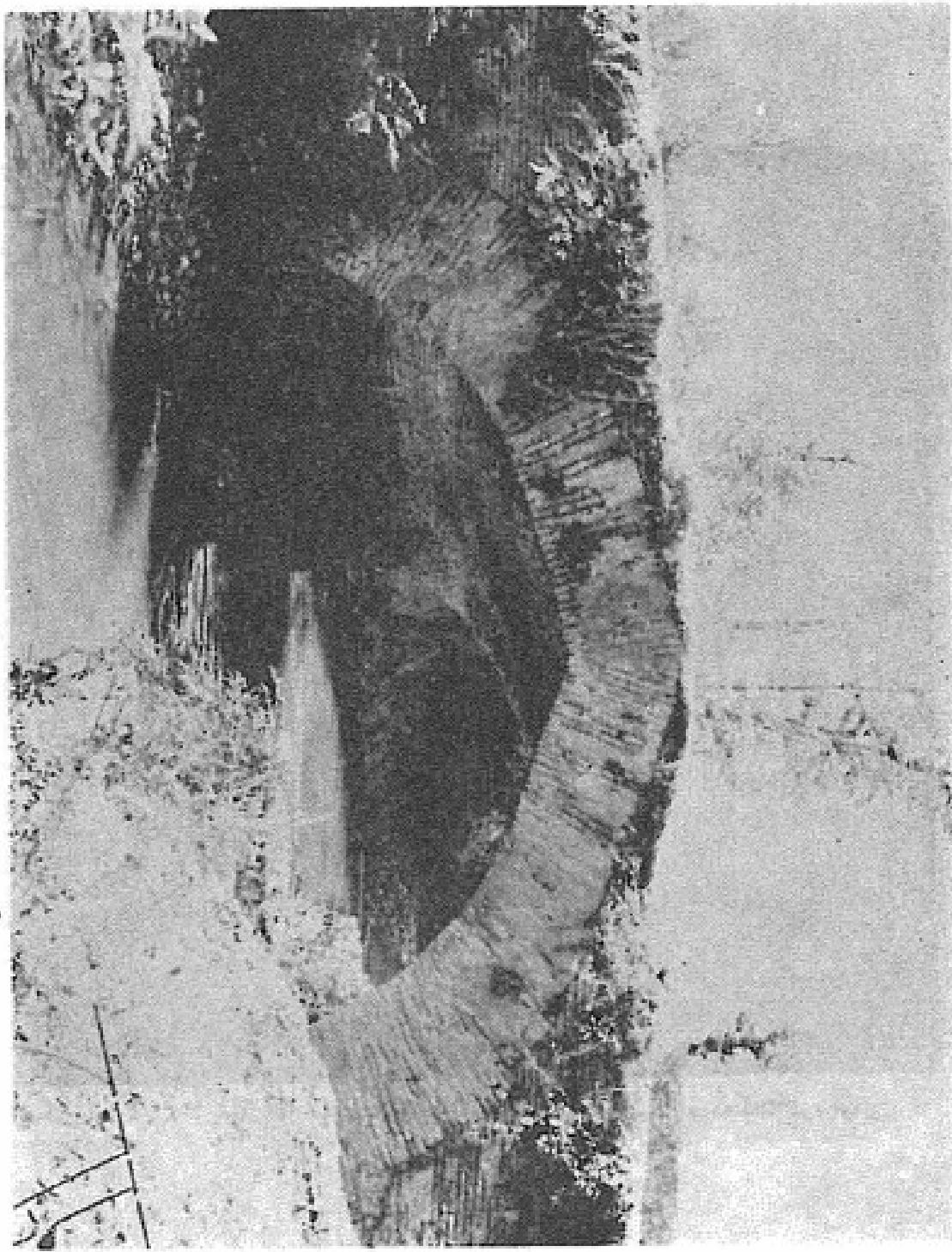
مکر شماره ۸۸ - پیر جاودار در شہر فرمیں .

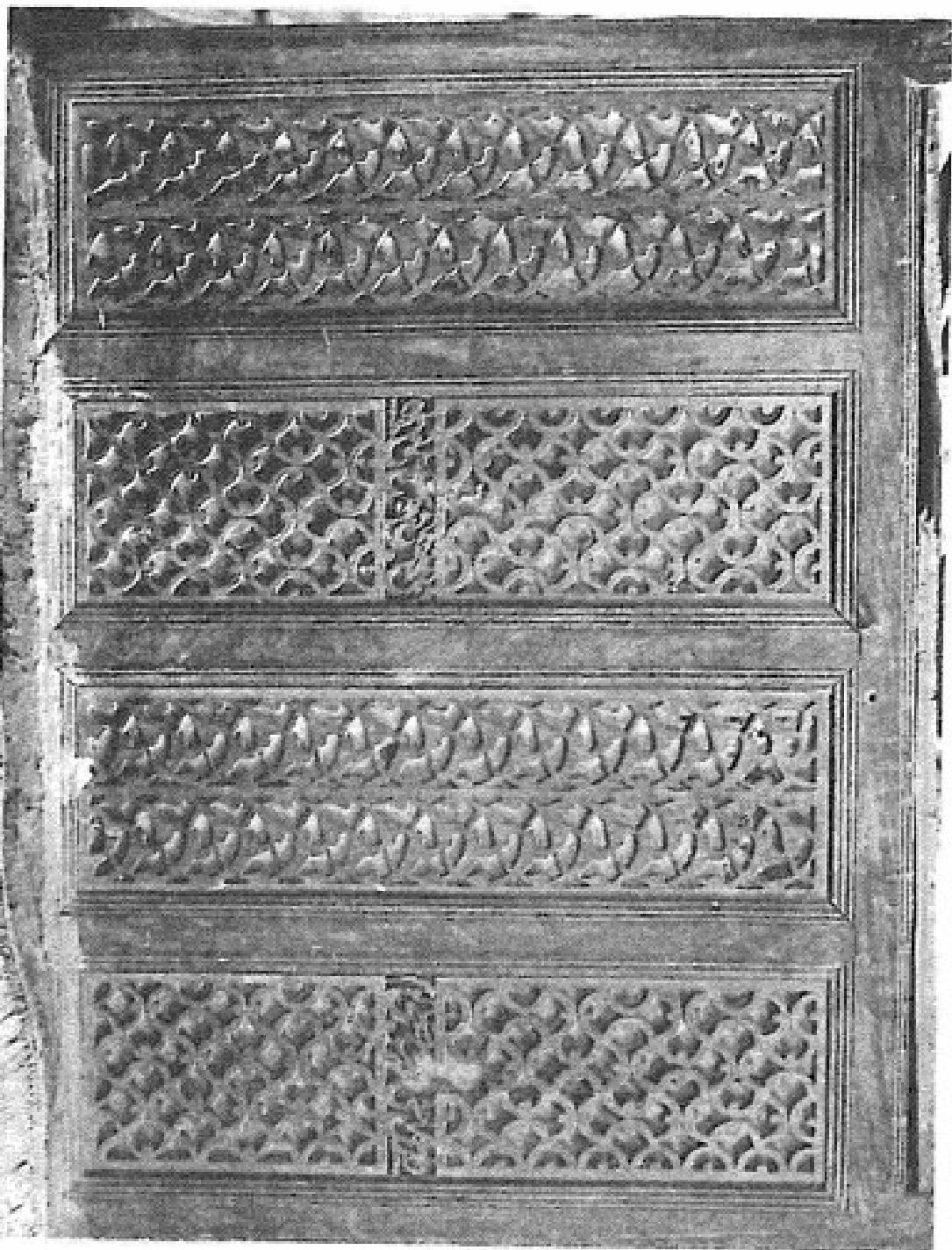




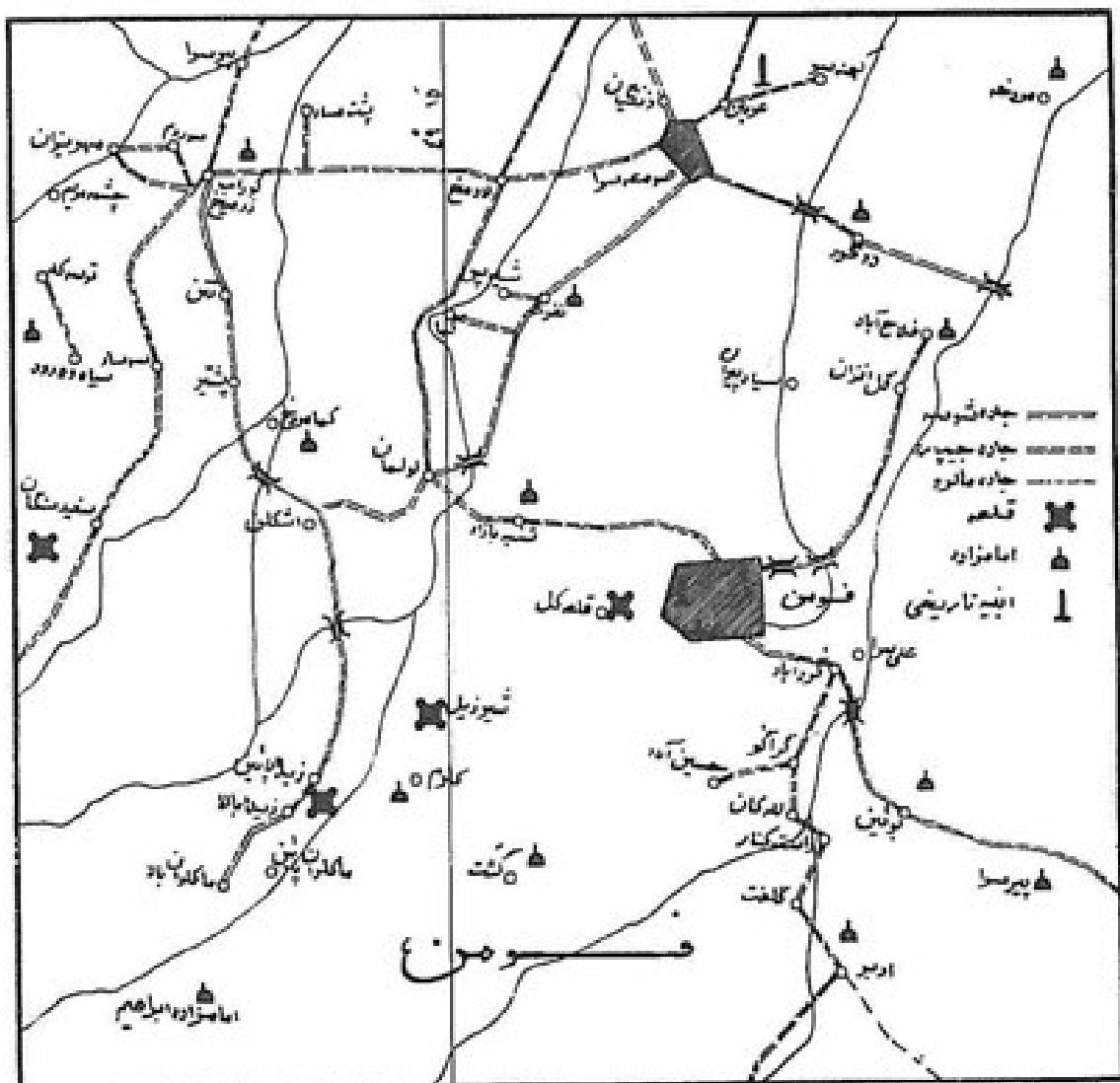
عکس شماره ۸۹ - بقعة آقا سید عبدالله بن موسی بن جعفر علیہ السلام درودگاه کارم فومن .

کنگی - دعاوه - در گویند پیشتر دیگر مانند این نمودن.

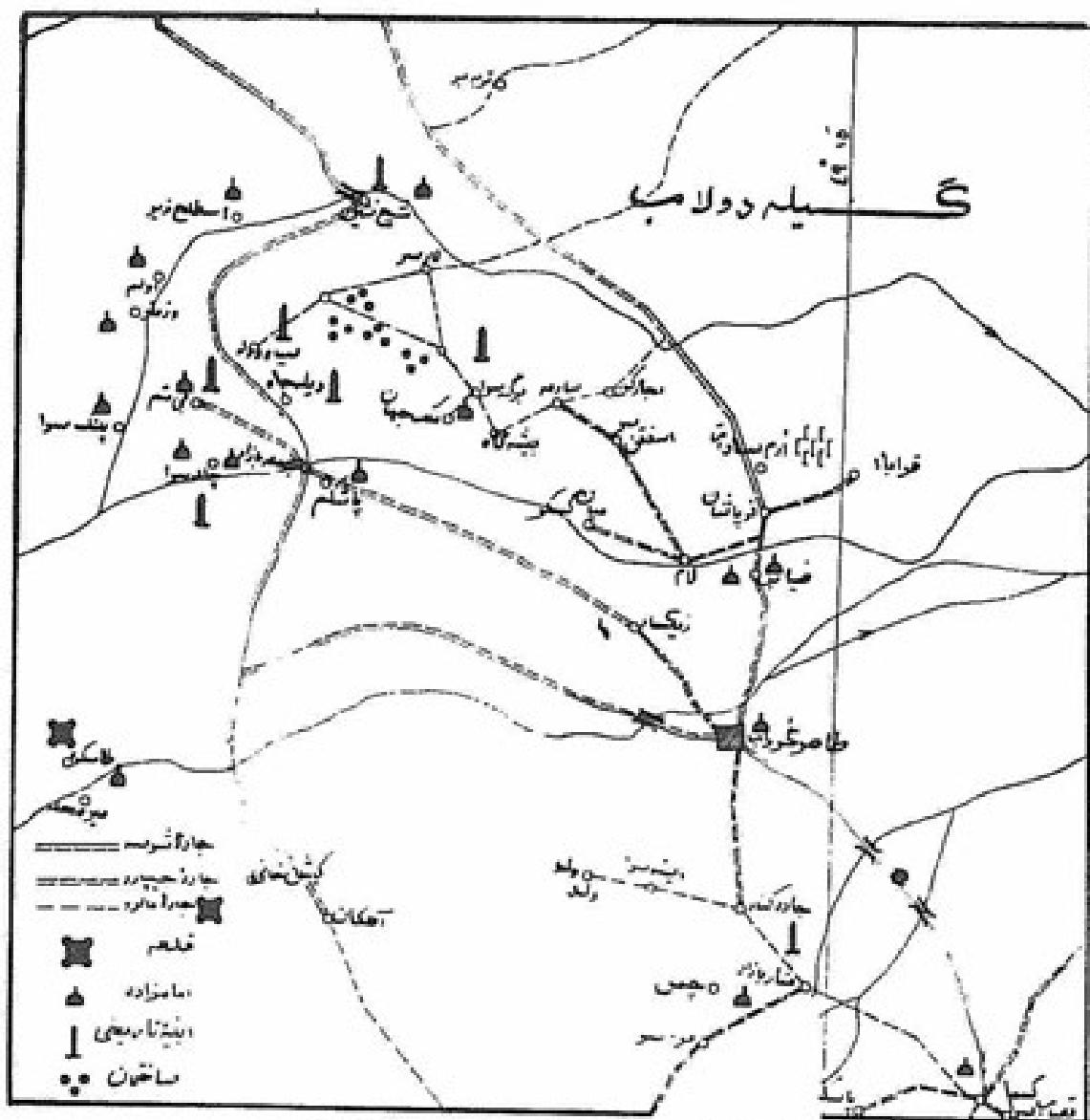




عکس شماره ۱۹ - صندوق زیارت و مسخره در گذت فومن.



نقشه شماره ۱۰- آثار و بنای‌های تاریخی بخش فومن.



نقشه شماره ۲۰ - آثار و بنای‌های تاریخی بخش گکر.

بخش نهم

۱ - جغرافیای تاریخی گسکر

بخش گسکر در زمینی هموار، در سی کیلومتری غرب رشت قرار گرفته، و از شمال به تالش دولاب واز مشرق به مرداب ازلى و از جنوب به فومن واز مغرب به ماسال و شاندرمن محدود است. در ازای آن از اسپند در جنوب ناکیل چalan در شمال يك فرسنگ و ايم واز مرداب تا آهک كوره در حد ماسال دو فرسنگ است. سابقاً يكى از بخشهاي وسیع گilan بوده و شامل زمینهاي گسکر امروزی و خاک ماسال و شاندرمن و تالش دولاب می شده است.

صاحب حدودالعالم که کتاب خود را در سال ۳۷۲ قمری تأليف کرده است، فهرستی از دهکده‌های آن سوی رودیان (= بیدپس) را در کتاب خود آورده است. بیان آنها به نامهای، بیلمان شهر، رشت، تولم، دولاب، کهن رود بر می خوریم. (۱) مقدسی نیز در سال ۳۷۵ قمری، جزء دهکده‌های گilan، دولاب و بیلمان شهر و کهن رود را نامی بردا. (۲) ابوالفدا در سال ۷۴۱ قمری دولاب را از اقلیم چهارم می‌داند و پس از تعیین طول و عرض جغرافیائی آن می‌نویسد، کانی که این محل را دیده اندمی گویند که گسکر نامیده می‌شود. (و) گسکر بفتح الكافين و سکون السين المهممه بینهما وفي الآخر راء مهملة) (۳) با توضیحی که ابوالفدا می‌دهد شکی باقی نمی‌ماند که صاحب حدودالعالم و مقدسی نیز از دولاب بخش گسکر را اراده کرده‌اند. دمشقی متوفی در ۷۶۷، در بیان ناحیه گilan، نام این بخش را به شکل «جسکر» باد آورشده است. این خود دلیلی نواند بود که

(۱) حدودالعالم چاپ داشگاه س. ۱۴۹. (۲) احسن التقاضیم ص ۳۵۵. (۳) تقویم البستان ص ۴۶۸ و ۴۶۹.

حرف اول این نام، گاف فارسی است که به شکل جیم معرف شده است.
فضل الله عمری متوفی ۷۴۲ می‌نویسد که حکمران گسکر با حکمران تولم
از در دوستی در آمدند، لشکریان ایشان بیشتر از لشکریان سایر بخش‌های
گیلان است. سرزمین ایشان بسیار وسیع و حاصلخیز است. غلات و میوه و گاو
و گوسفند فراوان عمل می‌آورند. از همایگان کرد خود و فرآوردهای آنان
بسیار فایده می‌برند. مواد خوراکی در این بخش ارزان‌تر از سایر بخش‌های
گیلان است.

الثاریوس (Oléarius) دهکده‌های گسکر را به این شرح نام می‌برد:
سیاه‌رود، گوراب، ازلى، دولاب، شال، روئه‌سر (Rue saru)، میان شهر.
کوک (Couk) که همراه سفیر شاهزاده گالیتسین (Ghalitzine) در سال
۱۱۵۹ قمری (= ۱۷۴۶ - ۱۷۴۷ میلادی) به ایران آمده است چنین می‌نویسد:
این شهر (گسکر) و ناحیه‌ای به همین نام در قلمرو حکومت گیلان است. مدت
زیادی نیست که نام این شهر، به سبب عمل آوردن ابریشم فراوان و پارچه‌های
ابریشمین بر سر زبانها افتاده است. اما بر اثر ظلم حکام نادری مثل سایر نقاط
به خرابی کشیده شده است. نزدیک این محل قلعه‌ای است که روسها ساخته‌اند
تا جنوب تهاجم همایگان کوهنشین این ناحیه را بگیرند.

کلنل ترزل (Trezel) در سال ۱۲۲۴ قمری (= ۱۸۰۹ میلادی) درباره
گسکر می‌نویسد. در قصبه گسکر چهارصد خانوار قالش ساکنند. تا اشان
گذشته از ناحیه گسکر، کنار راه رشت به اردبیل نیز سکونت دارند و آقا محمد
خان قاجار و جانشین او - فتحعلی‌شاه - نتوانستند ایشان را به انقیاد و اطاعت
خود درآورند، زیرا ایشان به رئیسی که از نیره خودشان نباشد، سر تسلیم
فروند نمی‌آورند. قیام و سرکشیهای ایشان را شاه ایران اغلب نادیده گرفته است.
در زمان فتحعلی‌شاه است که حدود گسکر به حدود کنونی آن تقلیل ییدا می‌کند

وحاکم این بخش زیکسار را مرکز حکومت خود می‌کند. دهکده هالی که در زمینهای هموار قرار داشتند، به نام کیل‌کسکر و دهکده‌های کوهستانی همچوار را که فالش نشین بود، فالش‌کسکر خوانندند.^(۱)

مرکز اصلی کسکر، طاهرگوراب است که دو نه کیلومتری شمال غربی کسا و هفت کیلومتری مرداب ازلى، کنار رودخانه خالکیا بنامشده است. در زمان راپینو (۱۳۳۱ قمری) جمعیت آن نهصد و هجده خانوار بوده است که تقریباً تمام گیلک و شیعی مذهب بوده‌اند. لهجه گیلکی کسکر با لهجه مردم رشت اختلاف زیاد دارد.^(۲)

۳ - بناهای و آثار تاریخی گسکر شهر قدیم گسکر = گوراب گسکر در جنگل هفت دغنان^(۳)

در جنگل هفت دغنان، کنار جاده شاهعباسی که از طاهرگوراب به سید سرفشه می‌رفته است، آثار حمامها (عکس شماره ۹۲) و خانه هائی (عکس شماره ۹۳ و ۹۴) و آثار دکانهای که در یک امتداد بنامشده بوده‌اند، دیده می‌شود. آثار بازدید و طولانی در میان درختان جنگلی گاهی به چشم می‌خورد. سفال شکسته و آجر پاره‌های فر اوان در این قسم از جنگل بر روی زمین ریخته است. پس از بازدید محل، راه بازگشت ما از جاده شاهعباسی بود و چنان به نظر می‌رسید که این جاده در این قسمت‌ها آجر فرش داشته است.

بر زمینی بلندگوری تنها دیده شد که از دهستان دهکده‌های همچوار احترامی داشت و به نام سیدخر و سه (= سنتی خروشہ) مشهور بود. (عکس شماره ۹۵) می‌گفند که این زن، خواهر امیره ساسان گسکری و همسر سید شرفشاه بوده

(۱) گیلان راینو س ۱۵۵ . (۲) گیلان راینو س ۱۵۶ . (۳) چماچار، ده از دهستان شاندرمن بخش ماسال شهرستان طوالش ۶ کیلومتری شمال شرقی بازار شاندرمن و ۱۶ کیلومتری شمال شرقی ماسال، جنگل موسوم به هفتاخان (= هفت دغنان) در شمال خاوری این ده واقع است. در این جنگل آثار ابتدی بسیار قدیمی مشاهده می‌شود (فرهنگ جغرافیای ایران)

است. کنار گور سید خرو سه دو پایه ستون نقش دار، از سنگ سفید آهکی افتاده بود. سنگ بزرگتر بدار تفاضع سی و دو سانتیمتر و عرض قسمت پائین پایه چهل و نه و عرض قسمت بالا بیست و چهار سانتیمتر بود. (عکس شماره ۹۷) سنگهای تراشیده سیامرنگ نیز در اینجا مشاهده شد. سنگ قبری بر مزار سید خرو سه بود که شاید یکی دو ساعت قبل از رسیدن مابه این محل، شکسته بودند. این سنگ سرخ بدطول چهل و شش و عرض بیست و چهار و قطر پنج سانتیمتر بود. کلمانی بر آن حک شده بود که خوانده نشد. (عکس شماره ۹۸) بر سر همین مزار یکی دو کاشی به ابعاد نوزده سانتیمتر و قطر هفده میلی متر و آجری کوچک به ابعاد هیجده سانتیمتر و قطر چهار سانتیمتر و نیم و آجری بزرگ به ابعاد بیست و سه سانتیمتر و قطر پنج سانتیمتر و نیم دیده شد.

مصالح بنای حمامها دو نوع آجر بود. نوعی از آن بزرگتر و به ابعاد بیست و سه سانتیمتر و قطر شش سانتیمتر و نوعی کوچکتر به ابعاد بیست سانتیمتر و قطر چهار سانتیمتر و نیم بود. ملاط آجرها کچ غربالی بود. معروف است که راه زیر زمینی این محل به مناره بازار که در حدود بیست کیلومتر فاصله دارد متصل می شده است. محوطه ای که این آثار در آن دیده شد بیش از یک کیلو متر مریع نبود. راینو در این محوطه از پلی آجری بادآور می شود که بر رودخانه کنگوله مازوجیه (فتح کاف) ساخته بوده اند و می نویسد که از دیگر این خرابه‌ها، دهی کوچک است که مجتمع خانه‌های آن بیش از شش کلبه محقر نیست و به نام «اروس محله» خوانده می شود و در یک کیلومتری مرداب نیمه کم ارتفاعی به نام «خر و سه» و تزدیک این قبه قبرستانی به نام «اروها قبرستان» است. این نامها بادآور اشغال گیلان به دست روسها در سالهای ۱۱۴۵ - ۱۱۴۷ قمری (= ۱۷۲۲ - ۱۷۲۴ میلادی) است. (۱)

الزاریوس (Oláris) می گوید، شهر کوچک کسر در چهار فرسخی کم ام و دو فرسخی دریاست و به نام «گوراب کسر» معروف است. هنگامی که شاه

عباس از گیلان عبور می کرد، در همین محل، در خانه شخصی، به نام خواجہ محمود، پسرش شاه صفی - چشم به جهان گشود . این خانه بعدها محل بست اهالی شده است. (۱)

حدود جنگل هفت دخنان و راه رسیدن به آن :

جنگل هفت دخنان از غرب متصل به بخارکن، (۲) از شرق به سیاخاله سر و خمیران، (۳) از شمال بهدهکده سید شرفناه و محله خشاپر (۴) و از جنوب به بهمبر (۵) محدود می شود . راهی از ضایابر به جنگل هفت دخنان می رود . پس از طی سه کیلومتر سبک از ضایابر به بهمبر می رسیم . از بهمبر تا کوره ذغال چهار کیلومتر فاصله است . از کوره ذغال راه به دست چپ می بیچد و مستقیم تا پل آجری رو دخانه دلیک (بکسر دال) می رود . فاصله کوره ذغال تا سیدخر و سه نیز سه کیلو متر است .

راه دیگر راه بخارکن و اسفند سر است . از ضایابر به اسفند سر اچهار کیلومتر، از اسفند سر به بخارکن یک کیلومتر و از بخارکن به سید خرو سه کیلومتر است . مزار سید خرو سه بر کنار رو دخانه واو بلاست که از شاندر من سرچشمه می گیرد . داروغه رووار هم در جنگل هفت دخنان است که خود شعبه ای از رو دخانه واو بلاست .

پل آجری رو دخانه دلیک در جنگل هفت دخنان گسکر

این پل آجری بر سر راهی است که از هشت بر بدهناره بازار و گوراب زر منخ واز آنجا به رو دخانه مسوله که به قام گشت (بفتح گاف و کسر ناء) رو دخان مسوله معروف است می رود . طول پل دوازده متر و عرض آن سه متر و هشتاد سانتیمتر است سنگ چین پایه های دو طرف به ارتفاع دو متر از سنگ رو دخانه و ساروج بنا شده است . مصالح اصلی پل، آجری به ابعاد بیست و دو سانتیمتر و قطر چهار سانتیمتر و نیم است . قسمت آجری پل لیز ملاط ساروج دارد . (عکس شماره ۹۹)

(۱) گیلان راینو س ۱۵۶ و ۱۵۵ . (۲) بکسر باء وفتح کاف . (۳) بضم خاء و کسر ميم و سکون باء . (۴) بضم خاء وفتح باء . (۵) بفتح باء و حاء و سکون ميم وفتح باء ثانی .

امامزاده سید محمد جان بن موسی‌الکاظم علیه السلام
در ضیابرگ

بنای آستانه از آجر و به ابعاد شش متر است. یک در ورودی و یک پنجره بزرگ چهار دهنه طرف جنوب، دو پنجره بزرگ چهار دهنه طرف غرب، یک در ورودی و یک پنجره بزرگ چهار دهنه طرف شمال دارد. بنا گل سری است و ارتفاع زیادی از زمین ندارد. کف داخلی بنا گل و از حسیر مفروش است. درخت آزاد عظیمی در گوشة جنوب شرقی است که چون نیمة آن در بنا جای داشت، اندازه گیری نشد (عکس شماره ۱۰۰). ضریح امامزاده چوبی و بلندتر از ضریحهای معمولی است. گنبدی فلزی در وسط و چهار گلدسته در چهار گوشه ضریح تعبیه شده است. این ضریح نظیر خیمه هائی است که در این محل روز عاشرورا جزء دسته به حرکت در می آورند. (عکس شماره ۱۰۱) مراسم علم بندی اول محرم و علم واجینی شب یازدهم یعنی عصر عاشر است - روز عاشرورا هم تعزیه صحرای کربلا را برپا می کنند. یعنی از یالین محل ضیابر، عدمای در حدود صد و پنجاه تن بالباسهای اطرافیان حسین بن علیه السلام در صحرای کربلا و اسرا و خیمهها به راه می افتدند و تا منزل آیة الله ضیابری می روند و خیمه ها را در آنجا وامي چینند. قمه زنها که در حدود صد تن هستند، کفن به تن کرده قمه در دست به امامزاده می آیند و تا ظهر در آنجامی مانند. پس از اینکه مؤذن اذان ظهر را گفت قمه زنها نماز شهادت می خوانند و به احترام بقیه، در بقعه خون نمی رینند. اما پس از بیرون رفتن از بقیه، یکباره قمه ها را بر کله می زند و خون از سرایشان جاری می شود. تورو کبجی در محل شفاداده می شوند. برای رفع میخچه، نمک و خزه درخت آزاد امامزاده را می کیرند و در خاک دفن می کنند، وقتی نمک آب شد، میخچه هم از میان می رود.

سید مولاجان بن سید محمد جان بن موسی‌الکاظم علیه السلام
بقعه این مرد طرف راست آب شاندر من نزدیک آبادی است. بقعه ای محقق و جدید البتا است.

سنگ قبری

در محله اروم (۱) سادات بهبهان (۲) مسکر

این سنگ از سنگهای آهکی سفید است و با پایهٔ ستونهای که در چنگل هفت‌دغنان دیده شده، هم‌جنس است. این سنگ سریاست و طول مقداری که از خاک بیرون است به دلیل مقبر و نیم می‌رسد. عرض آن پنجاه و دو سانتیمتر است. در حاشیه سنگ نام دوازده امام به چشم می‌خورد. بالای سنگ در وسط سنه ۱۲۳۴ و زیر آن «کل شیوهٔ عالیک الوجه» و پائین تو از آن «هذا القبر المرحوم المغفور...» و تزدیک به قسمت پائین سنگ نام «کاس خانم» روشن خوانده می‌شود. (عکس شماره ۱۰۲)

منارة آجری

در مناره بازار (۳) مسکر

در پانصد هتلی بقعة آقادید زکی

این منارة آجری بر سر راه دهکدهٔ جادهٔ کنار به آبادی مناره بازار، در طرف راست جادهٔ بنانده است. تاریخ بنای آن معلوم نیست. روایت محلی و قصه‌های سینه به سینه بازی آن را مردی به نام «چل‌گوش چمنی»^(۱) می‌داند. صالح ساختمانی آن، آجر و ملاط‌گچ و پائین مناره را تا دو متر ارتفاع با سیمان مرمت کرده‌اند. محیط دایرهٔ منار از سطح زمین نوزده متر و چون پس از تعمیر دری آهنی جلو مدخل آن گذاشته و قفل کرده بودند، وضع داخلی آن معلوم نشد. در بالای مناره که فعلاً رُوی در خرابی دارد، تزئینی آجری دیده می‌شود و پائین تو

(۱) بضم الف. (۲) بفتح باء و هاء و سکون ميم و فتح باء نائي. (۳) ده ازدهستان مرکزي بخش صومعه‌ها شهرستان فومن نه کیلومتر غرب صومعه‌ها وینچ کیلومتر غرب راه صومعه‌ها به طاهر گوراب، برج قدیمی دارد که به نام برج «چهل‌گیس چمنی» معروف است. در ازمنه قدمیم، بازار همی در اینجا بوده است (فرهنگ جغرافیائی ایران) (۴) چنین شخصی در تاریخ کیلان شناخته نشود وجود خارجی نداشته است. این مرد ساخته و پرداخته ذهن مؤلف کتاب مستطاب سید جلال الدین اشرف است. عجب غر اینکه در فرنگ جغرافیائی نام او «چهل‌گیس» شده است.

از آن نیز در دو ردیف ترین دارد . منظور از بنای این مناره بسما پوشیده است ، چه روزی که تمام این صفحات جنگلی عظیم بوده است نه به کار راهنمائی می آمده و نه کسی می توانسته بر بالای آن دردیدباری کند . اگر برای گیلان عجایب هفتگانهای قائل شویم ، این مناره یکی از آنها تواند باشد . (عکس شماره ۱۰۳)

رابینو به نقل از خجکو (Chodzko) می نویسد «در مناره بازار ، بر سر راه گشته ، منارهای است که بدنه آن را کسی سوراخ کرده است . سر آن خراب و قسمتی از آن افتاده است . داخل مناره لکانی دارد . احتمال دارد این منار را به منظور نگهبانی ساخته اند . ارتفاع آن بهمی متوجه دست و معروف است که شخصی به نام چل گوش چمنی ، آن را بنادر کرده است .» (۱)

بعنه آقاسید زکی بن امام موسی الكاظم علیه السلام

بنای اصلی بعنه شامل اطافی چوبین به طول ۵/۵ متر و عرض چهار متر است . صندوقی به طول ۱/۹۰ متر و عرض ۱/۱۰ و ارتفاع ۱/۵۰ متر در وسط است که با انواع پارچه ها پوشانده شده است . ایوانی به طول هفت متر و عرض سه متر در جلو این اطاق است . طاق این ایوان بر پنج ستون چهار سوی چوبین استوار است ، ستونها سرستون ندارند . سقف بعنه لمبه کوبی و سقف ایوان و اشان کشی ، بدون پل کوبی و لمبه کوبی است ، بام سراسر بنا حلب سر است . مسجدی نیز متصل به این بعنه است .

پردسر (۲) یا خشت پل (۳) بزرگ نژدیک به دهکده مناره بازار

خشت پل بزرگ ، پل آجری بزرگی ، به طول شصت متر و عرض شش متر

(۱) گیلان رایبو س ۱۶۷ . (۲) پردسر ، ده ازدهستان مرکزی بخش صومعه سرا شهرستان فومن ۷ کیلومتری شمال غربی سومنه سرا و ۳ کیلومتری غرب سومنه سرا به طاهر گوراب ، دو پل آجری روی رودخانه مجاور آبادی هست . در انقلاب جنگل جنگهای شدیدی در این محل رخ داده است . (فرهنگ جغرافیای ایران) پرد به شم پ در گیلکی به معنی پل است و پردسر بکسر دال یعنی سریل . (۳) خشت پل بفتح خاء و کسر ناء به معنی پل آجری است .

وارتفاق نقریبی نه متر است. رود تنیان^(۱) و سیاوه رود و پلنگ رود، کمی بالاتر از این پل داخل یک بستر می‌شوند واز زیر این پل می‌گذرند و سپس به کوی سرو مرداب از لی می‌روند. این پل عظیم که امروز همانند پهلوان پیری است گه بر اثر طول عمر نکس پیدا کرده و دست حوادث اورا بر زمین رده، روزی سه دهانه بزرگ داشته است. سیل سال ۱۳۱۷ دهانه اول را که طرف مناره بازار است خراب کرد. و دو طلاق دیگر را سیل سال ۱۳۳۶ از جای خود نکان داد و در بستر آب انداخت. فعل روی پایدهای اصلی، تخته پلی نصب کرده‌اند واز روی آن می‌گذرند. (عکس‌های شماره ۱۰۴ و ۱۰۵)

پردری یا خشت پل کوچک

در سه کیلومتری سما، در دهکده پاسکه کسمای صومعه سرا

فاصله میان خشت پل بزرگ و خشت پل کوچک کمتر از دو کیلومتر است، خشت پل کوچک شامل پنج دهنه کوچک و بزرگ آجری است. دو سیل بند در دو سمت راست آب دارد. پایه هر یک از این سیل بندها، آب بخش کن دارد. یکی از طاقهای اصلی آن فرو ریخته است. آبی که از زیر آن می‌گذرد دنباله ندارد و نشت آب بجراها و برخی کاریهاست. طول این پل ۲۵ متر و عرض آن $\frac{۱}{۴}$ متر وارتفاع دهندهای بزرگ آن از سطح آب ۵ متر است. (عکس شماره ۱۰۶)

این دو پل در میان راهی است که به دستور شاه عباس ساخته شده است. این راه از هشتپر به چهارراه رضوان ده و جنگل هفت دغنان و ضیابر و طاهر- گوراب و جاده کنار و مناره بازار واز آنجا به خشت پل بزرگ و خشت پل کوچک کسا واز کسا به رشت می‌رود.

راههای فرعی دیگری از این راه اصلی منشعب می‌شده و به دهکده‌های آباد و پر جمعیت می‌رفته است. بر سر این راههاییز از همان دوران با ادوار بعد پلهای ساخته‌اند. پل گاز رو دبارو که دارای یک دهانه اصلی و دو دهانه فرعی در طرفین

(۱) بفتح نام.

است از این گونه پلهاست. (عکس‌های شماره ۱۰۷ و ۱۰۸) پل کوچکی با یک دهانه نزدیک طاهر گوراب ایز جزء این دسته از پلهاست. (عکس شماره ۱۰۹)
باقي بنها و آثار تاریخی بخش سکر

- ۱ - مزار آقا پیر بخشعلی در طاهر گوراب گشکر.
- ۲ - مزار آقا میر قوام در زیگسار گشکر.
- ۳ - پیروی خان نزدیک مناره بازار.
- ۴ - بقعه‌ای در دهکده میان ده صومعه سرا.
- ۵ - دو مسجد نسبه قدیمی در دهکده عربان صومعه سرا.
- ۶ - مزار آقا میر شاه دین در صومعه سرا.
- ۷ - بقعة دوگور در صومعه سرا.
- ۸ - دوپردان (۱) بر روی کنه دغان (۲) در لالم (۳) در میر محله گشکر.

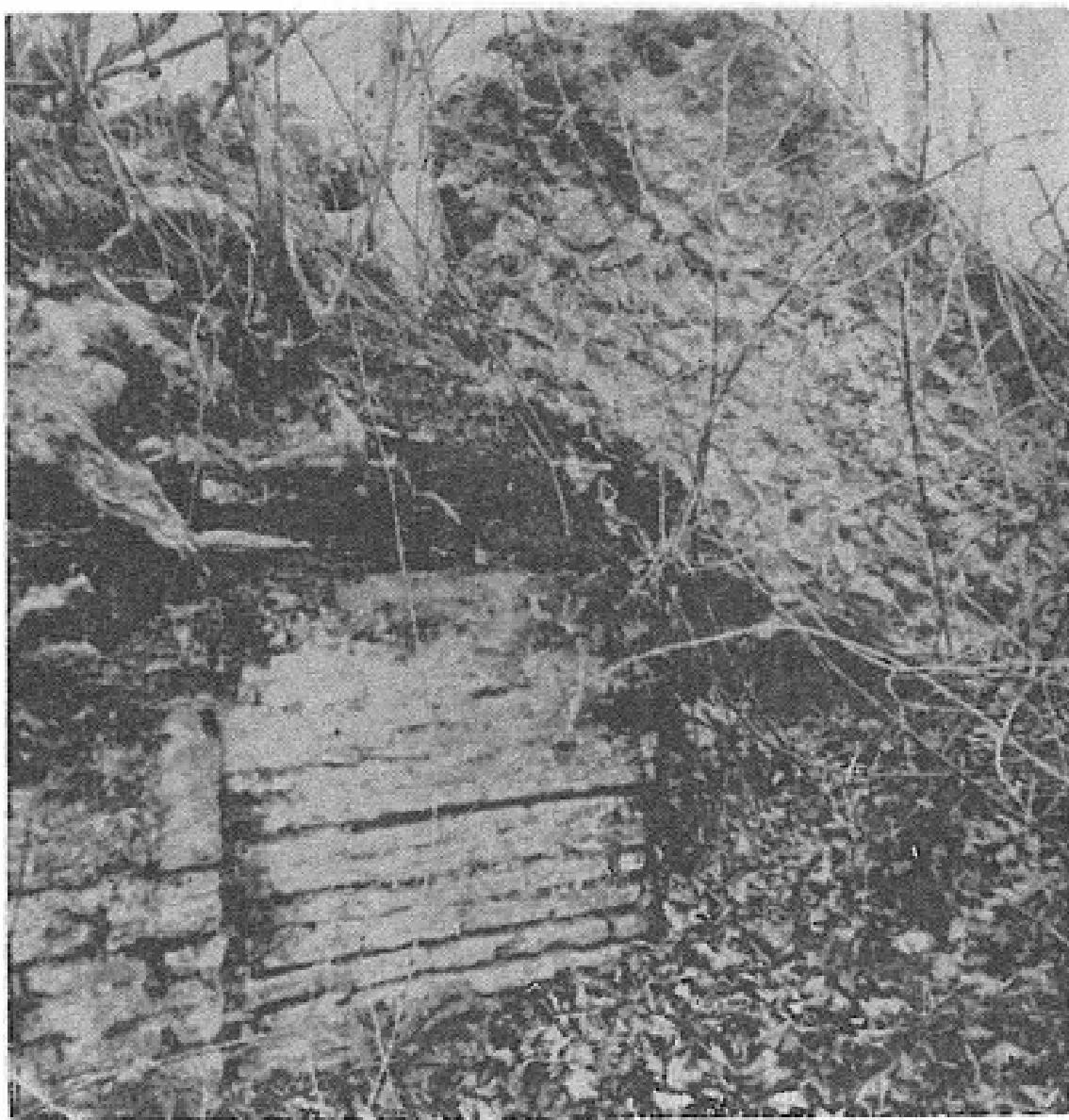
(۱) دوپردان به شم پ به معنی دو پل است. (۲) به فتح‌دال به معنی نهر بزود گشکر. (۳) لام دوم.



عکس شماره: ۹۶ - قسمتی از بنای‌های شهر گکر در جنگل هفت دخنان.

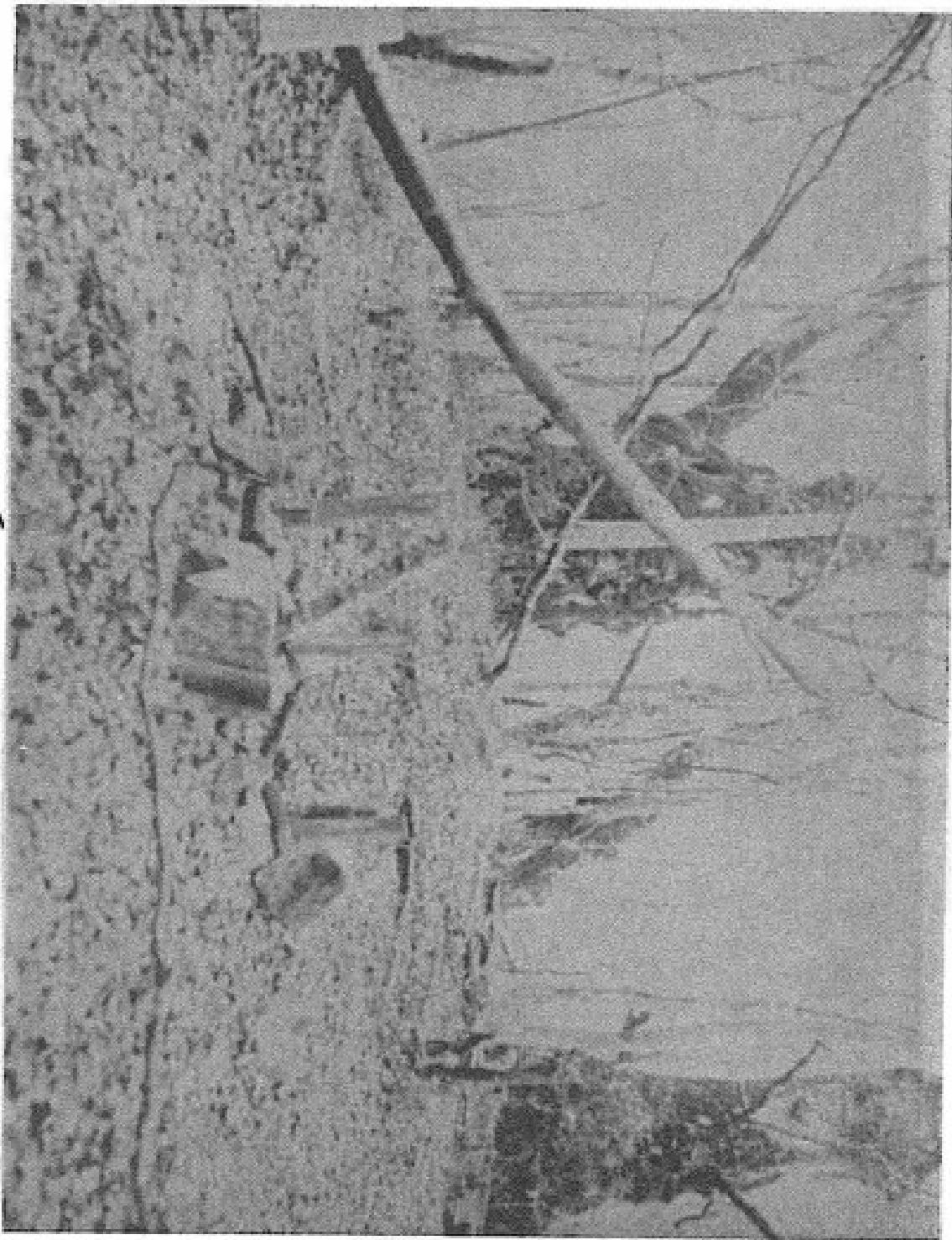


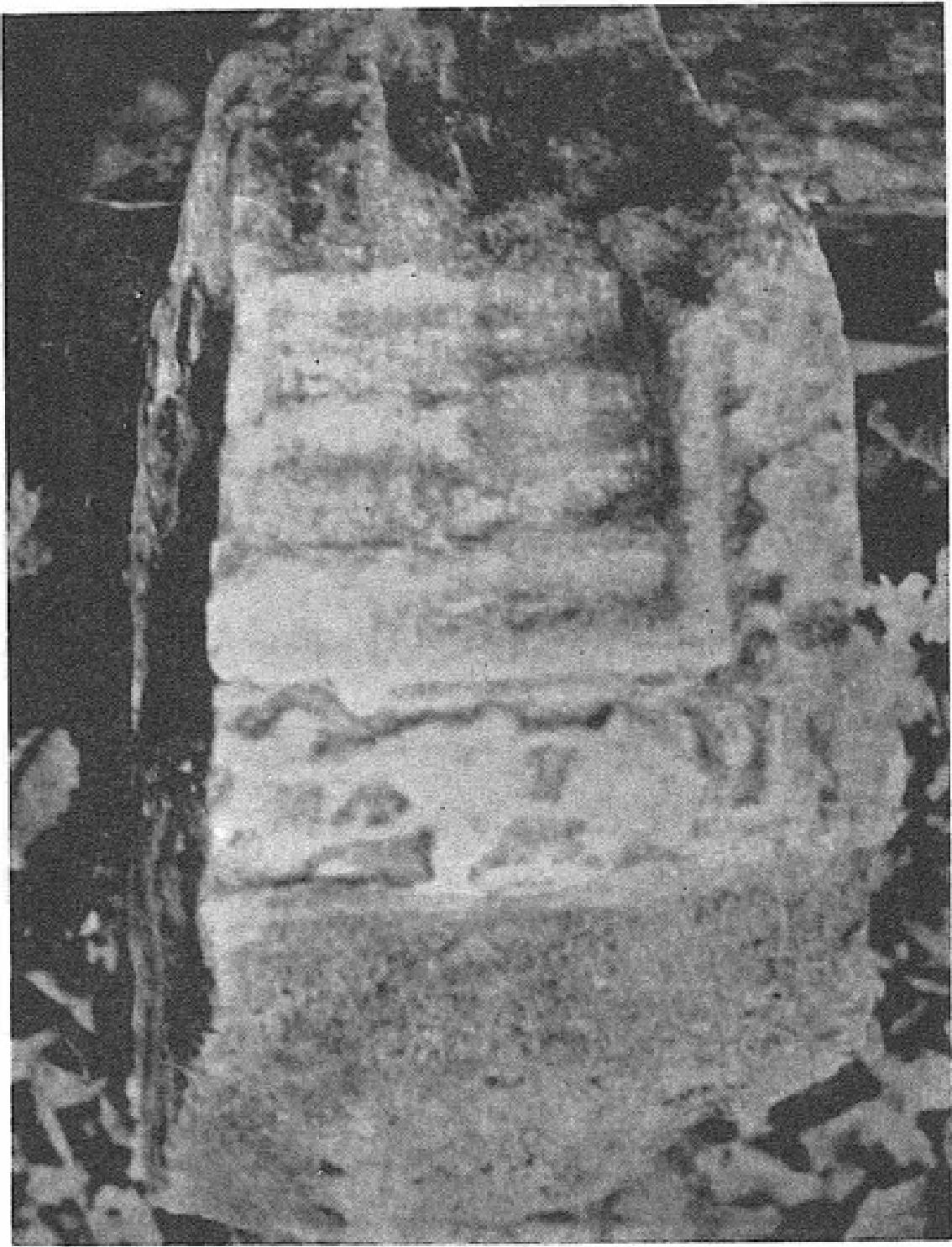
عکس شماره ۹۳ - آثار خالدهای شهر گکر در چنگل هفت دغنان.



عکس شماره ۹۴ - آثار بناهای شهر گیکر در چنگل هفت دخان.

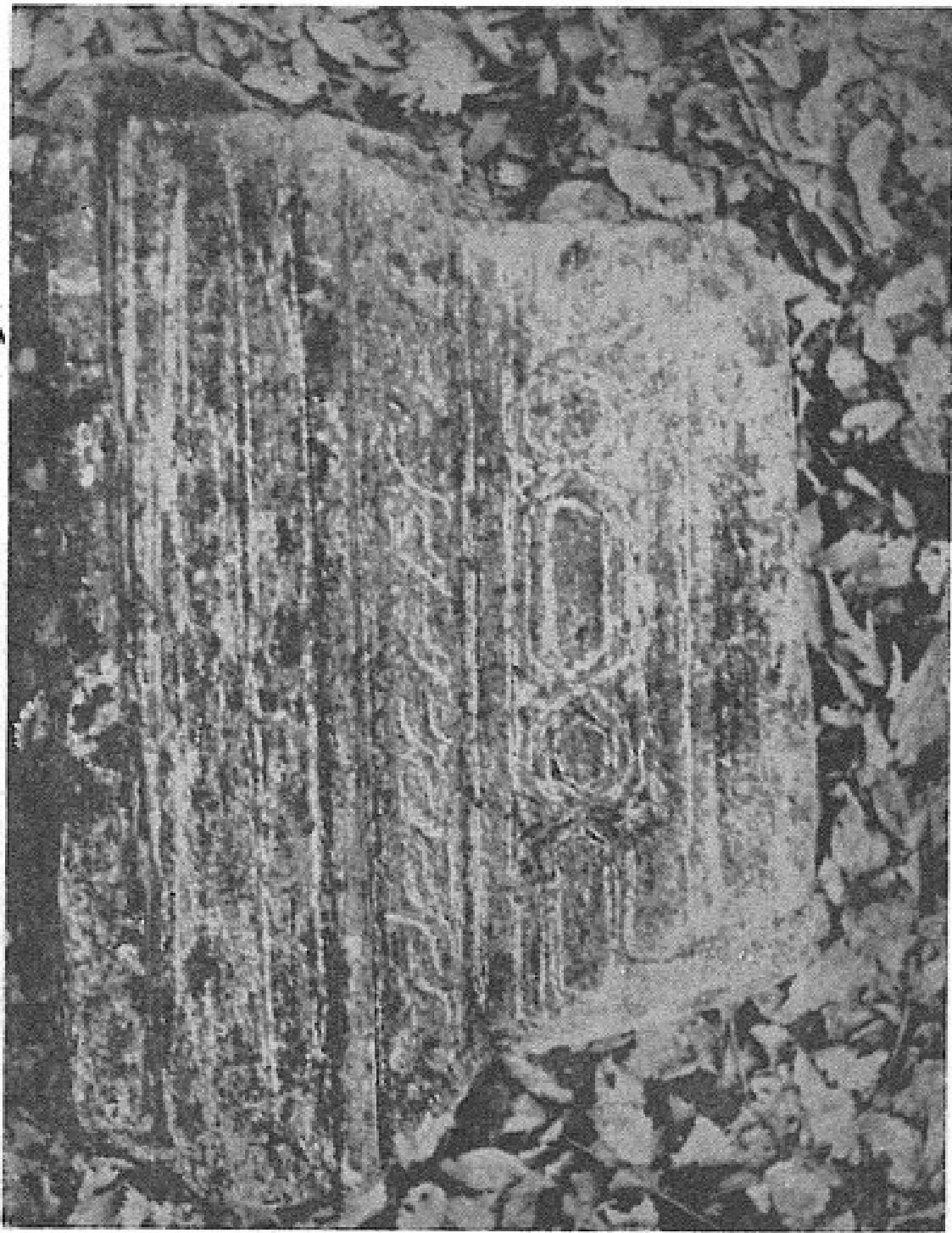
مکس خواره ۵۹ - میرزابیل خواره در جنگل هفت دخان





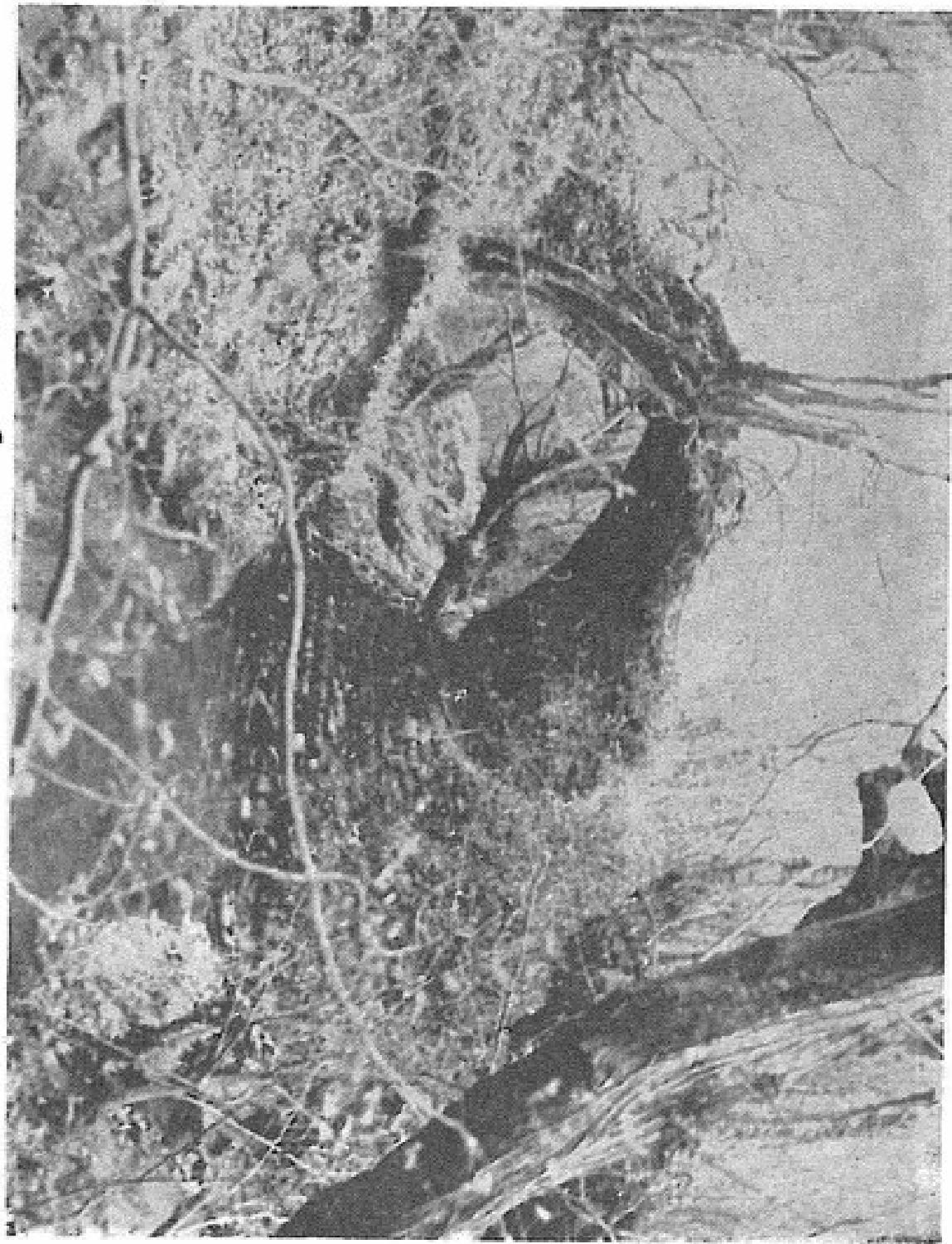
عکس شماره ۹۶ - پایه ستوانی بر سر عزار سید خرسه در جنگل هفت دخنان.

کس خواره ۹۷ - پایه سری از نگاه پنجه بوسیار سبدخواه دیگل خندان.

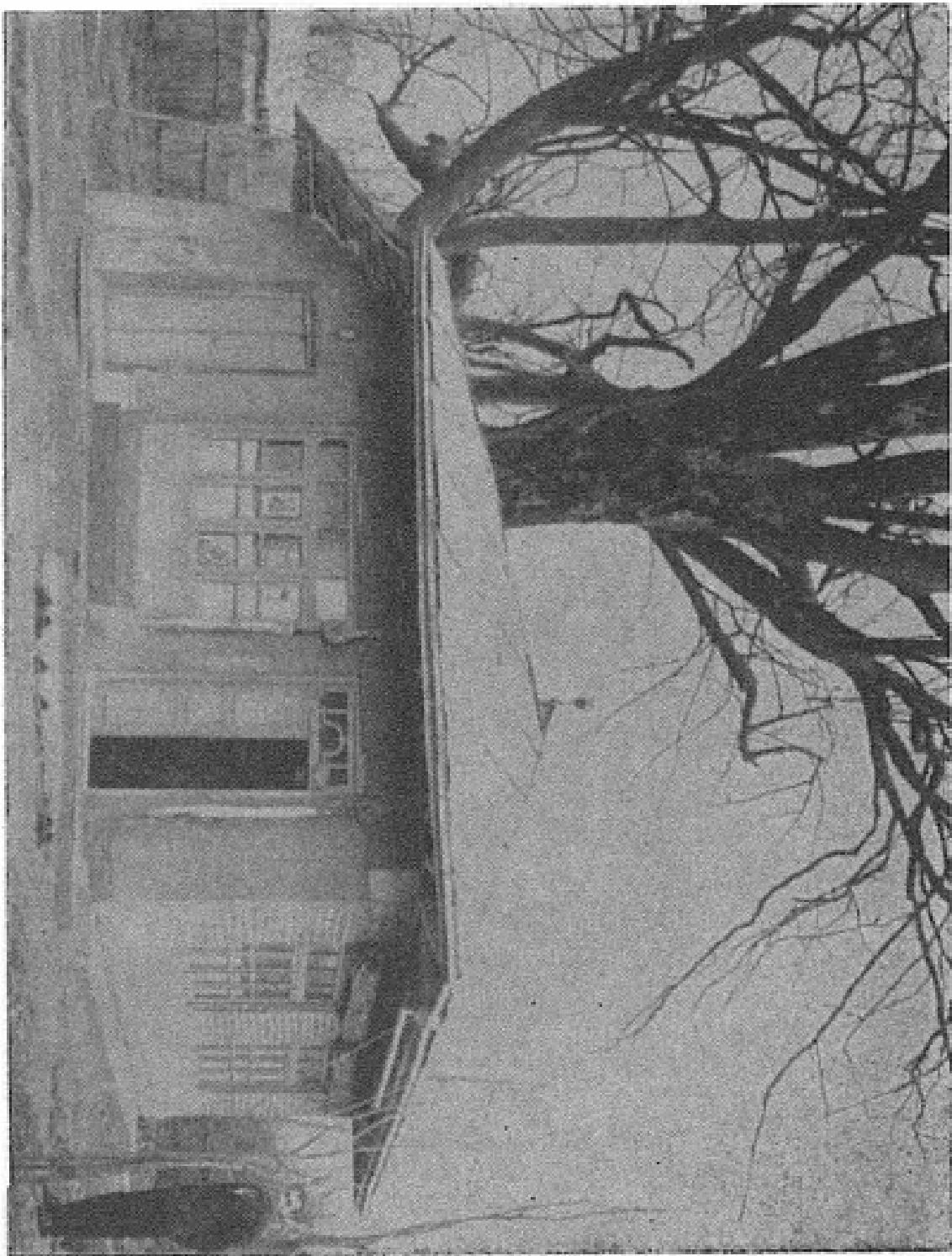




عکس شماره ۹۸ - سنگ هزار سبدخروشه در جنگل هفت دهان.



عکس شماره ۹۹ - بیل آجری ابردوی رویدخانه دلیک در چند کل هشت دهان.



مکس شماره ۱۰۰ - امامزاده سید محمدجان در پایان گلگن.



عکس شماره ۱۰۱ - خریج امامزاده سید محمدجان در خیابان گلگن

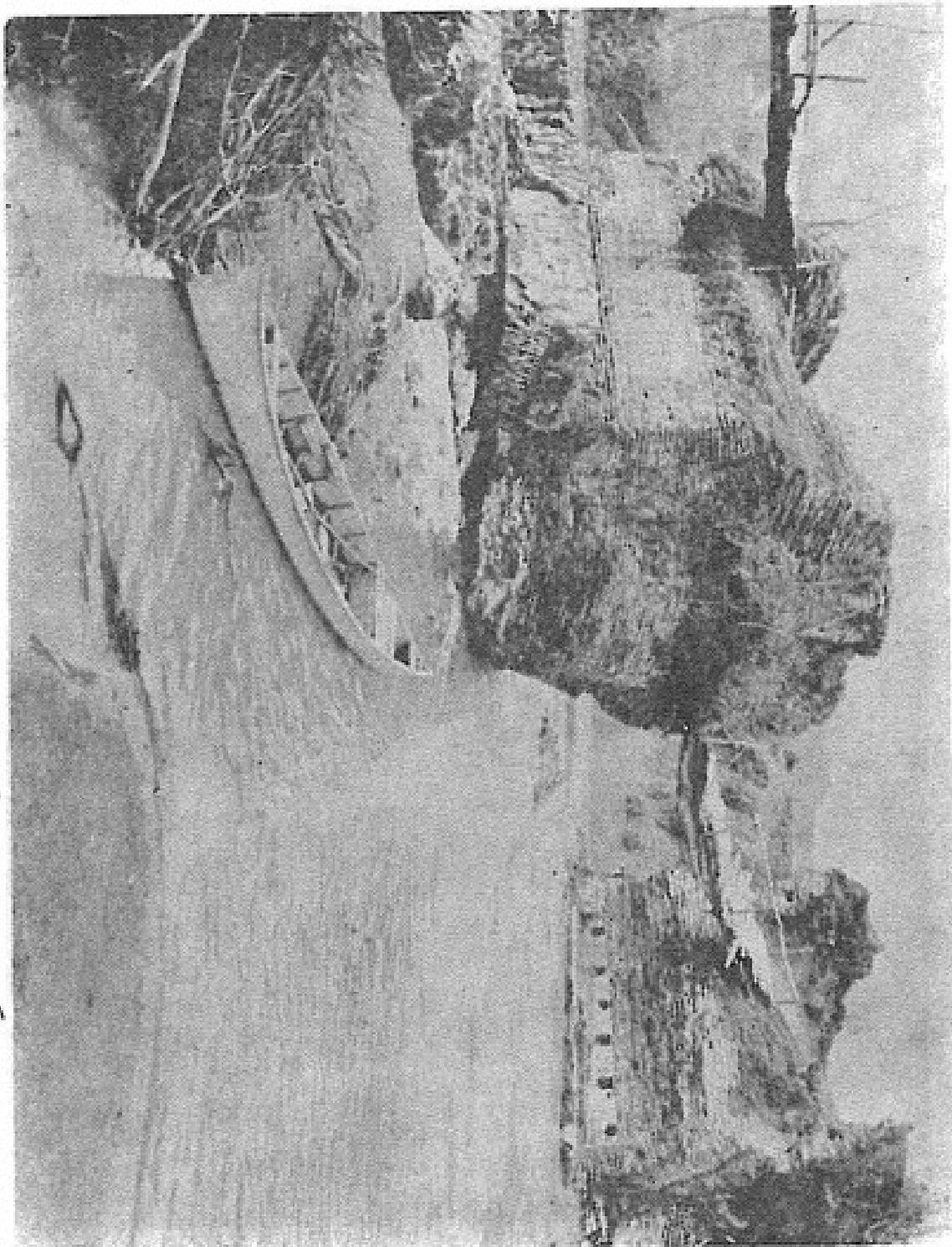


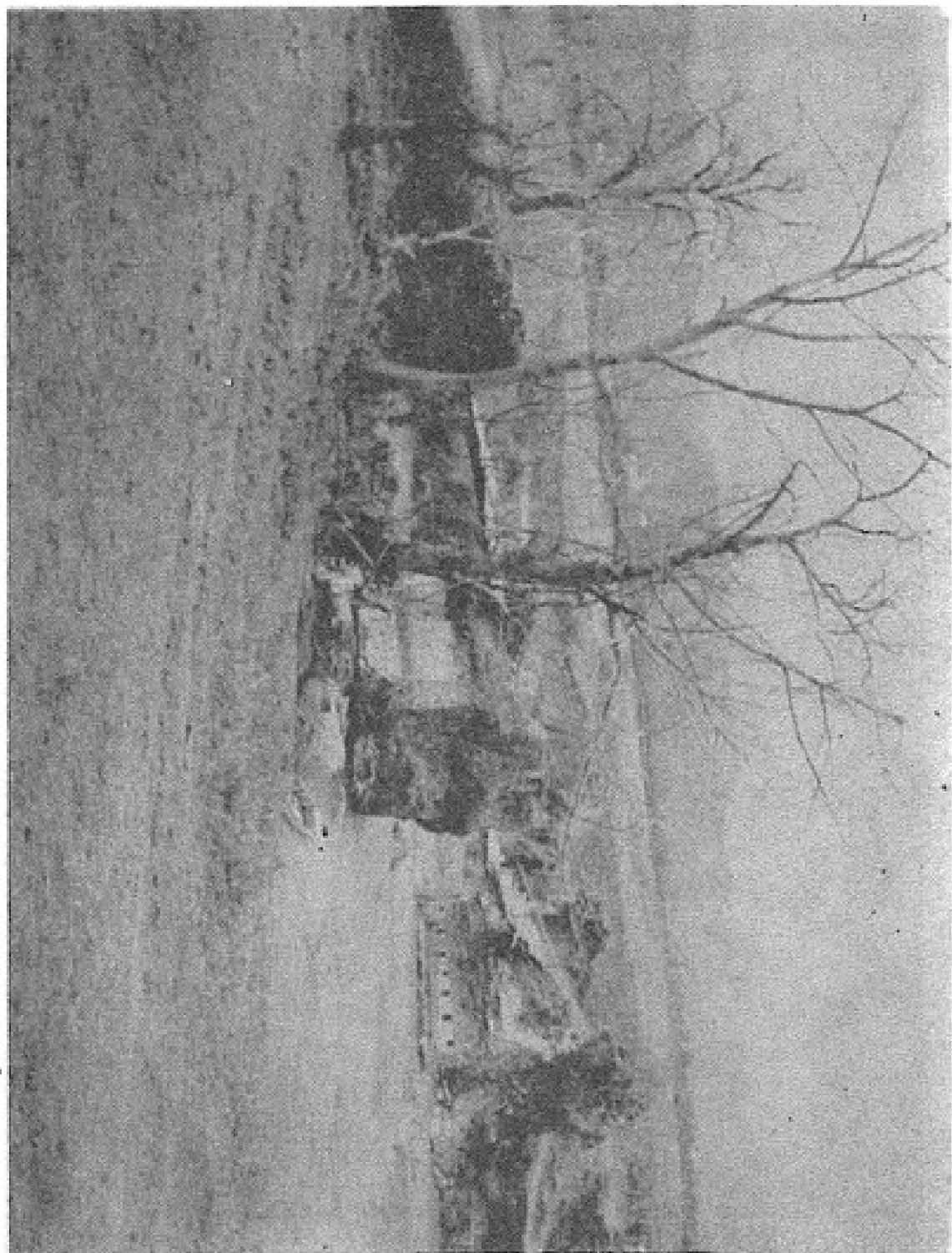
عکس شماره ۱۰۲ - سنگ فیروز در محله اروم سادات بهشهر.



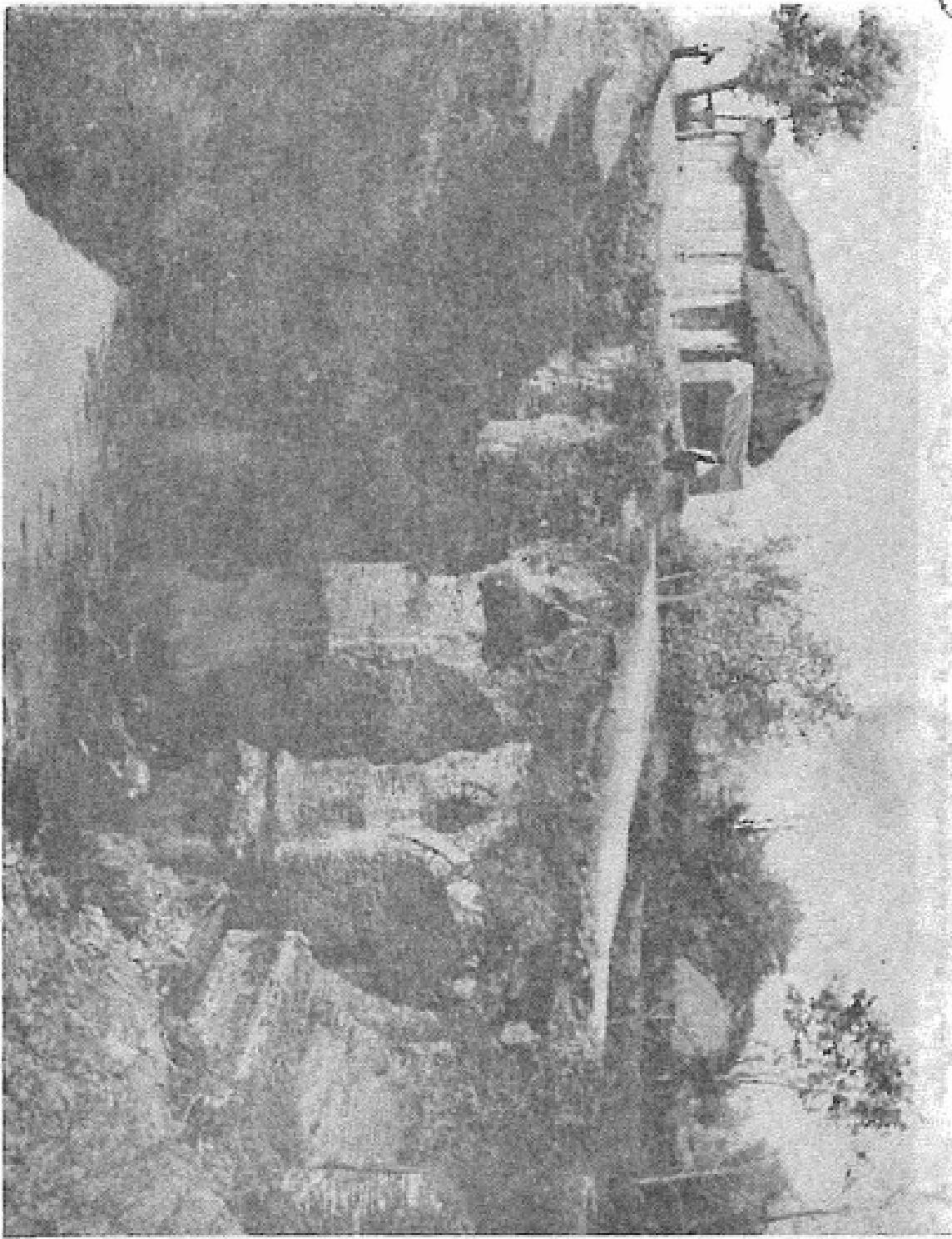
عکس شماره ۱۰۳ - مناره آجری دومناده بازار گرگان.

سک سواره ۴۰۱ - دعاهة اصلی پردازی یا خشت پل خرگه تردیک مداره بازار گلگ



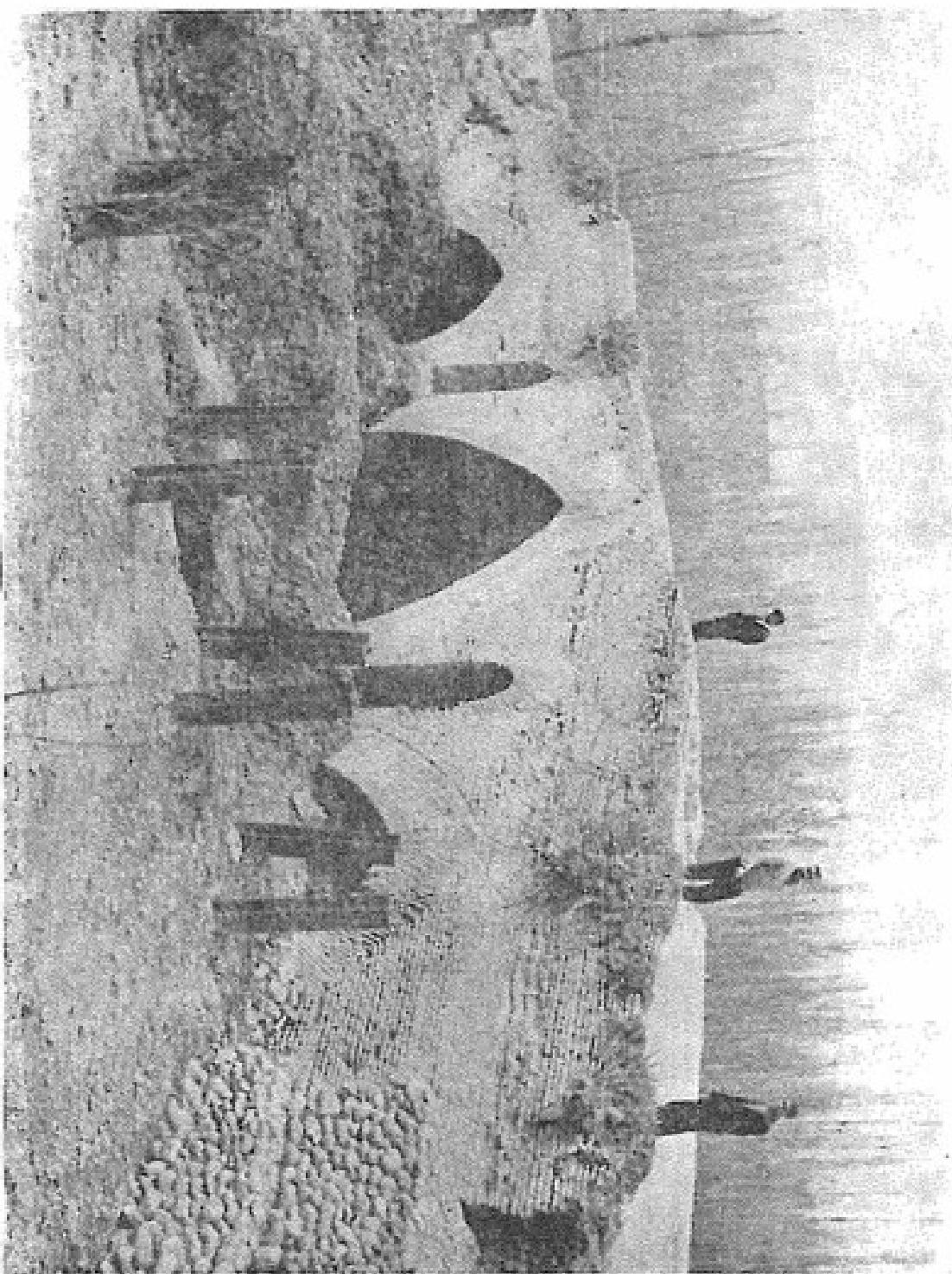


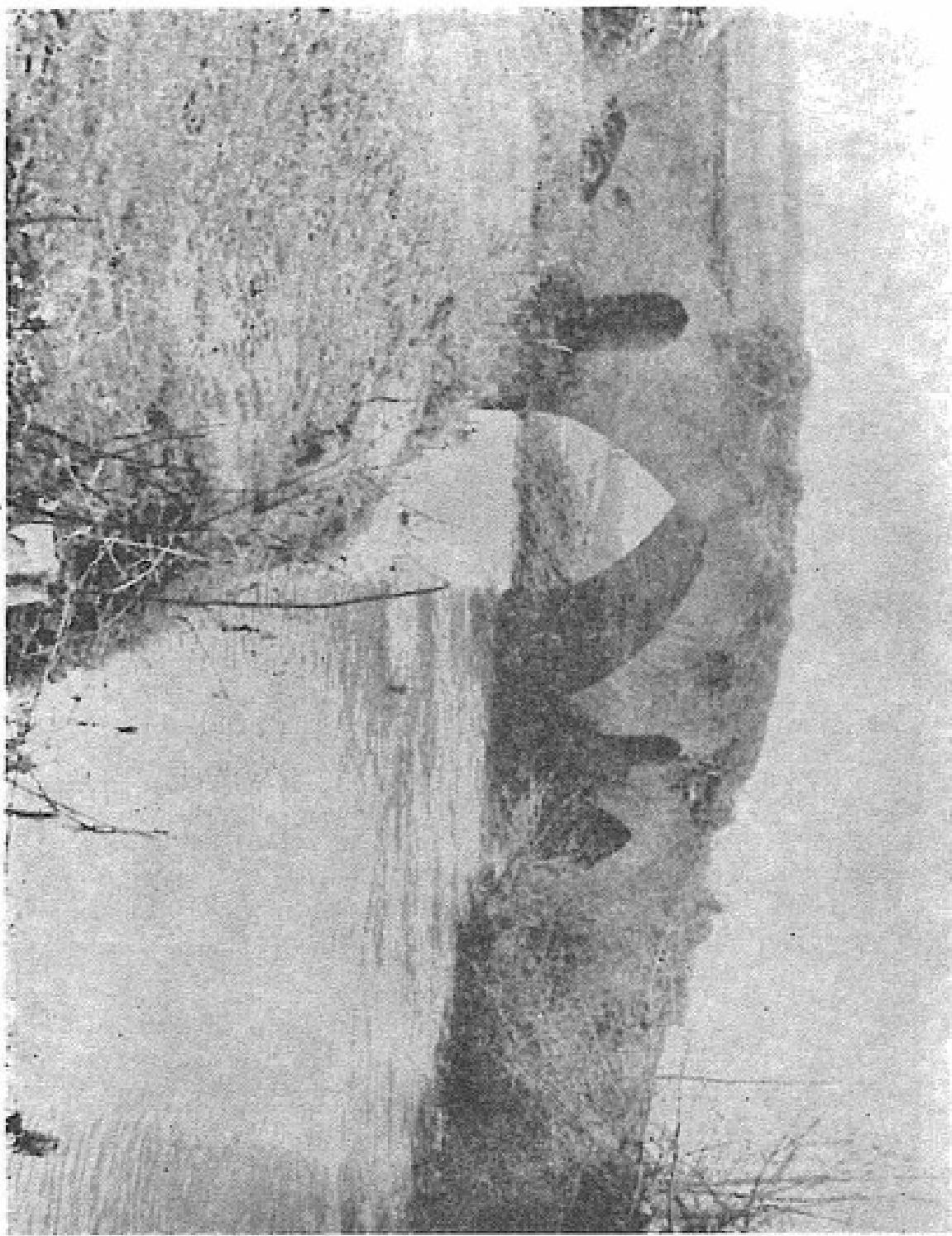
عکس شماره ۵۰۱ - نمای دورحاشا به از میسر باشست بیل بزرگ در عماره بازار گلزار.



عکس شماره ۱۰۶ - پسری با خشتپل کوچک در دهکده پاگنگ.

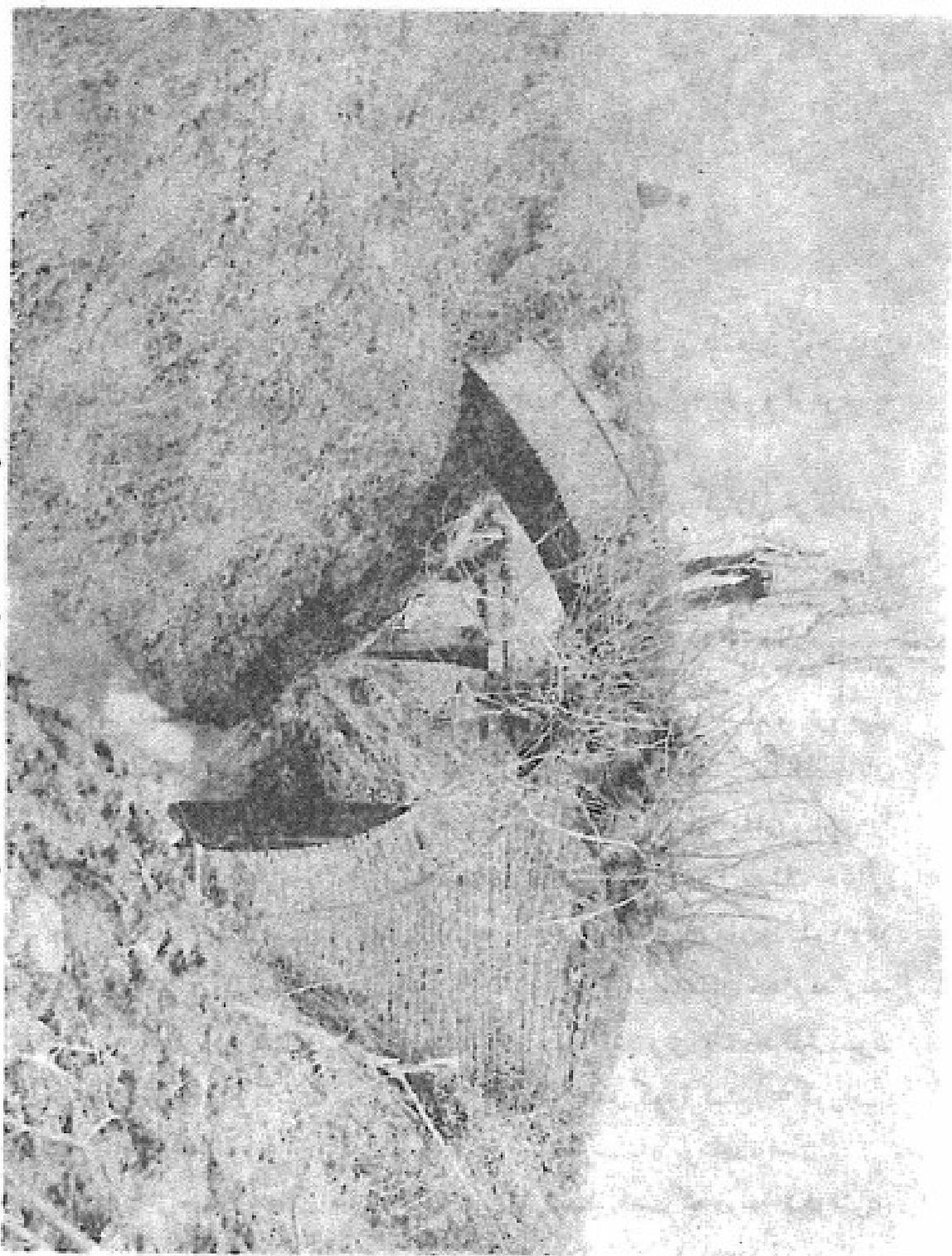
عکس شماره ۷۰۱ - ایندی چندری ملک گراند هتل





سک شماره ۱۰۸ - ساعی شمالی پل گاز دردبار.

عکس شماره ۱۰۹ - پل کرجکی در دلک طامر کوراب.



بخش دهم

جغرافیای تاریخی شفت

شتت در جنوب غربی دشت است ، نیمی از آن دشت و نیمه‌ای کوهستانی است . از شمال به ورزل ، از مشرق به روودبار ، از جنوب به تارم و از غرب به ماسوله و فومن محدود می‌شود .

صاحب ممالک الابصار شفت را موطن شیخ عبدالقادر گیلانی می‌داند و می‌نویسد ساکنان آن حنبلی مذهب‌اند . امیران شفت کم و بیش زیر لوای سلاطین فومن بوده‌اند .

خانان شفت غیر از چند تنی از اهال سبزوار خراسان‌اند . پاره‌ای ایشان را از طایفه چگنی فزوین می‌دانند و می‌گویند که اینان با حیله و تزویری نظیر حیله حسن صباح اراضی این بخش را به دست آورده‌اند . طایفه خانان را « بیاز مسلمان » می‌خوانند و می‌گویند که یکی از اجداد ایشان بیازی را دید که بر بام گالی پوش خانه‌ای روئیده است . فرباد برآورد « بی شک خدائی وجود دارد . » و فوراً مسلمانی را بر گزید . خانها هنوز (تا زمان راپینو ۱۳۳۶ قمری) حکومت را در دست دارند ، ولی نفوذ زیادی بر ساکنان محل ندارند . سابقان مر کز شفت بندام گوراب شفت خواونده می‌شد و نزدیک و هکده نصیر - محله امروزی فرار داشت . محل گوراب شفت در محل گوراکیش (= گوراب - کیش) است که خرابه‌ای آن را جنگلی ابوه از مشاد پوشانده است .

هر کز مهم و محل اقامه خان شفت ، کمسار است که در سه کیلومتری جنوب نکرم (بکسر تاء و راء) فرارداد است . در زمان راپینو (۱۳۳۶ قمری) دو مسجد و دو حمام خراب و دو بست باب خانه ، در میان باغستانی سرسبز برد و کناره

رو دخانه لیفکو خندان داشته است . خانه های خان نشین آن روزی زیما بوده است اما به علت اینکه خانان محل در رشت اقامت کردند خانه ها نیز روی در خرابی دارند . کمسار به چهار محله تقسیم می شود : ۱ - شیخان محله . ۲ - سرخان محله . ۳ - کمسار محله . ۴ - کوچک کمسار .

جمعیت شفت در زمان رایینو هزار و هفتاد و شصت خانوار بوده است اکثر این جمعیت گیلکاند و غیر از چند نمی باقی بیلاق و فشلاق ندارند . تعدادی گالش و نالش در دهکده های های ارتفاعات ساکن هستند و با تغییر فصل بیلاق و فشلاق می کنند . ساکنان دهکده های دشت به زبان گیلکی و مردم کوه نشین به زبان قالشی گفتگو می کنند . هر دو گروه شیعی مذهبند . (۱)

بقعة امامزاده ابراهیم بن امام موسی الكاظم عليه السلام (۲)
در دهکده طالقان (۳) شفت

روستایان اطراف ، برای این بقعة احترامی بیش از اندازه فائند ، تا جایی که می گویند کسی را بارای آن نیست که در این ده دزدی کند . حتی آقاجان - راهزن معروف - نیز بسیار پابند احترام به این امامزاده بود . محمدعلی گیلک درباره دهکده طالقان و بقعة آن می نویسد : « از آثار قدیمه قریه طالقان بکی بقعة امامزاده ابراهیم است که درب های آن منبت کاری است . » (۴)

حسن شمس گیلانی می نویسد : « شرح حال امامزاده ابراهیم در دست نیست . ولی آنچه بین گیلانیان معروف است ، این است که آن بزرگوار فرزند موسی بن جعفر ~~از~~ است . کرامات زیادی از آن سید جلیل مشاهده شده . اطراف

(۱) گیلان رایینو س ۱۹۸۱۹۷ . (۲) از امامزاده تا بارگاب شش کیلومتر واژ بارگاب نا چو بر شفت بیست و چهار کیلو متر است . (۳) طالقان ، ده از هشتان شفت بخش مرکزی شهرستان فومن ، سی و بیک کیلومتری جنوب قرقی فومن و سی و دو کیلومتری جنوب شهر قرشفت . زیارتگاهی به نام امامزاده ابراهیم برادر امام رضا علیه السلام دارد که در چهار کیلو متری جنوب این آبادی است و زیارتگاه فراء اطراف است . (فرعنگ جغرافیائی) . (۴) کتاب شیخ زاعد گیلانی س ۱۱۳ .

این قبیه را کوههای مرتفع و جنگلها محاصره کرده است و این محل اکنون زیارتگاه قراء اطراف محظوظ می‌گردد و هر ساله در او اخربهار واوائل ناستان که آب و هوای آن نقطه مساعد از برای زیارت می‌باشد، اهالی رشت و سایر شهرها، بدان صوب عزیمت می‌نمایند. » (۱)

بنای اصلی شامل مسجد و ابشاری در طرف جنوب که هر دو به طول هشت متراند، اطاق مستطیلی به طول دوازده و عرض هشت متر که صحن امامزاده است و ضریح در این اطاق است. اطاق متولی که میان کفش کن و این صحن است و آخرین قسمت شمالی کفش کن است. ضریح مشبك و از چوب آزاد ساخته شده است. طول آن $2\frac{1}{8}$ متر و عرض آن $1\frac{1}{5}$ متر و ارتفاع تا وسط سقف گهواره‌ای شکل مشبك $1\frac{1}{7}$ متر است. چهار ستون در چهار گنج ضریح بدون نظم و ترتیب فرازدارد و دوسنال بر آنها نکیه دارد. محفظه خالی بالای ضریح که مخفی به گنبده مدور می‌شود، براین سرناها ساخته شده است. مقطع دوستون چهارسو و مقطع دو نای دیگر داره است.

حملی سراسر بنا کشیده شده است که بر روی یکی از این ستونهای و پایه‌های سیمانی متکی است و داشانهای سقف براین حمال نکیه دارند. سراسر سقف لمبه کوبی و بام حلبوس است.

بِقَعَةِ اَمَامِ زَادَهِ اَسْحَاقِ وَ خَوَاهِرِ شَخِيرِ النَّاسِ
بِأَفَاطِمَةِ صَغْرِيِ فَرِزَنْدَانِ اَمَامِ
مُوسَى الْكَاظِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

امام زاده اسحق در کوههای جنوبی شفت است. راه آن از شفت به - اسواندن (= عثماندن) و احمد سرگوراب و نصیر محله و گنجار (فتح کاف) و گندم آرد و گبودسر (فتح سین) و سونه و سبزدشت (بکرزاء) و سیاپیل کنده می‌گذرد و به امامزاده می‌رسد.

بنای اصلی شامل اطاقی به شکل مربع مستطیل، به طول ۹ متر و عرض

(۱) تاریخ علم و شعر ای گیلان س ۲۷.

۷ متر است . غیر از مسجد مجاور که طرف شرق بنا شده است . ضریح این خواهر و برادر که پهلوی یکدیگر به خاک سپرده شده اند در گنجع جنوب غربی است . طول این ضریح مشبک ۲/۵۳ متر و عرض آن ۱/۳۷ متر و ارتفاع آن تا زیر کوهواره طاق ضریح ، یک هفتم است .

سراسر سقف اطاق لعبه کوبی است ، اما قسمت بالای ضریح بازو گنبدی مدور روی آن ساخته اند و سراسر بام از بالا حلب پوش است .

در طرف غربی صحن ، سه ستون چهارسوی قطور و طرف شرقی چهار .

ستون بدھمان قطر و روی تمام ستونها سر نالی چهارسو تکیه کرده است . طول مسجد متصل به صحن ۹ متر و عرض آن شش متر است و فاصله میان صحن و مسجد پنج لنگه ارسی چوبین و یک در ورودی میان ارسی دوم و ارسی سوم است . دیوار شرقی مسجد پنج لنگه ارسی است و سه پنجره به خارج دارد . در ورودی صحن شمالی است و از کفش کنی وارد صحن می شود . دو شاخ گنج گاو (= گوزن) بر بالای دو ستون نصب شده است و سنگ مرمری که شکل جای پائی بر آن است و معروف است که جای پای امامزاده اسحق است در صحن دیده می شود .

از فومن نا نصیر محله بیست کیلومتر و از نصیر محله تا امامزاده اسحق هیجده کیلومتر است .

مزار شاه در ویشان

در تکرم (۱) شفت ، کنار رودخانه پیخان

بنایی چوبین و قدیمی است . ایوانی به ابعاد پنج متر طرف شمال است . جلو ایوان ، راهروئی به عرض یک متر است . دیوار های اصلی بنا ، زگالی ، سقف سراسر بنا ، واشان کشی ، لبه آن یک پشته و بام سفال سراسر است . این بنا بر سمت راست رودخانه پیخان و بر بالای تپه ای مسلط به رودخانه ساخته شده است . اطراف آن گورستانی قدیمی است و درختان آزاد کهن سال براین مزار سایه اند .

(۱) به کسر تا وسکون کاف و کسر راء .

هزار شاهزاده احمد و قرآن نه منی آن در چماچای (۱) شفت

برای رسیدن به هزار شاهزاده احمد باید از شفت به شالده و حاجی آباد و بزرخندان (۲) و تکرم و جیرده و بیالوا و خرطوم و خلیلان و چماچا رفت . این راه از دامنه و سرتپه هائی کوتاه که پارهای از آنها جنگلی و بیشتر آنها به باجهای جای تبدیل شده‌اند می‌گذرد و مناظری بسیار دلپذیر دارد .

بنای بقعه و مسجد قدیمی آن را خراب کرده و نوسازی کرده بودند . ارسی های قدیمی بنارا در سقف بقعه به کار برده بودند . دو ستون لاج نگری بسیار ظریف میان ستونهای ایوان دیده می‌شد که قدمتی داشت .

رابینو این بقعه را به نام امامزاده نعمان می‌خواند و از قرآن کوفی قدیمی آن که در سال ۱۳۳۶ قمری در این بقعه بوده و امر وزیر نیز هست یاد می‌کند . (۳) اغلب قرآن‌هایی که در این گونه بقاع بوده ، از میان رفته است . خوب بختانه این قرآن ، در این گوشه محفوظ و سالم مانده است . تنها سر لوحه و هفت صفحه ابتدای آن و بیک صفحه از آخر افتاده است که فعلاً با خط خوش نسخ از نو نوشته و سپس شیرازه بندی و صحافی کرده اند . از جلد قدیمی آن اثری باقی نبود . مشخصات این قرآن کوفی مغرب به قرار زیر است :

س سوره‌ها مجدول و مطلاست و سر آیات گل و بته و مطلاست . طول صفحات ۳۶ سانتیمتر و عرض آنها سی سانتیمتر است . طول متن ۲۹ سانتیمتر و عرض آن ۲۴ سانتیمتر و هر صفحه شامل ۱۵ سطر است . قطر این قرآن بالغ بر هفت سانتیمتر و نیم است . معروف است که وزن تمام قرآن نه من و وزن بیک برگ آن نیز نهمن است . احتمال می‌رود که نعمان تغییر شکلی از نهمن باشد .

بقعه سید احمد و سید ابوالقاسم در نهم (۴) شفت

بنایی است آجری و قدیمی کرسی بلند که ارتفاع کرسی آن به دو متر

(۱) به شم ج . (۲) به شم باه و سکون راه و کسر زاء . (۳) کیلان رابینو ص ۲۰۳ .

(۴) بکسر نون و ضم زاء .

می‌رسد. طرف شرقی بنا، ایوانی به طول ۱۲ متر و عرض چهار متر است. اطاقی که ضریح این دو نن در آن است مربع شکل و گنجهای آن تقریباً یم دایره و دارای پنج ضلع اصلی است. طول و عرض این اطاق ۷ متر و در وسط آن صندوقی ساده و قدیمی است که طاق آن گم‌واره است. سقف سراسر بنا لمبه - کوبی با درزیوش ساده، لبه بام سه پشتہ و بام سفال سر است. هاآذنای چوبین در گنجع جنوب غربی بناست که از راهیله‌ای جداگانه به بالای آن می‌روند. طرفین بنای اصلی بقعه دو اطاق است که در درودی آنها در ایوان شرقی است و به خارج نیز در و پنجه‌های دارند. در درودی بقعه شمالی و جنوبی است که ابتدا وارد ایوان می‌شود و سپس به اطاق وسط و دو اطاق طرفین می‌رود. مدخل بلکان هاآذنه جنوبی است. (عکس شماره ۱۱۰)

مزار سالوک (۱) معلم در الله‌وردي محله قشلاق شفت

الله‌وردي محله نام چند در خانه است که کنار مزار سالوک معلم ساخته‌اند. مزار سالوک معلم بر قله کوهی است که از فاصله ای بسیار دور نمایان است. ابوالقاسم نامی تاریخ سلطان سالوک معلم را نوشته است که بر آن زیاد اعتمادی بیست. (۲) بنابرگفته او سالوک معلم پسر و هب بن منبه، از منسوبان پیغمبر علیه السلام بوده است. پس از فوت امام رضا علیه السلام در سال ۲۴۷ قمری، سالوک در گیلان مقیم شد و در قارم به هفت هزار تالشی و دیلمی ملحق شد. مخالفان را پایی قلعه شیران شکست داد و از راه ایمان آباد به کشم درآمد. در کرکره پشته اردکاه ساخت. این محل بعداً به لشکرگاه معروف شد. در آنجا سران طایفه عمماک مانند ملک عباس بن ملک شیر و به لاسکی و ملک دولت بن ملک العاص سفید هزگی مطیع او شدند. ابوالقیس خارجی که در این وقت حاکم

(۱) در عربی سعلوک شده است و امروز سالوک معلم گویند. (۲) این کتاب را نگارنده بیافت ولی از عبارانی که راینو از آن نقل کرده است نظیر کتاب شرح حال سید جلال الدین اشرف وبحر الانساب ساختگی است.

گیلان بود، لشکر کشید و فاتح شد و سالوک معلم سپس به کوهستان خیر سنگ (فتح خاء) آمد و در آنجا ازدواختیار کرد و به عبادت پرداخت. در سال ۲۸۰

قمری فوت شد و در محلی که رزش نام داشت به خاک سپرده شد. (۱)

امروز هزار سالک معلم بر بالای بازوی کوهی به نام «خیر سنگ» است. بنای اصلی بقعه، زگالی است که میان آن صندوقی شبک ساده است. در وردي آن قبلی است. طاق سراسر بنا و اشان کشی و از روی و اشانها پل کوبی است و سراسر بنا حلب سر است.

بنای دیگری در جلگه، از دیگر بقعه سالوک معلم است و به نام بقعة معلم معروف است. بنای اصلی زگالی است و طرف شمال آن ایوانی به عرض ۱۵۵ سانتیمتر دارد. در هر طرف جنوب و شمال بنا چهارستون چهارسو و هر طرف شرق و غرب آن پنج ستون است. سرستوانها نسبه قدیمی است. در ورودی بقعه شعالی است. ابتدا به ایوان وارد می شود و سپس به بقعه می رود. صندوقی چوبین ساده در وسط بناست. سقف سراسر بنا و اشان کشی و از رویل کوبی است.

قلعه شاه بقال

در قریله بداد (بداو)

عبدالفتاح فومنی می نویسد که حدی سرشناس به نام شاه بقال در خدمت علی بیگ سلطان وزیر بیهی پس بوده است. (۲) معلوم نیست که این قلعه را همین شاه بقال ساخته، یا قلعه‌ای قدیمی در این محل بوده و به نام خود خوانده است. تپه‌ای که آثار این قلعه بر آن است، امروز به نام شاه خال معروف است (۳) و کنار نهری به همین نام است که از مشرق قریله بداد می گذرد. درختان فطور آزاد و جنگل کیش این محل را فراگرفته و کم و بیش آثار بنا را محو کرده است.

(۱) گیلان راینو س ۲۰۳ و ۲۰۴. (۲) گیلان راینو س ۲۰۴ و ۲۰۵. (۳) در زمان راینو سال ۱۳۳۱ قمری به نام «شاه بقال» معروف بوده است. (گیلان راینو س ۲۰۴).

**خرابه های چوبر و شاه نشین
کنار دهکده های چوبر و شاه نشین شفت**

بر سرتپهای طبیعی که ارتفاع آن از شالیزارهای اطراف بیش از هفتاد متر بیست و سطح بالای آن در حدود یک هکتار است، روزی بر فرمی از این اراضی ساختمانهای قدیمی بوده است. در حدود نو دسال پیش حینقلی خان نامی از آجرهای این بنا، بنایی دو طبقه برای خود بر بالای تپه ساخته است. این بنا نامروز بر پایی است. آجرهای بنای فعلی به ابعاد بیست و یک سانتیمتر و قطر چهار سانتیمتر است. آثار سه چاه در بالای تپه بود که یکی از آنها تقریباً پر شده بود

**قلعه کل
در چوبر شفت**

این قلعه از دیگ کوه اربدهانگه^(۱) بر تپه‌ای منفع قرار داشته است بر این تپه آجر و سفال فراوان دیده می‌شود. فاصله قلعه کل ناشاه نشین تقریباً یک کیلومتر است.

**دیوار قدیمی اسکندر کان^(۲) (= اسکندر کل)
در شفت**

در دو فرسخی جنوب امامزاده اسحق راهی است که به بیلاق روح عنبر و از آنجابه تارم می‌رود. این دیوار بر سمت چپ بادر شرق این راه است. دیوار از سنگ بادبر بنا شده و ملاطی خاکستری رنگ دارد. درازای آن در حدود پانصد متر و ارتفاع آن ناچهارمتر است. می‌گویند تاریخ بنای آن با زمان اسکندر ذو القرنین می‌رسد.

**ساختمانهای حکومتی
در گمسار^(۳) شفت**

بیست باب ساختمان آجری با بنجهره های ارسی و شیشه های رنگی که

(۱) بفتح الف و سکون راء و فتح باء. (۲) بکسر الف و سکون سین وفتح کاف و دال. در گبان رایینو م ۲۰۶ نام این دیوار آمده است. (۳) بضم کاف، ده از دهستان شفت بخش مرکزی شهرستان فومن شازده کیلو متری شرق فومن. شش کیلو متری جنوب شرقی بازار دشت (فرهنگ جغرافیا).

نودار هنر دوران قاجاری است در این دهکده هنوز برپاست. بیشتر آنها روی در خرابی دارد. راینو نیر از این بنایهای داد می‌کند و می‌نویسد صاحبان آنها به رشت رفته‌اند و خانه‌های اعمت روک افتاده است. (۱) معروف است که جد خانه‌دان خانه‌ای محلی شفت از چیکین منجیل آمده و نظیر حسن صباح به اندازه پوست گاوی زمین از اهالی خواسته است. سپس پوست کاو را کشیده و دوال کرده بر سراسر اراضی کمسار کشیده و تصاحب کرده است.

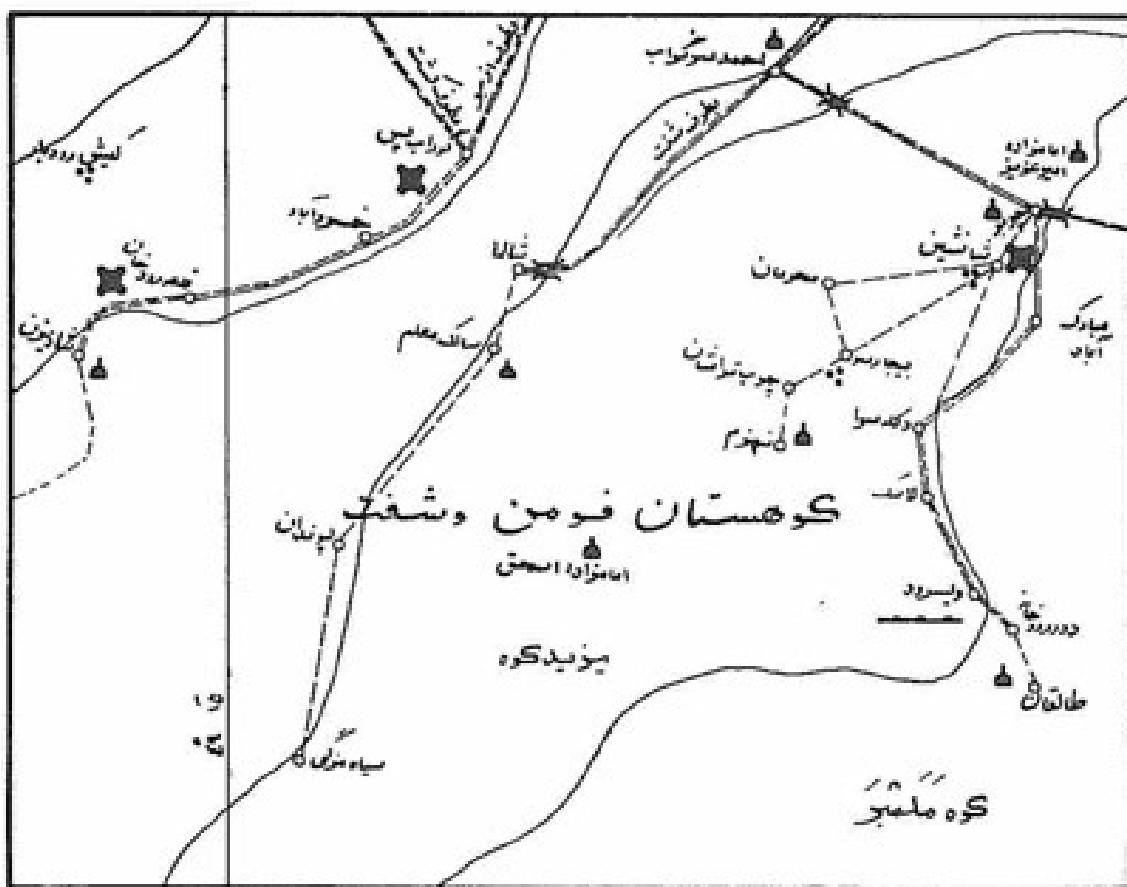
سایر بنایها و آثار تاریخی پخش شفت

- ۱ - بقیه آقاملاعلی در دهکده کمسار
- ۲ - بقیه آفاعزیز در میرسرای چوبن.
- ۳ - بقیه حاجی علی آقا در دهکده چوبن
- ۴ - بقیه آقا نورسنه آن سر راه چوبن به دژا.
- ۵ - بقیه حاجی مؤمن در خرطوم.
- ۶ - بقیه درویش جعفر در پشتسرای شفت.
- ۷ - بقیه آقا ذلپیر (۲) در ذل پیران.
- ۸ - بقیه پیر مختار در احمدسر گوراب.
- ۹ - بقیه سلطان پیر حسن در پیرسرا (= مؤمن سرا).
- ۱۰ - مسجد قدیمی کمسار.
- ۱۱ - گورستان قدیمی غیر اسلامی در بیلاق دکرد (۳).
- ۱۲ - گورستان قدیمی اسلامی و غیر اسلامی در سیا چپ.
- ۱۳ - گورستان لاس پشت رو بروی اسکنده کن (= اسکندر کل) گورهای این گورستان از سنگه تراشیده است و سمت قبلی نیست.

(۱) کیلان راینو ص ۱۹۸. (۲) بضم ذال. (۳) بفتح دال و کاف.



عکس شماره ۱۱۰ - بقایه سید احمد و سید ابوالقاسم در نیزه م شفت.



نقشه شماره دوازده - آثار و بناهای تاریخی قسمت کوهستانی شفت و فومان

بخش یازدهم

۱ - جغرافیای تاریخی تولم

بخش تولم در شمال غربی شهر دشت است . از شمال به مرداب ازلى ، از غرب و جنوب به فومن ، از جنوب شرقی و شرق به معوازی محدود می شود . طول آن از شرق به غرب ، سیزده کیلومتر و عرض آن از شمال به جنوب نه کیلومتر است . دشتی است هموار ، شامل چنگل و شالیزار و رو دخانه های متعددی که سرچشمه آنها در کوهستان فومن و شفت است ، از میان آن می گذرد .

صاحب ممالک الاصار می نویسد که سلطان تولم بر سلطان فومن ، بر تری و سلط دارد . هزار سوار دارد که شجاعترین سربازان گیلان هستند . سربازانش در مقابل مغولان استادگی کردند و ایشان را شکست دادند و به همین جهت قدرت و سلط او بیشتر شد .

از سال هفتصد و شصت و نه قمری ، تولم جزوی از خاک فومن شد . اما علت تغییر این تقسیم بندهی بر ما روشن نیست .

عبدالفتاح حاصل مالک ساله شیلات تولم را در سال ۹۹۴ قمری مبلغ چهارصد تومن توشه است . این مبلغ را علی بیک سلطان ، به امیره حمزه و پسران او سند داده بود . (۱)

در زمان رایینو (۱۳۳۱ قمری) مرکز مهم تولم ، هندخاله بود و خود این ناحیه جزء رشت به حساب می آمد . حاکم محلی این ناحیه ، سردار معتمدرشتی بود که در این تاریخ بزرگترین مالک این نواحی بوده است . هندخاله در این زمان ، در حدود دویست خانوار جمعیت داشت و بدسه محله تقسیم می شد : ۱ - پائین محله

(۱) تاریخ گیلان ص ۹۲ و ۹۳ .

با مازندران محله . ۲ - میان محله که دارای دو قسمت، یعنی سادات محله و شیخ محله بوده است. ۳ - صوفیان ده . (۱)

نفرباً تمام جمعیت تولم، در طاعون سال ۱۶۴۶ قمری، از میان رفت. از ازلاهیجان و مازندران و نواحی تالش نشین، عده‌ای را بدانجا کوچاندند. جمعیت این بخش در زمان رابینو نسبه زیاد بود. اینان اولاد و احفاد کسانی بودند که بدانجا آورده بودند. لهجه ایشان، دهکده به دهکده فرق می‌کند و با کیلکی موافق و فومن اختلاف دارد.

جمعه بازار تولم، در هفده کیلومتری غرب رشت، بر سر راه رشت به کوه، بر کناره راست پیش رو دبار، بر پا می‌شود. محل بازار، زمین وسیعی است که به خاک‌فومن تعلق دارد. بازارهای دیگر تولم در سیاه درویشان و هندخاله است، اما روز معین و نابتی ندارند. (۲)

۳ - بناها و آثار تاریخی تولم

در بخش تولم تاجائی که نگارنده مطالعه و بررسی کرد، بناهای تاریخی و آثار قابل ذکری ندارد. رابینو فهرستی از امامزاده‌ها و مزارهای این ناحیه تنظیم کرده است. اما پس از بازدید از محل، معلوم شد بیشتر آنها، درختان جنگلی کهنه‌سال هستند.

مسجد آقا پیله قرآن

در صيقلان تولم

در این مسجد کالی پوش قدیمی قرآنی با ارزش و نسبه قدیمی است که مردم به زیارت آن می‌روند. متولی این قرآن را به خانه خود منتقل کرده است. رابینو نیز ذکری از این قرآن کرده است. (۳)

صفحات اول و آخر این قرآن افتاده و سایر اوراق آن، بر اثر بهم خوردن شیرازه پس و پیش و مشوّش است. در سر سوره‌ها، نام سوره‌ها با کوفی رنگین

(۱) کیلان رابینو س ۱۹۲ . (۲) کیلان رابینو س ۱۹۳ . (۳) کیلان رابینو س ۱۹۶ .

نوشته شده است . سر آیات، گل و بته های سبز و فرمز دارد . سراسر قرآن به خط کوفی است و اغلب کلمات منقوط و معربند . طول نوشته متن ۲۹ و عرض آن ۲۱ سانتیمتر است و هر صفحه ۱۷ سطر نوشته دارد . طول قرآن ۳۴ و عرض آن ۲۶/۵ سانتیمتر است . بسیار بجایت که مقامات مسؤول ، این قرآن را خردباری کنند و از رطوبت گیلان بیرون آورند و به وضع نابسامان آن ، سروسامانی بخشنند .

مزار میر مؤذنان در صوفیان ده هندخاله تولم

آتش بنای مزار را از میان برده بود و مشغول نوسازی آن بودند . رایینواز این بنای باد کرده است و می نویسد که متولی این مزار از نسل پیر محمد مؤذنان است و فرمانها ائمۀ دردست دارد که در یکی از آنها ، آبادیهای زیر از رقبات موقوفات این مزار به حساب آمده است :

جو کی ، سفید لیه زار ، کفته رود ، تور خاله ، نی زار ، نمکاهان ، باز کی پشت ،
لیه خاله نزدیک هندخاله .

بکی از فرمانها ، مورخ محرم ۹۳۹ قمری است و مهر ابوالمظفر ، سلطان بیهی پس را به شکل طغرا ، با عبارات زیر دارد :

الله تعالى الحكيم المعنان المؤيد القادر السلطان المظفر ابوالمظفر .

بکی دیگر از این فرمانها ، از شاه عباس دوم و مورخ ۱۰۵۶ قمری است . دیگری از شاه طهماسب دوم و مورخ ۱۱۳۷ است و مهر فرنده کل فوای امپراتور پس آن (Anne) را دارد . (۱) نگارنده دسترسی به این فرمانها پیدا نکرد .

چهل تنان نزدیک مسجد بالا محله هندخاله تولم

از دیگر این مزار که فقط درختی کهنسال پلت است ، مسجدی قدیمی بوده که آن را خراب کرده و مسجدی نازه بدجای آن ساخته بودند . جلو این مسجد

(۱) Commandant en chef de l' Empératrice Anne

(کیلان رایینو س ۱۹۵)

قبرستان قدیمی است . در این قبرستان ، بر سنگ ریشه داری که عمودی قرار داشت ، تاریخ ۱۲۳۲ بر بالای آن و عبارات زیر ، ذیل آن تاریخ حک شده بود :

«هواليقى هذا قبر مرحوم مغفور ملك محمد ابن مشهدى حسن فى شهر
محرم الحرام سنة» بر حاشیه سنگ قام چهارده معصوم باخطی نزدیک به نسخ حک
شده بود . (عکس شماره ۱۱۱)

ابن سنگ شباخت زیادی به سنگ قبری داشت که در محله اروم سادات به عنبر
دیده شده است و سابقاً از آن یاد کردیم .

بقعه آقا سید حسین

در دهکده لیف شاگرد تولم

بنای بقعه ، بنائی کالی پوشی است و مسجد و بقعه زیر یک سقف است . آن
ستون لاج لنگری ظریف در این بنا به کار رفته است .

بقعه آقا درویش علی آقا

در دهکده لاکهسار تولم

بنائی است مربع از آجر که در میان آن صندوقی چوبین ساده است .
سراسر بنا حلب سراست .

سایر بناها و آثار پخش تولم

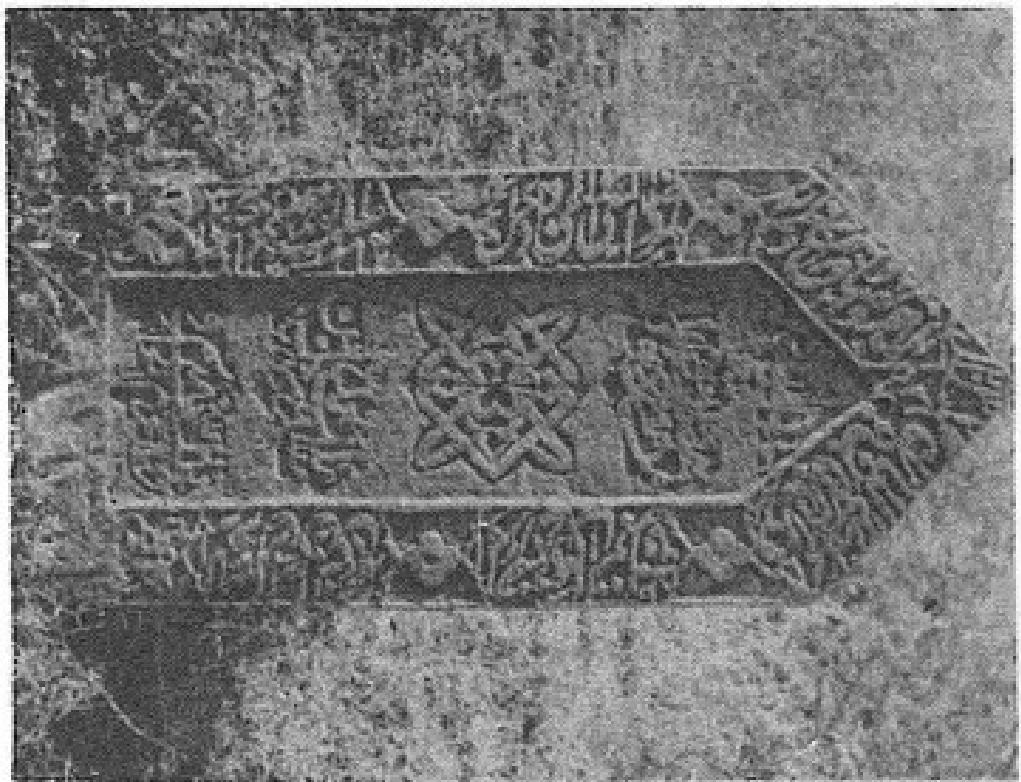
۱ - بقعه آقا سید ابراهیم در نو خاله تولم .

۲ - امامزاده یحیی در گوراب تولم .

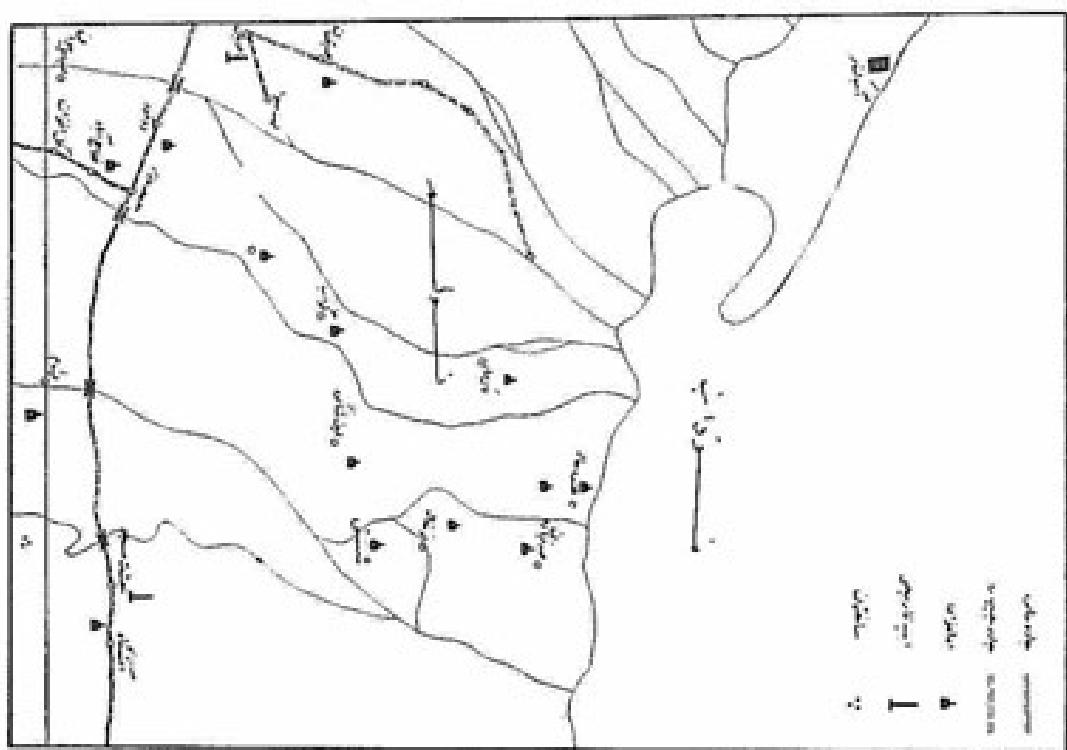
۳ - مسجد قدیمی بالا محله هند خاله تولم . (بنازگی آن را از نو
ساخته اند) .

۴ - مزار آقامعمن در سرمه (۱) تولم . در این مزار قرآن بزرگی است که
نگارنده آن را ندید .

(۱) بکرسین اول و دوم و سیم .



عکس شماره ۱۱۱- سنگ فیروزی در گورستان چهل قناد از پیک مسجد
پالامسله هند خاله کویم.



نقشه شماره ۱۱۱- آثار و بنای‌های تاریخی پیشین کویم.

بخش دوازدهم

۱ - جغرافیای تاریخی بندرانزلی و چهار فریضه^(۱)

بندرانزلی امروز، بندر اصلی ایران در دریای خزر است که در آخرین قسمت جنوب غربی این دریا بنشده است. این بندر بر دماغه‌ای از شن است که مرداب انزلی را از دریای خزر جدا می‌کند. طول جغرافیای این محل ۴۹ درجه و ۲۷ دقیقه و ۵۰ ثانیه و عرض آن ۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه است.

گملین (Gmelin) در سال ۱۷۷۱ هجری (= ۱۷۷۱ میلادی) می‌نویسد: انزلی یا «زینزلی» چنان‌گهروها می‌خوانند، بهدو قسمت جدید و قدیم تقسیم می‌شود. ساکنان شهر قدیم ایرانیان وارامنه‌مقیم ایران بوده‌اند و شهر جدید را تجار روس وارامنه‌ای که تابع رویه هستند ساکن شده‌اند. بیشتر خانه‌ها محرق و کالی - پوشی است. جای تعجب است بندری که پنجاه سال از عمر آن می‌گذرد، چنین بناهای محرقی داشته باشد. این بناها گذشته از ضرر رهای مادی که به باره‌ی آورند، در مقابله طوبت شدید این محل پایداری ندارند و صحت و سلامت ساکنان آنها مورد تهدید است. شهر قدیم وجود بدیگری پس از دیگری و کلیای ارامنه میان آن دو قرار گرفته است. تعداد این بناهای محرق کالی پوشی بدست یک دستگاه می‌رسد. در بازار اینجا انواع متاعهای ایران و آستانه اخان (= هشتراخان) در معرض فروش است. اجناس بازار انزلی بهتر از اجناس واژده بازار رشت است. بازار آن در اعتداد ساحل است و دکانها در دور طرف در اعتداد یکدیگر بنا شده‌اند و کوچه‌های

(۱) فرزه بضم اول کنار رو دخانه و دریاست که محل عبور کشتیها باشد. (برهان فاطح).

فراوانی این بازار را قطع می کند . خلیج یامرداب از لی از زیر از لی شروع می شود و دو بازوی از لی و غازیان دهانه این خلیج را می بندد مردم این سرزمین از قایق رانی و عمل آوردن بوغان، اعاشه می کنند.

ابت (Abbott) در سال ۱۲۵۹ قمری (= ۱۸۴۳ میلادی) در باره از لی می نویسد « از لی ، تنها بندر در بیان خزر است . جمعیت آن به سه هزار تن می رسد . قلعه و استحکاماتی ندارد ، اما دوازده عراده توب پدراین بندر است . کارخانه توب پر بزی کوچک و مجهزی دارد . فعلاً مشغول ریختن ۲۴ توب بلند شش پوندی هستند که قالب های آن آماده بود . قوای نظامی این محل از این قرار است :

۱۵۰ توپیچی ، ۵۰۰ تفنگچی تالش ، ۱۰۰ تفنگچی شفتی ، ۱۰۰ تفنگچی استر آبادی و ۲۵ تن بومی که سالیان در ازاست مشغول خدمت اند . اخیراً چهل تفنگچی تنکابنی بیز به این عده افزوده شده اند . (۱)

مرداب از لی ده تادوازده میل عرض و طول دارد . وقتی هوا آرام است ، آب از مرداب به دریا می رود . اما وقتی ، باد تند بوزد ، آب از دهانه ، وارد مرداب می شود . رودخانه های زیادی به مرداب می ریزند . از رویه اجناسی بدین بندر وارد می شود و از این بندر حوال التجاره به رویه معمی رود . واردات از رویه موازی ۸۷۰۰۰ تومان (= ۴۳۲۰۰ پوند) است و صادرات ایران صد و بیست هزار تومان (= ۶۰ هزار پوند) است ، غیر از این بیش که گمرک آن در شهر رشت پرداخت می شود . (۲)

مکنی در سال ۱۲۷۶ قمری (= ۱۸۵۹ میلادی) ، بندر از لی را دیده و در باره آن چنین نوشتہ است :

از لی دو محله داشت . محله قلعه بازار که محله آبادی بود ، خانه های آن از آجر بنایده و با آنها سفال پوش بود . محله کهنه بازار که در امتداد مرداب ، تاسنگر در هنری از لی ادامه داشت . در این محله سیصد و پنجاه و سه خانه بود که

(۱) از یادداشت های ماشین شده ابت متعلق به آفای چنگیز شیخلى س ۱۶ . (۲) همان یادداشتها من ۱۷ .

پنجاه و سیگاه آنها باعهای سفال پوش داشت و دارای صد و پنجاه در درگان، سه مسجد و سه تکیه و دو حمام بود. (۱)

رایینو در سال ۱۳۳۶ قمری می‌نویسد «نا اوایل قرن بیستم میلادی، از لی فشمی از نالش دولاب بود. این بندر را با ده کده هائی که بر روی دماغه شنی و از دیگر به از لی بود، جدا کردند و به نام از لی و چهار فریضه خواندند. (۲) بد و علت بندر از لی در زمان رایینو رو به پیشرفت بوده است: یکی اینکه کشتیهای بخاری روسی به این بندر آمدورفت داشته‌اند، دیگر راه از لی به تهران ساخته و پرداخته شده بوده است. شماره خانه‌های از لی در این وقت به هزار و پانصد خانه می‌رسید که هفت‌صد دستگاه آنها کالی پوش و مابقی سفال پوش بوده است. جمعیت این شهر با خارجیان مقیم آن به هشت هزار نفر بالغ بوده است. در زمستان این جمعیت رو به فزونی می‌رفت، زیرا خلخالیان و کسان دیگر به دبال کار به این بندر روی می‌آوردند. اراضی از لی از شرق به غرب دو کیلومتر و عرض دماغه شنی که این شهر بر آن بنایده است از پنج تا هفت‌صد هکتار است. در این زمان شهر قدیم به نام کهنه آباد و شهر تازه به نام تازه آباد معروف بوده است. (۳) هفت‌صد و ایاد در درگان، سه کار و افسرا، مغازه‌های فراوان، دو مدرسه به طرح اروپاییان که یکی پسرانه و دیگری دخترانه بوده، هشت مکتب خانه، یک دستگاه مدرسه روسی و یک دستگاه مدرسه ارمنی و چهار مسجد داشته است. ده باب حمام در این شهر به نامهای زیر بوده است:

- ۱- حمام شاه یا سه شبیه - ۲- حمام بازار یا شبیه - ۳- حمام داروغه یا یک شبیه - ۴- حمام حاجی میرزا زکی یا جمعه - ۵- حمام عمید همایون - ۶- حمام حاجی رضا علی اویف - ۷- حمام مشهدی کاظم علی اویف - ۸- حمام تازه آباد یا دوشنبه - ۹- حمام پنجشنبه - ۱۰- حمام شاه کوچه یا چهارشنبه. (۴)

(۱) گیلان رایینو ص ۱۳۵. (۲) گیلان رایینو ص ۱۳۴. (۳) گیلان رایینو ص ۱۳۳-۱۳۵. (۴) گیلان رایینو ص ۱۳۶.

ساکنان ازلى :

مردم ازلى از نقاط مختلف ایران بدبند شهر روي آورده‌اند. زبانشان گيلکى، فارسي و ترکى است و تمام شيعي هذهبند.

از طوابق قدیم اين شهر طایفه سرخى (= سرخه‌اي) و طایفه استاد محمد رضى را می‌توان نام برد. طایفه استاد محمد رضى مسلك حيدري داشتند. از سرشناسان اين طایفه طهماسب خان پسر قدم على پسر كرم على چومنقال را می‌توان ذكر كرد. اين شخص در اوائل سلطنت فتحعلی شاه به لقب خانی مفتخر شد. بيش از پنجاه خانوار از بازماندگان او در ازلى ورشت هستند. رئيس طایفه ايشان در اين وقت (سال ۱۳۳۱ هجرى) ميرزا عباس خان عبيدهمايون پسر ميرزا عالي خان معين ديوان پسر ميرزا رفيع خان پسر طهماسب خان است.

طایفه سرخى (= سرخه‌اي) مسلك نعمتى دارند. می‌کويند اصلشان از آبادى سرخ، سه فرسنگی سمنان است. از اين خاندان بيش از بیست خانوار شناخته نشد.

اصل خانواده در يابيگى از بجنورد خراسان است. اينان را از آنجا به لنگران برند. مير حسن خان طالش پسر مير مصطفى خان ايشان را پذيرانى كرد و اين دو خانواده با يكديگر پيوند پيدا كرند. سيدرضا پسر حاجى مير ابوطالب، قایق كوچك بادباني داشت كه تزديك آهل كنده (عمل كنده) در خشك بخار لنگر مى‌انداخت. سيدهزبور برادر سرمازدگى در آنجا مرد و در همان جا به خاك سپرده شد. گور او امروز زيارتگاه است. (۱)

تيره مهاجر، ايراني هستند كه هنگام جنگ دوم ايران وروس بدینجا کوچانده شده‌اند. مير محمد خان پسر مير قياد پسر مير عباس طالش از تواده‌های مير قراخان و ملا عبد الله مجتهدو دو بيت آن ديرگر كه همراه اينان بودند وارد ازلى شدند و دهكده كليور (بضم كاف و كسر و او) را به عنوان تيول داشتند. تا از ازلى دفاع كنند. مير باقر كه به جوانمردي شهرت داشت و پسر مير محمد خان بود در

(۱) گيلان را بيتو ص ۱۳۹.

کلیور بمرد، گور او نیز مورد احترام است و در آنجا برای برآورده شدن حاجات
شمع می‌افروزند.

پس دیگر میر محمدخان، میر حسن، تعداد سربازانش از سی و پنج تن به
ده تن نقلیل بافت.

تاسال ۱۳۲۶ هجری پسران او، میر یوسف خان و میر اصلان خان و
سایر افراد خانواده او سالیانه دویست و هفتاد و پنج تومان از دولت وقت
حقوق داشتند.

طایفه اتزانی بازمانده تغیچیان اتزان استرا باد هستند که آنان را در سال
۱۲۳۰ هجری به اینجا آورده‌اند. در اول هفتاد تن بودند و تحت فرمان، جعفر قلی
خان و مرتضی قلی خان، از توابعهای حمزه سلطان اتزان بودند.

اراعنه - در سال ۱۱۸۵ هجری گروهی از ارامنه ایران به ارزلی روی آورده
در زمان راینسو (سال ۱۳۳۱ هجری) فقط چهل و پنج خانوار از هنری در آنجا بوده است
کلیسا ایشان در اوایل دوران سلطنت ناصرالدین شاه به علت آتش‌سوزی
خراب شد. (۱)

۲ - بناها و آثار تاریخی ارزلی و چهار فریضه

شمس العماره

در شمال شهرداری فعلی بندر ارزلی

قصر سلطنتی است که به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۸ فمی‌بنا شده
است. این بنا پنج طبقه بوده و مقابله هر طبقه غلام‌گردشی داشته است. هافری رنه
دالماانی درباره این بنا چنین می‌نویسد «در مقابل منزل ما، کاخ سلطنتی دیده
می‌شود که بر کنار دریا، سر بر افزایشته است. این کاخ‌مانند منزل بیلاقی بی‌نظم و
تریبی است که شاه در موقع مسافرت به اروپا، در آن اقامت می‌کردد. عماری که این
کاخ را بنا کرده، گویا یکی از بخشانه‌های کشور آسمانی را دیده و خواسته است

(۱) کیلان راینسو ۱۴۰.

نمونه آن را در اینجا برپا نماید. طبقات متواالی آن هر قدر بالاتر رفته، از حیث آراستگی و جلوه بهتر شده است. بالاترین طبقه، محل استراحت شاه است. بدینخانه این عمارت برائی بسیار دقیق در شرف انهدام است و طولی نخواهد کشید که این دنگهای فرم و آبی که هنگام تابش آفتاب جلوه خاصی به این کاخ می‌دهد، از رطوبت هوا ناپدید خواهد شد^(۱). (عکس شماره ۱۱۲)

در زمان راپینو (۱۳۳۱ قمری) نیز این بنا روی در خرابی داشته است و با غاطراف آن را مرکز قوه نظیره کرده بودند.^(۲) از این بنا امروز نشانی نیست.

منار فانوس در یائی

در محوطه اداره بندر امروزی

در آخرین اقطعه شمال شهر ازلى، خسروخان، مناری از آجر ساخت، تا با روشن کردن چراغ بر بالای آن، راهنمای کشتیها باشد. ارتفاع این منار به می و پنج ذرع می‌رسید. (عکس شماره ۱۱۳) پس از سال ۱۲۹۴ قمری، چراغ آن هر گز روشن نشد. بیست و چهار تومان، حقوق نگهبان و سیصد و بیست و هشت قران مخارج روشنای آن ناسال ۱۳۲۷ قمری، در صورت مالیاتی کیلان دیده می‌شد. این منار در زمان راپینو (۱۳۳۱ قمری) مانند سایر بنای‌های دولتی ازلى، روی در خرابی داشته است.^(۳) این منار را در زمان حکومت رضاشاه پهلوی تعمیر کردند و مورد استفاده قرار دادند. این مناره امروز در محوطه اداره بندر دیده می‌شود.

عمارت معتمدی یا معتمدیه

در بندر ازلى

این عمارت را میرزا عبدالوهاب خان معتمد الدوله، در سال ۱۲۳۵ قمری ساخته است. اطراف آن با غ بزرگی بوده و در زمان راپینو (۱۳۳۱ قمری) حاکم ازلى در این عمارت اقامه داشته است.^(۴)

(۱) سننامه از خراسان نا بختیاری صفحات ۱۱۳۶ و ۱۱۳۳. (۲) کیلان راپینو ص ۱۳۶ و ۱۳۷. (۳) کیلان راپینو ص ۱۳۷. (۴) کیلان راپینو ص ۱۳۶.

عمارت صدری در بندر انزلی

این بنا قصر کوچکی است که در سفر اول ناصرالدین شاه بهارو پا در سال ۱۲۸۸ قمری، به دستور میرزا حسین خان صدر اعظم ساخته شده است. این بنادرسال ۱۳۳۱ قمری در تصرف فنسول روسیه بود، ظاهراً آن را از دولت ایران خریده بوده اند. (۱) امروز از این بنا اثری نیست.

توبخانه و دوبنای باستیان در بندر انزلی

خرسخان گرجی در سال ۱۲۳۰ قمری حاکم گیلان شد و بناهای توبخانه و باستیانها در انزلی ساخت. (عکس شماره ۱۱۴) سپس اکبرخان بیگلربیگی بر وسعت آنها افزود. این دوبنا در سال ۱۳۳۱ قمری خراب و غیرقابل استفاده بود. (۲) در محوطه باستیان زنجیری آهنین است که در حدود چهار هزار و هشتصد من شاه با بیست و هشت تن وزن دارد. روزی این زنجیر، برای بستن دهانه مرداب انزلی به کار می رفته است. (۳) امروز کاراژ خادم و دکان شیرینی فروشی و خیابان، جای توبخانه و قورخانه را گرفته اند.

سه برج پنج ضلعی در انزلی و غازیان

در سال ۱۲۶۰ قمری، در زمان سلطنت محمد شاه قاجار، میرزا ابراهیم خان مهندس تبریزی برای ساختن استحکامات و تهیه مهمات به انزلی آمد. دو برج پنج ضلعی در انزلی و برج پنج ضلعی دیگری در غازیان ساخت و توبهائی که در محل تهیه کرده بود، بر آنها نصب کرد. رایینو در سال ۱۳۳۱ قمری می نویسد «فعلاً اثری از این بر جها نیست.» (۴)

(۱) گیلان رایینو ص ۱۳۶. (۲) عین کتاب ص ۱۳۷. (۳) عین کتاب
| حاشیه ص ۱۳۷. (۴) گیلان رایینو ص ۱۳۴.

باغشاه

در جزیره میان پشته

احداث باغشاه در جزیره میان پشته به زمان خسروخان گرجی می‌رسد که در سال ۱۲۳۰ قمری حاکم گیلان شد. در این جزیره من کزی برای باروت - کوبی بیز یا به گذاری شده بود. (۱)

مسجد جامع = مسجد خان

در بندر انزلی

مسجد خان و تکیه متصل به آن را مرحوم محمد هاشم خان اترانی در اوآخر زمان سلطنت محمد شاه قاجار ساخته است. (۲) فعلاً بجای این بنا مدرسه‌ای تازه بنا شده است.

آخر مسجد یا مسجد استاد محمد رضا

در بندر انزلی

این مسجد، به دست طایفه استاد محمد رضا بنا شد. چون خرابی بدان راه یافته بود، عبید همایون آن را مرمت کرد. (۳)

باقي بناها و آثار تاریخی انزلی و چهار فریضه

۱ - تازه مسجد را مرحوم حاجی سید شفیع آفای مجتبی بنا کرده است. (۴)

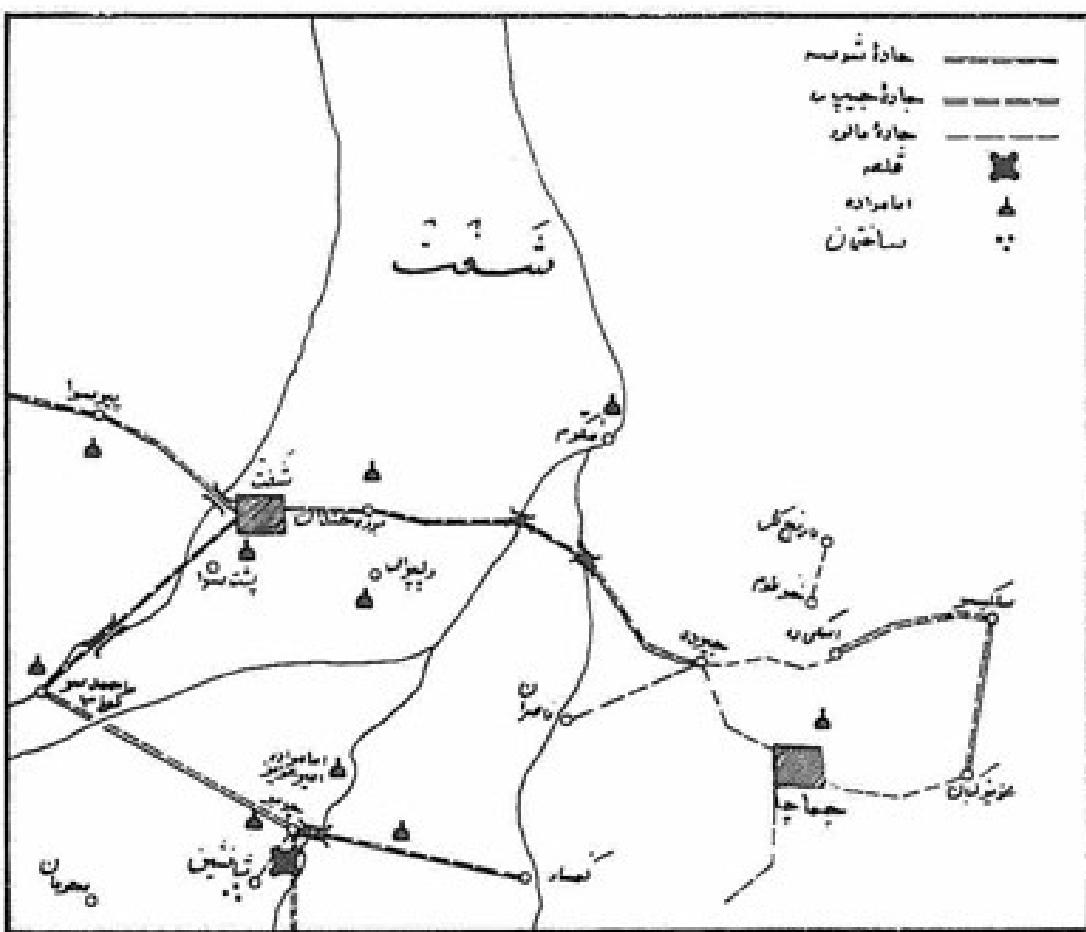
۲ - مسجد سرخی، به دست طایفه‌ای به همین نام ساخته شده است.

۳ - مسجد کلشن. (۵)

۴ - مزار بشمن پیرو مسجد بشم - تزدیک مسجد بشم قبرستانی است که در آن مزار بشمن پیرو پس سید سرفشه است. اهالی دهکده بشم در سال ۱۳۳۱ فرعی می‌خواسته اند گنبد و بارگاهی برای این پیرو بسازند. (۶)

(۱) گیلان راینو ص ۱۴۵. (۲ و ۳ و ۴) همین کتاب ص ۱۳۶. (۵) مسجد و حمام کلشن در نقاط دیگر گیلان و مازندران بیز دیده شده است. (۶) گیلان راینو ص ۱۴۸.

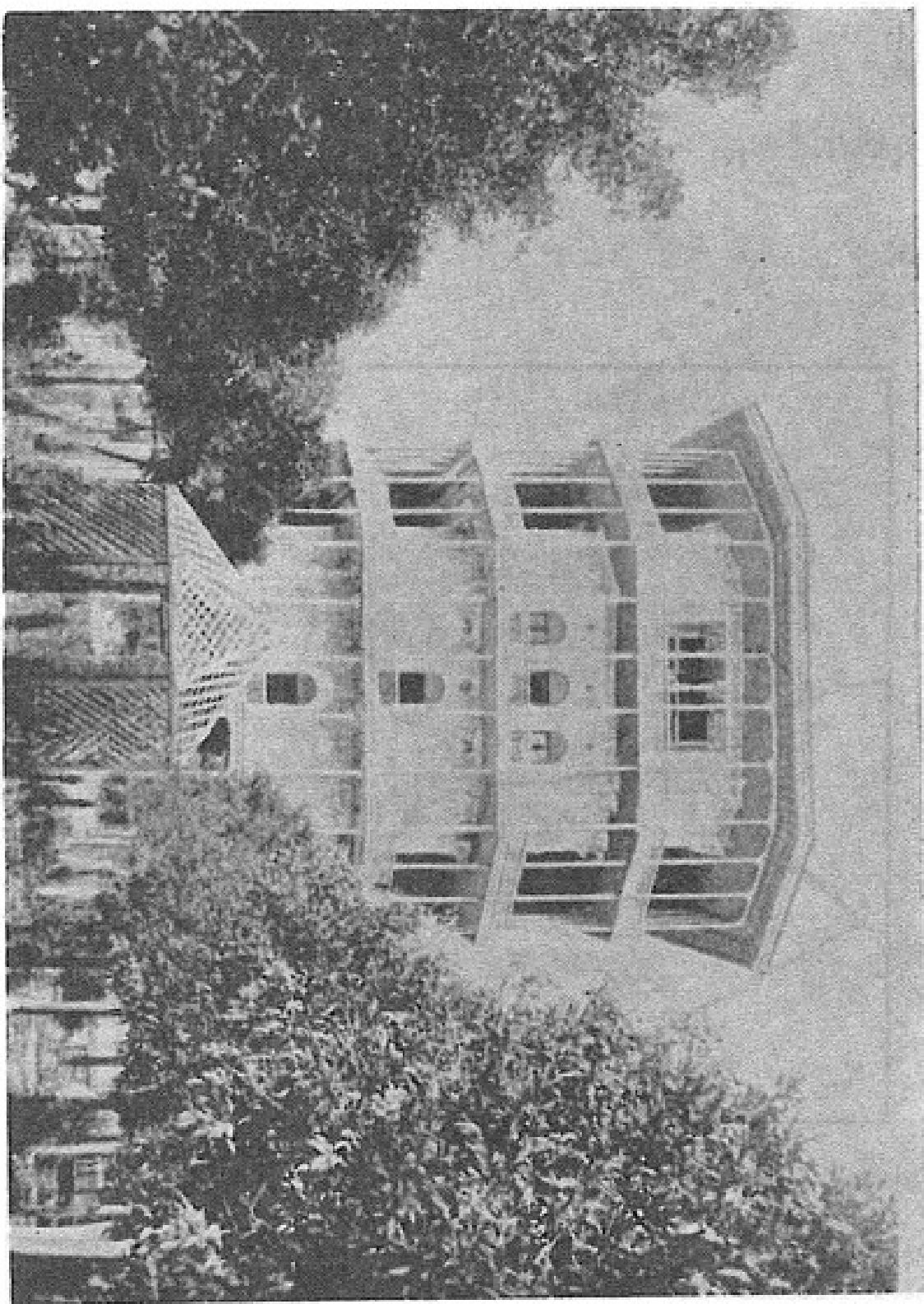
- ۵ - امامزاده آقاسید صالح در غازیان چهار فریضه.
- ۶ - بقعه خانم حوریه در سوسر غازیان.
- ۷ - قبرستان قدیمی پیر عبید با پیر عابد میان نور (۱) و کلیور. (۲)



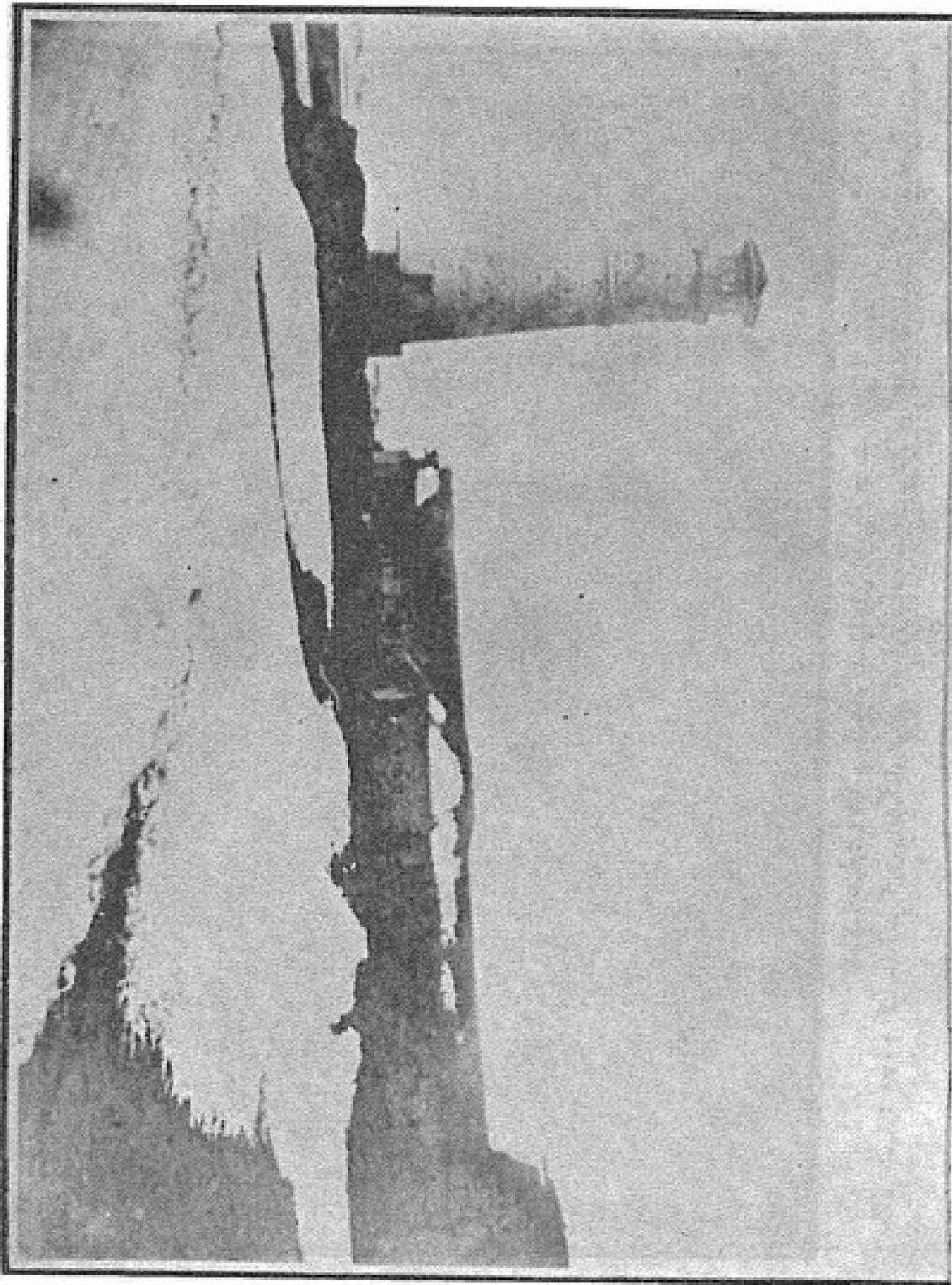
نقشه شماره یازده - آثار و بنای‌های تاریخی زمینه‌های هموار و پست شفت.

(۱) بضم قاف و کسر داد. (۲) بضم کاف و کسر داد.

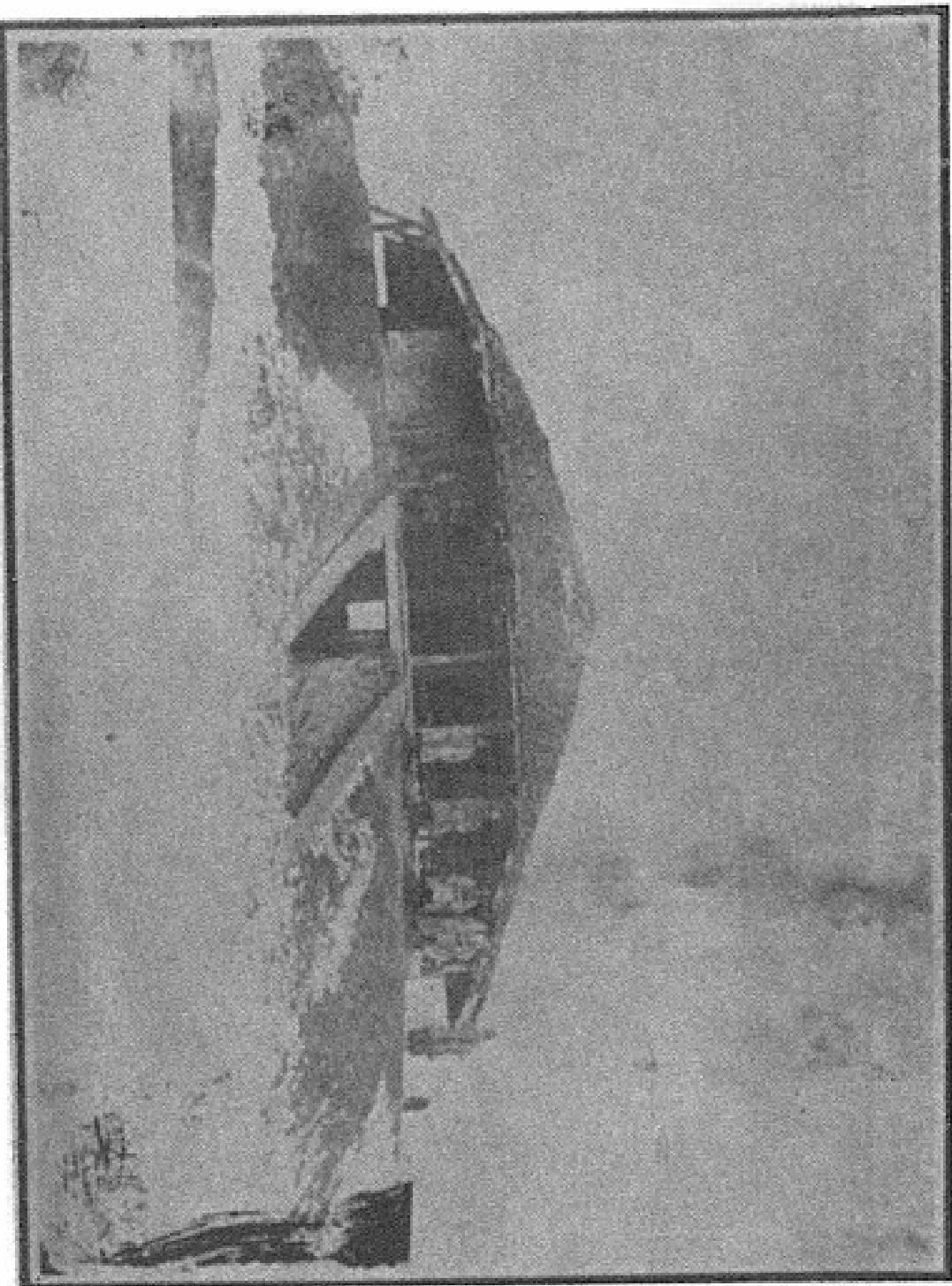
عکس شماره ۱۲ - مس اسماهی از لی (= بند از لی) از کیلان رایینو عکس شماره ۳۳.



عکس شماره ۱۳ - ناچاری دریانی ازرس (= پندر ازرس) مکر شماره ۱۴ - مکر کتابخانه سلطنتی کوفه شده است.



مکس خوداره ۱۲۳ کتابخانه سر کردی دانشگاه تهران که از آن برو، عمارتی در کتابخانه سلطنتی گرفته شده است.



بخش سیزدهم

۱ - جغرافیای تاریخی موازی (= شهرستان رشت)

بخش موازی که زمینهای اطراف رشت جزو آن است، در وسط دشت گilan و از شمال به دریای خزر و مرداب ازلى، از مغرب به تو لم و فومن، از جنوب به ورزل و شفت و روودبار و از مغرب به روودخانه سفیدرود و لشتنشاه، محدود می‌شود. درازای آن از شمال به جنوب پنجاه کیلومتر و پهنای آن از شرق به غرب سی و هشت کیلومتر است.

در گذشته بخش فعلی موازی غیر از کهدم و کوچفهان و خشک بجوار به نام رشت خوانده می‌شد و حکمرانان مستقلی داشت.

کهدم ساپقاناجه‌ای جدا کانه و مستقل بود و با حدود فعلی آن بکان بود. حد روودبار و رحمت آباد، یا آبادیهای کنار سفیدرود از منجیل تا گوکنه بوده است. محلهای زیر را گذشتکان در این بخش یاد کردند: جشیجان (فتح جیم)، رحمت آباد، گوکنه، کهدم، نفله‌بر، روودبار کهدم. مرکز مهم این ناحیه، گوراب کهدم بوده است که در سال ۸۸۰ قمری به دست سر بازان سلطان محمد بیه پیش، به آتش کشیده شد.^(۱)

ناحیه قدم کوچفهان:

کوچفهان که شامل خشک بجوار و لشتنشاه بود، هنگام فتح گilan به دست او اجایتو، به دست سر بازان مغول غارت شد و سلطان این بخش - سالوک - که مردی شجاع بود، مجبور به تسليم گردید.

آخرین سلطان خاندان اسماعیل وند - امیره مسعود بن توپاشا بن سالوک بود که پدرش در سال ۷۶۷ قمری فوت نمود و سید علی کیا به سر زمین او دست آمد. از چهارمین از ابنیس جزء فلمرو سادات لاهیجان شد. و سپس بر سر خاک کوچهان، میان سلاطین قومن و لاهیجان منازعاتی روی داد.

امیره اسحق به علت شافعی بودن اهالی، این سرزمین را جزء خاک بیهیس می‌دانست.

جنگهای زبادی در محل کدوین، میان لشکریان بیهیس و بیهیش بر سر اراضی کوچهان روی داد. در سال ۹۴۵ قمری، خان احمد خان لاهیجی، کوچهان را جزء خاک بیهیش آورد. این عمل دیری نیاید زیرا شاه طهماسب اورا دستگیر کرد و ایندا در قلعه قهقهه و سپس در قلعه اصطخر پارس زندانی کرد.

او آخر سال ۹۴۵ کوچهان جزء خاک بیهیش شد. حمد الله مستوفی (۷۴۰) بنای کوچهان را از اردشیر باکان می‌داند. (۱) میر ظهیر الدین ترکیب این نام را از دو جزء «کوچک» و «اصفهان» می‌داند (۲) در زمان عبدالفتاح فومنی کوراب- جور جزء خاک کوچهان بوده است. (۳)

از کوچهان قدیم و محل آن اطلاعی که داریم اینست که فعلاً از دیگر بازار کوچهان کنونی، محلی به نام «کوهنه کوچهان» معروف است که می‌کویند دهکده بزرگی بوده‌اند. سر بازان و جنگجویان کوچهان از سایر لشکریان بیهیش بیشتر و بالاتر بوده‌اند. عبدالفتاح فومنی دریان و قایع سال ۹۴۲ می‌نویسد «لثام و سیاهی کوچهان بر نامی سیاه ولثام الکای بیهیش بر حسب شوکت و استطاعت تفوق در جهان دارند.» (۴)

جمعیت بخش موازی در زمان راپینو (۱۳۳۱ قمری) هیجده هزار و صد خانوار بوده است که تمام گیلان و شیعی مذهب بوده‌اند. (۵)

(۱) نزعة النفوذ ص ۱۶۳. (۲) تاریخ گیلان و دبلستان چاپ نگارانده ص ۴۷.

(۳) تاریخ گیلان ص ۱۰۱. (۴) تاریخ گیلان ص ۱۲. (۵) گیلان راپینو ص ۲۱۷.

بخش موازی شامل پاتروده ناحیه به نامهای زیر است :

- ۱ - بخارپس . ۲ - دافقاه . ۳ - گوراب جور . ۴ - قصبه . ۵ - خمام . ۶ - خشک بخار . ۷ - کهدم . ۸ - لات . ۹ - موازی . ۱۰ - ننک . ۱۱ - پسیخان .
- ۱۲ - رجایپش . ۱۳ - سیاه رود کن . ۱۴ - سوقه . ۱۵ - ورزل .

۱ - جغرافیای تاریخی شهر رشت

شهر رشت تاجانی که خبرداریم، در دوران سلطنت نادر شاه مرکز حکومت سلسله تجاصبی بوده است. این شهر در طول زندگی خود گرفتار زمین لرزوها و آتش سوزیها مکرر شده است. زمین لرزوها را که هورخین یاد کرده‌اند در سالهای ۱۱۲۱ و ۱۱۲۵ و ۱۲۲۳ و چهارم دیعث الثانی ۱۲۶۰ قمری روی داده‌اند. آتش سوزی‌های مهم سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۹۱ و ۱۱۹۳ و ۱۳۰۴ و ۱۳۱۷ و ۱۳۲۰ و ۱۳۲۰ قمری که قسمتی از شهر را به توده‌ای خاکستر تبدیل کرده است. در آتش سوزی سال ۱۳۲۰ در حدود هزار دکان وده کاروانسرای عیان رفت. این شهر را شکریان کریم خان زند به آتش کشیدند و سر بازان آقا محمدحسن خان فاجار در سال ۱۱۶۵ هجری قمری غارت کردند.

بل (J. Bell) در سال ۱۱۳۰ (= ۱۷۱۷ میلادی) این شهر را چنین توصیف کرده است :

شهر رشت در زمینی هموار است که اطراف آن را جنگل فرا گرفته است. فاصله آن از کنار دریا یک روزه راه است. بنایی این شهر طوری است که به دهکده بزرگی بیشتر شباهت دارد. خانه‌ها بر محله‌ای خشک‌زمین هموار شهر ساخته شده‌اند. ظاهر خانه‌های این شهر محقق تراز سایر شهرهای ایران است. بناهای خانه‌ها شبیه‌ای تندردار و بر اندازی بارندگی سفال پوش کرده‌اند. هر دابها و باطل‌قها اطراف شهر، هوای شهر را خصوصاً در نابان ناسالم کرده‌اند. با این‌که همه‌چیز در این شهر فراوان است، هر دعاش نیم مرده به نظر می‌رسند. صدای

فوریاً غدهای مردابها هنگام شب مانع استراحت کامل است. (۱) هنوی (Hanway) در سال ۱۱۵۲ هجری (= ۱۷۴۴ میلادی)، از جنگلهای آبوهاطراف شهر و خرابی‌های آن شرحی می‌نویسد و سپس می‌گوید: ارامنه‌ای که از خاک تر کیه برای خرید ابریشم به این شهر می‌آیند در فاصله یک روزه راه از شهر می‌مانند و کسان خود را برای خرید به شهر می‌فرستند. روشها مقداری از اراضی جنوبی شهر را تبر نواشی کرده‌اند، در این قسمت افق دیدما رشته‌گوهای است.

گملین (Gmelin) در سال ۱۱۸۶ هجری (= ۱۷۷۲ میلادی) می‌نویسد که پنجاه و اندسال است که رشت مرکز اصلی کیلان شده است. این شهر در دل جنگل بنامده بوده است و امر وزیری‌شتر درختان آن را بریده‌اند. مقداری از خانه‌های شهر تر تیب و تنظیمی دارد ولی بیشتر از یکدیگر جدا و بی‌نظم است. رشت بارو و دروازه ندارد. این شهر با اینکه مرکز رفاقت تجاری آسیا و اروپاست و بازارهای آن رونق زیاد دارد، در خور آن بیست که آن را شهر تجاری بخوانیم. تعداد خانه‌های قسمت شرقی شهر به دو هزار در می‌رسد و تمام از آجر بنا شده است. ظاهر خانه‌خان از خانه‌های دیگر آراسته‌تر است. خانه او شامل بناهای متعددی است که اطراف حیاطی مربع شکل ساخته‌اند در این حیاط با چهه‌ایست که حوض و فواره هائی دارد. اندرون عقب است و با چهه‌ای جدا گانه دارد.

در زمان شاه عباس دوم و کریم‌خان و آقا محمد‌خان شهر رشت مرکز تجاری بود. کاروانها از هند و بخارا و ترکیه و سایر کشورها در این شهر بار می‌انداختند تا خرید ابریشم کنند و آن را به بنادر دریای مدیترانه یا خلیج فارس بر سانند.

تجارت ابریشم که تا حدود سال ۱۲۷۷ (= ۱۸۶۰ میلادی) رونق داشت، شهر را برانز آمد و تجارت فتار طاعون سال ۱۲۴۶ هجری (= ۱۸۳۰ میلادی) کرد.

سی س در سال ۱۳۱۰ هجری (= ۱۸۹۲ میلادی) با صدور برقع و فروش اپریشم شهر رشت زندگی نوینی پیدا کرد.

شهر رشت در میان دورودخانه سیاه رود، در مشرق و گوهر رود، در مغرب که هر دو به مرداب از لای می ریزند، بناده است. فاصله شهر نامرداد بیش از پانزده کیلومتر نیست. در زمان رایینو اطراف آن را جنگل فرا گرفته بود و سعت شهر محسوس نبود. بازارها قسمت اعظم مرکز شهر را اشغال کرده بود. کوچه هائی که و تاریک بود. خیابانهای عربی کم داشت و بازار کی بعضی از آنها را سنگ فرش کرده بودند. (۱)

گملین (Gmelin) در سال ۱۱۸۵ هجری (= ۱۷۷۲ میلادی) فهرستی از محلات و بنایهای عمومی شهر رشت نوشته است. محلات شامل: کتاب، خمیران، چمارسر، پاس کیا، استاسرا، بازار، صیقلان و زاهدان بوده است. مساجد شهر از این فرار بوده اند: جامع، صیقلان، کوچک، سفید، گوهر رو دبار، ملا رجبعلی، جیر کتاب، چومارسر، پاس کیا. تکیه های شهر شامل: زاهدان، خمیران، صیقلان، بازار، استاسرا، کتاب، خمیران کتاب، نیلوان سرا، چومارسر و پاس کیا بوده است.

فریزر (Fraser) در سال ۱۲۳۸ قمری (= ۱۸۶۲ میلادی) در شهر رشت بوده و بامیرزا محمد رضا که یکی از شاگردانی بود که عباس میرزا ایشان را به انگلستان فرستاده بود و دو سال بود که از آنجا بازگشته بود، هلاقات کرده است.

عباس میرزا نام برده را در آن وقت به رشت فرستاده بود تازی نظر محمد رضا میرزا، استحکاماتی در گیلان بسازد. در این وقت دو برادر عباس میرزا، محمد رضا میرزا - بیست و دو ساله - حاکم گیلان و برادر دیگر شعلی رضا میرزا - شانزده ساله - نایب الحکومه بود. فریزر بازاردشت را از نظر داد و سند و روایج و تصریح کر اجنبیان سقوط کرده است. (۲)

(۱) گیلان رایینو ص ۷۱. (۲) سفر نامه فریزر به انگلیسی ص ۱۳۶.

آب (Abbott) در سال ۱۲۵۹ قمری (= ۱۸۴۳ میلادی) از راه پیر بازار به شهر رشت وارد شده و از آنجا به کوچه فهان و لاهیجان رفته است.^(۱) مکنیزی (Mackenzie) در سال ۱۲۷۵ قمری (= ۱۸۵۸ میلادی) شهر رشت را دیده و از صیقلان رودبار گذشته و از راهدارخانه مقابل صیقلان رودبار یاد کرده است.^(۲) ملگنوف (melgounov) از محلات رشت بدین قریب نام برده است.

خمیران زاهدان، زاهدان، دوبرادران، باغشاه، تصریح آباد، چمارسرا، کیاب، بیستون، کرف آباد، عاشور کوچه، استادسرا، بازار، صیقلان، سرخ بند، آفاسید کلان. از پاره‌ای هزارات و بقایع این شهر، به شرح زیر یاد کرده است: امامزاده آقا بادی الله، آفاسید عباس و آفاسید اسماعیل، حضرت معصومه خواهر امام رضا علیه السلام، ولی بزر گوار، چلهخانه میر نظام الدین و سید فخر الدین. از مساجد: مسجد سفید، مسجد مستوفی، مسجد حاجی سیدعلی هوسمی. و از مدارس: مدرسه علی اکبر، مدرسه حاجی اسماعیل خان، مدرسه مستوفی، مدرسه محمد کریم، مدرسه حاجی کاظم، تعدادی بادی از کاروانسرا هارا نیز نام برده است.^(۳)

در زمان راینو محلات شهر رشت نامهای زیر را داشته اند:

زاهدان، محله بازار، خمیران، خمیران زاهدان، استادسرا، کیاب، پاس کیا.^(۴) خانه‌های شهر به شش هزار می‌رسد و مجموعاً سی هزار تن جمعیت شهر است، سه هزار و سیصد دهان، بیست کاروانسرا برای مال التجاره و بیست و پنج کاروانسرا برای بارانداختن کاروانها، چهل مسجد، دوازده امامزاده، سی و شش تکیه، شش مدرسه و سی و پنج باب حمام داشته است.^(۵)

بناهای عمومی شهر رشت

محله‌ای عمومی که در بازار شهر بوده است از این قرارند: میدان بزرگ،

(۱) یادداشت‌های ماشین شده ایت متعلق به آفای چنگیز شیخلى ص ۹. . (۲) یادداشت‌های ماشین شده مکنیزی متعلق به آفای چنگیز شیخلى ص ۹. . (۳) متن سفرنامه ملگنوف به روی س ۲۱۱ - ۲۳۳. . (۴) محله پاس کیارا راینو از قلم اندخته است. . (۵) کیلان راینو ص ۷۲.

میدان گوچک، میدان داروغه، سبز میدان که در غرب شهر در میان خانه‌های ساکنان این شهر بود. سپهبدار اعظم، نخستین بار که حاکم کیلان شد و لقب ناصرالسلطنه داشت، سبز میدان را به با غملی تبدیل کرد.

۴ - بناها و آثار تاریخی شهر رشت

عمارت دولتی و شخصی

عمارت دیوانخانه یا عمارت حکومتی

عمارت حکومتی شهر رشت را ملیون در سال ۱۳۲۷ قمری آتش زدند. اندرون این عمارت، در زمان راینو (۱۳۳۱ قمری) اداره حکومتی بوده است. از این اندرون هم امروز اثری باقی نیست. محل عمارت دیوانخانه یا دارالحکومه، در میدان شهرداری، جای اداره پست و تلگراف و تلفن امروزی بوده است. حمام شاهزاده، پهلوی استانداری، حمام قدیمی دارالحکومه است که امروز برقرار است. (عکس شماره ۱۱۵)

این کتبه بر سر در قدیم عمارت دیوانخانه بوده است:

خورشیدی و پیش تو نشتن نتوان	جمشیدی و جام تو شکستن نتوان
معمار ازل که ساخت این در گفتا	کین باب هدایت است بستن نتوان ^(۱)

عمارت ناصری

عمارت ناصری از بناهای دوران قاجاری است که به دست قاسم خان والی رشت ساخته شده بود. از این بنا، امروز اثری باقی نیست. (عکس شماره ۱۱۶)

عمارت میرزا محمدعلی خان امین دیوان

یکی از بناهای زیبای شهر رشت منزل میرزا محمدعلی خان امین دیوان بوده است. گچ بر بها و پنجره‌های رنگین تور گیر اطاقها بسیار ظریف و پر کار بوده‌اند. از این بنا نیز امروز شافعی نیست. (عکس شماره ۱۱۷)

(۱) سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۶۹.

عمارت امیرخان سردار

این عمارت را ابتدا نصرالسلطنه ساخته بود و امیرخان سردار از او خریداری کرد. و مدنها در اجاره فنسولگری روس در شهر رشت بوده است.
(عکس شماره ۱۱۸)

عمارت خلعت پوشان

عمارت کوچکی بر سر راه تهران به رشت، تزدیک شهر رشت و در فاصله دو کیلومتری بجای پس بوده است. تشریف و نشان و حمایل و نظایر آنها که از تهران برای حکام گیلان فرستاده می‌شد، ابتدا به این خانه می‌آوردند و پس از انجام تشریفاتی، حاکم خلعت را به قن می‌کرد و یا نشان و حمایل را به خود می‌آورید و سپس وارد شهر می‌شد. از این بنا امروز نشانی نیست. راینو نامی از این بنای بده است. (۱)

امروزهم در شهر رشت، خانه‌های قدیمی زیبائی، آباد و برقوار است. این خانه‌ها را که باره‌ای از آنها، دست به دست گشته‌اند، با نام صاحبان کنونی آنها یادآور می‌شوند:

- ۱ - خانه سیدعلی آقامقیمی در خیابان گلستان . ۲ - خانه سید اسماعیل حسینی خیابری در کوچه امام جمعه . ۳ - خانه سردار معتمد که فعلاً در درست بازماندگان اوست . ۴ - خانه یوسف خان سعیی پهلوی بقعه خواهر امام ، کوچه لنگرانی . ۵ - خانه یوسف خان کسمائی که سابقاً متعلق به سرهنگ صفار بود، در خیابان بیستون . - خانه حاجی میرزا احمد ابریشمی که سابقاً متعلق به میر عباسقلی حاکمی بوده است، در میدان صیقلان کوچه شاعری . ۷ - خانه هلک آذرمند تزدیک بانک سپه . ۸ - خانه آقای بیکلربیگی ، ۹ - خانه آقای تربیت که سابقاً متعلق به آقای مجتبه‌هززاده بود . در محله بادی الله (= بدیع الله) نرسیده به بقعه آقا سید عباس . ۱۰ - خانه امین تذکره .

(۱) گیلان راینو ص ۲۲۹.

برای نمونه، از چهار دستگاه، از این خانه‌ها که قدیمی‌تر بود و ارزش پیشتری داشت، عکس برداری شد. در اینجا به شرح مختصری درباره آنها اکتفا می‌کند.

خانه سیدعلی آقامقیبی در خیابان گلستان شهر رشت

قسمت اندرونی این خانه که شامل دو شاهنشین و یک شکم دربده است، موزه‌ای کوچک و با ارزش است، تاریخ بنای آن به حدود هزار پیش می‌رسد و بانی آن مر حوم حاجی سید رضی مقیمی بوده است. بر سر اسر طاق‌بنا وبالای هلال طاقچه‌ها و بر طرفین طاقچه‌ها و رفها گچ بری ظریغی کرده‌اند. (عکس شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱) در رفها که طاق هلالی دارند ظرف چینی و بلور و بارفتون به شکلهای مختلف و رنگهای متفاوت چیده‌اند. (عکس شماره ۱۲۲) در شاهنشین اصلی نه در ارسی است که آلات آن بسیار ظریف و رنگ شیشه‌های آن بسیار جالب است. (عکس شماره ۱۲۳) بر چهار چوب ارسیها نقاشیهای ظریف و پر کار دیده می‌شود. بالای درهای ورودی شاهنشین، خفنگ هلالی با آلات ظریف و شیشه‌های رنگین است. در شکم دربده دوسربخاری گچ بری شرقی و غربی است. (عکس شماره ۱۲۴)

بین شکم دربده و شاهنشین دیگر سه در ارسی با سر طاق آهه است که آنها نیز بسیار پر کار و ظریف اند. در شاهنشین شمالی، در سربخاری گچ بری ظریف است. و چهار در شرقی و چهار در غربی دارد و سه در ارسی آن بهایوان بازمی‌شود. در طرفین این ارسیها، دو جام آئینه را با قابهای گچ بری فرینه‌سازی کرده‌اند. در شاهنشین اصلی، کارهای دستی قدیم گیلان نظیر ابریشم دوزی و هر واژه دوزی فراوان است که هر یک در نوع خود بی نظیر است. (عکس شماره ۱۲۵)

خانه سید اسحیل حسینی ضیابری در گوچه امام جمعه شهر رشت

خانه‌ای قدیمی است که در رفهای طالار اندرونی آن نه تابلوی بسیار

زیبای رنگ و روغنی است. این نابلوها تمثیل پر ان و دختران جوان است. پر ان تاج برس و شمشیر بر کمر، روی قایقهای نشته‌اند و بر مکان تکیه کرده‌اند. پشت سر دو تن از ایشان، در طرفین طاقچه دو گلدان با گل است. یکی از دختران بر تخت مرضع نشته و بازی دردست دارد (عکس شماره ۱۲۶) سه تن دیگر از دختران در حالات مختلف رقص نقاشی شده‌اند. و اطراف ایشان انواع مبوه‌ها دیده می‌شود. یک تن از این دختران بر صندلی نشته و کلاه فرنگی با پرها رنگارنگ بر سر دارد. یک تن دیگر راست استاده و گلی دردست دارد. در این طالار دو بنجره مشبك رنگین بسیار پر کار نیز هست. (عکس‌های شماره ۱۲۷ و ۱۲۸) متصل به این طالار، اطاق کوچکی است که طاق آن را به مستطیلهای کوچک تقسیم کرده و داخل آنها را گلهای مختلف با رنگ و روغن نقاشی کرده‌اند. حاشیه این نقشه‌ها گلهای درشت در میان پرندگان است. (عکس شماره ۱۲۹)

خانه‌سردار معتمد رشتی در کوچه سردار در شهر رشت

این خانه یکی از خانه‌های حاکم‌شین شهر رشت است که تقریباً تمام قسمتهای آن بر جای است. اندرون، شامل اطاق‌های مختلف با گچ بر بهای سبک زیباست (عکس شماره ۱۳۰) و سربخارهای بسیار عظیم و پر کار دارد. (عکس شماره ۱۳۱) طالار کوچکی در اندرون است که به نام طالار دو تخت خوابی است. این طالار را باید یکی از ظرائف هنر فاجاری شهر رشت دانست. حاشیه رفها تمام گچ بری است و بالای رفها، مقرنسهای بسیار ظریف است (عکس شماره ۱۳۲) طاق این طالار، سراسر نقاشی است. در میان گل و بتنه‌های بسیار ظریف تمثیل زنانی دیده می‌شود که موهای بالای پیشانی را پکره تراشیده‌اند. فرشته‌ها که اطراف نقش وسط دیده می‌شوند، نیز جلوس خود را تراشیده‌اند. (عکس شماره ۱۳۳) در راهی دولتی این اطاق ظریف و پر بازو و تنکه‌های بالا و پائین آنها نقاشی‌های بسیار ظریف است. (عکس شماره ۱۳۴) سربخاری این

اطاق بسیار ظریف گچ بری شده است و ستونهای طرفین بخاری و سر بخاری لاج نگری مار پیچ است که این نوع ترانی در ستونهای چوبی مساجد و امامزاده ها نیز دیده می شود . (عکس شماره ۱۳۵)

خانه حاجی میرزا احمد ابریشمی در میدان صیقلان شهر رشت

دو طالار این خانه، بسیار هنرمندانه تزئین شده است . یکی طالار آئینه است که آئینه کاری بسیار ظریفی دارد . (عکس شماره ۱۳۶ و ۱۳۷) دیگری را با دو طالار چینی خانه نام کرد ، زیرا در دیوارهای این اطاق، دوازه‌ی گچ بری کرده و داخل آنها قابهای مرغی بسیار پر ارزش قرار داده‌اند (عکس شماره ۱۳۸) . گیاوه این اطاق رف مانند است که به قسمتهای یک اندازه تقسیم شده و در هر یک کاسه مرغی با ارزشی گذاشته‌اند . (عکس شماره ۱۳۹) به نظر بندۀ این طالار، در نوع خود بی نظیر است .

کلاه فرنگی با غ سردار محتمم

با غ محتمم با درختان آزاد که ن سال آن یکی از گوشدهای زیبای شهر رشت است که فعلاً کردشگاه عمومی و با غ ملی است . سردار محتمم در کنار این با غ بنائی ساخته که نا امروز باقی است و خانه فرماندار رشت است . این بنا سه طبقه است . در طبقه اول و دوم آن دو اطاق و در طبقه سوم یک اطاق به شکل کلاه فرنگی ساده است . (عکس شماره ۱۴۰) طرح بنا هشت ضلعی است که یکی از اخلاص آن بذراهمای مستطیل شکل منتبه شده است .

پلهای شهر رشت و اطراف آن

بر روی رودبار صیقلان با سیاه رودبار که از شهر رشت می گذرد، شصت سال قبل شریل ساخته بوده‌اند، بدین شرح : پل عراق ، (عکس شماره ۱۴۱) پل حاجی محمد باقر ، پل حاجی ملا رفیع ، در راه فزوین . پل که بالائی میر حسن، پل حاجی احتشام ، پل معینی در راه لاهیجان .

بر روی گوهر رود که از کنار شهر می گذرد ، پل چمارسرا در راه فومن ، پل سلیمان داراب در جاده سلیمان داراب . این دو پل را خسروخان گرجی در ایامی که حاکم کیلان بود ساخته است . از این پلهای امروز اثری نیست . فقط پایه های آجری بعضی از آنها در این دو رودخانه دیده می شود .

**پل هدیریه
سر راه رشت به شفت**

این پل آجری ، دو دهانه بزرگ و یک دهانه کوچک دارد . ارتفاع دهانه وسط از سطح آب ، ۷/۹۰ متر است . عرض آن ۹/۶ متر و طول آن ۱۴/۶ متر است .
(عکس شماره ۱۴۲)

**پل گوراب لیشاوندان
بر روی رودخانه خوبک
میان جمجمه بازار و شهر رشت**

این پل آجری دارای یک طاق حلal شکته به ارتفاع ۹ متر از سطح آب است . بر بالای پایه های طرفین این دهانه دونیم طاق و در دو طرف پایه ها دو طاق کوچکتر است که دهانه هر یک دو متر و پیم است . (عکس شماره ۱۴۳)
مسجد و تکایا و بقاع و مزارات شهر رشت

**مسجد جامع
در محله بازار**

مرحوم میرزا حسن خان اعتماد السلطنه می اورید : «مسجدی که در رشت به اسم جامع معروف است ، بعضی را عقیده اینست که حاجی جمال پدر هدایت الله خان رشتی ، این مسجد را بنا نموده ، برخی مادر هدایت الله خان را با نی مسجد می دانند . حق این است که به طور یقین با نی معلوم نیست . در هر صورت چون رو به خسرا بی نهاده و محتاج به مرمت و تعمیر بود در سنه ۱۲۷۷ یا ۱۲۷۸ هجری قمری ، چند نفر از تجار رشت ، به شرآخت ، بنای مرمت آن را گذاشتند . به این معنی که بنای اول را یکباره منهدم ساخته ، قدری بر طول و عرض مسجد افزودند و از نوبتا کردند . ولی این بنای مجدد ناتمام مانده و باقیها در گذشتهند . این مسجد را هم

مدرسه‌ای بوده که حالابه کلی خراب است»^(۱) راینو از این مسجد در سال ۱۳۳۱ هجری قمری نام‌می‌برد و از دو کتبیه سنگی آن یادمی کند.^(۲) این مسجد که امروز در خیابان رضاشاه پیش بازار زرگرهاست، بارها خراب شده است و از تو ساخته‌اند.

در حدود پنجاه سال پیش مسجد ذات‌الله حرم مقفل به همین وضع بود، ناجمعی از بازار گافان به دستور آیة‌الله حاج محمود خیابری تجدید بنا گردند و ضمن خاک برداری چاه و حوض قدیمی پیدا شد که امروز، از آن استفاده می‌شود.

این مسجد در سال ۱۳۸۳ قمری از تو ساخته شد. محراب کاشیکاری زیبای آن کار کاشی‌سازان اصفهانی است که کاشیها را پس از تهیه کردن، در محل آورده و نصب کرده‌اند. در ورودی مسجد شمالی است و کاشیکاری سر در آن نظری کاشیکاری محراب مسجد است. در قسمت شمالی مسجد، بالاخانه‌ای مخصوص زنان است.

کتبیه‌ای سنگی در مسجد جامع رشت (۳)

یاد عافی - بتاریخ غرّه شهر شوال المکرم سنّه میمونه تو شقان تیل ۱۲۳۴ باخبر مردم روز شاهزاده اعظم اکرم والحمد لله صاحب ایضا روحنا فداء و حسب الاشاره مقرب الخاقان معتمد الدلوه و بنده گان منجم باشی بایندگان و عموم کندخدا ران بلده رشت برای دوام دولت سلطان السلاطین شاهنشاه ایران پنهان فتحعلی شاه فاجار ارواح العالمین فداء بدعت غیر مستحسن از بابت نکالیف دیوانی به رسم و درسم که بر محلات نمایه رشت اطلاع می‌شود اهالی بلدان و جمیع ممالک محروم ایران از هر گونه این نکالیف معاف و بدمعت خاص این بلد بود خاصه بطیب خاطر از کل محلات برداشته موقوف داشته‌ایم که اهالی شهر من بعد از این مرقد الحال بدعاي ذات خجسته صفات خلل اللهی مشغول گردند و در این بابت عهد نامه مؤکد بلعن ابدی و بمهر همه علماء رسائیه به قوم بر سانند به اهالی شهر سپردیم که چون کاغذ جات

(۱) مرآت‌البلدان ص ۱۱۹ و ۱۲۰. (۲) گیلان راینو ص ۷۴ و ۸۶. (۳) از این کتبیه امروز نشانی نیست.

را دوامی بعلت هرور سنین و شهور بوده که باندک عدتنی قارئین این آیه عظیم که در سلطنت علیمی و خلافت کبری بحیث ظهور و صدور رسیده از خاطرها مجموعی گشت لهذا برای دوام و بقای این مدعایکه الی قیام الساعة وساعة القيام مفروع سمع خاص و عام گردد خلاصه مدعای را در این صخره سقاة هرقوم و بردوار مسجد جامع منصوب ساختیم تا از تغییر و تبدیل مصون ماند تو قع از مؤمنین و مقدسین آنکه چون بر مدعای واقف بشوند پادشاه اسلام پناه را بیاد ابداع فرمایند ... بنده گر خدمت کند هزدش حق آقای اوست ... چنانچه پس از آن تاریخ هر ذی نفسی دوباره باعث بدعت صادرات و یاعوارضات گردد انشاء الله الرحمن بغضب حضرت الله و سخط جناب رسالت بناء و همدرجه فاتل سید الشهداء باشد .. من بدله من بعد ماسمعه فلمعنة الله عليه الی بوم القيامة .^(۱)

مسجد گلشن در میدان کوچک محله بازار

این مسجد از مساجد خوب شهر رشت و یکی از بنایهای تاریخی آن است که در میدان کوچک بنایده است .^(۲) مسجد اکنون نوسازی شده است . محراب بسیار بلند آن نازی بر سقف و از سنگ مرمر سبز گردان است . بنای اصلی مسجد ۱۷/۶۰ متر طول و ۱۱/۶۰ متر عرض دارد . طرف شرق و شمال ، بالاخانه مانند و غرفه زنهاست . در طرفین دو پنجره بزرگ تقریباً نازی بر سقف تعبیه شده است . طرف شرق در ورودی است که از کفشن کن به مسجد وارد می شود و دری به آبدارخانه دارد . طرف غرب دری به اطاق خادم و دواشکاف ، برای جای قرآن است . طرف شمال دودر است یکی به پله های بالاخانه و دیگری به قسمت زیر بله که اثبات است می رود . طاق مسجد بسیار بلند و لعبه کوبی ظریف دارد . با م آن سفال سر است . از ارتفاع بیار تفاصیل بیک مترا سنگ هر مرسیاه وزرد رگه دار است .

سابقاً دارای کتبه ای کاشی به خط استعلیق مرحوم شیخ محمد فقیهی فزوینی

(۱) سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۶۵ و ۶۶ (۲) تاریخ علم و شعر ای گیلان ص ۲۲ و ۲۳ .

متخلص به شیخ و صاحب دیوان شیخ است. دیوان او اخیراً با مقدمه‌ای از محمد علی اشائی به چاپ رسیده است.

مسجد کاسه فروشان یا مسجد آقا سید حبیب الله تولمی
و مدرسه خرا به حاجی علی اکبر
در بازار خرازها

مسجد کاسه فروشان در بازار خرازهاست و بیکنی از بزرگترین مساجد شهر رشت است. در پیش‌ت مسجد، مدرسه‌ای به نام مدرسه مهدویه است که مرکز طلاب علوم دینی است و با کوشش و اقدام سید مهدی رو دباری بنامشده است.

قبت سید مهدی رو دباری متوفی سال ۱۳۶۸ قمری فعلاً در قسمت شرقی مسجد کاسه فروشان است و سنگ مرمری باز کر اسلام او نا حضرت خاتم النبیین بر روی قبر اوست.

طول این مسجد ۱۸/۵ و عرض آن ۱۴ متر است. با ساختن سه فیلپای بزرگ وسط مسجد صحن مسجد را به چهار قسمت کرده‌اند. محیط هر یک از این فیلپایها ۲۵/۳۳ متر است. پایه‌های آنها هفت ردیف کاشی به رنگ سبز و سیاه است که ارتفاع آنها به ۱۰/۸ سانتی‌متر می‌رسد. در قسمت شرقی مسجد محوطه‌ای به طول ۸/۶۰ و عرض ۱۰/۷ متر است که بر دو فیلپای مدور متکی است و قسمت زنانه مسجد را تشکیل می‌دهد.

در شمال این محوطه در ورودی آبدارخانه است. پنجره‌هایی به ابعاد مختلف در جهات چهار گانه مسجد تعبیه شده است. از ارتفاع ۹/۸ سانتی‌متر کاشی گلدار دوران فاچاری چسبانده‌اند. بالای کفش کن مسجد، اطاوی برای خادم ساخته‌اند. این مسجد گلستانه‌ای آجری دارد. (عکس شماره ۱۴۴).

مدرسه مهدویه متصل به مسجد کاسه فروشان است که کتبه‌ای بر کاشی از سال ۱۳۶۳ قمری دارد که پس از تعریف علم و علما و استناد به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی، شرائط و مقررات تحصیل در این مدرسه را بیان کرده است. در آخر

عبارت عمل احمد ولد حاجی یوسف کاشی ساز رشتی کوی آفخرا دیده می شود.

مسجد زرگرها

در بازار زرگرها رشت

بنای اصلی مسجد به طول ۱۰/۵ و بعرض ۷/۵ متر است. محرابی کاشیکاری نازساز دارد که در پائین آن عبارت «عمل احمد یور یوسف» قمری ۱۳۶۱ دیده می شود. این مسجد دودر ورودی شرقی و غربی دارد. نزدیک در ورودی شرقی مزار آقا میر محمد شاه فرزند امام زین العابدین علیه السلام است. سقف بنای مسجد لمبه کوبی و بام آن سفال سر است.

بقعه آفخرا

یاهراد سید فخر الدین بن سید ابو القاسم بن امام زین العابدین در محله آفخرا ای رشت

صندوقد تخته ای ساده مزار به طول ۱/۶۵ و عرض ۱/۲۴ متر در وسط اطاقی به ابعاد ۸×۷/۹۰ متر است. در ورودی جنوبی استواز حیاط به صحن می آید. هشت پنجره در جهات مختلف این اطاق است. سقف لمبه کوبی بر به بر و بام سفال سر است.

در طرف خوبی بقیه مسجدی به طول سیزده و عرض هشت متر است. دو فیلپای همنم القاعده در وسط مسجد است که محیط هر یک ۲/۸۵ متر است.

کاشیهای قسمت پائین فیلپاها قدیمی و تقسیمات شطرنجی به رنگ سیاه و زرد دارد. کاشیهای داخل محراب که کل و بتهدار است قدمتی دارد. ابعاد هر دو نوع کاشی چهارده سانتیمتر است. مسجد دارای کفشکن و آبدارخانه و حوضخانه و قسمت زنانه است. پنجره های متعدد بزرگ و کوچک در چهار ضلع بنا دیده می شود.
(عکس شماره ۱۴۵)

بقعه بابا ولی

در محله بازار

در این مزار میر محمد شاه مدفون است. راینو، چند فرمان در دست متولی

این بقیه دیده است و می‌تواند در یکی از آثار قبات موقوفه^(۱) این محل شرح داده شده است. تاریخ یکی از آنها سال ۱۰۴۳ قمری و مهر شاه عباس دوم را داشته است.

از مزار بابا ولی در محله بازار رشت نشانی نیست و معلوم نیست را بینو به کدام مزار اشاره کرده است. فعلاً در محله بازار مسجد کوچکی به نام مسجد با باولی وجود دارد که در محل تکیه سر میدان بزرگ است. طول بنای این مسجد ۷۰/۹ و عرض آن ۵/۶ متر است. سمت جنوب آن حفاظی چوبین دارد. از ارتفاع مسجد کاشی سبز رنگ در هفت ردیف و به بلندی ۱/۰۵ متر است. پنجره‌های متعددی در دیوارهای این بنای ساخت و طرف غرب دری از حوضخانه به مسجد دارد. سقف مسجد لعنه کوبی و بام سفال سر است.

مسجد و مدرسه و تکیه حاجی محمدخان (۲) در جیر کوچه یا حسن آباد محله بازار

مقداری از اراضی مسجد و مدرسه و تکیه در خیابان رضائیه افتاد و مقداری از اراضی آنها صرف بنای بازار گانی، کافه قنادی شرق، دو باب ناؤانی، یک باب علائی، یک باب سقط فروشی و یک باب دارو خانه به نام دارو خانه گیلان شد.

در باقیمانده اراضی آن در سال ۱۳۴۴ شمسی، جمعی از بازار گانان یکوکار رشت تجدید بنا کردند و پس از دو سال مسجدی نوساز بدجای مسجد قدیمی برپا کردند. بنای مسجد مربع شکل است و بر در تازه ساز آن آبانی از قرآن کریم حک کرده‌اند. سقف بنا لعنه کوبی و بام سفال سر است.

کتیبه‌ای سنگی در مسجد حاجی محمدخان در شهر رشت (۳)

در زمان خسرو دین پرور آموزگار

در فران فرخ کیهان خدای روزگار

(۱) گیلان راینو ص ۸۶. (۲) حاجی محمدخان پدر مدیرالملک بوده است. راینو در کتاب گیلان خود من ۸۶ و ۷۵ از این بنای باد کرده است. (۳) از این کتیبه امروز نشانی نیست.

آسمان داد و دین ، فتحعلی شه آنکه کرد
 داد و دین را استوار از باری پروردگار
 پاک دین حاجی محمد خان که آمد از ازل
 نیک روی و نیک رای و نیک خوی و نیک کار
 دست او دلکش سحابی آفتاب آنرا مطر
 بخت او فرخ همای آسمان آنرا مطر
 چون بود از بهر فردوس نواب اندر نواب
 چون بود در راه بزداش نثار اندر نثار
 این همایون مدرسه وین لغز مسجد توأمان
 بهر علم و بهر ایمان کرد در رشت استوار
 در جهان تا پایداری دید افکند از خرد
 طرح بنیادی کزو هاند بعالم بادگار
 حجره اندر حجره آن را صانه الله خلسه
 صه اندر صه این را لوحش الله چرخ وار
 هم مدرس اندر آن ادریس دانا از میان
 هم مسبع اندر این جبریل فرخ از کنار
 الغرض چون از محمد زیور اتمام یافت
 علم و ایمان در اهان این همیون روز گار
 منشی طبع صبا از بهر تاریخ نوشت
 کز محمد شد بنای علم و ایمان آشکار (۱)
 مدرسه نایب الصدر
 در بازار زرگشان نزدیک میدان کوچک (۲)
 سبک بنای این مسجد خاص و عجیب است . سه طرف حیاط غیر از سمت

(۱) - سفرنامه هازندران و استرآباد راینو ص ۶۹۶۸ . (۲) راینو در کتاب گیلان ص ۸۶ این مدرسه را در محله زاهدان آورده است.